

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

دین و زندگی (۱)

ادبیات و علوم انسانی

راهنمای معلم

پایه دهم

دوره دوم متوسطه



dl.YMoalem.ir



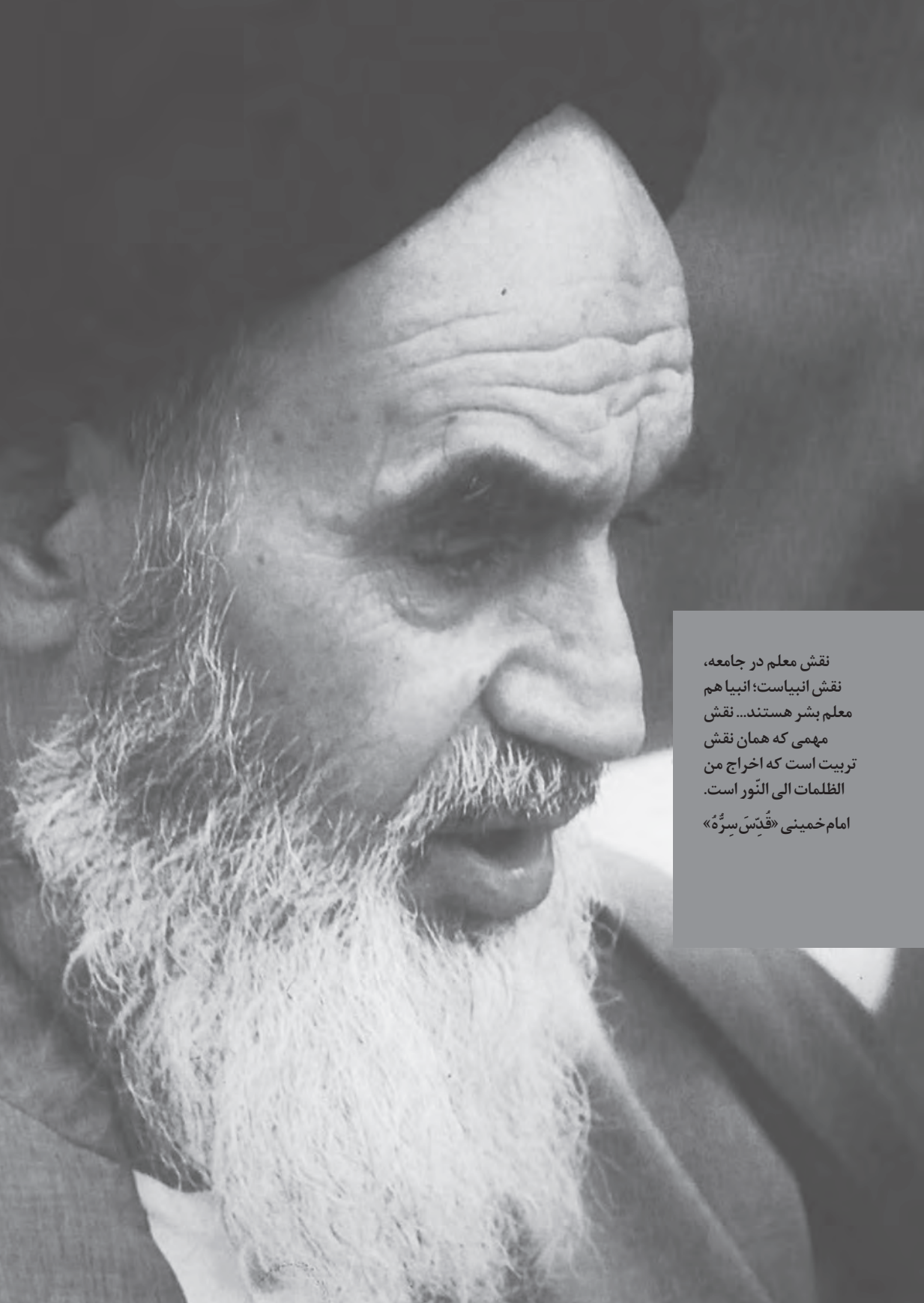
وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: راهنمای معلم دین و زندگی (۱) - پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۳۷۸
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: محمدمهدی اعتصامی (مؤلف) - سیداکبر میرجعفری (ویراستار)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- شناسه افزوده آماده‌سازی: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - رضوان جهانی (صفحه‌آرا) - فاطمه باقری‌مهر، شهلا دالایی، آذر روستایی فیروزآباد، زینت بهشتی شیرازی و حمید ثابت کلاچاهی (امور آماده‌سازی)
- نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
- تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
- وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ اول ۱۳۹۹

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۳۴۶-۱

ISBN: 978-964-05-3460-1



نقش معلم در جامعه،
نقش انبیاست؛ انبیا هم
معلم بشر هستند... نقش
مهمی که همان نقش
تربیت است که اخراج من
الظلمات الى النور است.
امام خمینی «فَدِّسَ بِرُهُ»

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

بخش اول: کلیات ۱

بخش دوم: یاددهی و یادگیری هر درس ۳۳

- درس ۱: هدف زندگی ۳۴
- درس ۲: پیر پرواز ۴۵
- درس ۳: خود حقیقی ۵۴
- درس ۴: پنجره‌ای به روشنایی ۵۹
- درس ۵: آینده روشن ۶۶
- درس ۶: منزلگاه بعد ۷۲
- درس ۷: واقعه بزرگ ۷۷
- درس ۸: فرجام کار ۸۰
- درس ۹: آهنگ سفر ۸۸
- درس ۱۰: اعتماد بر او ۱۰۰
- درس ۱۱: دوستی با خدا ۱۰۶
- درس ۱۲: یاری از نماز و روزه ۱۱۵
- درس ۱۳: فضیلت آراستگی ۱۲۲
- درس ۱۴: زیبایی پوشیدگی ۱۳۲

سخنی بادبیران ارجمند

آگاهی یافتن از اهداف برنامه درسی، یاری رسانندهٔ دیر در رسیدن به اهداف آموزشی است. معلمی که پیش از تدریس، کتاب راهنمای معلم را مطالعه می‌کند، در تدریس موفق‌تر از معلمی است که بدون بررسی این کتاب، شروع به تدریس می‌کند.

برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب درسی تلاش می‌کنند تا رویکرد تألیف کتاب نونگاشت و نیز روش‌های تدریس مورد انتظار برنامه درسی را تبیین کنند، اما گاهی نتایج ارزشیابی از برنامه‌های درسی نشان‌دهندهٔ فاصله میان برنامه قصد شده و برنامهٔ اجرا شده است. یکی از اموری که در این باره می‌تواند تا حدودی مشکلات را حل کند، «کتاب راهنمای معلم» است.

دبیران با مطالعه راهنمای معلم، هم می‌توانند با هدف اصلی درس به خوبی آشنا شوند، هم سمت و سو و هدف فعالیت‌های داخل درس را به خوبی درک کنند و هم نکات تکمیلی درخصوص آن درس را فراگیرند، نکاتی که می‌تواند در آموزش هرچه بهتر و یادگیری مناسب دانش‌آموزان نقش مثبتی ایفا کند.

به امید موفقیت همهٔ شما دبیران در امر آموزش کتاب دین و زندگی

بخش اوّل

کلیّات

۱- رویکرد حاکم بر برنامه تعلیم و تربیت دینی (رویکرد فطرت‌گرا)

رویکردها یا رهیافت‌ها عموماً منتج از دیدگاه‌ها و برگرفته از آنها هستند و بر عناصر و اجزای یک برنامه پرتوافکنی می‌کنند. درواقع، رویکرد، تقرب به یک دیدگاه است برای ساماندهی به یک برنامه. به همین جهت، رویکرد، نقطه اتصال برنامه به مبانی معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی و منعکس‌کننده آن مبانی در یک برنامه است.

در برنامه تعلیمی و تربیتی، انسان موضوع ماست و دیدگاه اسلام درباره انسان مبانی است که تعلیم و تربیت با رهیافت و تقرب بدان، راه خود را می‌یابد و پیش می‌برد.

در دیدگاه اسلام نسبت به انسان، «فطرت» نقش محوری دارد و همه مباحث انسان‌شناسی اسلامی به گونه‌ای به این اصل باز می‌گردد. شهید مطهری می‌گوید: «معرفت به فطرت، ام‌المعارف اسلامی است». فطرت به معنای نوع خاص خلقت انسان است. این خلقت خاص، اوصاف و ویژگی‌های ذاتی به انسان بخشیده که او را از موجودات و مخلوقات دیگر متمایز می‌کند و استعدادها، گرایش‌ها، توانایی‌ها و غایات ویژه‌ای به او می‌بخشد. دین که راه سعادت و کمال انسان است، بر این فطرت بنا شده و در نسبت با آن نازل گردیده است.

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ^۱
پس روی خویش را به سوی دین یکتاپرستی فرا دار، درحالی که از همه کیش‌ها روی برتافته و حق‌گرا باشی، به همان فطرتی که خدا مردم را بر آن آفریده است. آفرینش خدا را دگرگونی نیست، این است دین راست و استوار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

بنابر معارف دینی، هر انسانی با فطرتی پاک به دنیا می‌آید و تنها طریقی که می‌تواند انسان را به فلاح و رستگاری برساند و استعدادهای واقعی‌اش را شکوفا سازد، طریق سازگار با فطرت و منطبق بر آن است. همچنین، مطابق با معارف دینی، مهم‌ترین ویژگی فطری انسان، گرایش به توحید، عبودیت خدای یگانه و معرفت‌الله^۲ است. فطرت انسان، فطرتی توحیدی است؛ بدین معنا که هم خود را وابسته به خالق می‌داند که منبع و سرچشمه همه خیرها

۱- سوره روم، آیه ۳۰.

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «کل مولود یولد علی الفطرة» صحیح بخاری، کتاب الجنائز، ابواب ۸ و ۹۳.

۳- از امام باقر علیه السلام در مورد «حنیفیت» سؤال شد، فرمودند: «هی الفطرة التي فطر الناس عليها لا تبدل لخلق الله، فطرهم الله علی معرفته» توحید صدوق، ص ۳۳، به نقل از استاد شهید مطهری. مجموعه آثار، ج ۳، ص ۴۶۲.

و کمالات است و هم‌گرایشی به او - که گرایش به سوی همان خوبی‌ها و زیبایی‌هاست - در ضمیر خویش احساس می‌کند. دین اسلام، آمده تا این فطرت توحیدی را در همه ابعاد شکوفا کند و شخصیتی توحیدی از انسان بسازد. به علاوه، رسیدن به بینش توحیدی در باب جهان و انسان - که به تعبیر استاد شهید مطهری، به معنای درک ماهیت «آزایی» و «به‌سوی‌اویی» جهان و انسان است - زیربنا و محور برنامه هدایتی اسلام است که همه اجزا و مؤلفه‌های این برنامه را شکل و جهت می‌دهد: «صبغة الله و من احسن من الله صبغة»^۱.

فطرت‌گرایی توحیدی در تعلیم و تربیت، رهیافتی بنیادی است که ابعاد مختلف هدایت دینی را شکل می‌دهد:

الف) بنابراین رهیافت، جهان مجموعه‌ای یکپارچه، مرتبط به هم و دارای پیوندی وثیق است که در نسبت با خدا معنا می‌یابد. هویتی زنده و شخصیتی واحد دارد و وحدت خود را در نسبت با حقیقت واحد بی‌نهایتی که از جانب او آمده، کسب می‌کند.

ب) علاوه بر این، این مجموعه یکپارچه واحد، بازگشتی به سوی او دارد. البته بازگشت انسان، بازگشتی ویژه خود و متناسب با شأن و منزلت وی است. «واقعیت تکاملی انسان و واقعیت تکاملی خلقت، واقعیت «به‌سوی‌اویی» است. هرچه رو به سوی او ندارد، باطل و برضد مسیر تکاملی خلقت است»^۲.

ج) ثمره توجه به فطرت توحیدی در هدایت، تحقق مراتبی از توحید عملی در شخصیت انسان‌هاست. نفی آلهه درونی و بیرونی، جهت‌گیری همه‌قوای روحی و جسمی به سمت تقرب الی‌الله و سرانجام، رسیدن به وحدت شخصیت^۳، حقیقت توحید عملی است. اخلاص، تعبیر دیگری از توحید عملی است. «تأثیر و نفوذ خداشناسی در انسان مراتب و درجات دارد و تفاوت انسان‌ها از نظر کمال انسانی و قرب به خداوند به این درجات بستگی دارد و همه اینها «صدق» و «اخلاص» نامیده می‌شوند؛ یعنی همه این درجات، درجات صدق و اخلاص است»^۴.

د) میوه توحید نظری و توحید عملی در افراد جامعه اسلامی، برپایی توحید اجتماعی و شکل‌گیری جامعه‌ای است که نظامات و مقررات آن، برنامه‌ها و فعالیت‌های آن به‌خاطر خدا و برای اطاعت از او امر اوست؛ یعنی همه فعالیت‌های اجتماعی جهتی واحد دارند که همان رضایت الهی و اطاعت از اوست.

ه) نظام تعلیمی و تربیتی اسلامی (هدایت اسلامی) نظامی است که به تحقق توحید در اندیشه و عمل

۱- بقره / ۱۳۸. امام باقر(ع) می‌فرماید: «عروة الوثقی التوحید و صبغة الاسلام». بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۷۹.

۲- استاد شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۳۵.

۳- اصطلاحی که استاد شهید مطهری به کار می‌برد و آن را نتیجه پرستش خدای یگانه و بندگی می‌داند.

۴- استاد شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۳۳.

انسان‌ها می‌انجامد. به عبارت دیگر، خود برنامه نیز برنامه‌ای توحیدی است، به گونه‌ای که همه ابعاد و اجزای آن در هماهنگی و وحدت کامل قرار دارند و هدفی واحد را که پرورش انسان متعهدی است، دنبال می‌کنند.

۲- اصول حاکم بر برنامه تعلیم و تربیت دینی دوره دوم متوسطه

اصول ویژه

۱- محور قرارگرفتن قرآن کریم و سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام: این اصل که برگرفته از مبانی

تعلیم و تربیت دینی است، بر همه مراحل برنامه، به خصوص موارد زیر حاکم است:

اول: اهداف کلی و پایه‌های تحصیلی

دوم: تدوین محتوا و رسانه‌های آموزشی

سوم: تعیین اولویت‌های آموزشی

چهارم: روش‌های تعلیمی و تربیتی

۲- تنظیم محتوا در چهارچوب برنامه نظری و عملی زندگی، متناسب با حضور در دنیای

امروز: یکی از ضرورت‌های تربیت دینی قرار دادن راه عملی و برنامه زندگی پیش روی نسل امروز است؛

نسلی که می‌خواهد در دنیای امروز مذهبی زندگی کند؛ یک زندگی عزتمند که نه تنها احساس حقارت و

کمبود شخصیت نکند، بلکه با سربلندی حضور مؤثری در جامعه داشته باشد و به رضایت درونی برسد. این

آموزش باید با زندگی دانش‌آموز عجین شود و با آن درآمیزد و از طریق نمونه‌های عینی و مصادیق ملموس،

جنبه عملی و کاربردی تعلیم دینی تقویت شود.

۳- استفاده از شیوه‌های بیدارگری وجدان و نفس لوامه: با پیروی از قرآن کریم و با توجه به پاک

بودن فطرت نوجوان و جوان، بخشی از آموزه‌های دینی در قالب‌هایی عرضه شود که وجدان را برانگیزاند

و توجه نفس لوامه را به آن آموزه‌ها جلب کند.

۴- توازن در پرورش روحیه تعبد، تعقل و تعلق قلبی: قرآن کریم نسبت انسان با خدا و دستورات

الهی را در سه مرتبه طرح می‌کند:

اول: انجام تکلیف و اطاعت از خداوند براساس قبول رابطه بندگی و اعتماد مطلق به خداوند و تسلیم در

برابر خواست‌های او؛ توجه به اوامر و نواهی خداوند و قبول آنها براساس اعتقاد به مالکیت مطلق خداوند

بر جهان و انسان.

دوم: همین انسان که عمل را از سر اطاعت مطلق انجام می‌دهد، در تحلیل عقلی درمی‌یابد که اوامر و

نواهی الهی بنا بر مصالحی است که کمال و رشد انسان را تضمین می‌کند. این تصدیق عقلی کیفیت عمل را

تعالی می‌بخشد و اعتماد شخص را افزایش می‌دهد.

سوم: همین انسان از زاویه‌ای دیگر به خدا، که جمال و کمال مطلق است، عشق می‌ورزد و او را مقصد و مقصود و محبوب خود می‌یابد و می‌کوشد رضایت خاطر دوست را فراهم کند. پس هر کاری را که محبوب دوست دارد، انجام می‌دهد و از آنچه دوست از آن متنفر است، دوری می‌کند.

این سه بُعد نه تنها با یکدیگر تنافر ندارند، بلکه مکمل و متمم یکدیگرند و به میزانی که انسان به کمال برسد، توانایی او در جمع این سه بُعد افزایش می‌یابد. تبیین دین با توجه به این سه بُعد، معقولیت دین را روشن می‌کند؛ زیبایی‌های آن را عیان می‌سازد و تعبد در پیشگاه خداوند را تضمین می‌کند.

۵- ایجاد طلب و تشنگی در مخاطب: پیش از عرضه معارف، ایجاد طلب و تشنگی در مخاطب ضروری است. اگر وی به این معارف احساس نیاز نکند، به سوی آن روی نخواهد آورد و شاهد و شیرینی آن را نخواهد چشید. چنین مخاطبی، به شخصی می‌ماند که با احساس سیری کاذب بر سر سفره‌ای رنگین نشسته و به هیچ یک از غذاها میل ندارد.

نباید چنین اندیشید که باید از فرصت استفاده کرد و همه چیز را به دانش آموز گفت. این سیرایی، درواقع، سراب است. باید شرایطی فراهم کرد که دانش آموز احساس نیاز کند و با طلب درونی به سوی معارف دینی روی آورد.

آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست

۶- فراهم کردن فرصت تأمل با خود: تربیت دینی با میل و کنششی در قلب آغاز می‌شود. این میل و کنشش نیز آن‌گاه پدید می‌آید که مخاطب فرصت تأمل و درون‌کاوی خود را پیدا کند و گرایش‌های فطری به زیبایی‌های دینی در خودآگاه وی ظاهر شود. در این تأملات، زیبایی‌های دین لمس می‌شود و از درون وی انگیزه‌ای به سوی معارف دینی پدیدار می‌شود.

۷- برقراری ارتباط و تعامل میان مباحث نظری و عملی: مباحث نظری و مباحث عملی (اخلاق و احکام) باید به‌گونه‌ای طرح شوند که پیوند میان آنها نشان داده شود. همان‌گونه که میان قوه تفکر و تعقل انسان با اعمال و رفتار او رابطه‌ای وجود دارد و در یکدیگر تأثیر متقابل دارند، مباحث نظری و عملی هم نباید به‌صورت بخش‌هایی مجزا و بی‌ارتباط طرح شوند. این امر سبب می‌شود دانش‌آموز درک کند که مباحثی مانند خداشناسی، معاد و نبوت تأثیری ملموس و روشن در زندگی و رفتار وی دارد.

۸- ترسیم سیمای معقول و زیبایی دین: ذات دین درنهایت معقولیت و زیبایی است، زیرا هم از جانب خدای حکیم و جمیل آمده و هم راه‌هدایتی است که نه تنها قوه نظری و عقلی انسان را به کمال می‌رساند، بلکه به او شخصیتی با زیبایی‌های معنوی می‌بخشد. گاهی این دین زیبا و معقول، با کج سلیقگی‌ها و افراط و تفریط‌هایی روبه‌رو شده و به‌گونه‌ای معرفی گردیده که برای مخاطب جاذبه چندان ندانسته است. معارف نظری دین باید همان‌گونه که هستند، درنهایت اتقان و استحکام عقلی و عملی عرضه شوند که عقل

را اقناع کنند و احکام و دستورات عملی آن نیز باید به صورتی طرح شوند که یک زندگی بسیار زیبا و جذاب را برای مخاطب ترسیم کنند.

۹- اجتناب از طرح غیر ضروری تشکیک و شبهه: از طرح تشکیک و شبهه در مسائل دینی تا حد امکان پرهیز شود، زیرا طرح تشکیک و شبهه دانش آموز را از عصمت فطری اش خارج می کند. بهتر است موضوعاتی مانند خدا، معاد و نظایر آن را به عنوان اصل موضوع گرفت و تصویری صحیح، زیبا و جذاب از آن ارائه کرد، به نحوی که نوجوان احساس کند با درک و پیوند با این حقایق اشباع می شود و احساس نشاط و اطمینان می کند. در موارد ضروری در سال های آخر دوره متوسطه باید به طور غیر مستقیم به دفع شبهات پرداخت. این کار باید در چارچوب دادن آگاهی عمیق، جامع و مستدل صورت گیرد. با تقویت ایمان دینی و علاقه و اشتیاق برای عمل به فرایض و نیز شناخت صحیح معارف و تعلیمات دینی زمینه ای فراهم می آید که دانش آموز در برخورد با شبهه متزلزل نشود و خود در صدد حل آن برآید.

۱۰- اولویت دادن به بیان امور مثبت: مقدم داشتن آموزش امور مثبت دین مثل توحید و فضائل پیامبران بر امور منفی مانند شرک و ظلم، تا بدین وسیله ظرف روح دانش آموز از حقایق دینی سیراب و اشباع گردد و آثار توحید در شخصیت نوجوان ظاهر شود. ارائه تصویری از جهان، انسان و جامعه به نحو مثبت، موافق فطرت دانش آموز است و هنگامی که دانش آموز با چنین تصویری خو گرفت، غیر آن را نفی می کند.

۱۱- ایجاد روحیه حقیقت جویی و انصاف در دانش آموز: طرح درس به گونه ای باشد که دانش آموز به تحقیق و کاوش درباره اصول زندگی انسانی برانگیخته شود و با فراگیری روش تحقیق علمی و رعایت انصاف امکان بیشتری برای رسیدن وی به حقیقت فراهم شود.

۱۲- پیراستن دین از خرافه ها و طرد عادات و رسوم اجتماعی نادرست از ساحت دین: خرافه زدایی از دین و پیراستن آن از آداب و سنن غلط اجتماعی با تکیه بر معارف قرآن کریم و سیره معصومین علیهم السلام و مشی تربیت یافتگان ائمه بزرگوار، به نحو دقیق و ظریف انجام شود. دقت و ظرافت از آن جهت لازم است که بسیاری از آداب و سنن اجتماعی گرچه ممکن است از دین گرفته نشده باشند؛ اما با دین تعارضی ندارند و حفظ آنها سبب وحدت ملی و همبستگی می شود و موافق طبع اقوام یک سرزمین است. بنابراین ابتدا باید آداب و سنن غلط از آداب و سنن صحیح تفکیک شوند و سپس تعارض آداب و سنن غلط با دین روشن شود. اگر به آداب غلط اجتماعی، به نام دین بها داده شود، حقیقت دین مسخ می شود و دیگر قابل قبول برای انسان اندیشمند و فهیم نیست.

۱۳- تکیه بر فطری بودن اصول دین و غیر طبیعی بودن انکار آنها: از آنجا که اصول اعتقادی همانند با فطرت انسان و نیز برهان و استدلال است و نقیض آنها باطل و غیر عقلانی است، حتی الامکان طرح درس به گونه ای باشد که طرح سؤال بر ناحیه مقابل این اصول وارد شود تا ناسازگار بودن انکار این

اصول با فطرت و عقل انسانی و غیرعادی بودن چنان برداشت‌هایی آسان‌تر تفهیم گردد.

۱۴- ارائه برنامه جامع اخلاقی و سلوک فردی و اجتماعی در حد انسان متعارف: آموزش اخلاقی باید یکی از ارکان اصلی آموزش دین باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بعثت لأتمم مکارم الاخلاق». آنچه در اینجا باید مدنظر قرار گیرد، ارائه یک برنامه عملی در اخلاق و سلوک فردی و اجتماعی است که غایت آن کمال فردی و به فعلیت رسیدن خصائل معنوی و کمالات نفسانی است. در این صورت دانش‌آموزی که انگیزه وصول به حقیقت در او ایجاد شده، می‌داند که چگونه عمل کند تا کمال یابد. یکی از نکاتی که در این باره باید در کتاب رعایت شود، گرایش اصلی به بیدارگری وجدان است، به نحوی که دانش‌آموز در یک مباحثه و گفت‌وگوی درونی به ندای نفس لوامه پاسخ مثبت دهد. این بیداری وجدان باید در چارچوب مشخصی باشد تا محدوده کار برای معلم معین باشد. علاوه بر این، می‌توان مباحث اخلاقی را در ضمن بیان جذاب و شیرین سیره معصومان و تربیت‌یافتگان مکتب وحی ارائه کرد، تا تأثیرگذاری آن مباحث بیشتر شود.

۱۵- ترسیم فضای مناسب مذهبی در آموزش: شیوه حاکم در ارائه درس‌ها به صورتی باشد که دانش‌آموز احساس کند در یک جامعه مذهبی حضور دارد و نسبت به جامعه خودش دارای وظیفه است و با عادات مذهبی آن جامعه آشناست.

جامعه‌ای که در محله آن مسجد است، صدای اذان به گوش می‌رسد، شب‌های جمعه در محله مراسم دعا برگزار می‌شود، روز جمعه در شهر نماز جمعه خوانده می‌شود؛ به یکدیگر سلام می‌کنند، در عزای حسینی شرکت می‌نمایند؛ اعیاد دینی را جشن می‌گیرند؛ در معامله و تجارت انصاف و جوانمردی را بر خدعه و دروغ، معنا و حقیقت را بر دنیا و ظواهر ترجیح می‌دهند؛ هرکاری را برای خدا انجام می‌دهند؛ نماز را در مساجد و در اول وقت می‌خوانند؛ با قرآن انس دارند؛ یار ستم‌دیده و دشمن ظالم‌اند، حقیقت‌طلب و باانصاف‌اند، به اهل بیت به‌عنوان محبتان و محبوبان خداوند عشق می‌ورزند؛ رفتار خود را با آنان تطبیق می‌دهند؛ از دیدن منکراتی چون ظلم، تجاوز، بی‌عفتی و سایر رذائل اخلاقی متنفر می‌شوند و از دیدن امور معروفی چون عدل، پاکدامنی و سایر فضائل اخلاقی مسرور می‌گردند. در عین حال، باید آموزش به‌گونه‌ای باشد که دانش‌آموز بتواند این فضای آرمانی را با فضای واقعی مقایسه کند و فضای واقعی را نقد نماید. این امر سبب می‌شود که انگیزه وی برای حرکت به سمت فضای آرمانی و تغییر و اصلاح وضع موجود افزایش یابد.

۱۶- توجه به تقویت خصلت اجتماع‌گرایی و تعهد در مقابل جامعه: برنامه درسی لازم است در جهت رشد اجتماعی دانش‌آموز قرار بگیرد و بتواند اجتماع‌گرایی و تقدم مصالح جامعه بر مصالح فرد و قانون‌پذیری را القاء کند، به طوری که با ورود دانش‌آموز به صحنه عمل اجتماعی نقش خود را به‌عنوان یک شهروند با کفایت و حافظ معیارها و ارزش‌های اسلامی در جامعه ایفاء نماید. وی باید متعهد به میثاق‌ها و تعهدات اجتماعی باشد و از عادات و رفتارهای ناپسند اجتماعی اجتناب نماید و نسبت به آنها متنفر باشد؛

در رعایت اصل مهم امر به معروف و نهی از منکر کوشا باشد و خلق و خوی کریمانه اسلامی را در جامعه از خود بروز دهد.

۱۷- ایجاد آمادگی در دانش آموز برای حفظ هویت اسلامی خود در شرایط نامناسب: آموزش به نحوی تنظیم شود که ناظر بر واقعیات و ابتلائات اخلاقی و فرهنگی باشد و دانش آموز به نحوی آموزش ببیند که آمادگی برخورد مناسب و سنجیده با شرایط نامساعد را داشته باشد و به آن شرایط تن دردهد. به عبارت دیگر آموزش نباید متناسب با شرایط ایده آل خالی از هرگونه مشکل تنظیم شود.

۱۸- تأکید بر دادن جهت الهی و غیرمادی به اعمال و رفتار: این نکته باید به نحوی غیرمستقیم و ظریف آموزش داده شود که ارزشمندی اعمال انسان در غایت و هدف آنهاست. حقارت و بزرگی انسان در کوچکی و بزرگی غایبات است. کار برای خدا و غایات الهی چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی و درک مقاصد بلند سبب ارتقای کیفی زندگی می شود و انسان را از روزمرگی و توجه به امور پست نجات می دهد.

۱۹- تقویت غیب باوری در دانش آموز: از آنجا که مبنای ایمان مذهبی، ایمان به غیب است و جهان بینی مذهبی به تمام معنا یک جهان بینی غیب باورانه است، تلاش در جهت تقویت هرچه بیشتر غیب باوری معقول و البته غیرخرافی در اندیشه و نگرش دانش آموزان باید از محورهای عمده و اصلی آموزش های دینی قرار گیرد.

۲۰- سمت گیری آموزش در جهت وحدت اسلامی: برنامه باید در جهت تقویت وحدت اسلامی و نزدیک شدن پیروان مذاهب مختلف اسلامی به یکدیگر مؤثر باشد و مودت و رحمت میان آنان را استحکام بخشد. به همین دلیل باید از تعارضات و کشمکش های بی مورد فکری دوری کرد و محور آموزش را بر تعلیمات قرآن کریم و سیره و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت بزرگوار ایشان که محبوب قلوب مسلمین اند، قرار داد.

۲۱- تعمیم آموزش در حیطه های شناخت و بینش، باورها و گرایش ها، عمل و رفتار: *الف)* این آموزش در سه حیطه شناخت و بینش، باورها و گرایش ها، عمل و رفتار صورت می گیرد، به نحوی که با آموزش در هر سه حیطه، شناخت معارف اسلامی و ایمان و عمل به آنها تقویت شود. با توجه به اینکه تقویت ایمان از اهداف اصلی آموزش است، باید علاوه بر آموزش صحیح معارف دینی، با فراهم کردن زمینه های عملی و انگیزه های درونی، به آموزش های حیطه عاطفی و رفتاری نیز توجه کامل شود تا زمینه رسوخ و تعمیق شناخت و تبدیل آن به ایمان فراهم آید.

ب) گرچه ایمان متکی به شناخت صحیح است و در صورت حصول ایمان، انگیزه برای عمل نیز ایجاد خواهد شد، اما عمل به فرائض خود سبب تقویت ایمان و همچنین شناخت می گردد؛ بنابراین ترتیب این سه،

به معنای ترتیب زمانی نیست؛ یعنی لازم نیست حتماً در مرتبه اول آموزش عقلانی داده شود تا ایمان تقویت گردیده و عمل به دنبال آن آید؛ بلکه با توجه به ویژگی‌های سنی دانش آموز لازم است با فراهم کردن زمینه‌های عملی و انگیزه‌های عاطفی، بر تقویت و تعمیق ایمان و ایجاد علاقه و اشتیاق به عمل تأکید شود.

ج) مقصود از حیطه اعمال و رفتار در اینجا، فراتر از آن معنایی است که به طور متعارف مراد است؛ زیرا عمل و رفتار صالح دینی خود می‌تواند تقویت‌کننده ایمان و شناخت باشد؛ همان‌طور که عمل ناشایست قلب را تاریک می‌کند و غفلت را تقویت می‌نماید. علاوه بر این عمل صالح در آموزش دینی نتیجه صریح و مستقیم آموزش نیست؛ بلکه غایتی است که مجموعه آموزش حصول به آن را تعقیب می‌کند. البته در مواردی نیز همان مقصود متعارف مورد نظر است؛ مثلاً وقتی استدلالی در خداشناسی بیان گردید، دانش آموز باید قادر باشد همان استدلال را به کار گیرد و با ذکر مقدمات به نتیجه برسد.

۲۲- حضور اندیشه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام در کالبد محتوای آموزش: اندیشه‌های حضرت امام خمینی که معمار بزرگ نظام اسلامی در عصر حاضر است، باید در همه مراحل آموزش و محتوای کتاب‌های درسی حضور داشته باشد. استفاده از پیام‌ها، سخنرانی‌ها و کتاب‌های ایشان و آوردن مصادیق و نمونه‌ها و شواهد از آنها و نیز ارجاع دانش آموز به این آثار در برنامه‌های تحقیقی خود، سبب توجه دانش‌آموزان به اندیشه‌های آن بزرگوار است.

۲۳- بهره‌مندی از دستاوردهای عالمان دین: در تدوین و تبیین آموزه‌های دینی، باید از منبع غنی علوم و فرهنگ اسلامی که فرزندان علم و تقوا در طول چند قرن تمدن اسلامی با مجاهدت خود فراهم ساخته‌اند، استفاده شود و دستاوردهای علمی‌ای که دانشمندان اسلامی معاصر در جهت ارائه اسلام ناب در جهان امروز عرضه کرده‌اند، به خصوص آثار فرهنگی حضرت امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، علامه طباطبایی و شهید مطهری - رحمة الله علیهم - و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی فرا راه حرکت‌های آموزشی قرار گیرد.

۲۴- توجه به اهداف و ویژه دختران و پسران: با توجه به اینکه در برخی از احکام دین تفاوت‌هایی میان احکام دختران و پسران وجود دارد که باید به هر گروه به تنهایی آموزش داده شود، این تفاوت‌ها باید در برنامه پیش‌بینی شود. همچنین در اموری مانند سن بلوغ، معاشرت، پوشش و حجاب، نظام خانواده، نقش مرد و زن در خانه و جامعه، باید به نوع مخاطب و نحوه پیام‌رسانی به او توجه گردد. همچنین جنبه‌های روانشناختی زن و مرد در مجموعه آموزش‌ها باید مدنظر قرار گیرد.

۲۵- تقویت احساس نیاز به دین: برنامه درسی و آموزش‌های دینی باید به گونه‌ای طراحی شود که اصل احساس نیاز به دین را برای دانش‌آموز زنده کند، به گونه‌ای که دریابد بدون تکیه بر دین و اعتقادات دینی زندگی او دارای یک خلأ بزرگ است و از معنا و جهت تهی است. دانش‌آموز باید دریابد که زندگی

با دین گره‌ها را می‌گشاید و از سردرگمی‌ها نجات می‌دهد و به شخصی فعال در جامعه و هدفمند و مفید در زندگی تبدیل می‌کند.

۲۶- معرفی دین سهله و سمحه: با توجه به اینکه مخاطب آموزه‌های ما دانش‌آموزان و نوجوانان هستند، عرضه دین باید به گونه‌ای باشد که با روحیه و توانایی آنان سازگار باشد و باید احساس کنند که تعلیم دینی نه تنها زندگی را سخت و مشکل نمی‌کند، بلکه تعالیمی قابل انجام، مؤثر و کارآمد است. از سخت‌گیری‌های بیجا تهی است و به علائق و خواسته‌های مشروع و عقلایی نوجوان نیز توجه دارد.

۲۷- آموزش اقلیت‌های دینی (مسیحی، یهودی و زرتشتی): چون همه ادیان الهی در اصول دین و جوهره و حقیقت دین که خداگرایی و معنویت‌گرایی و عمل برای سعادت در آخرت است، وحدت‌نظر دارند، چهارچوب کلی برنامه درسی آنان از همین برنامه اخذ می‌شود؛ اما محتوای آموزشی آنها با توجه به تعلیمات خاص آن ادیان و با استفاده از منابع مورد تأیید در آن ادیان، فراهم می‌آید. این آموزش باید هماهنگ با قانون اساسی و قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران باشد.

۲۸- امکان توسعه و تکمیل و تجدیدنظر در برنامه: آموزش دینی با مسائل مستحدثه فکری، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی جامعه پیوندی مستقیم و وثیق دارد و آن تحولات، اندیشه و عمل مخاطبان آموزش - یعنی دانش‌آموز - را به سرعت متأثر می‌کند؛ لذا لازم است شورای برنامه‌ریزی درس دینی در دوره‌های معینی تشکیل گردد و مباحث و مسائل جدید را استخراج و مطرح کنند و در صورت تشخیص کارشناسانه نسبت به اهمیت آن موضوعات و لزوم آموزش آنها، تغییر مناسب در کتاب صورت گیرد. البته تغییرات محتوا باید به نحوی انجام گیرد که آموزش را دچار تحولات روزمره نسازد و به اصل تداوم در آموزش لطمه نزند.

۳- روش‌های تعلیمی و تربیتی؛ رویکرد فعال، محور روش‌ها

رویکرد فعال در تعلیم و تربیت دینی دارای شاخصه‌های زیر است:

۱- عنصر اصلی در رویکرد فعال، تأکید بر تعقل و تفکر مخاطب و دادن آزادی عمل به عقل و اندیشه است تا بتواند فعالانه موضوع را بررسی کند و مطابق با معیارهای تعقل به نتیجه برسد. ایجاد فضای مناسب برای تعقل و عقلانیت و میدان دادن به آن، مهم‌ترین رکن در رویکرد فعال است. از این رو، در آنجا که سنخ موضوع، سنخ عقلی است، شیوه‌های تحکمی نه تنها کارایی ندارد، بلکه عملاً نتایج معکوس خواهد داد.

۲- در امور تعقلی و تفکری، سپردن قضاوت نهایی به دانش‌آموز یک امر قراردادی و وضعی نیست که بتوان تصمیم گرفت به دانش‌آموز واگذار شود یا نه؛ بلکه امری تکوینی و حقیقی است و چه بخواهیم و چه

نخواهیم، برعهده اوست. آنچه لازم است، این است که در برنامه‌ریزی و شیوه تدریس بدین امر توجه شود و نادیده گرفته نشود.

۳- سپردن داوری و قضاوت به دانش آموز، به معنای رهاکردن او و به خود و انهادنش پس از طرح مسئله نیست. گاهی گفته می‌شود برای اینکه به ذهن دانش آموز جهت ندهیم و جلوی فعالیت آزاد اندیشه‌اش را نگیریم، باید هنگام طرح مسئله، از موضع‌گیری نسبت به پاسخ‌های احتمالی دوری کنیم و همه پاسخ‌های ممکن را با نگاه بی طرفانه در اختیار او قرار دهیم تا او خود با ارزیابی گزینه‌های مختلف به پاسخ برسد. این روش به معنای نادیده گرفتن دستاوردهای انسان از هزاران سال تفکر و اندیشه است. دبیر، نه تنها می‌تواند درباره پاسخ‌های ممکن اظهار نظر صریح کند و موضع خاص بگیرد، بلکه این کار لازم و ضروری است و این به معنای انتقال تجربه‌های خود و نتایج علمی به دست آمده است. مهم آن است که معلم در اظهار نظر صریح و روشن خود جانب انصاف را رعایت کند و بیرو استدلال و منطقی باشد.

۴- یک بُعد از رویکرد فعال، توجه به گرایش‌های فطری و فعال کردن آنهاست. ما با انسانی بی توجه به موضوعات مهم و معلق روبه‌رو نیستیم که زیبایی و زشتی، حق و باطل، خوبی و بدی، خدا و شیطان برایش یکسان باشد. تقویت خداگرایی، زیباگرایی، حق‌گرایی و مانند آن، همچون تقویت اندام‌های جسمانی در کودکی است؛ یعنی همان‌طور که تقویت اندام‌های جسمانی سبب می‌شود که کودک بتواند از این اندام‌ها درست استفاده کند و از جنبه جسمانی، فعالیت طبیعی از خود نشان دهد، تقویت گرایش‌های بالقوه و شکوفا کردن آنها سبب فعالیت طبیعی اندیشه، علائق و گرایش‌ها خواهد شد. به همین جهت دبیر محترم باید بکوشد از مجموعه شیوه‌هایی که این گرایش‌ها را تقویت می‌کنند، کمک بگیرد و فعالیت‌هایی را سامان دهد که به تقویت آن ابعاد مدد رساند.

۵- با توجه به طیف وسیع و متنوع موضوعات دینی، رویکرد فعال در هر موضوعی مناسب با خود آن موضوع، شکل می‌گیرد و ظهور می‌کند. در موضوعات مربوط به مبانی، مانند جهان‌بینی، مبدأ و معاد و حقیقت انسان، رویکرد فعال آن است که عقل در بررسی دیدگاه ارائه شده فعال شود؛ با مقیاس‌های منطقی خود آن دیدگاه را ارزیابی کند و بپذیرد. پس از عبور از مبانی، بررسی موضوعات خاص‌تر، با ملاحظه آن مبانی انجام می‌شود؛ به طور مثال، اگر کسی با ملاحظه مبانی، حقیقت اسلام را پذیرفت و قبول کرد که قرآن کریم کتاب الهی است، برای یادگیری این کتاب می‌تواند از رویکرد فعال بهره‌بردارد؛ اما این رویکرد به معنای این نیست که شخص، نسبت به معارف مطرح شده بی طرف باشد و بگوید که هر معرفتی را مطالعه می‌کنم، اگر با عقل من هماهنگ بود، می‌پذیرم و اگر هماهنگ نبود نمی‌پذیرم؛ یعنی با نگاه نقادی وارد عمل نمی‌شود، بلکه با نگاه تفسیری قرآن را مطالعه می‌کند؛ یعنی صحت معارف را می‌پذیرد و ذهن خود را آماده فهم محتوا می‌کند، نه ارزیابی آن.

همچنین، در سیره، پس از اینکه شخص پذیرفت که ائمه اطهار علیهم السلام از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله منصوب شده‌اند و بنا به فرمایش آن حضرت، معصوم‌اند، هنگام مطالعه سیره آن بزرگواران، مانند یک ناظر بی طرف عمل نمی‌کند، بلکه فعال بودنش در سیره بدان معناست که هرچه بهتر بتواند از زندگی آنان درس گرفته و در زندگی خود به کار بندد.

در احکام نیز چنین وضعیتی حاکم است. در تعلیم احکام، روش فعال به این معنا نیست که حکمی از احکام دین ذکر شود و به نقد و ارزیابی دانش‌آموزان گذاشته شود تا آنان برداشت خود را نسبت به مفید بودن آن بیان کنند و پس از آن تصمیم بگیرند که به آن حکم عمل کنند یا نکنند، بلکه به حکمت احکام توجه می‌شود از جهت معرفت بیشتر به آن حکم و انجام همراه با معرفت آن.

۶- با توجه به اینکه دانش‌آموزان کشور ما در خانواده‌های دیندار و معتقد به دین تربیت می‌شوند و اسباب تقویت دین از قبیل مسجد، رسانه‌ها و اطلاعات پدر و مادر در پیرامون آنها وجود دارد، همواره با تعلق قلبی و اطلاعاتی از دین مخاطب ما قرار می‌گیرند. هنگام تدریس، وظیفه ما آن است که این تعلق قلبی را تقویت کنیم و از اطلاعات آنان بهره ببریم؛ یعنی آنان را نسبت به آنچه با خود آورده‌اند، فعال کنیم و از داده‌های آنان به عنوان پشتیبان تدریس کمک بگیریم و در ضمن تدریس، به تقویت و اصلاح آن داده‌ها بپردازیم.

۷- در مباحث نظری و اعتقادی که تعقل و اندیشه نقش اصلی را دارد و انسان باید در این موضوعات صاحب بینش و تفکر باشد، رویکرد فعال نقش اساسی تری دارد و همان‌طور که گفته شد، از موضع تحکم نمی‌توان وارد شد. اما از آنجا که در این قبیل مباحث باید از گنجینه عظیم معارف الهی و بشری بهره برد، نمی‌توان آموزش را از نقطه صفر آغاز کرد؛ به‌طور مثال، وقتی این مسئله مطرح می‌شود که «آیا خلقت هدفدار است یا نه» نباید دانش‌آموزان را که دارای ذهنی ساده نسبت به این موضوع هستند رها کرد و از آنها خواست که به تنهایی یا با همفکری یکدیگر درباره این موضوع بیندیشند و نظر دهند و آن‌گاه نظرات آنان جمع‌بندی و نهایی شود. بلکه کتاب درسی و دبیر باید تلاش کند که نتیجه تحقیقات متفکران دینی را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد و از آنان بخواهد که درباره این تحقیقات بیندیشند. این موضوع سبب می‌شود که دانش‌آموزان با بهره‌مندی از اندیشه بزرگان، به تفکر عمیق‌تر نسبت به موضوع برسند و دلایل صحیح فراوانی را که خودشان به ذهنشان نمی‌رسیده و نتیجه تفکر متفکران بزرگ است، بدانند و به وجه صحیح پاسخ دست یابند. هنر تدریس در این است که دبیر بتواند دستاورد متفکران را به گونه‌ای طرح کند که:

اولاً: دانش‌آموز احساس کند، قبل از داوری و قضاوت و تصمیم‌گیری، باید نظرات متفکران را به درستی بفهمد و هضم کند. به عبارت دیگر، باید همواره نوعی خضوع و خشوع در مقابل علم و عالم در

شخص طالب علم باشد. فعال بودن اندیشه به این معنا نیست که انسانی تازه از راه رسیده وقتی با نظری از اندیشمندی مانند ابن سینا، خواجه نصیر، علامه طباطبایی و شهید مطهری روبه‌رو می‌شود، از همان ابتدا در موضع داوری و ارزیابی قرار بگیرد. ما باید به دانش‌آموزان خود بیاموزیم که شرط اول علم دوستی آن است که قبل از هر چیز باید درست بفهمند و رسیدن به فهم درست، خود نیازمند تفکر و تعمق فراوان است. این توصیه که یک حیث اخلاقی نیز دارد، راهگشای تفکر آزاد و درآمدن از چنبره خودخواهی و بیرون رفتن از جمود و تنگ‌نظری است. نیوتن گفته است: «من بر پشت غولان ایستاده‌ام»، یعنی اگر می‌بینید که من در ارتفاعی بلند از مراتب علم و دانش ایستاده‌ام، به خاطر قامت بلند خودم نیست. از آن ابتدای سطح زمین تا این ارتفاعی که من ایستاده‌ام، غولان بلند بالایی در علم و دانش میانه شده‌اند تا من در این ارتفاع قرار بگیرم و هرکدام که خود را کنار کنند، به همان میزان و یا بیشتر به پایین خواهیم افتاد. بنابراین در ابتدای راه، ما باید به دانش‌آموزان خود تواضع در مقابل علم را بیاموزیم. تواضع در اینجا بدان معناست که زحمت بکشیم تا بدانیم که آن عالم و اندیشمند چه می‌گوید.

ثانیاً: دانش‌آموز آن نظر را در چارچوب فکر و اندیشه خودش تجزیه و تحلیل می‌کند و در صورتی که آن را صحیح یافت، بپذیرد و اگر اشکالی بر آن دید، طرح کند و در پی رفع اشکال برآید و تا آنجا پیش‌رود که یا کاملاً به آن اندیشه اعتماد کند یا مطمئن شود که آن اندیشه با عقل و استدلال ناسازگار است.

۸- از مهم‌ترین تجلیات رویکرد فعال در تعلیم و تربیت دینی، تلاش برای درک آموزه‌های قرآن و قول و فعل معصوم علیه السلام است. داشتن روحیه فعال در مواجهه با این آموزه‌ها و حرص و ولع در کسب پیام‌ها و درس گرفتن از آنها، نشانه آن است که شخص اعتماد کامل به قرآن کریم و سیره معصومان علیهم السلام دارد و می‌داند که کوتاهی و تنبلی و بی‌توجهی یا غفلت در بهره‌مندی از آموزه‌های قرآن و سیره، عقب‌ماندگی در کمال و رشد را به همراه دارد. رویکرد فعال، در این مورد، تلاش برای فهم عمیق و عمیق‌تر آموزه است، نه نقادی آن. به میزانی که اعتماد و وثوق به قرآن کریم و معصومان علیهم السلام بیشتر باشد، شوق به گرفتن پیام‌ها افزایش می‌یابد و بهره‌مندی بیشتر می‌شود.

به همین جهت برای بهره‌مندی از قرآن و سنت، فعالیت‌هایی باید پیش‌بینی شود که در این فعالیت‌ها نخست توانایی فهم از آیات و روایات افزایش یابد؛ دیگر اینکه پیام‌ها و آموزه‌های آیات، معیار ارزیابی خود و جامعه قرار گیرد، نه انسان و عقل انسان معیار آن آموزه‌ها واقع شود.

به عبارت دیگر، در این موارد، عقل در خدمت دریافت وحی و تفسیر وحی قرار می‌گیرد، نه نقد آن. پرورش نسلی که با وحی، نه از موضع نقد، بلکه از موضع تفسیر، ارتباط برقرار کند، مهم‌ترین ویژگی تعلیم و تربیت دینی نسبت به تعلیم و تربیت سکولار است. یکی از اصول ذکر این روش تدریس، همین موضوعی است که در این بند شرح داده شد.

با توجه به مراتب فوق و با بهره‌مندی از قرآن کریم و سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام و نیز تجربیات مراکز آموزشی روش‌های متنوعی برای این درس پیشنهاد می‌شود. با توجه به سلیقه و مهارت معلم این روش‌ها می‌توانند در موضوعات مختلف به کار گرفته شوند. پیشنهادهایی که در اینجا داده می‌شود، دست معلم را برای به‌کارگیری این روش‌ها در موضوعات مختلف نمی‌بندد. برخی از روش‌ها با برخی دیگر قابل جمع‌اند و برخی روش‌ها با برخی دیگر قرابت و نزدیکی دارند و می‌توان برخی روش‌ها را در برخی ادغام کرد. برخی از آنها نیز شاید در حد یک روش نباشند؛ اما برای سهولت کار و جلب توجه معلم به روش‌ها و سلیقه‌های متنوع، مواردی را که احصاء شده می‌آوریم:

۱- روش همیاری: این روش دامنه گسترده‌ای دارد و در موضوعات دینی مهم قابل اجراست؛ به‌خصوص در موضوعات اجتماعی مربوط به دین. این روش در مواردی که می‌خواهیم فرد به تأمل درونی دعوت شود، مثلاً محاسبه نفس کند یا رابطه معنوی با خدا برقرار کند، کاربرد کمتری دارد.

۲- روش پرسش و پاسخ: این روش در مباحث اعتقادی و نظری کارایی بیشتری دارد. این روش می‌تواند میان دو دانش‌آموز یا معلم و دانش‌آموز اتفاق بیفتد.

۳- روش قصه‌گویی و داستان‌گویی: این روش برای بیان سیره بزرگان استفاده می‌شود. همچنین برای آموزش غیرمستقیم ارزش‌های اخلاقی مؤثر است. داستان می‌تواند وسیله شروع فعالیت‌ها و تمرین‌های مختلف دانش‌آموزان قرار گیرد.

۴- روش ایجاد فرصت تأمل با خود: گاهی یک سؤال، یک بیت شعر، یک تصویر و اموری از این قبیل آدمی را به خود برمی‌گرداند و در تأمل فرو می‌برد. در این گونه تأمل‌ها تصمیم‌های مهم و مؤثر گرفته می‌شود و قدم‌های رو به جلو برداشته می‌شود. معلم باید بتواند در لحظه‌های ناب و در فرصت‌های مناسب، زمینه‌های تأمل را فراهم کند.

۵- روش ایجاد فرصت تجربه کردن و لذت بردن از تجربه: در این روش، معلم به‌طور عملی شرایطی را فراهم می‌کند که دانش‌آموز لذت عمل دینی را تجربه کند و از این طریق پیوند قلبی وی با آن عمل تقویت شود. مشارکت در جشن‌ها و عیدهای مذهبی، همکاری و همیاری در رفع نیازهای دیگران و هر اقدام خیر دیگری که لذت کار خیرکردن را به دانش‌آموز می‌چشاند و گرایش او به کار خیر را افزایش می‌دهد.

۶- روش انداز و تبشیر: این روش که در قرآن کریم بسیار به کار رفته، یادآوری ثمرات عمل خیر و نتایج کارهای بد است. با تبشیر، امید انسان نسبت به آینده زیبا در سایه کار خوب افزایش می‌یابد و با انداز، بیمی نسبت به آینده خطرناک ناشی از کار نادرست شکل می‌گیرد.

۷- روش آموزش مستقیم: در این روش، مسئله موردنظر به‌نحو روشن و واضح با مخاطب طرح

می‌شود تا مخاطب بدون ابهام و شک آن را دریابد و درباره آن تصمیم بگیرد. این روش به‌ویژه در مسائل اعتقادی و احکام کاربرد بیشتری دارد.

۸- روش آموزش غیرمستقیم: این روش، بیشتر در موضوعات اخلاقی کاربرد دارد. در برخی موارد، تذکر روشن و مستقیم، بر مخاطب تأثیرگذار نیست. تشخیص این موارد و مواضع با معلم است. در این موارد معلم از ابزار دیگری کمک می‌گیرد تا توجه مخاطب را جلب کند.

۹- روش تذکر: در قرآن کریم بر این روش تأکید شده و خداوند، رسول خود را به استفاده از این روش دعوت می‌کند. یکی از نام‌های قرآن کریم «ذکر» است. تذکر، باید بر مبنای انسان‌شناسی و گرایش‌های فطری استوار باشد؛ اما اصول اخلاقی، اصولی ثابت و پذیرفته شده تلقی می‌شوند. تذکر، به معنای به یاد آوردن آن اصول پذیرفته شده و دادن خودآگاهی نسبت به آن گرایش‌های فطری است.

۱۰- روش سخنرانی: این روش بیشتر در تبیین اصول اعتقادی کاربرد دارد. در این روش باید یک موضوع، به صورت منسجم طرح و توضیح داده شود. البته انتخاب سخنرانی، به معنای استفاده از روش غیرفعال نیست. سخنرانی می‌تواند در رویکردی فعال عرضه شود؛ به گونه‌ای که دانش‌آموزان برخوردار می‌شوند با سخنرانی داشته باشند و بر اساس سخنرانی، فعالیت‌های تعریف شده را انجام دهند.

۱۱- روش موعظه: این روش، بیشتر به نفس‌لوامه و بیدارگری وجدان برای ایجاد انگیزه به اخلاق حسنه و نفرت و دوری از رذایل اخلاقی توجه دارد. زبان انتخابی، یک زبان نصیحت‌گرانه است و ابزارهای مختلفی برای این منظور، به کار گرفته می‌شود.

۱۲- روش طرح الگو و اسوه: در این روش، از شخصیت‌الگویی انسان‌های مرجع و مورد قبول استفاده می‌شود. رسول خدا ﷺ و معصومان بزرگوار دیگر، بهترین اسوه‌هایی هستند که هم برترین معیار انسان دیندار محسوب می‌شوند و هم نزد جوانان و نوجوانان مقبولیت زیادی دارند. اسوه‌های دیگر نیز به نسبت نزدیکی و قربشان با این معصومان باید به جوانان شناخته شوند. همچنین باید از اسوه‌های مورد اعتماد در عصر حاضر و نزدیک به زمان نوجوان امروزی بیشتر یاد شود.

۱۳- روش تشویق و تنبیه: این روش، با انذار و تبشیر متفاوت است. در روش انذار و تبشیر، بر آثار و نتایج خود عمل تأکید می‌شود؛ اما روش تشویق و تنبیه، متکی بر تشویق‌ها یا تنبیه‌های جانبی است که می‌تواند با خود عمل رابطه مستقیم نداشته باشد، بلکه معلم برای ایجاد انگیزه ثانوی، از آنها کمک می‌گیرد و دانش‌آموز به نسبت آن تشویق و یا تنبیه، کاری را انجام می‌دهد یا از عملی دوری می‌کند.

این روش در سنین پایین، مانند دوره دبستان و قبل از دبستان، در موضوعات اخلاقی و برخی رفتارها مؤثر است. اما به هیچ‌وجه نباید تبدیل به رویه شود؛ زیرا در آن صورت، دانش‌آموز همواره کارهای خوب را نه به‌خاطر خوب بودنشان، بلکه به نیت تشویق انجام خواهد داد و اصل خوبی آن عمل در قلب وی تثبیت نخواهد شد.

۱۴- روش نمایش: اجرای نمایش توسط دانش‌آموزان، هم بر مجریان نمایش تأثیر می‌گذارد و هم تماشاگر را به گونه‌ای زنده با داستان نمایش مواجه می‌کند. از این رو، به او حضوری فعال می‌دهد؛ به‌ویژه اگر با روش‌های فعال دیگر همراه شود و پس از اجرا، محتوای نمایش نقد و بررسی گردد.

۱۵- روش تحقیق و مطالعه: این روش که در همه موضوعات دینی کاربرد دارد، در صورتی که همراه با مهارت‌های صحیح تحقیق و مطالعه باشد، به دانش‌آموز کمک می‌کند که به یک عادت پسندیده دست یابد و از این راه بتواند دایره دانش خود را از محدوده کتاب‌های درسی فراتر ببرد. این روش قدرت تجزیه و تحلیل و تفکر و استنباط را افزایش می‌دهد و به آموخته‌ها عمق می‌بخشد.

۱۶- روش کنفرانس دانش‌آموزی: این روش اعتماد به نفس دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد و عمق دانش کنفرانس‌دهنده را بیشتر می‌کند. کنفرانس باید حول یک موضوع باشد. کنفرانس‌دهنده بهتر است از میان یک گروه برگزیده شود تا رقابت گروهی ایجاد شود؛ بدین معنا که گروه از او پشتیبانی کند و گروه‌های دیگر کار او را نقد کنند.

۱۷- روش مشاهده و تحلیل مشاهدات: این روش، بیشتر در آموزش مهارت‌هایی مانند وضو گرفتن، نماز، تیمم و مانند آن و نیز در رفتارها و اعمال کاربرد دارد. فرد، با دیدن یک عمل مهارتی یا یک رفتار اخلاقی آن را تجزیه و تحلیل می‌کند؛ نقاط قوت یا ضعف عمل را شمارش می‌کند و به‌طور غیرمستقیم آموزش می‌بیند.

۱۸- روش خلق موقعیت برای داوری: در این روش با کمک روش‌های دیگر، مانند نمایش، نقل خاطره، فیلم و مانند آن، به دانش‌آموز فرصت داوری و قضاوت داده شود تا درباره حادثه و عناصر آن اظهارنظر کند. این روش بیشتر در موضوعات اخلاقی و رفتار اجتماعی کاربرد دارد.

۱۹- روش مناظره: این روش، با پرسش و پاسخ متفاوت است. در مناظره، معمولاً بیش از دو نفر شرکت می‌کنند و افراد در نقش رقیب ظاهر می‌شوند. این روش در موضوعات اعتقادی و مسائل اجتماعی کاربرد بیشتری دارد.

۲۰- روش آموزش انفرادی: این روش نیز آمیخته‌ای از چند روش است که براساس توانایی‌های هر دانش‌آموز تنظیم می‌شود. در این روش، دانش‌آموزان برحسب توانایی‌شان عمل می‌کنند و معلم نیز وقت کمتری را صرف تدریس و زمان بیشتری را برای رسیدگی به فرد دانش‌آموزان صرف می‌کند. در این روش، روحیه استقلال‌طلبی دانش‌آموزان در اجرای پروژه‌های بزرگ و کوچک تقویت می‌شود.

این روش، در تعلیم و تربیت دینی به گونه‌ای دیگر مطرح است و می‌توان با استفاده از تجربه‌های جدید، سنت‌های قبلی را تعالی بخشید. تربیت دینی مواجهه دو انسان است که هرکدام شخصیت ویژه خود را دارند. شخصیت برجسته و ممتاز معلم در رابطه شخصی بسیار تأثیرگذار است. هر

دانش‌آموزی هم که در مقابل معلم قرار می‌گیرد، شخصیت خاصی دارد با حساسیت‌ها، گرایش‌ها، نگرانی‌ها، امیدها و آرزوهای ویژه. اگر معلم بتواند فراتر از چارچوب نگاه کلی خود به مجموعه کلاس، با دانش‌آموزان رابطه فردی برقرار کند و حال و هوای روحی هر یک از دانش‌آموزان را درک کند و با آنها همراه و هم‌صحبت شود، بهتر می‌تواند آنان را رشد دهد یا مشکلاتشان را حل کند. کاربرد این روش برای دانش‌آموزان ممتاز یا مشکل‌دار فوریت بیشتری دارد.

جدول اهداف و مفاهيم هديه‌هاي آسمان دوره ابتدایی

اهداف پایه نهم	اهداف پایه پنجم	اهداف پایه چهارم	اهداف پایه سوم	اهداف پایه دوم	پایه موضوعات
<ul style="list-style-type: none"> — آشنایی با مفهوم نبوت به عنوان یکی از اصول دین — آشنایی با مصادیقی از توحید — درک شناسایی خداوند برای پرستش و ابراز محبت و علاقه‌مندی نسبت به خدای یگانه — توانایی ستایش خداوند با ادای برخی عبارات و جملات 	<ul style="list-style-type: none"> — آشنایی با نظم و هماهنگی پدیده‌های خلقت به عنوان دلیلی بر یگانگی خداوند — آشنایی با یگانگی و بی‌شمانی خداوند — احساس علاقه توأم با تقدیس نسبت به خداوند — تقدیس خداوند با ادای برخی جملات و انجام برخی اعمال 	<ul style="list-style-type: none"> — آشنایی با ذاتی خداوند نسبت به نیازهای مختلف انسان و سایر موجودات — آشنایی با توانایی خداوند از طریق توحید به نعمت‌های خداوند به عنوان رفیع‌کننده — نیازهای مختلف انسان و سایر موجودات — تشخیص نیونهایی از نیازهای انسان و موجودات دیگر — احساس دلگرمی و علاقه نسبت به خداوند بهره‌گیری از دعاهاى مناسب برای گفت‌وگو با خدا 	<ul style="list-style-type: none"> — آشنایی با خشنودی خداوند از طریق توحید به نعمت‌های او — آشنایی با دعا به عنوان راه گفت‌وگو با خدا و پیمان خواسته‌های خود — آشنایی با بخشندگی خداوند از طریق توحید به نعمت‌های او — آشنایی با دعا به عنوان راه گفت‌وگو با خداوند و پیمان خواسته‌های او 	<ul style="list-style-type: none"> — آشنایی با مهریابی خدا از طریق آگاهی از نعمت‌های بی‌شمار او — آشنایی با دعا به عنوان راه گفت‌وگو با خدا و پیمان خواسته‌های خود 	خداشناسی
<ul style="list-style-type: none"> — آشنایی با مفهوم نبوت به عنوان یکی از اصول دین — آشنایی با ویژگی‌های پیامبران — تقویت احساس نیاز به هدایت خداوند برای رسیدن به سعادت — ایجاد حس محبت و احترام نسبت به پیامبران — تلاش برای درس گرفتن از سیره پیامبران 	<ul style="list-style-type: none"> — آشنایی با حضرت عیسی <small>علیه السلام</small> به عنوان یکی از پیامبران بزرگ الهی — آشنایی با حضرت عیسی <small>علیه السلام</small> به عنوان بشارت‌دهندهٔ بعثت پیامبر خاتم <small>صلوات الله علیه و آله</small> — آشنایی با حضرت عیسی <small>علیه السلام</small> به عنوان یکی از همراهان امام زمان <small>علیه السلام</small> به هنگام ظهور انسان — احساس علاقه و احترام نسبت به حضرت عیسی <small>علیه السلام</small> — تلاش برای الگوگیری از اعمال و رفتار حضرت عیسی <small>علیه السلام</small> 	<ul style="list-style-type: none"> — آشنایی با حضرت موسی <small>علیه السلام</small> به عنوان یکی از پیامبران بزرگ الهی — تشخیص نیونهایی از برای خداوند نسبت به پندگانش — احساس علاقه نسبت به حضرت موسی <small>علیه السلام</small> و اعمال و رفتار انسان — احساس دلگرمی و علاقه نسبت به خداوند — ادای احترام به حضرت موسی <small>علیه السلام</small> — به‌عنوان پیامبر بزرگ الهی — تلاش برای الگو گرفتن از اعمال و رفتار حضرت موسی <small>علیه السلام</small> 	<ul style="list-style-type: none"> — آشنایی با حضرت — آراهیم <small>علیه السلام</small> به عنوان یکی از پیامبران بزرگ الهی — آشنایی با زندگی و ویژگی‌های پیامبر اسلام <small>صلوات الله علیه و آله</small> در دوران کودکی 	<ul style="list-style-type: none"> — آشنایی با نام پیامبران بزرگ الهی — آگاهی از مهریابی پیامبر اسلام <small>صلوات الله علیه و آله</small> نسبت به کودکان 	پیامبری

موضوعات	پایه	اهداف پایه دوم	اهداف پایه سوم	اهداف پایه چهارم	اهداف پایه پنجم	اهداف پایه ششم
<p style="text-align: center;">امامت</p>	<p>— آشنایی با ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small> و عنوان بهترین انسان ها</p> <p>— آشنایی با اسامی اهل بیت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small></p> <p>— آشنایی با امامان یازدهم تا دوازدهم</p> <p>— آشنایی با امام زین العابدین <small>علیه السلام</small></p> <p>— آشنایی با ویژگی های شاخص امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small></p>	<p>— آشنایی با امامان چهارم و پنجم و ششم <small>علیهم السلام</small></p> <p>— آشنایی با حضرت زهر <small>علیها السلام</small> به عنوان بهترین زمان مؤمنان و مدار نموده امام حسن <small>علیه السلام</small> و امام حسین <small>علیه السلام</small> و حضرت زینب <small>علیها السلام</small></p> <p>— آشنایی با ویژگی های شاخص امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small></p>	<p>— آشنایی با امام ششم امام هفتم شیعیان</p> <p>— احساس علاقه به امام کاظم <small>علیه السلام</small> به عنوان اعمال و رفتار ایشان</p> <p>— تلاش برای الگو گرفتن از زندگی و اخلاق و رفتار امام کاظم <small>علیه السلام</small></p> <p>— آشنایی با امام رضا <small>علیه السلام</small> به عنوان امام هشتم شیعیان</p> <p>— احساس علاقه به امام رضا <small>علیه السلام</small> و اعمال و رفتار ایشان</p> <p>— تلاش برای الگو گرفتن از زندگی و اخلاق و رفتار امام رضا <small>علیه السلام</small></p> <p>— آشنایی با امام جواد <small>علیه السلام</small> به عنوان امام نهم شیعیان</p> <p>— احساس علاقه به امام جواد <small>علیه السلام</small> و اعمال و رفتار ایشان</p> <p>— تلاش برای الگو گرفتن از زندگی و اخلاق و رفتار امام جواد <small>علیه السلام</small></p> <p>— آشنایی با امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> به عنوان امام نهم شیعیان</p> <p>— احساس علاقه به امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> و اعمال و رفتار ایشان</p> <p>— تلاش برای الگو گرفتن از زندگی و اخلاق و رفتار امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small></p> <p>— آشنایی با امام زین العابدین <small>علیه السلام</small> به عنوان امام دهم شیعیان</p> <p>— احساس علاقه به امام زین العابدین <small>علیه السلام</small> و اعمال و رفتار ایشان</p> <p>— تلاش برای الگو گرفتن از زندگی و اخلاق و رفتار امام زین العابدین <small>علیه السلام</small></p> <p>— آشنایی با امام هادی <small>علیه السلام</small> به عنوان امام یازدهم شیعیان</p> <p>— احساس علاقه به امام هادی <small>علیه السلام</small> و اعمال و رفتار ایشان</p> <p>— تلاش برای الگو گرفتن از زندگی و اخلاق و رفتار امام هادی <small>علیه السلام</small></p> <p>— آشنایی با امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> به عنوان امام دوازدهم شیعیان</p> <p>— احساس علاقه به امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> و اعمال و رفتار ایشان</p> <p>— تلاش برای الگو گرفتن از زندگی و اخلاق و رفتار امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small></p> <p>— آشنایی با ویژگی ها و مشخصات امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small></p> <p>— آشنایی با داستان تولد حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small> و غیبت ایشان</p> <p>— آگاهی از زنده بودن حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small> و غیبت ایشان</p> <p>— احساس علاقه به امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> و رفتار ایشان</p> <p>— تلاش برای الگو گرفتن از زندگی و اخلاق و رفتار امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small></p> <p>— آشنایی با مظاهر ظهور امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> و ارتباط آن با موضوع درس</p>	<p>— آشنایی با امام هادی <small>علیه السلام</small> به عنوان امام نهم شیعیان</p> <p>— احساس علاقه به امام هادی <small>علیه السلام</small> و اعمال و رفتار ایشان</p> <p>— تلاش برای الگو گرفتن از زندگی و اخلاق و رفتار امام هادی <small>علیه السلام</small></p> <p>— آشنایی با امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> به عنوان امام دوازدهم شیعیان</p> <p>— احساس علاقه به امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> و اعمال و رفتار ایشان</p> <p>— تلاش برای الگو گرفتن از زندگی و اخلاق و رفتار امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small></p> <p>— آشنایی با ویژگی ها و مشخصات امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small></p> <p>— آشنایی با داستان تولد حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small> و غیبت ایشان</p> <p>— آگاهی از زنده بودن حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small> و غیبت ایشان</p> <p>— احساس علاقه به امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> و رفتار ایشان</p> <p>— تلاش برای الگو گرفتن از زندگی و اخلاق و رفتار امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small></p> <p>— آشنایی با مظاهر ظهور امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> و ارتباط آن با موضوع درس</p>	<p>— آشنایی با امام هادی <small>علیه السلام</small> به عنوان امام نهم شیعیان</p> <p>— احساس علاقه به امام هادی <small>علیه السلام</small> و اعمال و رفتار ایشان</p> <p>— تلاش برای الگو گرفتن از زندگی و اخلاق و رفتار امام هادی <small>علیه السلام</small></p> <p>— آشنایی با امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> به عنوان امام دوازدهم شیعیان</p> <p>— احساس علاقه به امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> و اعمال و رفتار ایشان</p> <p>— تلاش برای الگو گرفتن از زندگی و اخلاق و رفتار امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small></p> <p>— آشنایی با ویژگی ها و مشخصات امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small></p> <p>— آشنایی با داستان تولد حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small> و غیبت ایشان</p> <p>— آگاهی از زنده بودن حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small> و غیبت ایشان</p> <p>— احساس علاقه به امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> و رفتار ایشان</p> <p>— تلاش برای الگو گرفتن از زندگی و اخلاق و رفتار امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small></p> <p>— آشنایی با مظاهر ظهور امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> و ارتباط آن با موضوع درس</p>	<p>— آشنایی با نقش امام حسن <small>علیه السلام</small> و باارزش در دفاع از دین</p> <p>— احساس علاقه و ادای احترام نسبت به امام حسن <small>علیه السلام</small> و باارزش</p> <p>— تلاش برای الگو گیری از امام حسن <small>علیه السلام</small> و باارزش در مبارزه با ظلم و دفاع از دین</p> <p>— شناخت مفهوم دینی تولی و تبری مبتنی بر قرآن کریم</p> <p>— توانی تشخیص برخی از مضائق تولی و تبری</p> <p>— تقویت حسن تولی نسبت به امامان <small>علیهم السلام</small> و تبری از ظالمان</p> <p>— تلاش برای الگو گیری از پیشوایان دین در موضوع تولی و تبری</p> <p>— آشنایی با مفهوم امامت به عنوان یکی از اصول اعتقادی</p> <p>— آشنایی با سیره و فنای امامان <small>علیهم السلام</small></p> <p>— ادای احترام نسبت به امامان <small>علیهم السلام</small></p> <p>— تلاش برای الگو گیری از پیشوایان دین در زندگی فردی و اجتماعی</p> <p>— آگاهی از مهربانی و بوجوه و کمک امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> به شیعیان</p> <p>— احساس علاقه نسبت به امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> و ارتباط با ایشان</p> <p>— تلاش برای ظهور امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small></p> <p>— درک ضرورت وجود نابیان امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> در دوره غیبت</p> <p>— آشنایی با مفهوم مرجع تقلید و اهمیت انتخاب آن</p> <p>— آشنایی با مفهوم اولی فقیه و وظیفه ایشان در دوره غیبت</p>

اهداف پایه نهم	اهداف پایه پنجم	اهداف پایه چهارم	اهداف پایه سوم	اهداف پایه دوم	پایه موضوعات
<ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با معاد به عنوان یکی از اصول دین - درک امکان زنده شدن انسان ها پس از مرگ - درک نقش اعتقاد به معاد به زندگی - معرفی اعتقادات یک مسلمان 	<ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با نام قیامت به عنوان روز حساب - آشنایی با احادیث در مورد محاسبه اعمال - تمایل به انجام وظایف خود برای دانشن حساسی سریع و آسان - تلاش برای محاسبه اعمال - آشنایی با نام قیامت به عنوان روز جدایی - آشنایی با ویژگی های بهشتیان و جهنمیان - تمایل به انجام وظایف خود برای قرار گرفتن در گروه خوبان 	<ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با مفهوم نیت و ضبط تمام اعمال ما - آگاهی خداوند از آنها - تمایل به انجام کارهای نیک برای بهر مومندی از پاداشی در جهان آخرت - تلاش برای انجام کارهای نیک برای بهر مومندی از نعمت های بهشتی - آشنایی با تناسب عمل و نتیجه آن در زندگی 	<ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با جهان آخرت - آشنایی با عنوان محل پاداش و جزا با مصداق های دنیایی - آشنایی با نام بهشت و جهنم؛ به عنوان جزای اعمال نیک و بد در جهان آخرت 	<ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با برخی از پیام های قرآنی 	<p style="text-align: center;">جهان آخرت</p>
<ul style="list-style-type: none"> - توانی تفکر در پیام های قرآنی و درک ارتباط آن با موضوع درس 	<ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با مضامین و پیام های قرآنی - آشنایی با نتیجه خوب عمل به پیام های قرآنی - تمایل به قرائت و فهم صحیح قرآن - توانی تفکر در پیام قرآنی و درک ارتباط آن با موضوع درس 	<ul style="list-style-type: none"> - توانی تفکر در پیام قرآنی و درک ارتباط آن با موضوع درس 	<ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با برخی از پیام های قرآنی - آشنایی با قرآن، به عنوان کتاب آسمانی مسلمانان - تمایل به قرائت و فهم آیات قرآن 	<ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با برخی از پیام های قرآنی 	

موضوعات	پایه	اهداف یاد دوم	اهداف یاد سوم	اهداف پایه چهارم	اهداف پایه پنجم	اهداف پایه ششم
<p style="text-align: center;">آداب و اخلاق</p>	<p>– آشنایی با برخی از آداب اسلامی مانند سلام کردن، پاکیزگی، نحوه خوردن و آشامیدن</p> <p>– آشنایی با آثار و نتایج و تربیت در کارهای راستگویی و برهیز از دروغ</p> <p>– آشنایی با شیوه‌های استفاده صحیح از طبیعت</p>	<p>– آشنایی با مفهوم حجاب و پوشش اسلامی</p> <p>– آشنایی با مفهوم نظم و ترتیب در کارهای شخصی</p> <p>– آشنایی با ضرورت و شیوه‌های احترام به پدر و مادر</p>	<p>– آشنایی با مفهوم همسایه‌ها</p> <p>– تمایل به انجام وظایف خود در برابر همسایه‌ها</p> <p>– تلاش برای انجام وظایف خود در برابر همسایه‌ها</p> <p>– آشنایی با ویژگی‌های دوست خوب</p> <p>– آشنایی با وظایف یک مسلمان در برابر دوستان</p> <p>– آشنایی با نیاز خود به ارتباط با همسالان</p> <p>– تمایل به انجام وظایف خود در برابر دوستان</p> <p>– تمایل به دوستی با افراد ناشایسته</p> <p>– علاقه به رفع نیاز خود در مورد ارتباط با همسالان</p> <p>– تلاش برای انجام وظایف خود در برابر دوستان</p> <p>– تلاش برای انتخاب دوستان شایسته</p> <p>– تلاش برای رفع نیاز خود در ارتباط با همسالان</p> <p>– آشنایی با وظایف یک مسلمان در برابر خویشان</p> <p>– آشنایی با برخی از آثار نیک به خویشان</p> <p>– تمایل به انجام وظایف خود در برابر خویشان</p> <p>– تلاش برای انجام وظایف خود در برابر خویشان</p> <p>– آشنایی با اهمیت کمک کردن به دیگران و برخی نمونه‌های آن</p> <p>– امتیاز کمک به دیگران</p> <p>– تلاش برای کمک به دیگران در موقع نیاز ایشان</p> <p>– آشنایی با ضرورت امانت‌داری و شیوه‌های آن</p> <p>– تمایل به انجام وظایف خود در حفظ امانت و ادای امانت به صاحب آن</p> <p>– آشنایی با ضرورت و شیوه‌های احترام به معلم</p> <p>– احساس قدردانی و تشکر از زحمات معلم</p> <p>– ادای احترام به معلم</p>	<p>– آشنایی با مفهوم اسراف</p> <p>– آشنایی با اضرار اسراف</p> <p>– آشنایی با دوس‌های برهیز از اسراف</p> <p>– تقویت نگرش منفی نسبت به اسراف</p> <p>– آشنایی با فواید برهیز از اسراف</p> <p>– تلاش برای برهیز از اسراف در زندگی فردی و جمعی</p> <p>– تلاش برای برهیز از رفتارهای نامناسب در معاشرت</p> <p>– آشنایی با اضرار بدگویی، تهمت، خیرچینی و تمسخر دیگران</p> <p>– آشنایی با برخی از نتایج نامطلوب بی توجهی به آداب معاشرت با دیگران</p>	<p>– آشنایی با مفهوم آداب معاشرت</p> <p>– آشنایی با برخی از آداب معاشرت اجتهامی در اسلام</p> <p>– توانایی درجه‌بندی آداب و استخراج پیام‌های مرتبط با آداب معاشرت</p> <p>– توانایی نقد عادات ناپسند و ارائه‌ها را برای مقابله با آنها</p> <p>– تلاش برای رعایت آداب معاشرت در زندگی</p> <p>– آشنایی با تأکید اسلام بر تربیت بدنی و تفریح‌های سالم</p> <p>– درک ضرورت حفظ سلامت و تندرستی در اسلام</p> <p>– معرفی عوامل و فواید حفظ سلامت و تندرستی</p> <p>– تلاش برای انگیزگی از پیشوایان دینی در جهت حفظ سلامت و تندرستی</p> <p>– آشنایی با راه‌های کسب موفقیت</p> <p>– برنامه‌ریزی بر اساس گام‌های موفقیت در فعالیت‌های روزانه و پایبندی به آن</p> <p>– توانایی نقد خود بر اساس کسب موفقیت</p> <p>– توانایی تشکر در آیات و روایات و درک ارتباط آنها با موضوع درس</p> <p>– آشنایی با آداب علم‌جویی و دانش‌آموزی</p> <p>– توجه به آداب علم‌جویی و دانش‌آموزی</p> <p>– کوشش برای آکسب آداب علم‌جویی و دانش‌آموزی</p>	

موضوعات	پایه	اهداف پایه دوم	اهداف پایه سوم	اهداف پایه چهارم	اهداف پایه پنجم	اهداف پایه ششم
<p style="text-align: center;">احکام</p>	<p>اهداف پایه دوم</p> <ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با طرز وضو گرفتن - آشنایی با اجزا و اذکار یک نماز دو رکعتی - آشنایی با اذان به عنوان اعلام کننده اوقات نماز و مقدمه آن 	<p>اهداف پایه سوم</p> <ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با معنای تکلیف و برخی وظایف فرد مکلف - آشنایی با اجزا و اذکار یک نماز چهار رکعتی - آشنایی با احکام ضروری تقلید، طهارت، وضو و نماز (بهترین برای دختران) - آشنایی با مفهوم روزه و احکام آن 	<p>اهداف پایه چهارم</p> <ul style="list-style-type: none"> - آشنایی برخی از احکام نماز جماعت - تمایل به حضور در مسجد و بهجا آوردن نماز جماعت و رعایت احکام آن - تلاش برای شرکت در مراسم نماز جماعت در مسجد و رعایت احکام آن - آشنایی با نماز ایات و برخی احکام آن (به هنگام وجوب) - آشنایی با اای نماز آیات و هنگام وجوب آن - آشنایی با تیمم و احکام ضروری آن - توجه به انجام تیمم به هنگام وجوب آن - انجام تیمم به شیوه صحیح آن 	<p>اهداف پایه پنجم</p> <ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با غسل جمعه و برخی از احکام آن - آشنایی با برخی از آداب، احکام و مراسم نماز جمعه - تمایل به انجام غسل جمعه - امتیاق به شرکت در مراسم نماز جمعه - انجام غسل جمعه - برنامه ریزی برای شرکت در مراسم نماز جمعه - آشنایی با مفهوم مال حلال و حرام و برخی از مصادیق آن در زندگی روزمره و نماز (دانش آموزان) - تمایل به استفاده از روزی حلال و برهنه از مال حرام - تلاش برای استفاده از مال حلال و برهنه از مال حرام در زندگی 	<p>اهداف پایه ششم</p> <ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با مفهوم امر به معروف و نهی از منکر - شناخت برخی از روش های امر به معروف و نهی از منکر - بیان فوائد امر به معروف و نهی از منکر - توانایی تشخیص برخی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در زندگی - احساس وظیفه و تلاش برای انجام امر به معروف و نهی از منکر - آشنایی با برخی از احکام نماز مسافر - آشنایی با برخی از احکام روزه مسافر - توانایی تشخیص نمازهای شکسته و کامل در شرایط مختلف در سفر - توانایی تشخیص روزه باطل و درست در موقعیت های گوناگون در سفر 	<p>اهداف پایه ششم</p> <ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با مفهوم امر به معروف و نهی از منکر - شناخت برخی از روش های امر به معروف و نهی از منکر - بیان فوائد امر به معروف و نهی از منکر - توانایی تشخیص برخی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در زندگی - احساس وظیفه و تلاش برای انجام امر به معروف و نهی از منکر - آشنایی با برخی از احکام نماز مسافر - آشنایی با برخی از احکام روزه مسافر - توانایی تشخیص نمازهای شکسته و کامل در شرایط مختلف در سفر - توانایی تشخیص روزه باطل و درست در موقعیت های گوناگون در سفر
	<p>اهداف پایه دوم</p> <ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با مراسم میلاد نبی اکرم <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و نیمه شعبان؛ میلاد امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> - آشنایی با جشن نماز و ولادت حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> و روز عید فطر - آشنایی با مراسم جشن تکلیف دخترها - آشنایی با مراسم روز ولادت حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> و روز مادر - آشنایی با مراسم بزرگداشت پیام امام حسین <small>علیه السلام</small> و روز عاشورا - آشنایی با مراسم ولادت شهادت امه <small>علیها السلام</small> و روز سالی - آشنایی با مراسم ولادت شهادت امه <small>علیها السلام</small> و روز سالی - آشنایی با مراسم ولادت شهادت امه <small>علیها السلام</small> و روز سالی 	<p>اهداف پایه سوم</p> <ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با مراسم میلاد نبی اکرم <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و نیمه شعبان؛ میلاد امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> - آشنایی با جشن نماز و ولادت حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> و روز عید فطر - آشنایی با مراسم جشن تکلیف دخترها - آشنایی با مراسم روز ولادت حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> و روز مادر - آشنایی با مراسم بزرگداشت پیام امام حسین <small>علیه السلام</small> و روز عاشورا - آشنایی با مراسم ولادت شهادت امه <small>علیها السلام</small> و روز سالی - آشنایی با مراسم ولادت شهادت امه <small>علیها السلام</small> و روز سالی - آشنایی با مراسم ولادت شهادت امه <small>علیها السلام</small> و روز سالی 	<p>اهداف پایه چهارم</p> <ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با عید میث و مراسم آن - امتیاق به شرکت در مراسم عید میث - مشارکت در بزرگاری مراسم عید میث - آشنایی با برخی آداب و مراسم بزرگداشت ولادت حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> و امام زانگان - امتیاق به زیارت حره های مطهره امه <small>علیها السلام</small> - آشنایی با آداب حضور در مراسم نماز جماعت - تلاش برای شرکت در مراسم نماز جماعت در مسجد و رعایت احکام آن 	<p>اهداف پایه پنجم</p> <ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با واقعه غدیر خم - آشنایی با عید غدیر و مراسم آن - امتیاق به شرکت در مراسم عید غدیر - مشارکت در بزرگاری مراسم عید غدیر - آشنایی با مراسم مربوط به بزرگداشت پیروزی انقلاب اسلامی - سالگرد انقلاب، یادآور تلاش موفی مردم برای همراهی با یکدیگر و با رهبری آن - نظم منتهی مردم ایران - بزرگداشت قهرمانان انقلاب اسلامی - امتیاق به شرکت در مراسم مربوط به بزرگداشت پیروزی انقلاب اسلامی - مشارکت در بزرگاری مراسم مربوط به بزرگداشت پیروزی انقلاب اسلامی 	<p>اهداف پایه ششم</p> <ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با مراسم حج و اعمال آن - آشنایی با برخی از آداب قربان - امتیاق برای شرکت در مراسم عید قربان - شرکت در مراسم عید قربان - آشنایی با مقام شهید و دفاع مقدس - احترام به شهدا و تلاش برای الگو گرفتن از ایشان در زندگی - آشنایی با فلسفه زیارت و برخی از آداب آن 	<p>اهداف پایه ششم</p> <ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با مراسم میلاد نبی اکرم <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و نیمه شعبان؛ میلاد امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> - آشنایی با جشن نماز و ولادت حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> و روز عید فطر - آشنایی با مراسم جشن تکلیف دخترها - آشنایی با مراسم روز ولادت حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> و روز مادر - آشنایی با مراسم بزرگداشت پیام امام حسین <small>علیه السلام</small> و روز عاشورا - آشنایی با مراسم ولادت شهادت امه <small>علیها السلام</small> و روز سالی - آشنایی با مراسم ولادت شهادت امه <small>علیها السلام</small> و روز سالی - آشنایی با مراسم ولادت شهادت امه <small>علیها السلام</small> و روز سالی

موضوعات	پایه	اهداف پایه سوم	اهداف پایه دوم	اهداف پایه چهارم	اهداف پایه پنجم	اهداف پایه ششم	
شخصیت های دینی		<ul style="list-style-type: none"> آشنایی با حضرت زینب <small>علیها السلام</small> به عنوان یکی از زنان مؤمن 		<ul style="list-style-type: none"> آشنایی با حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small> از زنان مؤمن احساس علاقه نسبت به حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small> و رفتار و اعمال و رفتار ایشان تلاش برای الگو گرفتن از زندگی و اخلاق و رفتار حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small> آشنایی با سیه به عنوان یکی از زنان مؤمن احساس علاقه و احترام نسبت به سیه و اعمال و رفتار ایشان و ادای احترام به سیه به عنوان یکی از زنان مؤمن تلاش برای الگو گرفتن از زندگی و اخلاق و رفتار سیه 	<ul style="list-style-type: none"> آشنایی با نیاز خود به ارتباط با همسالان تمایل به دوستی با افراد شایسته علاقه به رفع نیاز خود در مورد ارتباط با همسالان تلاش برای انتخاب دوستان شایسته تلاش برای رفع نیاز خود در ارتباط با همسالان تعویت تمایل به انجام کارهای نیک برای خشنود کردن خداوند 	<ul style="list-style-type: none"> آشنایی با حضرت مریم به عنوان یکی از زنان بزرگ تاریخ، مادر حضرت عیسی <small>علیه السلام</small> و زنی خداباورست احساس علاقه و احترام نسبت به حضرت مریم <small>علیها السلام</small> و اعمال و رفتار ایشان تلاش برای الگو گرفتن از زندگی و اخلاق و رفتار حضرت مریم <small>علیها السلام</small> آشنایی با امام خمینی <small>علیه السلام</small> به عنوان رهبر انقلاب اسلامی و یکی از بیرون راننده اظهار <small>علیه السلام</small> آشنایی با پیروی مردم از امام خمینی <small>علیه السلام</small> احساس علاقه و احترام نسبت به امام خمینی <small>علیه السلام</small> و اعمال و رفتار ایشان تلاش برای الگو گرفتن از زندگی و اخلاق و رفتار امام خمینی <small>علیه السلام</small> 	<ul style="list-style-type: none"> آشنایی با برخی از شخصیت های دینی (حضرت مصوم <small>علیه السلام</small>، شاهچراغ <small>علیه السلام</small> و عبدالعظیم حسینی) معرفی حضرت قاسم <small>علیه السلام</small> به عنوان یکی از شهدای کربلا احساس علاقه و احترام به شخصیت های دینی و تمایل به زیارت ایشان تلاش برای الگوگیری از این شخصیت های دینی
خود شناسی		<ul style="list-style-type: none"> آگاهی از نیاز انسان آشنایی با خود به عنوان مخلوق محبوب و مورد توجه خداوند آگاهی از نیاز به پاکیزگی خود پایبندگرم <small>علیه السلام</small> 	<ul style="list-style-type: none"> آشنایی با خود به عنوان مخلوق محبوب و مورد توجه خداوند آگاهی از نیاز ما به آشنایی با دوران کودکی پایبندگرم <small>علیه السلام</small> 	<ul style="list-style-type: none"> آشنایی با نیاز خود به ارتباط با همسالان تمایل به دوستی با افراد شایسته علاقه به رفع نیاز خود در مورد ارتباط با همسالان تلاش برای انتخاب دوستان شایسته تلاش برای رفع نیاز خود در ارتباط با همسالان تعویت تمایل به انجام کارهای نیک برای خشنود کردن خداوند 	<ul style="list-style-type: none"> آگاهی از نیاز خود به درس گرفتن از پیشوایان دین و علاقه و تلاش به رفع نیاز خود در الگو گرفتن از ایشان علاقه به رفع نیاز خود در درس گرفتن از پیشوایان دینی درس گرفتن از پیشوایان دینی 	<ul style="list-style-type: none"> آگاهی از نیاز خود در ارتباط با دیگران و سامان دادن این ارتباط و اساس موازن اسلامی آگاهی از نیاز خود در حفظ سلامت و تندرستی و تلاش برای رفع آن آگاهی از نیاز خود به علم جوی و تلاش در مسیر آن 	

۳- آموخته‌های دانش‌آموزان در دوره متوسطه اول

مفاهیم	پایه	هفتم	هشتم	نهم
خداشناسی		<ul style="list-style-type: none"> - خداوند یگانه‌خلاق و ناظر ما و جهان - رضایت خداوند از مشاهده کارهای خوب ما - خداوند تنها یار و مستعان؛ نمونه‌های از استغاثت خداوند در زندگی 	<ul style="list-style-type: none"> - زیبایی، همدلی و دوستی در جهان نشان‌دهنده خلاق دانا و توانا - همداری و حساسگری در خلقت و درس گرفتن از آن - خداوند غفار و سزاست. 	<ul style="list-style-type: none"> - راه‌های شناخت صفات خداوند - ایمان به خدا و آثار و برکات آن - آشنایی با برخی صفات خداوند مانند دود، علم، خبیر و ...
معاد		<ul style="list-style-type: none"> - معنای معاد (چرا برمی‌گردیم؟ به کجا می‌رویم؟) - آثار اعتقاد به معاد در زندگی دنیوی (ایس درونی، امیدبخش، سعادت) - نمونه‌های از رابطه اعمال با همت‌های بهشتی - نمونه‌های از رابطه اعمال و عذاب در دوزخ - حسرت و پشیمانی از دست دادن فرصت‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> - چرا مرگ یاب است؟ - شبنم و زنبق‌بودن مرگ برای درستکاران، دیدار ائمه در هنگام مرگ و بعد از مرگ در قیامت - دلایل ترس برخی از افراد از مرگ - نمونه‌های از کارهایی که به هنگام انتقال تأثیر دارند مانند: احترام به پدر و مادر، نماز اول وقت، اخلاق خوب، اخلاق بد - نمونه‌های از اعمال نیک و بد که آثار آنها بعد از مرگ ادامه دارد. 	
انسان‌شناسی		<ul style="list-style-type: none"> - نشانه‌های محبت خداوند به انسان: خدا بپسرا و شیوای قول تو و نگاهبان تو، فرشتگان حافظ تو - برخی از قابلیت‌های جسمانی، چگونگی بهره‌مندی از قابلیت‌ها برای رشد - آشنایی با برخی رفتارها و عادت‌های ناپسند مانند عجله و تبلی 	<ul style="list-style-type: none"> - ارزش و ثمرات تفکر: تصمیم‌گیری درست و کم‌بندن خطاها، بدست آوردن تجربه‌ها از دست ندادن فرصت‌ها - استعانت از خدا برای درست فکر کردن - عمر نعمت و فرصتی برای سازندگی، زودگذر بودن عمر و بازگشت ناپذیری آن، پوصداق‌هایی از خوب یا بد استفاده کردن از عمر - نتایج کم‌ظانگی و بی‌ثباتی، رادیرطرف کردن کم‌ظانگی و بی‌ثباتی 	<ul style="list-style-type: none"> - نیاز انسان به ارتباط با دیگران، نمونه‌هایی از تأثیر ارتباط با دیگران در تعالی و رشد
جهان‌بخشی			<ul style="list-style-type: none"> - گستره زیبایی در جهان: حرکت و پویایی و رشد، زیبایی‌های طبیعی بی‌شمارمون، درس‌آموزی از طبیعت با تفکر در آن - شرایط رشد و پالندگی در دنیا: حفظ و رشد دادن طبیعت، بهره‌مندی درست از سرمایه‌های طبیعی 	<ul style="list-style-type: none"> - تابع برخی از اعمال در همین دنیا: توجه به محرومین یا بی‌بوجهی به آنان، ارتباط با خوششان به عدم ارتباط

مفاهیم	پایه	هفتم	نهم
<p>راهنا (نبوت، امامت و ولایت فقیه)</p>	<p>راهناهای اخلاقی پیامبر مانند: بزرگاری و محبت، صداقت در قول و عمل، امانتداری و عزت نفس برخی ویژگی‌های اخلاقی حضرت علی <small>علیه السلام</small>: توجه ویژه رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> به جوانان، صداقت و راستگویی، سبقت در کار برخی ویژگی‌های اخلاقی حضرت علی <small>علیه السلام</small> و حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>: شجاعت و فداکاری در راه خدا، ساده‌زیستی، ایثار، بخشندگی و ...</p>	<p>نیاز هر موجودی از جمله انسان به هدایت امامان جانشینان پیامبر در امر هدایت مردم واقع‌گدیر و پیام آن به مسلمانان</p>	<p>بزرگی‌ها، پادشاهان و بزرگان را همانا الهی <small>صلی الله علیه و آله</small> مسیر هدایت و رهبری بعد از رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> زجران و راهنمایان دین در عصر غیبت امام جنبینی رهبر بزرگ در عصر حاضر برخی از ویژگی‌های عصر غیبت و وظایف ما الگوهای نو جوان و جوان مسلمان در تاریخ</p>
<p>راه (برنامه دین)</p>	<p>برخی مطهرات: آب، انقباب، خاک و برخی از نجاسات: خون، سگ، ادرار چرا نماز گفت‌وگو با خدا، یاد خدا، تشکر از خدا، اهمیت نماز اول وقت ارکان، و واجبات نماز، کیفیت نماز جمعه و نماز جماعت وفای به عهد و نهرات آن، پیمان‌شکنی و اثرات آن تشکر نشانه قدر دانی ما، تشکر از دیگران تشکر از خداست. تبیین معنای عفاف و آثار و برکات آن</p>	<p>نمونه‌هایی از زندگی آدم‌های موفق و برکار، از تو حرکت از خدا برکت، پستیزی برای امور خیر مصداق مال حلال و حرام در زندگی، تأثیرات مال حلال و حرام در زندگی، برخی از احکام مال حلال و حرام ماه خدا، ثواب روزه در پیشگاه الهی، نهرات روزه: سلامتی، همدردی، صبر و تقویت اراده، واجبات و مظلای روزه. اهمیت حفظ محیط زیست و نهرات آن معنای حق الناس و حق الله و حق النفس، آثار رعایت و عدم رعایت حق الناس در زندگی برخی از مقدمات و شرایط و آداب نماز مانند لباس و مکان و طهارت جسم نمازگزار، آداب لباس و مکان مانند پاکیزگی، زیبایی، سادگی، عطر زدن</p>	<p>برخی از نهرات انقلاب اسلامی مانند: خودباوری، ایستادگی، توانمندی نقش نو جوانان در دفاع مقدس، برخی پیام‌های بزرگوار از اوصیت‌نامه‌های شهیدان نو جوان راههای گوناگون دشمنان اسلامی و برای دشمنی با نظام اسلامی: دشمنی فرهنگی، اقتصادی، نظامی، ترافه الکترونیکی مقابله با این دشمنی‌ها، آگاه‌ساختن خود و دوستان، حفظ وحدت، تبعیت از رهبری جهاد در راه خدا</p>
<p>جامعه (امت اسلامی)</p>	<p>برادری و اخوت مؤمنان را از پیوند جامعه اسلامی، نمونه‌هایی از همیاری مؤمنان در گذشته و حال (در صدر اسلام، در عاشورا، در کمک به فلسطین). برخی موانع همیاری و برادری دعوت پیامبر در قرآن و امامان معصوم به طلب علم برخی از دانشمندان بزرگ، نمونه‌هایی از پیشرفت علمی مسلمانان</p>	<p>شمار خاص مسلمانان: اذان، نمازهای جمعه و جماعت، جشن‌ها و اعیاد اسلامی، سوگوازی‌ها، ماه رمضان و حج ویژگی‌های جامعه اسلامی: برادری، توجه به محرومان، طهارت و پاکیزگی، مخالفت با ظلم و طاغوت، حجاب و پوشش نقش مسجد در جامعه اسلامی</p>	<p>برخی از نهرات انقلاب اسلامی مانند: خودباوری، ایستادگی، توانمندی نقش نو جوانان در دفاع مقدس، برخی پیام‌های بزرگوار از اوصیت‌نامه‌های شهیدان نو جوان راههای گوناگون دشمنان اسلامی و برای دشمنی با نظام اسلامی: دشمنی فرهنگی، اقتصادی، نظامی، ترافه الکترونیکی مقابله با این دشمنی‌ها، آگاه‌ساختن خود و دوستان، حفظ وحدت، تبعیت از رهبری جهاد در راه خدا</p>

نهم	هشتم	هفتم	پایه مفاهیم
<p>– دوست داشتن های بدون معیار (چه چیزی و چه کسی را دوست بداریم؟)، عواطف زودگذر در دوست داشتن ها، عواطف پادار و با معیار در دوست داشتن ها</p> <p>– شیطان در چه کسانی زودتر و بیشتر نفوذ می کند؟ از چه راه های ویژگی های خواندنی ها، دیدنی ها و شنیدنی های مناسب</p> <p>– پادارین به خدا، استغاثت از او، مهم ترین راه مقابله با دشمن های بیرونی و درونی، بیروی از دستورال معصومین حافظ ما در مقابل خطرات</p> <p>– جهاد با دشمنان خدا</p>	<p>– شکل گیری عادت ها، عادت های پسندیده، عادت های ناپسند، نمونه هایی از عادت های ناپسند و خطرات آنها، راه غلبه بر عادت های ناپسند</p> <p>– بدون فکر و بی برنامه عمل کردن</p> <p>– نقش برخی سرگرمی ها در ایجاد غفلت، اعتدال در پرداختن به سرگرمی ها، سرگرمی های نامناسب</p> <p>– دوستان ناباب یک مانع بزرگ بیرونی، نمونه هایی از رفتار دوستان ناباب : دادن لقب ناپسند، دعوت به کارهای بدفرجام و ...</p>	<p>– ناگامی های ناشی از بی اطلاعی از خطرات، کمک دین به ما در شناخت موانع و خطرات، توجه فرد عاقل به خطرات احتمالی، آمادگی برای مواجهه با خطرات</p> <p>– تنبلی مانع بزرگ درونی، خطراتی بزرگ تنبلی، عوامل ایجاد تنور و نشاط</p>	<p>دشمن شناسی</p>

۵- ساختار هر درس

هر درس دارای ساختار و اجزای ثابتی است که عبارت‌اند از:

الف) آیات قرآن کریم برای قرائت

آیاتی در ابتدای هر درس گنجانده شده است تا دانش‌آموز آن را قرائت کند. این آیات در ارزشیابی مستمر و پایانی به صورت شفاهی از دانش‌آموز پرسیده می‌شود و نباید هیچ‌گونه سؤالی در امتحانات کتبی و آزمون‌های ورودی دانشگاه از این آیات طراحی شود.

ب) فعالیت‌های داخل درس

در هر درس، یک یا چند فعالیت گنجانده شده است که دانش‌آموزان آنها را در حین تدریس انجام می‌دهند. این فعالیت‌ها تکمیل‌کننده درس‌اند و بخشی از محتوا را در خود دارند. تدریس، بدون رسیدن به پاسخ این فعالیت‌ها، ناقص خواهد بود.

برخی فعالیت‌ها با علامت ستاره متمایز شده‌اند. این فعالیت‌ها واگرا هستند و هر کدام جواب‌های متعددی دارند که بسته به نظر دانش‌آموزان متغیرند. از این فعالیت‌ها نیز در امتحانات کتبی نباید سؤال طراحی شود.

ج) متن درس

بخش اصلی محتوای درس را متن درس تشکیل می‌دهد. این متن که معمولاً به وسیلهٔ دبیر توضیح داده می‌شود، تبیین موضوع اصلی درس را برعهده دارد و معمولاً از چند عنوان فرعی تشکیل می‌شود. متن درس به گونه‌ای طراحی شده است که با فعالیت داخل درس ارتباط دارد و در واقع، با آن فعالیت تکمیل می‌شود. به‌طور کلی، هر درس دو محتوا دارد؛ یکی، محتوایی که به صورت متن، در درس آمده است و دانش‌آموزان آن را می‌خوانند و دیگری، محتوایی که به صورت فعالیت آمده است و دانش‌آموزان آن را تولید می‌کنند.

د) اندیشه و تحقیق

در پایان هر درس، بخشی برای تمرین و کار در منزل پیش‌بینی شده است که شامل سؤال‌ها، تدبر در آیات قرآن کریم و برخی تحقیقات کوچک است. انجام دادن این بخش به‌عهده دانش‌آموزان است و در منزل باید انجام گیرد.

ه) پیشنهاد

در برخی درس‌ها، علاوه بر تمرین‌های مربوط به اندیشه و تحقیق، یک یا چند پیشنهاد مطرح شده است. این پیشنهادها برای دانش‌آموزان فعال‌تر است که علاقه، ذوق و ابتکار بیشتری از خود نشان می‌دهند. هر دانش‌آموز با اختیار خود می‌تواند یک یا چند مورد از این پیشنهادها را در طول سال انجام دهد و نمرهٔ

تشویقی مربوط به آن را دریافت کند. از این بخش نیز نباید برای ارزشیابی پایان سال سؤال طرح شود.

۶- توصیه‌های اجرایی

۱ هرچه فعالیت‌های تحقیقی و کارهای هنری دانش‌آموزان بیشتر شود و به‌جای آن زمان تدریس و صحبت‌های دبیر کاهش یابد، آن کلاس موفق‌تر است، زیرا در این صورت تدریس به‌شیوه‌های مؤثر خود نزدیک شده است. آنچه در خاطر دانش‌آموزان باقی می‌ماند، همین فعالیت‌هایی است که خودشان انجام داده‌اند نه لحظه کوتاه تدریس دبیر.

۲ مناسب است که پرسش ضمن تدریس، نظرخواهی از افراد یا گروه‌ها، پرسیدن از درس قبل و مواردی از این قبیل، داوطلبانه نباشد، بلکه دبیر محترم شخصاً افراد یا گروه‌ها را براساس برگه ارزشیابی انتخاب کند تا هیچ‌کس تصور نکند که می‌تواند در کلاس، حضوری غیرفعال داشته باشد.

۳ در متن درس جمله‌های زیبایی از قرآن کریم، معصومان علیهم‌السلام و یا بزرگان گنجانده شده که اگر در معرض دید باشد، تأثیرگذار خواهد بود؛ می‌توان از دانش‌آموزان خوش‌ذوق خواست که این موارد را طراحی و در کلاس نصب کنند.

۴ معمولاً تعدادی از دانش‌آموزان کلاس در انجام تحقیق‌ها سستی می‌کنند و از نوشته‌های دیگران استفاده می‌کنند. این موضوع نباید باعث شود ارزش تحقیق و فعالیت‌های دیگران پایین بیاید. سخت‌گیری بیش از حد هم ضروری نیست. بکوشیم با شیوه‌ای اصلاحی این‌گونه دانش‌آموزان را هدایت کنیم تا به تدریج به تحقیق و مطالعه عادت کنند.

۷- شیوه ارزشیابی از آموخته‌ها در هر درس

کتاب حاضر به‌گونه‌ای تدوین شده است که علاوه بر بُعد شناختی، ابعاد ایمانی و عملی دانش‌آموز را نیز دربرگیرد و به دانش‌آموزان، کمک کند که متناسب با هر مرحله قادر باشند تصمیم‌های جدیدی در زندگی بگیرند. به همین جهت دانش‌آموز و فعالیت‌های او بسیار مورد توجه است. نباید دانش‌آموزان به سمتی سوق داده شوند که مجبور باشند عبارت‌های کتاب را حفظ کنند و پاسخ دهند. اگر چنین شود، دانش‌آموزان از این متن متنفر می‌شوند و همه اهداف آموزشی کتاب عقیم می‌ماند.

ارزشیابی مستقیم از میزان پایبندی دانش‌آموز به دین نیز بسیار نادرست است. امتیاز دادن به دانش‌آموزان برای حضور در نمازخانه، نمره دادن به طرز لباس پوشیدن یا روزه گرفتن آنان و اموری از این قبیل، آثاری منفی در پی خواهد داشت؛ زیرا این اعمال اگر ریشه باطنی و قلبی نداشته باشند، نوعی ریاکاری تلقی

می‌شوند و بر شخصیت دانش‌آموز تأثیر سوء می‌گذارند و رابطهٔ صمیمی او را با خدا تضعیف می‌کنند. ارزشیابی به معنای امتحان گرفتن و نمره دادن به دانش‌آموز نیست؛ بلکه به عنوان بخشی از فرایند برنامهٔ درسی و آموزش، ابزاری است که میزان موفقیت ما را در رسیدن به اهداف مشخص می‌کند. علاوه بر این، دانش‌آموز را در یادگیری یاری می‌دهد.

ارزشیابی این درس به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱- ارزشیابی مستمر ۲- ارزشیابی پایانی.

ارزشیابی مستمر

این ارزشیابی بیست نمره دارد و موارد زیر را شامل می‌شود:

۱- **قرائت صحیح آیات قرآن کریم**؛ با توجه به اینکه دانش‌آموزان در دوره‌های ابتدایی و متوسطهٔ اول با قرائت صحیح قرآن کریم آشنا شده‌اند، تمرین کردن از روی آموخته‌ها ضروری است. لذا در این دوره قاعدهٔ جدیدی در قرائت به دانش‌آموزان آموزش داده نمی‌شود و صرفاً قرائت آیات انجام خواهد شد. چهار نمره از نمرهٔ مستمر به قرائت صحیح اختصاص دارد. این چهار نمره مربوط به قرائت آیات ابتدای هر درس است.

۲- **انجام فعالیت‌های داخل درس و پرسش از متن**؛ هنگامی که معلم تدریس می‌کند، از دانش‌آموزان می‌خواهد که فعالیت‌های درس را انجام دهند. پس از انجام فعالیت‌ها، معلم از دانش‌آموزان سؤال می‌کند و آنان پاسخ فعالیت را می‌دهند. همچنین معلم، در ابتدای جلسهٔ بعد که ارزشیابی را انجام می‌دهد، هم دربارهٔ فعالیت‌ها و هم دربارهٔ متن درس از دانش‌آموزان سؤال می‌کند. این قسمت از ارزشیابی، هشت نمره دارد.

۳- **پاسخ به سؤال‌های بخش اندیشه و تحقیق**؛ در جلسه بعد از تدریس دانش‌آموزان باید از حفظ به سؤال‌های معلم پاسخ دهند. سؤال از این بخش چهار نمره دارد.

۴- **مشارکت در کار گروهی**؛ این مشارکت بیانگر علاقهٔ دانش‌آموز به درس است و زمینه را برای توجه دقیق‌تر به موضوعات طرح شده فراهم می‌آورد. چهار نمره از ارزشیابی مستمر به این بخش اختصاص دارد.

توجه: به نمرهٔ مستمر دانش‌آموزانی که برخی کارهای بخش «پیشنهاد» را انجام دهند یا به ابتکار خود به فعالیت‌های ادبی و هنری و تحقیقی دیگر بپردازند، دو نمرهٔ فوق‌العاده اضافه می‌شود.

ارزشیابی پایانی: این ارزشیابی بیست نمره دارد که شانزده نمرهٔ آن مربوط به امتحان کتبی و چهار نمره مربوط به امتحان قرائت است. باید توجه شود که اهمیت ارزشیابی مستمر که بر فعالیت‌های دانش‌آموزان متکی است، از ارزشیابی پایانی بسیار بیشتر است. بنابراین، برنامه‌های درسی را تحت الشعاع ارزشیابی پایان سال قرار ندهید. معلمانی که فقط به فکر امتحان پایان سال هستند، بیشتر وقت کلاس را صرف آمادگی برای آن امتحان

می‌کنند و در طول سال آزمون‌های مختلفی می‌گیرند. نحوه تدریس آنها طوری است که دانش‌آموزان جزئیات عبارت‌ها را حفظ می‌کنند و به همین دلیل فرصت تقویت تفکر و دینداری را از دانش‌آموزان می‌گیرند. در پایان همین قسمت، نمونه برگه ارزشیابی تنظیم شده است که دبیران محترم می‌توانند برگه‌ای مانند آن تهیه کنند و به ثبت نمره بپردازند. بهتر است این برگه در زمان تدریس در دسترس باشد و همین که موردی برای ارزشیابی پیش آمد، نمره دانش‌آموز در قسمت مربوط به آن ثبت گردد.

توجه: دبیران محترم توجه دارند که اگر برای هر یک از بخش‌های ارزشیابی سه ردیف قرار داده شده، بدان معنا نیست که حتماً این تعداد مدنظر است. بلکه تعداد ردیف‌ها بنا بر نظر دبیر قابل کم و زیاد شدن است.



بخش دوم

یاددهی و یادگیری هر درس

هدف زندگی

درس ۱

الف) اهداف

۱- هدف کلی: آشنایی با هدف آفرینش انسان

۲- اهداف آموزشی:

- تبیین هدفمند بودن جهان آفرینش
- تبیین علت تمایز و تفاوت اهداف انسان از سایر موجودات
- توانایی نقد اهداف خود و دیگران با توجه به اهداف اصلی
- توانایی تبیین نسبت میان «هدف برتر زندگی» و «اهداف جامع»

ب) محورهای اصلی درس

- ۱ شناخت هدف زندگی یکی از اساسی ترین نیازهای انسان است.
- ۲ جهان خلقت و از جمله انسان براساس صفت حکمت خداوند، هدفمند آفریده شده است.
- ۳ میان هدف انسان و چگونگی وصول به آن، با سایر موجودات به سبب ویژگی های متفاوت انسان تفاوت اساسی وجود دارد.
- ۴ منشأ اختلاف در تعیین اهداف میان انسان ها، تفاوت در نگرش های (بینش ها یا اندیشه های) انسان هاست.
- ۵ هدف ها به دو نوع اصلی و فرعی تقسیم می شوند.
- ۶ با توجه به ویژگی های انسان، اصلی ترین هدف و هدف نهایی انسان «خدا و تقرب او» است.
- ۷ انتخاب خدا به عنوان هدف برتر زندگی با اصل انتخاب اهداف جامع هماهنگ است.

ج) سابقه دانشی دانش آموز در کتاب های پیشین

دانش آموزان با برخی از مفاهیم این درس در کتاب پیام های آسمان آشنا شده اند. از جمله در درس شگفتی های آفرینش پایه هشتم، به هدف آفرینش انسان در قالب روایتی از امام علی علیه السلام اشاره ای کوتاه شده است. همچنین دانش آموزان در پایه نهم با خدا به عنوان سرچشمه خوبی ها و کمالات آشنا شده اند.

در همان پایه در تبیین آثار ایمان (آرامش درونی و رهایی از بیهودگی)، به موضوع هدفمند شدن زندگی در سایه ایمان و هدفمند بودن زندگی انسان مبتنی بر آیات اشاره شده است.

د) اجزای تدریس

این درس شامل اجزای زیر است:

۱- ورودیه

ورودیۀ درس‌ها در چپ‌ای برای ورود به درس است. این ورودیه‌ها به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که به سؤالی ختم شوند. ایجاد سؤال در ذهن مخاطب، سبب نیاز ذهنی دانش‌آموزان برای دریافت و درک پاسخ آن می‌شود. این نیاز، تلاش دانش‌آموز را به همراه خواهد داشت و زمینه مشارکت آنها را در فرایند آموزش فراهم می‌کند و به این ترتیب جذابیت آموزش و یادگیری دوچندان خواهد شد. میزان یادگیری افزایش می‌یابد و عمق بیشتری خواهد یافت.

ورودیۀها دو نوع‌اند:

الف) برخی ورودیه‌ها مثل ورودیه این درس برای نشان دادن اهمیت پاسخگویی به شناخت هدف زندگی طراحی شده‌اند. این ورودیه صرفاً یک الگو به شما معرفی کرده است؛ به این معنا که شما می‌توانید در آموزش خود ورودیه‌ای متفاوت را انتخاب کنید که بتواند همان هدف را برآورده سازد. مثلاً ممکن است شما داستان، لطیفه، فیلم یا هر ابزار دیگری که بتواند اهمیت شناخت هدف را نشانه‌ها برود انتخاب کنید. این نوع ورودیه‌ها را ورودیه طریقی می‌دانیم، مثلاً ممکن است کسی به جای ورودیه حاضر که از متن کتاب «فیه‌ما فیه» مولانا در تفسیر آیه امانت و مقصود از آفرینش انسان گرفته شده است، از متن یا مثال دیگری استفاده کند و براساس آن آموزش خود را مدیریت کند.

ب) نوع دوم ورودیه‌ها علاوه بر طریقت، موضوعیت نیز دارند و در فرایند تدریس حتماً باید استفاده شوند و آموزش داده شوند و در ارزشیابی می‌توان از آنها سؤال طراحی کرد. به عبارتی بخشی از متن آموزش است که در آن برخی از مفاهیم مرتبط با درس تبیین شده است. نمونه این نوع ورودیه را در درس بعد می‌بینید.

۲- تبیین بخش «جهان هدفمند»

در این بخش چند نکته اساسی مطرح شده است. در گام اول خلقت حکیمانه خدا بر مبنای حق بودن آفرینش تبیین می‌شود. دانش‌آموز با مفهوم اولیۀ حکمت آشناست و تدریس را می‌توان با پرسش از همین مفهوم آغاز کرد.

در ادامه بحث به انسان‌شناسی پرداخته می‌شود. پس از درک کامل حق بودن آفرینش، به خلقت حکیمانه انسان به عنوان یک جزء از خلقت پرداخته شده است. با اینکه انسان در این قاعده عام خلقت، یعنی هدفمند

بودن با سایر اجزای آفرینش همگون است، اما با موجودات دیگر در کیفیت وصول به هدف، تفاوت‌های اساسی دارد. این تفاوت‌ها ناشی از تفاوت در خلقت انسان و ویژگی‌های فطری اوست. ویژگی‌هایی نظیر قدرت تفکر، توانایی گزینش‌گری، بی‌نهایت‌طلبی، تنوع استعدادهای مادی و معنوی و... هر کدام از این ویژگی‌ها به شکل مستقل باید توسط دیر و البته با مشارکت دانش‌آموزان تبیین شوند و تصویر واضحی از آنها ارائه شود:

قدرت انتخاب: انسان، همواره در زندگی دست به انتخاب می‌زند و کارهای خود را برمی‌گزیند و پس از گزینش انجام می‌دهد. هر انسانی، به طور شهودی، قدرت انتخاب و قدرت تفکر را در خود می‌یابد و نیازی به استدلال ندارد. و هرکس بخواهد آن را انکار کند، با همین عمل قدرت تفکر و انتخاب خود را به اثبات رسانده است.

تنوع استعدادها: انسان فقط در مادیات خلاصه نشده و آفرینش روح در کنار جسم، نشان از وسعت استعدادهای او دارد. حیوانات و گیاهان محدود به استعدادهای مادی‌اند. اما انسان به دلیل بهره‌مندی از روحی الهی، استعدادهای فراوانی در عرصه امور غیرمادی دارد. این ویژگی به همراه ویژگی کمال‌طلبی وی، موجب می‌شود که انسان به دنبال مسیری باشد که از طریق آن استعدادهای گوناگون خویش را به کمال برساند.

بی‌نهایت‌طلبی: انسان در هر امری، بی‌نهایت آن را می‌خواهد و در یک حد متوقف نمی‌شود.

باید با ذکر نمونه‌ها و مثال‌های مختلف، درباره‌ی گرایش‌های مادی و معنوی، نشان دهیم که خواست انسان حد و مرزی نمی‌شناسد و در جایی متوقف نمی‌شود.

۳- تبیین بخش «اختلاف در انتخاب هدف»

مناسب است در ابتدا دانش‌آموزان فهرستی از اهداف و دل‌بستگی‌هایی را که در خود و اطرافیان‌شان سراغ دارند، ارائه دهند. پس از آنکه دانش‌آموزان فهرستی از هدف‌ها و دل‌بستگی‌های خود تهیه کردند و اختلاف آنها برایشان ملموس‌تر و روشن‌تر شد، زمینه برای این سؤال فراهم می‌آید که: چرا هدف‌ها و دل‌بستگی‌های مردم متفاوت است؟

ریشه و دلیل این تفاوت‌ها، اختلاف در دیدگاه‌ها و بینش‌های افراد است. این موضوع را باید با ذکر مثال‌هایی برای دانش‌آموزان توضیح داد.

ممکن است دانش‌آموزی بگوید علاقه به موسیقی، نقاشی یا خط، بیشتر به دلیل ویژگی‌های طبیعی و خلقتی افراد است و از ابتدا و در کودکی در آنها بوده است. آری، مواردی از علاقه‌ها این‌گونه است و خاستگاه آن از همان ابتدا در کودک بوده است. به آنها یادآور می‌شویم که در اینجا بحث ما روی دل‌بستگی‌ها و هدف‌هایی است که هرکس پس از رسیدن به رشد و آگاهی، انتخاب و به سوی آن حرکت می‌کند. این موارد با بینش انسان‌ها ارتباط دارد.

به همین جهت هم در این بحث، با اختلافها و تفاوت‌هایی که از کودکی در فرد بوده یا جنبه موروثی و ژنتیک داشته، کاری نداریم و درباره آنها بحث نمی‌کنیم.

۴- تبیین بخش «معیارهای انتخاب هدف‌های اصلی»

حال که دانش‌آموزان دریافته‌اند که فکر، دیدگاه و بینش انسان‌ها در انتخاب آنها تأثیر دارد، می‌توانند بگویند که فکر و بینش درست، به انتخاب درست می‌انجامد و بینش و فکر غلط به انتخاب غلط ختم می‌شود. پس باید ملاک و معیاری باشد که بدانیم هدف خود را درست انتخاب کرده‌ایم یا نه.

از اینجا دانش‌آموزان را متوجه خداوند و کتاب مقدسش قرآن می‌کنیم و می‌گوییم که چون خداوند بهترین راهنماست، به سراغش می‌رویم و از او می‌خواهیم که ما را به سوی بهترین معیارها و ملاک‌ها برای انتخاب هدف، راهنمایی کند.

۵- انجام فعالیت «تدریس»

آیات مرتبط با پیام	پیام
۱۸ اسراء	۱- برخی از هدف‌ها و دلبستگی‌ها محدود و پایان‌پذیر هستند و تنها پاسخ‌گوی برخی از استعدادها و مادی ما هستند.
۱۸ اسراء	۲- اگر کسی این هدف‌ها را به عنوان هدف اصلی برگزیند، ممکن است به مقداری از آن برسد.
۲۰۰ بقره، ۱۸ اسراء	۳- اگر کسی فقط این هدف‌ها را انتخاب کند، در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد و سرانجامش دوزخ است.
۱۹ اسراء، ۶۰ قصص	۴- برخی هدف‌ها پایان‌ناپذیر و همیشگی‌اند و پاسخ‌گوی استعدادها و مادی و معنوی بیشتری در وجود ما هستند.
۱۹ اسراء	۵- اگر کسی این هدف‌ها را به عنوان هدف اصلی برگزیند و برای رسیدن به آن تلاش کند، به هدف خود خواهد رسید.
۱۹ اسراء، ۱۸، ۶۰ قصص	۶- هدف‌های پایان‌ناپذیر همان هدف‌های اخروی هستند.
۱۹ اسراء، ۶۰ قصص	۷- هدف‌های پایان‌پذیر همان هدف‌های دنیوی هستند.
۲۰۱-۲۰۲ بقره	۸- اصل قرار گرفتن هدف‌های اخروی، مانع بهره‌مندی انسان از نعمت‌های دنیایی نمی‌شوند.
۱۸ اسراء، ۲۰۰ بقره	۹- اگر هدف‌های دنیوی اصل قرار گیرند، مانع رسیدن به هدف‌های اخروی می‌شوند.
<p>نتیجه: برنامه‌ریزی انسان باید دربرگیرنده اهداف اخروی و اهداف دنیوی باشد و به گونه‌ای تنظیم شود که اهداف اخروی اصل قرار گیرند و هدف‌های دنیوی فرع و تابع آنها باشند.</p>	

توضیح پیام اول: تعبیر «عاجله» در آیه ۱۸ اسراء، به معنای پایان پذیر می باشد. توضیح پیام دوم: نظام جهان و قانونمندی حاکم بر آن به گونه ای نیست که هر کس هر قدر برای دنیا و لذت های دنیایی تلاش کند، بتواند کامل به آن برسد. دنیا سرای تراحم است و ممکن است با وجود تلاش انسان، موانع مختلفی بر سر راهش قرار گیرد و مانع رسیدن وی به هدف شود.

توضیح پیام سوم: در این پیام باید به کلمه «فقط» توجه کرد. کسی که «فقط» هدف های دنیوی را برگزیند و توجهی به کمالات معنوی و اخروی ندارد، در دوزخ خواهد بود.

توضیح پیام چهارم: در آیه ۱۹ اسراء تعبیر «و من اراد الآخرة» آمده که در مقابل «و من اراد العاجلة» است. چون «عاجله»، پایان پذیر است، «آخرت» پایان ناپذیر می شود. در آیه ۶۰ قصص هم عبارت «و ما عند الله خیر و ابقى» در مقابل «فمتاع الحیاة الدنیا و زینتها» قرار گرفته که می رساند آنچه نزد خداست بهتر و باقی است و متاع دنیا تمام شدنی و پایان پذیر است.

توضیح پیام ششم: عبارت «و من اراد الآخرة» در مقابل «من کان یرید العاجلة» است و چون عاجله پایان پذیر است، آخرت پایان ناپذیر است و عبارت «و ما عند الله خیر و ابقى» در مقابل «فمتاع الحیاة الدنیا» است.

۶- انجام فعالیت «بررسی»

در انجام این فعالیت باید به چند نکته توجه داشت:

الف) هدف ها، چه پایان پذیر و چه پایان ناپذیر، همه خوب اند و انسان باید به دنبال هر دو باشد. انسان باید، هم به دنبال تندرستی، ورزش، ثروت، زندگی سالم و مانند آنها باشد و هم به دنبال عدالت، مهربانی، عبادت و مانند آنها. نباید حالتی در کلاس به وجود آید که دانش آموزان گمان کنند نباید به دنبال هدف های فرعی باشند.

ب) دانش آموزان باید تشخیص دهند که هدف های پایان پذیر را در قسمت فرعی و هدف های پایان ناپذیر را در قسمت اصلی قرار دهند. از آنها پرسید اگر کسی هدفی را که پایان پذیر است، به عنوان هدف اصلی قرار دهد، چه اتفاقی می افتد؟

دانش آموزان به این پرسش جواب هایی می دهند. در اینجا باید این نکته را برای آنها روشن کنیم که منشأ گناه از همین انتخاب غلط است. کسی که هدف های پایان پذیر و دنیایی را اصل قرار می دهد، تلاش می کند که از هر راهی شده به آنها برسد و چون انسان، بی نهایت طلب است، روز به روز حرص بیشتری می زند و برای رسیدن به آنها به هر کاری دست می زند.

مثلاً ممکن است برای رسیدن به لذت جنسی، چشم چرانی کند یا با جنس مخالف رابطه نامشروع برقرار کند و ... یا ممکن است برای رسیدن به ثروت و قدرت، حق دیگران را پایمال و به اموال آنها تجاوز کند. پس

زمانی زمینه گناه در انسان پیدا می‌شود که جای هدف‌های پایان‌پذیر و پایان‌ناپذیر عوض شوند.
 (ج) دسته‌بندی هدف‌ها به اصلی و فرعی، به معنای این است که هر دو هدف برای زندگی ما ضروری است. فقط نباید جای آنها را عوض کنیم.
 (د) اگر کسی بگوید: «من ثروت را برای کمک به دیگران می‌خواهم» آیا کسب ثروت برای او هدف اصلی است یا فرعی؟

به این پرسش می‌توان این‌گونه پاسخ داد که ما ثروت، قدرت جسمانی، قدرت سیاسی و مانند آنها را برای خودشان نمی‌خواهیم؛ بلکه ثروت را برای رسیدن به هدف‌های پایان‌ناپذیر مانند کمک به دیگران (رحمت، بخشش، مهربانی، عدالت و...) می‌خواهیم؛ پس ثروت جزء اهداف فرعی است و احسان به دیگران هدف اصلی.

۷- تبیین بخش «برترین هدف» و مفهوم «تقرب به خداوند»

در قسمت‌های قبل ملاک برتری هدف‌های اصلی نسبت به هدف‌های فرعی ارائه شد. در اینجا باید «خدا و تقرب به او» را برای دانش‌آموزان توضیح دهیم؛ وقتی می‌گوییم هدف زندگی «تقرب به خداوند» است، این عبارت برای دانش‌آموز ملموس نیست؛ به همین دلیل در او ایجاد انگیزه و شوق نمی‌کند. ممکن است برای او این سؤال مطرح شود که آیا «تزدیک شدن به خدا» نزدیک شدن مکانی است؟ مگر ما از خدا دوریم که بخواهیم به او نزدیک شویم؟ مگر خداوند فرموده است: «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»؛ اصولاً نزدیکی به خداوند چه لذتی برای ما دارد؟

انسان به طور فطری به دنبال خوبی‌ها و زیبایی‌هاست و با رسیدن به هر زیبایی، هم بر کمال وجودی خود می‌افزاید و هم احساس لذت و شادمانی می‌کند. او همان‌طور که از رسیدن به یک زیبایی و کمال مادی، لذت می‌برد، با رسیدن به کمالات و زیبایی‌های معنوی، لذت‌های بزرگ‌تر و پایدارتری می‌برد؛ زیرا میزان لذت و شادی به بزرگی آن زیبایی، بستگی دارد. هرچه زیبایی بزرگ‌تر و پایدارتر باشد، لذت از آن هم بیشتر و پایدارتر است.

استعداد انسان برای درک خوبی‌ها و زیبایی‌ها، حد و نهایت ندارد و هر قدر که در این مسیر بالاتر برود، باز هم ظرفیت او بزرگ‌تر و تمام نمی‌شود و باز هم می‌تواند بالاتر رود و به لذت‌های عظیم‌تر دست یابد. در واقع، انسان به دنبال کمال بی‌نهایت و زیبایی بی‌نهایت است که همان رسیدن به خداست.

بالا رفتن در مسیر کمال و بهره‌مند شدن روزافزون از زیبایی‌ها، چیزی جز تقرب به خدا نیست. هر قدر بر کمال وجودی ما افزوده می‌شود، در عین حال که از این حالت خود لذت می‌بریم، قدمی نیز به خدا نزدیک شده‌ایم. به عبارت دیگر، تقرب به خدا یعنی بهره‌مندی بیشتر از سرچشمه زیبایی‌ها و قدمی به کمال نزدیک شدن.

با توجه به دو ویژگی انسان در کمال طلبی؛ یعنی متنوع بودن استعدادهای کمالی و بی‌نهایت‌طلبی در کمال، هر چقدر هدفی که انتخاب می‌کنیم، جامع‌خوبی‌ها و زیبایی‌های بیشتری باشد و ما را به درجه بالاتری از خوبی‌ها برساند، کامل‌تر است.

باید توجه دانش‌آموزان را به این نکته جلب کنیم که هرچه اهداف ما جامع‌تر و تلاش ما برای رسیدن به آنها بیشتر باشد، وجود ما زیباتر خواهد بود و احساس رضایت بیشتری خواهیم داشت. انتخاب خدا با اصل انتخاب اهداف جامع همسو است، زیرا خداوند جامع تمام صفات نیک و سرچشمه آنهاست و از سوی دیگر در هر صفتی بی‌نهایت است. اتصال به او اتصال به خوبی‌های بی‌نهایت است. روح بی‌نهایت طلب و کمال طلب انسان تنها با هدف قرار دادن او می‌تواند به آرامش برسد.

۸- انجام فعالیت «تدبیر»

براساس آیه ذکر شده در این تدبیر، تمامی زندگی انسان می‌تواند رنگ و بوی خدایی بگیرد اگر انسان در همه فعالیت‌های خود رضایت خدا را مدنظر قرار دهد و ببیند چه کاری او را به خدا نزدیک‌تر می‌کند؛ یعنی انسان در انتخاب رشته، دوست، همسر، شغل و... رضای خدا را در نظر گیرد. با این معیار، جهت‌زندگی انسان عوض می‌شود و برنامه‌ها و فعالیت‌هایش رنگ و بوی الهی می‌گیرد.

۹- اندیشه و تحقیق

۱ «صد» در این شعر اشاره به مفهوم کامل بودن و جامعیت دارد و در اینجا می‌تواند اشاره داشته باشد به هدف‌های جامعی که دربرگیرنده همه اهداف جزئی‌تر نیز هستند. «نود» نیز همان اهداف کوچک‌تر و فرعی هستند. همان‌طور که عدد صد دربرگیرنده تمام اعداد کوچک‌تر از خود است، هدفی نیز وجود دارد که انسان با انتخاب آن به‌عنوان هدف زندگی، می‌تواند به سایر اهداف نیز دست یابد و آن هدف، قرب به خداست.

۲ الف) زیرکی افراد مؤمن به این دلیل است که با انتخاب خدا و قرب به او به‌عنوان هدف اصلی زندگی، هم دنیا را به دست می‌آورند و هم آخرت، چرا که در آیه ۱۳۴ سوره نساء به این مطلب اشاره شد که هرکس که پاداش و نعمت دنیا و آخرت را می‌خواهد باید به خدا روی بیاورد، زیرا پاداش دنیا و آخرت نزد خداست. برخلاف افراد بی‌ایمان، که اگرچه خود را زیرک می‌دانند اما با فراموشی آخرت و چسبیدن به دنیا، از نعمات عظیم آخرت بی‌بهره‌اند.

ب) خسارت چنین فردی این است که اولاً با انتخاب چنین هدفی، سایر استعدادهای خود را محروم نگه می‌دارد و رشد تک‌بعدی دارد و ثانیاً تنها می‌تواند به برخی نعمت‌های دنیوی برسد اما در آخرت هیچ توشه و بهره‌ای ندارد.

۳ این سخن اشتباه است. انتخاب خدا و نیل او به‌عنوان هدف زندگی به معنای بی‌توجهی به دنیا نیست بلکه فقط به این معناست که جای هدف اصلی و فرعی عوض نشوند و انسان همه فکر و ذکر خود را معطوف

به دنیا نکند و از خدا و معنویات غافل نشود. کسی که خدا را هدف زندگی خود قرار می‌دهد، به کسب و کار و تجارت و سایر فعالیت‌های دنیوی نیز مشغول است اما زندگی را در پول و مادیات خلاصه نمی‌کند بلکه در همین تجارت و کسب و کار نیز خدا را در نظر می‌گیرد. ثروت‌اندوزی حرام ندارد و از همین ثروت نیز با انفاق و صدقه و ... برای کسب رضایت خدا استفاده می‌کند.

۴ این حکایت می‌خواهد توجه انسان را به اهمیت یافتن هدف زندگی معطوف کند، اینکه انسان بداند برای چه خلق شده و بایستی به سوی کدام مقصد حرکت کند. از این‌رو این حکایت با ورودیه درس و بحث هدفمندی مرتبط است.

هـ) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

۱ غایت فطری و نوعی انسان «تقرب به خدا» است؛ یعنی خمیره و طبیعت انسان برای رسیدن به خدا سرشته شده است. خداوند خیر مطلق است و انسان به خیر مطلق گرایش دارد. در خمیر مایه انسان حبّ به خیر و کمال تعبیه شده است. در مقابل، انسان از شر متنفر است؛ زیرا حقیقت شر، نیستی و نابودی است و آدمی از آن متنفر است. به همین جهت، علمای اخلاق و عرفان می‌گویند که آدمی در فطرت خود تنفر از نقص و انزجار از شر و شقاوت را هم دارد. حال اگر فطرت، محکوم احکام طبیعت شود و روحانیت خود را از دست بدهد، مبدأ همه بدی‌ها می‌شود و به آن «فطرت محجوبه» می‌گویند. امام خمینی رحمته‌الله علیه می‌فرماید:

«و تفصیل این اجمال آنکه: حق - تبارک و تعالی - با عنایت و رحمت خود، به ید قدرت خود، که طینت آدم اول را مخمر فرمود، دو فطرت و جبلّت به آن مرحمت نمود: یکی اصلی و دیگری تبعی، که این دو فطرت، بُراق سیر و رُفرع عروج او است به سوی مقصد و مقصود اصلی و آن دو فطرت، اصل و پایه جمیع فطریاتی است که در انسان مخمر است و دیگر فطریات، شاخه و اوراق آن است.

یکی از آن دو فطرت - که سِمَت اصلیت دارد - فطرت عشق به کمال مطلق و خیر و سعادت مطلقه است که در کانون جمیع سلسله بشر، از سعید و شقی و عالم و جاهل و عالی [و] دانی، مخمر و مطبوع است. و اگر در تمام سلسله بشر انسان تفحص و گردش کند و جمیع طوایف متشکته و اقوام متفرقه در عالم را تفتیش کند، یک نفر را نیابد که به حسب اصل جبلّت و فطرت، متوجه به کمال و عاشق خیر و سعادت نباشد.

و مقصود از فطریات، اموری است که بدین مثابه باشد و از این جهت، احکام فطرت از ابده بدیهیات و از اوضح واضحات خواهد بود و اگر چنین نشد از فطریات نخواهد بود.

و دیگری از آن دو فطرت، که سِمَت فرعیّت و تابعیت دارد، فطرت تنفر از نقص و انزجار از شر و شقاوت است که این مخمر بالعرض است و به تبع آن فطرت عشق به کمال، تنفر از نقص نیز مطبوع و مخمر در انسان است (و ما پس از این، شرحی از این باب مذکور می‌داریم).

و این دو فطرت، که ذکر شد، فطرت مخموره غیر محجوبه است که محکوم احکام طبیعت نشده و وجهه روحانیت و نورانیت آنها باقی است و اگر فطرت متوجه به طبیعت شد و محکوم به احکام آن گردید و محجوب از روحانیت و عالم اصلی خود شد، مبدأ جمیع شرور و منشا جمیع شقاوت و بدبختی هاست، که تفصیل آن بیاید. پس مقصود از خیر - که وزیر عقل است و جمیع جنود عقلیه در ظل توجه و تصرف آن است - فطرت مخموره متوجه به روحانیت و مقام اصلی خود است و از شر - که وزیر جهل و همه جنود جهل از طفیل آن است - فطرت محکومه طبیعت و محجوبه به احکام آن است.^۱

سپس در توضیح مطلب می فرماید :

«بدان که از برای قلب، که مرکز حقیقت فطرت است، دو وجهه است : یکی وجهه به عالم غیب و روحانیت؛ و دیگر، وجهه به عالم شهادت و طبیعت.

و چون انسان ولیده عالم طبیعت و فرزند نشئه دنیا است - چنان که آیه شریفه «فَأَمَّهُ هَاوِيَةً»^۲ نیز شاید اشاره به آن باشد - از بدو خلقت در خلاف طبیعت تربیت شود و روحانیت و فطرت در این حجاب وارد شود و کم کم احکام طبیعت بر آن احاطه کند و هر چه در عالم طبیعت رشد و نمای طبیعی کند، احکام طبیعت بر آن بیشتر چیره و غالب شود و چون به مرتبه طفولیت رسد، با سه قوه هم آغوش باشد که آن قوه شیطنت - که ولیده و اهمه است - و قوه غضب و شهوت می باشد. و هر چه رشد حیوانی کند، این سه قوه در او کامل شود و رشد نماید و احکام طبیعت و حیوانیت بر آن غالب شود؛ و شاید کریمه شریفه : «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ * ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ»^۳ اشاره باشد به نور اصلی فطرت، که تخمیر به بد قدرت حق تعالی شده و آن «احسن تقویم» است؛ زیرا که بر نقشه کمال مطلق و جمال تام است، و رد به «اسفل سافلین» اشاره به این احتجاب طبیعت - که اسفل سافلین است - باشد؛ و چون این احتجابات و ظلمات و کدورات بر نفس غالب و چیره است و کم اتفاق افتد که کسی به خودی خود بتواند از این حجب بیرون آید و با فطرت اصلیه سیر به عالم هستی خود بنماید و به کمال مطلق و نور و جمال و جلال مطلق برسد، حق - تبارک و تعالی - به عنایت ازلی و رحمت و اسعه، انبیاء عظام علیهم السلام را برای تربیت بشر فرستاد و کتب آسمانی را فرو فرستاد تا آنها از خارج، کمک به فطرت داخلیه کنند و نفس را از این غلاف غلیظ نجات دهند.

و از این جهت احکام آسمانی و آیات باهرات و دستورات انبیای عظام و اولیای کرام، بر طبق نقشه فطرت و طریقه جبلت بنا نهاده شده و تمام احکام الهی به طریق کلی به دو مقصد منقسم شود که یکی، اصلی و استقلال، و دیگر فرعی و تبعی است و جمیع دستورات الهیه به این دو مقصد، یا بی واسطه یا با واسطه، رجوع کند. مقصد اول - که اصلی است و استقلال - توجه دادن فطرت است به کمال مطلق، که حق - جل و علا -

۱- شرح حدیث جنود عقل و جهل، صص ۷۸-۷۶.

۲- قارعه، ۹.

۳- تین، ۴ و ۵.

و شئون ذاتیه و صفاتیه و فعالیتیه اوست که مباحث مبدأ و معاد و مقاصد ربوبیات از ایمان بالله و کتب و رسل و ملائکه و یوم الآخرة، اهم و عمده مراتب سلوک نفسانی و بسیاری از فروع احکام از قبیل مهمات صلاة و حج، به این مقصد مربوط است، یا بی واسطه یا با واسطه.

مقصد دوم که عَرَضی و تبعی است، تنفر دادن فطرت است که از شجره خبیثه دنیا و طبیعت که ام النقایص و ام الامراض است. و بسیاری از مسائل ربوبیات، و عمده دعوت‌های قرآنی و مواظب الهیه و نبویه و ولویه، و عمده ابواب ارتیاض سلوک و کثیری از فروع شرعیات از قبیل صوم و صدقات واجبه و مستحبه و تقوا و ترک فواحش و معاصی به آن رجوع کند.

و این دو مقصد، مطابق نقشه فطرت است، چنانچه دانستی که در انسان دو فطرت است: فطرت عشق به کمال و فطرت تنفر از نقص. پس جمیع احکام شرایط، مربوط به فطرت است و برای تخلص فطرت از حجب ظلمانیة طبیعت است»^۱.

عبارت آخر به نکته‌ای بسیار مهم و اساسی اشاره دارد. امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «پس جمیع احکام شرایع مربوط به فطرت است و برای تخلص فطرت از حجب ظلمانیة طبیعت است». ایشان در این عبارت کوتاه به علت غایبی ادیان الهی و ارسال رسل و انزال شریعت اشاره می‌کند. دین، قانون تکامل انسان برای نیل به آن غایت فطری است و اگر آن غایت، غایت نوعی و برخاسته از حاق ذات آدمی است، دین راهنمای وجود نوعی انسان برای نیل به فعلیت نوعی اوست؛ یعنی دین تماماً با هویت آدمی سروکار دارد. به همین جهت زندگی آدمی که بستر نیل به آن کمالات است، باید کاملاً دینی باشد، در غیر این صورت نیل به غایت و مقصود به‌طور کامل میسر نخواهد شد.

۲ لذت و شادی با نیل به کمال و سعادت، متلازم یا عین آن است. ابن سینا در تعریف لذت می‌گوید: «إِنَّ اللَّذَّةَ هِيَ إدْرَاكٌ وَ نَيْلٌ لِّوُصُولِ مَا هُوَ عِنْدَ الْمَدْرَكِ كَمَالٌ وَ خَيْرٌ مِنْ حَيْثُ هُوَ كَذَلِكَ. وَ الْإِلْمُ إدْرَاكٌ نَيْلٌ لِّوُصُولِ مَا هُوَ عِنْدَ الْمَدْرَكِ آفَةٌ وَ شَرٌّ»^۲ یعنی لذت یک نوع رسیدن و ادراک است که از رسیدن به چیزی که برای ادراک‌کننده کمال و خیر است، از آن جهت که کمال و خیر است، حاصل می‌گردد و درد یک نوع ادراک است که از رسیدن به چیزی که نسبت به مدرک زیان‌آور و شر است، پیدا می‌شود.

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، میان لذت و کمال و خیر رابطه‌ای وجود دارد. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «الهی من ذا الذی ذاق حلاوة محبتک فرام منک بدلاً»^۳ کسی که مزه محبت خدا را چشید و از آن لذت برد، به دنبال بدیل و جایگزینی نخواهد رفت. یعنی رسیدن به محبت خدا، بالاترین لذت‌هاست.

۱- شرح حدیث جنود عقل و جهل، صص ۷۸-۸۰.

۲- «الانشارات و التنبیها»، النمط الثامن فی البهجة و السعادة.

۳- مفتاح الجنان، مناجات خمس عشر (مناجات‌المحبین).

همچنین در مناجات دیگری، ضمن بیان احوال مؤمنانی که به کمال و لقای پروردگار رسیده‌اند، می‌فرماید: «واستقر بادراک السؤل و نیل المأمول قراؤهم»^۱. دو لفظ «ادراک» و «نیل» همان الفاظی است که ابن‌سینا در تعریف لذت از آن استفاده کرده است. «درک سؤل» به معنای رسیدن به مطلوب است و با «نیل مأمول» که رسیدن به آرزوست، ملازمت و همراهی دارد و این چیزی جز همان رسیدن به کمال و غایت و مقصود نیست. براساس این تحلیل، بالاترین ادراک و وصول که بالاترین لذت و بهجت را دارد، ادراک قرب حق تعالی است که هر انسانی بالفطره طالب آن است و به همین جهت، این وصول باید مقصود اصلی انسان باشد.

۳ این شعر که از شیخ اجل سعدی است، هم حکایتگر روح بی‌نهایت‌طلب انسان و هم توصیف ذات بی‌نهایت خدای متعال است:

همه عمر بردارم سر ازین خمار مستی	که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی
تو نه مثل آفتابی که حضور و غیبت افتد	دگران روند و آیند و تو همچنان که هستی
چه حکایت از فراق که نداشتم ولیکن	تو چو روی باز کردی در ماجرا بیستی
نظری به دوستان کن که هزاربار از آن به	که تحیتی نویسی و هدیتی فرستی

(و) منابع

- ۱ انسان کامل، استاد شهید مطهری (برای معلم)
- ۲ فطرت، استاد شهید مطهری (برای معلم)
- ۳ فطرت در قرآن، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء (برای معلم)
- ۴ سرشت انسان، علی شبروانی، نهاد نمایندگی رهبری (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۵ ده نکته از معرفه النفس، اصغر طاهرزاده، لب‌المیزان (برای معلم)
- ۶ انسان و خلافت الهی، محمد شجاعی، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۷ تکامل اجتماعی انسان، استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا (برای معلم)
- ۸ جوان و انتخاب بزرگ در زندگی، اصغر طاهرزاده، لب‌المیزان (برای دانش‌آموز)
- ۹ خدا و خلقت من چرا؟، محسن عباسی، نشر و پژوهش معناگرا (برای دانش‌آموز)
- ۱۰ خودشناسی برای خودسازی، محمدتقی مصباح یزدی، مؤسسه امام خمینی (برای معلم)
- ۱۱ فطرت و دین، علی ربانی، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر (برای معلم)
- ۱۲ کمالات وجودی انسان، محمد شجاعی، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر (برای معلم و دانش‌آموز)

پرواز ۱

درس ۲

الف) اهداف

۱- هدف کلی : آشنایی با ویژگی‌های انسان و تأثیر این ویژگی‌ها در سرنوشت انسان و تلاش برای بهره‌گیری از آنها در مسیر تقرب به خداوند

۲- اهداف آموزشی :

- درک ضرورت خودشناسی و تأثیر آن در برنامه‌ریزی زندگی
- شناخت فضیلت‌ها و اوصاف انسان در قرآن کریم
- تبیین سرمایه‌های رشد و عوامل سقوط در وجود انسان

ب) محورهای اصلی درس

- ۱ خودشناسی، سودمندترین دانش‌ها در مسیر تقرب به خدا است.
- ۲ براساس شواهد، خداوند متعال برای انسان در نظام هستی جایگاه ویژه‌ای قائل شده است.
- ۳ مهم‌ترین سرمایه‌های انسان در مسیر قرب الی‌الله، قدرت انتخاب و تعقل، شناخت خیر و گرایش به آن، شناخت شر و بیزاری از آن، وجدان و وجود پیامبران و پیشوایان دین است.
- ۴ میان سرمایه‌های انسان و هدف او تناسب وجود دارد.
- ۵ موانع رسیدن به قرب الهی عبارت‌اند از : شیطان و نفس اماره.
- ۶ شیطان راه‌های محدودی برای نفوذ در انسان دارد.
- ۷ شیطان بر انسان تسلط ندارد.

ج) اجزای تدریس

این درس دارای اجزای زیر است :

۱- ورودیه

دبیر محترم با استفاده از مقدمهٔ درس و سیری که انسان در پیش دارد و نیز با بهره‌گرفتن از احادیث و سخنان بزرگان، انگیزهٔ دانش‌آموزان برای خودشناسی را تقویت می‌کند.

۱- عنوان «پرواز» در این درس، اشاره به سرمایه‌های انسان دارد که همچون پروبال باعث پرواز انسان به سوی کمال و قرب الهی می‌شود.

توجه کنیم که خودشناسی بر دو قسم است :

الف) خودشناسی به معنای انسان‌شناسی؛ یعنی هرکس ویژگی‌های انسانی خود را بشناسد و بداند که به عنوان نوع انسان دارای چه خصوصیت‌هایی است. این ویژگی‌ها در انسان‌ها مشترک است و به فرد خاصی اختصاص ندارد.

ب) خودشناسی به معنای اینکه هرکس خصوصیات روحی و روانی و نقاط ضعف و نقاط قوت خود را بشناسد تا بتواند برای خود برنامه ریزی کند.

مقصود از خودشناسی در این درس، معنای اول است که به معنای انسان‌شناسی نیز هست. این شناخت، هر قدر عمیق‌تر و جدی‌تر باشد، هدف‌گذاری فرد در زندگی بنیادی‌تر و درست‌تر خواهد بود.

۲- تبیین بخش «سرمایه‌های انسان»

تبیین و توضیح هر یک از سرمایه‌های وجودی انسان با یک فعالیت، همراه است. بنابراین، خوب است که ابتدا دبیر توضیحی درباره هر ویژگی بدهد؛ سپس به دانش‌آموزان فرصت دهد که نام مناسبی برای آن ویژگی انتخاب کنند.

تذکر اول : هنگام توضیح هر ویژگی، دبیر باید به گونه‌ای عمل کند که نام آن ویژگی را در جملات خود بر زبان نیاورد، اما دانش‌آموزان را طوری راهنمایی کند تا خود آنها به آن نام برسند.

تذکر دوم : معمولاً دانش‌آموزان، نام‌های مشابه و نزدیک به هم خواهند گفت؛ بهتر است دبیر به آن نامی بیشتر توجه کند که در عین مرتبط بودن با متن، نتیجه تفکر خود دانش‌آموز باشد و از کتاب‌های کمک آموزشی گرفته نشده است.

اینک ویژگی‌ها :

قبل از پرداختن به ویژگی‌های انسان به، جایگاه او در نظام خلقت و تفاوت انسان با سایر موجودات اشاره شده است. این محتوا بر اساس عبارات «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» و «وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» از آیه ۷۰ سوره اسراء تبیین شده است.

ویژگی اول انسان، قدرت عقل و تفکر است که سبب می‌شود انسان بتواند راه درست را از راه غلط تشخیص دهد و به حقایق پی ببرد.

انجام فعالیت «تدبّر»

در این فعالیت، از دانش‌آموزان خواسته شده، آثار دیگر بهره‌گیری از سرمایه عقل را که قرآن به آن اشاره کرده بیان کنند. توجه شود که در این فعالیت بر روی آثار دیگر تأکید شده و از این رو نباید آثاری که در متن درس بیان شده است مجدداً بازگو شود. این آثار دیگر در آیه اول عبارت است از توجه و گرایش به احکام و دستورات دین که نقطه مقابل آن، انکار و به سخره گرفتن این دستورات است. در آیه دوم نیز اثر دیگر عقل

نجات دادن انسان از جهنم و عذاب الهی است؛ یعنی تعقل و عمل به دستورات عقل، بازدارنده انسان از سقوط در جهنم است.

ویژگی دوم انسان، قدرت اختیار و انتخاب است. این قدرت سبب می‌شود انسان مسئول اعمال خودش باشد و عواقب کارهای خود را، هم در دنیا و هم در آخرت بر دوش بگیرد. در آیه سوم سوره انسان به این ویژگی اشاره شده است. خداوند در این آیه می‌فرماید که ما راه رستگاری و سعادت را به انسان نشان می‌دهیم. این خود انسان است که می‌تواند شاکر باشد و این راه را بپذیرد و به خوشبختی برسد یا ناسپاس باشد و کفران نعمت کند و از راه حق سربیزی نماید و به شقاوت برسد.

ویژگی سوم انسان، این ویژگی همان فطرت خدا آشنا و خداگراست. یعنی خداوند ما را به گونه‌ای خلق کرده که اول وقتی با خود تأمل می‌کنیم و به خود می‌نگریم، خدا را می‌یابیم، ثانیاً محبت و دوستی به خداوند را در خود احساس می‌کنیم.

ویژگی چهارم انسان، گرایش به خیر و نیکی است. هر انسانی عدالت، شجاعت، ایثار و... را دوست دارد و از ظلم، زبونی، بخل و مانند آنها، بیزار است. یعنی انسان فطرتاً به فضیلت‌های اخلاقی گرایش دارد و از رذایل اخلاقی متنفر است.

قرآن کریم به این ویژگی در آیات ۷ و ۸ سوره شمس اشاره کرده است. طبق این آیه، خداوند فجور و تقوا را به انسان الهام کرده است. یعنی هر انسانی در درون خود درمی‌یابد که زشتی و گناه چیست و تقوا چگونه است. مقصود از این آیه، این نیست که خداوند هم استعداد زشتی به انسان داده و هم استعداد خوبی و در نتیجه، هم گرایش به خوبی داشته باشد و هم گرایش به بدی. بلکه مقصود آن است که انسان زشتی و زیبایی و بدی و خوبی را درک می‌کند و چون می‌داند که چه چیزی بد است، گرایش به آن ندارد.

ویژگی پنجم انسان، داشتن وجدان است. نفس انسان، از آن حیث که گناه و تقوا را درک می‌کند، «نفس لوامه» نام دارد. این نام به این دلیل است که وقتی انسان گناهی مرتکب می‌شود، خودش، خودش را سرزنش می‌کند و از ارتکاب گناه پشیمان می‌شود.

ویژگی ششم انسان، برای حرکت انسان به سوی رشد و رستگاری، هدایت الهی و امدادهای اوست که به کمک انسان می‌آید و از انسان دستگیری می‌کند و با نیروی مضاعف او را به پیش می‌برد.

هدایت الهی به صورت ارسال پیامبران و انزال کتب آسمانی و امامان معصوم است که آنان مردم را انداز می‌کنند و بشارت می‌دهند و با روش‌های مناسب به تبلیغ دین می‌پردازند.

۳- تبیین بخش «بیشتر بدانیم»

هدف این بخش این است که به مخاطبان این نکته را خاطر نشان شود که در درون ما گنج عظیمی است که برتر از تمام گنج‌های مادی است؛ انسان همیشه در بیرون خویش به دنبال گنج است غافل از این که اگر به

توانایی‌ها و استعداد‌های درونی خویش واقف شود و آنها را به کار گیرد، بالاترین گنج زندگی خود را یافته و خیر دنیا و آخرت خود را رقم زده است. این مطلب در قالب داستانی از مثنوی معنوی، برای مخاطبان تبیین شده است.

۴- تبیین «موانع رسیدن به هدف»

پس از تبیین سرمایه‌های رشد و کمال در انسان و انجام فعالیت‌های آن، نوبت به تعیین عوامل سقوط و گناه می‌شود. در اینجا نیز دو عامل مشخص شده است: یک عامل درونی و یک عامل بیرونی.

اولین عامل گناه، نفس اماره است. نفس اماره، جنبه‌ای از نفس است که ما را دعوت به لذت‌های مادی می‌کند و آتش هوس را در انسان تقویت می‌کند و به سمت لهو و لعب می‌کشاند. این تحریک به گونه‌ای است که اگر انسان نتواند از راه مشروع و صحیح به آن لذت‌های مادی برسد، وادار می‌شود که از طریق غیر مشروع و گناه به آنها برسد.

در واقع، انسان از ابتدا و به صورت مستقیم گناه را نمی‌خواهد و به سوی گناه که عبارت از دروغ، ظلم، تجاوز به اموال و ناموس دیگران و مانند آنها است، نمی‌رود؛ بلکه نفس اماره و هوس، او را به سوی لذت‌های مادی مانند لذت جنسی، لذت غذا، پول، ثروت و قدرت دعوت می‌کند. انسانی که این لذت‌ها تمام توجه او را به خود جلب کند، چون می‌بیند از راه مشروع و درست نمی‌تواند آن گونه که می‌خواهد پاسخگوی هوس خود باشد، به دروغ، ظلم و تجاوز رو می‌آورد.

تذکر: این بحث با اهداف اصلی و فرعی در درس اول ارتباط دارد. در آنجا بیان شد که اهداف دنیایی که همان لذت‌ها و امور مادی دنیا هستند، در صورتی که به عنوان هدف فرعی انتخاب شوند، نه تنها بد نیستند، بلکه لازم و ضروری‌اند و به ما در رسیدن به هدف‌های اصلی کمک می‌کنند. اما کسی که اهداف مادی دنیا را به عنوان هدف اصلی برمی‌گزیند، به دنبال هوس خود می‌رود و نسبت به اهداف اصلی و پایان‌ناپذیری توجه است و آن اهداف را فدای این اهداف کرده است. به همین جهت، ظلم می‌کند تا به مال برسد، حقوق دیگران را ضایع می‌کند تا به لذت جنسی برسد و سایر گناهان را مرتکب می‌شود تا به هوس‌های خود برسد.

انسان مؤمن و دیندار که تابع برنامه‌های الهی است، به لذت‌های مادی، به اندازه‌ای توجه می‌کند که بتواند زندگی سالمی داشته باشد و در این زندگی سالم به عبادت خداوند و کسب فضایل و صفات نیک بپردازد و به سعادت جاوید برسد.

آیه ۱۶ سوره ق، به این نفس وسوسه‌گر اشاره می‌کند. اصطلاح «نفس اماره» از آیه ۵۳ سوره یوسف گرفته شده است. در این آیه، حضرت یوسف علیه السلام می‌فرماید:

وَمَا أُبْرِيْ نَفْسِيْ
إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ

من خود را تبریئه نمی‌کنم
که نفس آدمی بسیار به بدی فرمان می‌دهد

مگر آنکه پروردگارم رحمت آورد
همانا پروردگارم آمرزگار و مهربان است

إِلَّا مَا رَجِمَ رَبِّي
إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ

در این آیه، حضرت یوسف علیه السلام با فروتنی و تواضع از نفس انسان خبر می‌دهد؛ نفسی که فرمان‌دهنده و دعوت‌کننده به بدی است. از این رو، آن را «نفس اماره به بدی» نام داده‌اند و به صورت خلاصه، «نفس اماره» می‌گویند.

عامل دوم گرایش به گناه، عاملی بیرونی به نام شیطان است. آیات ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره بقره، کار شیطان و نقش او در گمراهی انسان را توضیح می‌دهد.

در این آیات، خداوند از انسان می‌خواهد از وسوسه‌های شیطان پیروی نکند؛ زیرا او دشمن انسان است و این دشمنی را اعلام کرده است. در داستان خلقت حضرت آدم علیه السلام و سجده فرشتگان بر انسان، آمده است که شیطان که در مقام فرشتگان و در جمع آنان قرار گرفته بود، استکبار ورزیده و بر آدمی سجده نکرد و از درگاه خداوند رانده شد و سوگند یاد کرد که از هر طرف، وارد شود و انسان را گمراه کند و با خودش به آتش عذاب درآورد.

تذکر ۱: ما باید بتوانیم دشمنی شیطان و کینه او نسبت به انسان را برای دانش‌آموزان به صورت جدی مطرح کنیم تا آنها خطر شیطان را دریابند و نسبت به کارها و وسوسه‌های او وا همه داشته باشند و در مقابل وسوسه‌های او ایستادگی کنند.

همچنین باید نشان دهیم که شیطان هیچ اختیاری نسبت به انسان ندارد و کارش فقط وسوسه‌گری است. این وسوسه، اختیار و مسئولیت انسان را از بین نمی‌برد. وسوسه شیطان گاهی در قالب راهنمایی‌های یک دوست بد، جلوه می‌کند؛ یعنی آن دوست بد، واسطه شیطان می‌شود و به سراغ ما می‌آید.

راه درونی وسوسه شیطان، همین نفس اماره است. همین نفسی که ما را تحریک می‌کند تا برای رسیدن به لذت‌های مادی به راه مشروع و درست قناعت نورزیم و از راه گناه و نامشروع وارد شویم. بنابراین، اگر ما بتوانیم نفس اماره را مهار کنیم، می‌توانیم مانع ورود شیطان به درون خود شویم.

تذکر ۲: یکی از جریان‌های منحرف فرهنگی و اعتقادی که در دنیا شیوع پیدا کرده، شیطان‌پرستی است. زمینه اصلی رشد چنین اندیشه‌ای، ماهیت تمدن جدید است که به دلیل قربات آن در بسیاری از محورها با اندیشه‌های شیطانی و غیرالهی، فرصت رشد این جریان را فراهم کرده است. اگر به داستان هبوط حضرت آدم علیه السلام به زمین، دقت کنیم و آن را با شرایط عصر جدید تطبیق دهیم، می‌توانیم این قربات را ببایم که در اینجا مجال گفتن آن نیست.

همین قدر اشاره می‌کنیم که قرآن کریم در آیات ۲۰ تا ۲۷ سوره اعراف توضیح می‌دهد که هدف پشت پرده شیطان از ترغیب آدم و حوا برای خوردن ممنوعه، پدیدار شدن شرمگاه و بدی‌های جنسیتی آنها و در یک

کلام، برهنگی بود تا بدین وسیله زمینه فساد آنها را فراهم کند. اما آدم و حوا که دارای عفاف فطری بودند، همین که برهنگی خود را یافتند، با برگ و شاخ درختان جنگل خود را پوشاندند و از فساد رهایی یافتند. خداوند پس از نقل این داستان با جملاتی مؤثر و تندی به بنی آدم هشدار می‌دهد که شیطان شما را نفریبد و به برهنگی نکشاند و در فساد غوطه‌ور نکند. اگر بخواهیم یکی از ویژگی‌های فرهنگی عصر جدید را بیان کنیم که آن را از تمام دوران‌های گذشته متمایز کند، ویژگی «برهنگی» است و این از قرابت‌های فرهنگی عصر جدید با فرهنگ شیطانی است.

اینکه چگونه برخی از انسان‌ها کارشان در انحراف و فساد به جایی می‌رسد که دشمن حقیقی خود را می‌پرستند و شیطان پرستی شکل می‌گیرد، نیازمند تحلیل و بررسی است و این تحلیل فقط با استناد به آیات قرآن کریم و روایات امامان معصوم علیهم‌السلام بزرگوار امکان‌پذیر است.

دیران محترم، بدون اینکه به جریان‌های شیطان پرستی در کلاس اشاره کنند، باید دشمنی شیطان با بنی آدم را با زبان مناسب و تحلیل درست برجسته کنند تا دانش‌آموزان، کینه درونی خود را نسبت به شیطان و شیطان‌صفتی حفظ نمایند.

۵- انجام فعالیت «تدبیر»

با توجه به ترجمه آیات بگوئید شیطان از چه راه‌هایی انسان را فریب می‌دهد؟

- ۱ از طریق وسوسه انسان به شراب‌خواری و قمار
- ۲ زینت دادن و خوب جلوه دادن اعمال زشت برای انسان
- ۳ مشغول کردن انسان به آرزوهای دور و دراز برای غافل شدن از آخرت

۶- اندیشه و تحقیق

۱ شیطان قدرتی ندارد که مانع اختیار و اراده ما شود، شیطان فقط وسوسه می‌کند، دعوت به بدی‌ها می‌کند و این انسان است که با اختیار و اراده خود می‌تواند مقابل وسوسه‌های شیطان بایستد و یا تسلیم دعوت او شود.

۲ میان «توانایی‌ها و سرمایه‌ها» با «هدف» هماهنگی وجود دارد؛ هرچقدر سرمایه‌های انسان بیشتر باشند، بایستی روبه سوی هدف‌های بزرگ‌تر بیاورد، مثلاً کسی که میلیاردها تومان پول دارد نباید هدف کاری‌اش را در حد کارهای پیش پا افتاده و کوچک قرار دهد، انسانی هم که خداوند سرمایه‌هایی همچون عقل، پیامبران، فطرت و ... در اختیارش گذاشته نباید هدف‌های کوچک برای خود انتخاب کند و همه زندگی‌اش را صرف کارهای محدود و کوچک کند.

۳ این سؤال واگراست و هر دانش‌آموزی بنابر نوع فکر و نگاه خود می‌تواند به آن پاسخ دهد. هدف از طرح این سؤال به اندیشه واداشتن مخاطبان بوده است تا قدری در این مسئله تأمل کنند که چقدر انسان در برابر

خدا قدرشناس خواهد بود اگر حاضر به سجده در برابر او و تعظیم او نباشد؛ چرا که خداوند شیطان را تنها به این دلیل طرد کرد که در برابر فرمان سجده به آدم تمرد و سرکشی کرد. با اینکه شیطان هزاران سال در برابر خدا سجده کرده بود و باز هم حاضر به سجده در برابر او بود اما به دلیل سجده نکردن به مخلوق خداوند طرد شد. از همین جهت، وای به حال انسان‌هایی که حاضر نیستند به خالق هستی سجده کنند. آن همه مجازات شیطان به دلیل سرپیچی از فرمان خداوند و سجده نکردن بر مخلوق خدا بود و قطعاً مجازات کسانی که بر خالق سجده نمی‌کنند قابل بیان نخواهد بود.

د) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

۱- با توجه به اینکه در این درس، مفاهیم اساسی انسان‌شناسی آمده است و ممکن است دانش‌آموزان درباره آن سؤال کنند، دبیر محترم باید درباره آنها اطلاعات کافی داشته باشد. این مفاهیم، بیشتر در آیات شریفه قرآن کریم آمده‌اند و با مراجعه به تفاسیر معتبر، می‌توان اطلاعات لازم را درباره آنها کسب کرد. مفاهیم یاد شده عبارت‌اند از :

۱ مقام خلیفه الهی

۲ فساد و خونریزی که ملائکه به انسان نسبت می‌دهند.

۳ تعلیم اسماء به انسان و متعلق اسماء (مسمای اسماء)

۴ کرامت انسان بر کثیری از موجودات

۵ روح الهی و مقصود از نسبت دادن روح به خدا

۶ حقیقت روح و نسبت آن با نفس و مراتب نفس

۷ حقیقت «خود» و نسبت آن با «روح»

برای کسب اطلاع در این باره، به کتاب‌ها و تفاسیری که در بخش منابع آمده است، مراجعه کنید.

۲- ضرورت خودشناسی؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید :

«رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَعَدَّ لِنَفْسِهِ وَ اسْتَعَدَّ لِرْمِيسِهِ وَ عَلِمَ أَيْنَ وَ فِي أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ».

همچنین می‌فرماید :

«در شگفتم از کسی که چیزی را گم می‌کند و در جست‌وجویش برمی‌آید، اما خود را گم کرده و در پی

یافتن آن نیست (غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۳۴).

۳- درباره ارزش انسان : امام علی علیه السلام می‌فرماید :

اتزعم انک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر

۴- دشمن ترین دشمنان

رسول خدا ﷺ می فرماید: اِنَّ اعدى عدوك نفسك التى بين جنبيك

۵- اصلاح برخی اشتباهات احتمالی دانش آموزان

نقش شیطان در گمراهی انسان، می تواند زمینه این اشتباه را در دانش آموزان فراهم آورد که شیطان می تواند، انسان ها را به انجام دادن کارهای بد مجبور کند و اگر شیطان نبود، انسان به گناه کشیده نمی شد؛ لذا این توضیح ضروری است که شیطان به هیچ وجه نقش فاعلیت را در وجود ما ندارد. او صرفاً تشویق کننده و وسوسه گر به گناه است، نه اجبار کننده.

علاوه بر این، نظام خلقت انسان به گونه ای است که اقتضات گرایش به خوبی در وجود او بسیار فراوان تر و بیشتر از گرایش به بدی است؛ در مقابل نفس اماره و شیطان که دعوت کننده به شر هستند، عقل، وجدان اخلاقی و فطرت خداگرایی و کمال گرایی، آمدن انبیا و حتی الهام ها و امدادهای غیبی، دعوت کننده های درونی و بیرونی انسان به خیر و خوبی هستند.

۶- شعری از مولانا

هر که مُرد اندر تن او نفس گیر	مرد را فرمان برد خورشید و ابر
نفس خود را کُش، جهانی زنده کن	خواجهای کشته است او را بنده کن
نفس، هر دم در درونت در کمین	از همه مردم، بتر در مکر و کین
دشمنی داری چنین در سر خویش	مانع عقل است و خصم جان و کیش
دشمن راه خدا را خواردار	دزد را منبر منه، بردار دار

۷- سعدی در ابتدای باب هفتم بوستان، ضمن تمثیلی زیبا، عمل نفس اماره را چنین توصیف می کند:

تو با دشمن نفس هم خانه ای	چه در بند پیکار بیگانه ای؟
عنان باز پیچانِ نفس از حرام	به مردی ز رستم گذشتند و سام
وجود تو شهری است پرنیک و بد	تو سلطان و دستور دانا، خرد
رضا و ورع، نیکنامان حَرّ	هوا و هوس، رهزن و کیسه بُرّ
چو سلطان عنایت کند با بدن	کجا ماند آسایش بخردان؟
تو را شهوت و حرص و کین و حسد	چو خون در رگان اند و جان در جسد
هوا و هوس را نمائد ستیز	چو بینند سربنجه عقل تیز
رئییسی که دشمن سیاست نکرد	هم از دست دشمن ریاست نکرد

هـ) منابع برای معلم و دانش آموز

- ۱ انسان کامل، استاد شهید مطهری
- ۲ فطرت، استاد شهید مطهری
- ۳ فطرت در قرآن، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء
- ۴ سرشت انسان، علی شیروانی، نهاد نمایندگی رهبری
- ۵ ده نکته از معرفه النفس، اصغر طاهرزاده، لبالمیزان
- ۶ انسان و خلافت الهی، محمد شجاعی، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا
- ۷ تکامل اجتماعی انسان، استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا
- ۸ جوان و انتخاب بزرگ در زندگی، اصغر طاهرزاده، لبالمیزان
- ۹ خدا و خلقت من چرا؟، محسن عباسی، نشر و پژوهش معناگرا
- ۱۰ خودشناسی برای خودسازی، محمدتقی مصباح یزدی، مؤسسه امام خمینی
- ۱۱ فطرت و دین، علی ربانی، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر
- ۱۲ کمالات وجودی انسان، محمد شجاعی، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر
- ۱۳ انسان در قرآن، استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا (برای معلم و دانش آموز)
- ۱۴ مقاله اصالت روح در مقالات فلسفی، ج ۱، استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا (برای معلم)
- ۱۵ فلسفه خلقت انسان، عبدالله نصری، کانون اندیشه جوان (برای معلم و دانش آموز)

خود حقیقی

درس ۳

الف) اهداف

۱- هدف کلی : شناخت بُعد غیرمادی وجود انسان به عنوان خود حقیقی

۲- اهداف آموزشی :

■ آشنایی با دو بُعدی بودن وجود انسان

■ درک این حقیقت که بُعد غیرمادی وجود انسان اصالت دارد و از بُعد مادی برتر است.

ب) محورهای اصلی درس

۱ انسان دارای دو بعد جسمانی و روحانی است

۲ ویژگی‌های خاص انسانی به دلیل حقیقت روح در انسان است.

۳ روح، امری غیرمادی است که با دلایلی چون ثابت بودن «من» و نیز خواب و رؤیا قابل اثبات است.

ج) اجزای تدریس

تدریس این درس، دارای اجزای زیر است :

۱- تبیین دلیل اول بر بُعد روحانی : ثابت بودن «خود»

پس از تبیین این نکته که از نظر قرآن، انسان دارای دو بُعد است، لازم است وجود هر دو بُعد ثابت شود. بُعد اول که بُعد جسمانی است، برای ما محسوس و روشن است و نیازی به اثبات ندارد. اما دانشمندان، برای اثبات وجود روح در انسان‌ها دلایلی را می‌آورند و چون این بُعد، بعد دیگری از وجود انسان است، باید غیرجسمانی بودن آن اثبات شود.

از این رو، در کتاب‌های فلسفی و معرفت‌النفس، به ذکر دلایل غیرمادی بودن روح می‌پردازند. از مهم‌ترین دلایل غیرمادی بودن روح، وجود علم و معرفت در انسان است. در کتاب‌هایی از این دست توضیح می‌دهند که علم ویژگی‌های ماده مانند تغییر و تحول، تقسیم‌پذیری و تجزیه‌پذیری را ندارد و ظرف و محل آن، یعنی روح نیز این خواص را ندارد.

در کتاب درسی، متناسب با توانایی دانش‌آموزان، درباره غیرمادی بودن روح دو دلیل آمده است. دلیل اول،

ثبات و باقی بودن «خود» در طول زمان است. دلیل دوم دیدن رؤیاهای صادقانه توسط انسان است. بنابر دلیل اول، یکی از ویژگی‌های جسم که تحول‌پذیری است، از روح سلب و بنابر دلیل دوم، یکی دیگر از ویژگی‌های جسم که زمانمند بودن آن است، سلب می‌شود.

تذکر: در دلیل اول که از ثابت بودن «من» یا «خود» سخن می‌گوییم، ممکن است کسی این اشکال را وارد کند که درست است همه مواد بدن پس از مدتی تغییر می‌کند، اما چون این تغییر یک‌باره انجام نمی‌شود و مواد جدید به تدریج جایگزین مواد قدیمی می‌شود، ما همواره این بدن را همان بدن قبلی می‌بینیم؛ مانند ساختمانی که به تدریج تعمیر می‌شود و خیلی از قسمت‌های آن تعویض می‌شود، اما هر کس از کنار آن ساختمان می‌گذرد، این خانه را همان ساختمان قبلی فرض می‌کند و می‌گوید این همان ساختمانی است که مثلاً محل سکونت فلان شخص بوده است.

در پاسخ باید توضیح دهیم که همین بیان، دلیل بر آن است که واقعاً بدن تغییر کرده و ما می‌پنداریم که ثابت بوده است. هدف ما هم نشان دادن این واقعیت است که بدن تغییر کرده و چیز ثابتی نداریم و همچنین از همین اشکال، متوجه می‌شویم که حقیقت ثابتی در انسان بوده است که همراه تحولات بدن بوده و هم بدن گذشته را درک کرده و هم بدن جدید را و چون بدن جدید شبیه بدن قبل است، آن را ثابت پنداشته است. آن حقیقت ثابت همان ذهن و اندیشه ماست که مربوط به روح ماست.

۲- انجام فعالیت «بررسی»

دانش‌آموزان، براساس توضیحات معلم و آنچه که در کتاب آمده است، به سؤال طرح شده در این فعالیت، پاسخ می‌دهند. دبیر، برخی از پاسخ‌ها را می‌شنود و در صورت ضرورت، توضیحات تکمیلی را ارائه می‌دهد.

با توجه به توضیحات درس، چون حقیقت وجود ما؛ یعنی «خود حقیقی ما» هیچ‌گاه به چیز دیگری تبدیل نمی‌شود و ما از ابتدای زندگی تا زمان مرگ همان خودمان هستیم، این عدم تغییر و ثبات، نشان‌دهنده آن است که خود حقیقی ما از جنس ماده نیست؛ زیرا تغییر و تبدیل از ویژگی‌های ماده است.

۳- تبیین دلیل دوم: خواب و رؤیا

در دلیل دوم، از موضوع خواب و رؤیاهای صادقانه استفاده شده است؛ زیرا در این قبیل رؤیاها انسان، در حالی که خواب است، واقعه‌ای از زمان آینده را می‌بیند. این دیدن، نشان می‌دهد که فرد در عین حال که در زمان «الف» است، توانسته در عالم خواب در زمان «ب» هم باشد. در حالی که چنین امکانی برای جسم وجود ندارد و نمی‌تواند در آن واحد هم در زمان «الف» باشد و هم در زمان «ب».

البته توجه داشته باشیم که همه رؤیاهای ما، چه صادقانه و چه غیرصادقانه، مربوط به روح است، ولی ما از رؤیاهای صادقانه می‌توانیم به خوبی استفاده کنیم و غیرمادی بودن آنها را ثابت کنیم.

۴- انجام فعالیت «بررسی»

با توجه به توضیحات درس، دانش‌آموزان باید توضیح دهند که هر موجود جسمانی، در زمان خاص و در مکان خاص قرار دارد و در یک زمان نمی‌تواند در دو مکان باشد و نیز نمی‌تواند در دو زمان قرار بگیرد. اما در رؤیای صادقه می‌بینیم که یک شخص که مثلاً در زمان «الف» است، خوابی می‌بیند که نشان می‌دهد او در همین زمان «الف»، به زمان «ب» که متعلق به آینده است، رفته و این عمل از عهده جسم ساخته نیست، پس مربوط به بُعد روحی است.

۵- اندیشه و تحقیق

۱ منظور از خود حقیقی همان بُعد دیگر انسان یا همان روح است. حقیقت ثابت و پایداری که به ما توانایی «انتخاب» و «تصمیم‌گیری» می‌دهد، به دنبال کمالات نامحدود است و توانایی درک واقعیات و تفکر و اندیشه به ما می‌بخشد و فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی را کسب می‌کند.

۲ اینکه کسی سال‌ها قبل جرمی مرتکب شده و بعد دستگیر شود و در دادگاه محاکمه شود، با اینکه ممکن است پیر و فرتوت شده باشد، خود دلیل بر این است که با وجود تغییر جسم او، روح او ثابت است، یعنی ما این فرد مجرم را همان انسان چند سال قبل می‌دانیم هرچند سن و سالی از او گذشته و ظاهرش تغییر کرده است.

۳ نشان از این دارد که انسان به جای آنکه به زیبایی‌های حقیقت اصلی خود یعنی همان خود حقیقی بپردازد، تنها به خود غیرحقیقی‌اش که هر روز روبه‌ضعف و سستی است می‌پردازد. درحالی‌که آنچه برای او ماندگار است همان خود حقیقی اوست و به جای آنکه انسان بیشتر وقت خود را صرف کسب فضائل و کمالات کند، هم و غم خود را بر روی زیبا کردن جسم خود می‌گذارد و از خود اصلی‌اش غافل می‌شود.

د) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

تفاوت بین «روح» و «نفس» در قرآن چیست؟

واژه‌های «روح» و «نفس» در موارد مختلف، کاربردها و معانی متفاوتی دارند. کاربرد این واژه‌ها در قرآن، روایات، محاورات عرفی، اخلاق و فلسفه، مخصوصاً اخلاق و فلسفه اسلامی با یکدیگر تفاوت دارد.

در محاورات عرفی، معمولاً از واژه «روح» استفاده می‌شود و واژه «نفس» کاربرد چندانی ندارد. در فلسفه اسلامی، روح و نفس تقریباً به صورت مترادف به کار می‌روند و گاهی واژه «روح» را فقط درباره «روح بخاری» استعمال می‌کنند و «نفس» را واجد روح بخاری یا مراتب بالاتر از آن، مرحله عقلانی، هم می‌دانند. کاربرد واژه «نفس» در فلسفه، شایع‌تر از «روح» است؛ جز درباره روح بخاری.

دانشمندان اخلاق، «نفس» را معمولاً در مقابل «عقل» به کار می‌برند؛ یعنی مفهوم «نفس» در مباحث

اخلاق اسلامی، ارزش منفی دارد؛ مثلاً می‌گویند: «همیشه بین عقل و نفس انسان جنگ و درگیری است.» معمولاً گرایش‌های پست حیوانی را به «نفس» و گرایش‌های ارزشمند را به «عقل» نسبت می‌دهند و معتقدند که در درون انسان بین این دو تضاد است؛ در حالی که نفس در فلسفه، اصلاً به این معنا نیست، بار ارزشی ندارد و درست به جای «روح» به کار می‌رود. از آنجا که هر کسی از واژه «نفس» نوعی تلقی و سابقه ذهنی دارد، وقتی که آن کلمه را در قرآن هم می‌بیند، با همان طرز تفکر خود به آن می‌نگرد؛ مثلاً اگر فیلسوفی با کلمه «نفس» در قرآن مواجه شود، قبل از هر چیز، معنای فلسفی آن به ذهنش می‌رسد. دانشمندان دیگرند نیز همین‌طورند.

به نظر بنده، واژه «نفس» در قرآن، به معنای عرفی آن به کار رفته است و ما نفس را در فارسی به معنای قرآنی آن به کار نمی‌بریم. واژه نفس در قرآن به معنای «شخص» است؛ مثلاً اگر ما بخواهیم در فارسی بگوییم که همه انسان‌ها از یک «شخص» آفریده شده‌اند، از واژه «نفس» استفاده نمی‌کنیم و نمی‌گوییم انسان‌ها از یک «نفس» آفریده شده‌اند؛ اما قرآن می‌فرماید: «خلقکم من نفس واحده»؛ شما را از یک نفس آفرید. پس «نفس» در اینجا به معنای «شخص» است، نه روح.

به هر حال، هر جای قرآن که «نفس» به کار رفته است، به معنای «شخص» است، البته معنای شخص همانند معنای انسان، متفاوت است؛ یعنی گاهی آن را به معنای «بدن» و گاهی نیز به معنای «روح» به کار می‌بریم. از کلمه «نفس» در قرآن، نباید معنای فلسفی یا اخلاقی آن را برداشت کرد. وقتی که قرآن می‌فرماید: «اللّه یتوفی الانفس حین موتها»، در این عبارت لزوماً «نفس» به معنای «روح» نیست؛ بلکه «انفس» به معنای «اشخاص» است و معنای آیه این است که: «خداوند جان تمامی اشخاص (اشخاص، به همان معنا که در فارسی به کار می‌رود) را می‌گیرد.» در آیاتی از قبیل «کل نفس بما کسبت رهینه» یا «کل نفس ذائقة الموت» نفس به همین معناست، اگر مقصود از «نفس»، «روح» باشد، معنای آیه این‌گونه خواهد بود که هر روحی هم می‌میرد؛ در حالی که «روح» مردنی نیست!

واژه «روح» نیز در قرآن، معنایی بسیار عام و فراگیر دارد و تقریباً در مقابل «جسم» به کار می‌رود؛ یعنی موجودی که دارای حیات، شعور، ادراک و قدرت است؛ لذا «روح» بر ملائکه و جبرئیل نیز اطلاق می‌شود؛ همان‌گونه که بر روح انسان اطلاق می‌شود. به همین دلیل، در بعضی از آیات که واژه «روح» به کار رفته است، این اختلاف پدید آمده است که آیا مقصود از «روح» در این آیات، روح انسان است یا جبرئیل و یا هر دو. بنابراین، «روح» در قرآن؛ یعنی، موجودی که حیات و درک، ذاتی اوست در مقابل جسم که حیات و زندگی او عَرَضی و به تبع روح است؛ یعنی اگر مخلوقات را به دو دسته با شعور و بی شعور تقسیم کنیم، موجودی که ذاتاً شعور و ادراک دارد نامش روح و در مقابل، موجودی که فاقد شعور و ادراک است، جسم نام دارد. طبق این معنا «روح»، هم شامل روح انسان و هم شامل فرشتگان می‌شود.

پس کاربرد «روح» با «نفس» در قرآن متفاوت است. «نفس» یعنی شخص و هویت انسانی، اما «روح» به معنای موجودی است که حیات و شعور، ذاتی اوست و در انسان، مقصود بعد مجرد اوست که ذاتاً واجد حیات و شعور است.^۱

(هـ) منابع

علاوه بر کتاب‌های ذکر شده در درس قبل، کتاب‌های زیر نیز مفیدند:

- ۱ انسان در افق قرآن، استاد محمدتقی جعفری (برای معلم)
- ۲ تعلیم و تربیت در اسلام، استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا (برای معلم)
- ۳ انسان‌شناسی، محمود رجبی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله (برای معلم)
- ۴ انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام، آیت‌الله ممدوحی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله (برای معلم)
- ۵ به سوی خودسازی، آیت‌الله مصباح‌یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله (برای معلم)
- ۶ جوان در کلام نور، مرتضی روحانی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله (برای دانش‌آموزان و معلم)
- ۷ خودشناسی برای خودسازی، آیت‌الله مصباح‌یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله (برای معلم)

۱- پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، آیت‌الله محمدتقی مصباح‌یزدی، قم، مؤسسه آموزشی امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۶۷.

پنجره‌ای به روشنایی

الف) اهداف

- ۱- هدف کلی : مقایسه دیدگاه‌ها درباره مرگ و تشخیص مزیت‌ها و برتری‌های دیدگاه توحیدی و ثمرات آن
- ۲- اهداف آموزشی :
 - شناخت دیدگاه‌های مختلف درباره مرگ و تحلیل آنها
 - شناخت دیدگاه توحیدی با مراجعه به قرآن کریم و سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام
 - شناخت ثمرات دیدگاه اسلامی نسبت به مرگ و جهان آخرت
 - شناخت دیدگاه مادیون نسبت به مرگ
 - درک نتایج و آثار غفلت دنیای امروز از سرانجام انسان و زندگی اُخروی.

ب) محورهای اصلی درس

- ۱ انسان همواره با حادثه عظیمی به نام «مرگ» روبه‌روست.
- ۲ در مواجهه با مرگ، دو دیدگاه کلی وجود دارد.
- ۳ یک دیدگاه می‌گوید که مرگ پایان زندگی است.
- ۴ دیدگاه دیگر می‌گوید که مرگ آغاز حیات برتر است.
- ۵ هر یک از این دو دیدگاه دارای پیامدهایی در زندگی انسان است.
- ۶ دنیای امروز با غفلت از جهان آخرت، زبان‌های اخلاقی و اجتماعی بسیاری دیده است.

ج) اجزای تدریس

این درس، دارای اجزای زیر است :

۱- طرح دیدگاه معتقدان به معاد

دیدگاه پیامبران الهی این است که مرگ پایان زندگی نیست؛ بلکه انتقالی است از مرحله‌ای به مرحله دیگر؛ مرحله‌ای که عظیم‌تر و بزرگ‌تر از مرحله اول است. البته در اینجا ضروری نیست که از مرحله بعد که مرحله برزخ است، با دانش‌آموزان گفت‌وگو کنیم. درباره این مرحله در درس‌های بعد، مطالبی خواهد آمد. در اینجا فقط کافی است دانش‌آموز با این دیدگاه

و آثار و پیامدهای آن بیشتر آشنا شود و برای او یادآوری و تذکری باشد. خوب است دبیر محترم یادآور شود این دیدگاه اختصاص به اسلام ندارد. حتی ادیان توحیدی دیگر که هم‌اکنون تحریف‌شده آنها موجود است، به این دیدگاه عقیده دارند. امروزه در برخی کتاب‌ها چنین القا می‌شود که توجه به معاد تنها به مسلمانان اختصاص دارد و همین عقیده سبب شده است آنان به دنیا و نیازهای دنیوی خود کمتر توجه کنند و به‌همین دلیل پیشرفت علمی و دنیایی کمتری داشته باشند. حتی خوب است جملاتی از کتاب‌های یهود و مسیحیت و زرتشتی درباره معاد در کلاس خوانده شود.

۲- تبیین «آثار اعتقاد به معاد»

در متن درس، دو اثر مثبت و سازنده از اعتقاد به معاد بیان شده است. دبیر، ابتدا این دو اثر را توضیح می‌دهد و با ذکر نمونه‌ها، توجه دانش‌آموزان را به این دو جلب می‌کند. تبیین این دو اثر سبب می‌شود که برخی شبهه‌ها از بین برود. برای نمونه برخی این شبهه را مطرح می‌کنند که اعتقاد به آخرت سبب بی‌توجهی به دنیا و کم‌کاری در دنیا می‌شود؛ در حالی که این یک نظر اشتباه است. پیشوایان ما و شخصیت‌های برجسته اسلامی، فعال‌ترین و باهمت‌ترین انسان‌های روزگار خود بوده‌اند و هیچ‌گاه اهل تنبلی و بی‌کاری نبودند و در عین حال، از مرگ هم نمی‌هراسیدند.

پس اعتقاد درست به معاد آثار زیر را دربردارد:

■ شادابی و آرامش روحی

■ کار و تلاش و فعالیت در راه خدا به خاطر رسیدن به پاداش اخروی

■ نداشتن خوف و اندوه نسبت به آینده

■ از بین رفتن پوچ‌گرایی در زندگی

■ دوری از گناه به خاطر عواقب اخروی آن

■ تلاش برای رشد و تعالی خود

بهتر است پس از طرح دو ثمره اصلی اعتقاد به آخرت، از دانش‌آموزان بخواهیم که خودشان فکر کنند و آثار دیگر این اعتقاد را بیابند و توضیح دهند.

۳- توضیح درباره قسمت «بیشتر بدانیم» با عنوان «پرواز عاشقانه»

این «بیشتر بدانیم» در واقع به ارائه یک نمونه و مصداق از پیامد دوم اعتقاد به معاد پرداخته است. براساس این پیامد، انسان معتقد به معاد، ترسی از مرگ ندارد و آماده فداکاری در راه خداست. در این «بیشتر بدانیم» بخشی از دست‌نوشته‌های یکی از شهدای دفاع مقدس آمده است تا دانش‌آموزان پی ببرند کسی که به آخرت اعتقاد دارد، چه زیبا از مرگ سخن می‌گوید و چه آسان آن را می‌پذیرد و آماده جان‌فشانی در راه خداست.

۴- طرح دیدگاه منکران معاد

نیهیلیسم یا پوچ‌گرایی، دیدگاهی است دربارهٔ جهان و انسان. طبق این دیدگاه، جهان و انسان، غایت و هدف ندارد، زیرا جهان فاقد سازندهٔ حکیم است. زندگی انسان نیز با مرگ پایان می‌پذیرد و بدن او فرسوده می‌شود و به اجزای خاک تبدیل می‌گردد.

در غرب کسانی مانند آلبر کامو، در این موضوع دارای مکتب خاصی بوده‌اند و در ایران نیز نویسندگانی مانند صادق هدایت چنین نگرشی داشته‌اند. البته افرادی هستند که از مکتب نیهیلیسم اطلاعی ندارند اما عملاً نیهیلیست و پوچ‌گرا هستند. کسانی که جهان را جز ماده نمی‌دانند و انسان را هم موجودی مادی می‌دانند که زندگی‌اش با مرگ پایان می‌پذیرد، در عمل پوچ‌گرا هستند.

با طرح این دیدگاه دانش‌آموزان بی‌می‌برند که این عقیده باطل است و باعث عواقب بدی در زندگی ما می‌شود.

کسی که به پوچ‌گرایی می‌رسد و آینده‌ای روشن برای هستی خود مشاهده نمی‌کند، ناخودآگاه دلهره‌ای وجودش را فرامی‌گیرد و زندگی برایش «بی‌معنا» می‌شود. علت اصلی این بی‌معنایی همان است که در درس اول توضیح داده شد و آن، «بدون هدف و غایت دیدن» زندگی است. وقتی زندگی انسان یا خلقت جهان را بی‌هدف بینداریم، «بی‌معنایی» هم به دنبال آن می‌آید و هنگامی که زندگی برای کسانی بی‌معنا شد، این افراد یا به سردرگمی و یأس و ناامیدی دچار می‌شوند و در پایان، دست به خودکشی می‌زنند؛ همان‌طور که آلبر کامو و صادق هدایت نیز چنین کردند، یا به عیش و عشرت و خوش‌گذرانی رو می‌آورند تا آن حقیقت تلخ را فراموش کنند.

تذکر ۱: برخی افراد، خدا را قبول دارند و حتی می‌دانند که معادی هم هست؛ اما هم تصویر روشن و درستی از آن ندارند و هم ایمان محکمی به معاد پیدا نکرده‌اند. چنین افرادی، همواره از معاد غافل‌اند و لذا معاد در زندگی آنها تأثیر ندارد. اینان هم، به نوعی نیهیلیسم دچارند.

تذکر ۲: امروزه آثار برخی از نویسندگان خارجی و داخلی که دارای تفکر نیهیلیستی هستند، منتشر و تبلیغ می‌شود و به عنوان چهره‌های شاخص فرهنگی، ادبی و روشنفکری به نسل جوان معرفی می‌گردند. ما باید نسبت به این افراد و اندیشه‌های آنها آگاه باشیم و با تذکرات به موقع، زمینه‌های گرایش جوانان به آنها را از بین ببریم. فرهنگ پوچ‌گرایی که در عصر جدید در قالبی از روشنفکری خود را نشان می‌دهد، مانند موریانه ارزش‌های اخلاقی ملت‌ها و همت و پشتکار آنان را از درون می‌خورد و روح حماسی را در آنان می‌کشد.

۵- تبیین «آثار انکار معاد»

دبیر محترم باید تأثیر این دیدگاه را در زندگی افراد نشان دهد تا دانش‌آموزان بدانند که افکار و اندیشه‌های هرکس چگونه در رفتار و عمل او تأثیر می‌گذارد.

۶- انجام «فعالیت کلاسی»

۱- در پاسخ سؤال اول باید دانش‌آموزان به این مطلب رهنمون شوند که هیچ انسان عاقلی با غفلت و سرگرم کردن خود، حقیقت‌های بزرگ زندگی را به فراموشی نمی‌سپرد، بلکه به آن فکر می‌کند و برای چگونگی مواجهه با آن برنامه‌ریزی می‌کند؛ غافل ساختن خود از مرگ نوعی فریب دادن خود است که قطعاً انسان‌های عاقل از آن به‌دور هستند.

۲- در پاسخ سؤال دوم، دانش‌آموزان نمونه‌هایی از غفلت‌های انسان از جهان آخرت را بیان می‌کنند؛ ثروت‌اندوزی بی‌پایان بدون کمک به دیگران، شهوترانی و خوشگذرانی، پرداختن به ظواهر زندگی و تجملات آن و ...

۷- توضیح درباره قسمت «پاسخ سوالات شما»

در این قسمت، در قالب یک پرسش و با بیانی که مناسب با فهم دانش‌آموزان باشد، به نقد تمدن جدید و دفع شبهه‌ای می‌پردازد که از سوی برخی دانش‌آموزان مطرح می‌شود و آن این است که: اگر انکار معاد طبق گفته‌های کتاب موجب یأس و ناامیدی در زندگی می‌شود پس چرا در برخی کشورهای غربی که اعتقاد به معاد فراموش شده است، مردم این‌گونه شاد و با نشاط زندگی می‌کنند؟!

در این بخش با استناد به گفته‌های برخی از چهره‌های مطرح این جوامع، و ارائه برخی آمار، چهره پوشالی و ظاهری این‌گونه کشورها زیر سؤال رفته است و واقعیت و پشت پرده این جوامع به تصویر کشیده شده است؛ مصرف بالای داروهای ضد افسردگی یا قرص‌های روانگردان در این کشورها بخش کوچکی از نشانه‌های این حقیقت است که هر کس به انکار معاد بپردازد، عاقبتی جز یأس و ناامیدی ندارد و برای فرار از آن پناهی جز رو آوردن به مصرف مواد روان‌گردان، مواد مخدر و ... نخواهد داشت. البته این مسئله مختص این‌گونه جوامع نیست، بلکه هر جامعه‌ای حتی جوامع مسلمان، که از اعتقادات دینی فاصله بگیرند و مسیر غفلت از آخرت را در پیش گیرند، دچار همین مشکلات خواهند شد.

همچنین ضروری است که دبیران نسبت به غرب و مبانی و نظامات آن اطلاع کافی داشته باشند و در زمینه غرب‌شناسی به مطالعه بپردازند. آثار نویسندگانی مانند «رنه گنون»، «سیدحسین نصر»، «فریتسیوف شمووان» و آثاری از استاد شهید مطهری مانند «علل گرایش به مادگرایی» و «مسئله حجاب» و برخی آثار شهید آوینی، می‌توانند در شناخت ماهیت تمدن غرب به ما کمک کنند.

۸- اندیشه و تحقیق

برای بخش اندیشه و تحقیق، سه سؤال پیش‌بینی شده است.

۱ سؤال اول، به این منظور طرح شده است که ممکن است کسانی برحسب عادت یا تقلید یا صرفاً به لحاظ نظری پذیرفته باشند که آخرتی هست؛ اما در عمل، پابندی چندانی به آن نداشته باشند و اهل گناه و فساد باشند. اینان در حقیقت دارای ایمان قوی نیستند و معاد را صرفاً به زبان یا حداکثر در اندیشه قبول دارند اما باور قلبی به آن پیدا نکرده‌اند.

۲ سؤال دوم، برای رفع یک شبهه و ابهام از ذهن نوجوانان و جوانان مطرح شده است تا بدانند که اعتقاد به آخرت نه تنها سبب عقب ماندگی نیست؛ بلکه باعث تصحیح زندگی و در پیش گرفتن اخلاق الهی می شود. بیان این حدیث امام علی (علیه السلام) به درک این مطلب کمک می کند:

كُنْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ كُنْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا؛ برای دنیایت چنان باش که گویی جاویدان خواهی ماند و برای آخرت چنان باش که گویی فردا می میری.

همچنین بیان نمونه هایی از زندگی مسلمانان در دوران معصومین و نیز در دوران شکوفایی تمدن اسلامی به درک مطلب کمک می کند.

۳ سؤال سوم، پاسخ این سؤال به دیدگاه آنان در خصوص انسان برمی گردد؛ آنان انسان را در جسم خلاصه می کنند و اعتقادی به «روح» و حقیقت فرامادی انسان ندارند و چون جسم انسان با مرگ نابود می شود، گمان می کنند پرونده انسان با مرگ بسته می شود. پاسخ به این افراد باید در حول محور اثبات حقیقت «روح» باشد و به آنها ثابت شود که انسان در جسم خلاصه نمی شود.

۹- انجام فعالیت «پیشنهاد»

این پیشنهاد برای نشان دادن تأثیر بیش الهی به معاد در ایجاد روحیه شهادت طلبی و شجاعت روحی است. بهتر است دبیر محترم به انجام دادن این پیشنهادها تأکید کند و دانش آموزان را در انجام آنها تشویق نماید، سپس مجموعه گردآمده را در کلاس نصب کند.

د) دانستنی های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

۱- اشعاری در خصوص مرگ

■ نگاه مثبت به مرگ

هر نفس نو می شود دنیا و ما	بی خبر از نو شدن اندر بقا
عمر همچون جوی نو نو می رسد	مستمری می نماید در جسد
شاخ آتش را بجنابانی به ساز	در نظر آتش نماید بس دراز
پس تو را هر لحظه مرگ و رجعتی است	مصطفی فرمود دنیا ساعتی است

مثنوی معنوی، مولوی

■ ناپایداری دنیا (هشدار به کسانی که به دنیا دل بسته اند)

جهان چیست، بگذر ز نیرنگ او رهایی به چنگ آور از چنگ او

درختی است شش‌پهلوی و چاریخ
 یکایک ورق‌های ما زین درخت
 مقیمى نبینی در این باغ، کس
 در او هر دمى نوبری می‌رسد

تنی چند را بسته بر چارمخ
 به زیر اوفتد چون باد سخت
 تماشا کند هریکی، یک‌نفس
 یکی می‌رود، دیگری می‌رسد

دیوان نظامی، ص ۸۸۳

۲- احادیثی در خصوص مرگ

■ امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَجَازٍ وَ الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَقَرِّكُمْ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳).

■ «الْأَلْبَانِيَةُ تَعْرُ وَ تَضْرُ وَ تَمُرُّ»؛ دنیا می‌فریبد، زبان می‌زند و می‌گذرد. (نهج البلاغه، حکمت ۴۱۵).

■ «فَمَا يَجُوعُ مِنَ الْمَوْتِ مَنْ خَافَهُ وَ لَا يُعْطَى الْبَقَاءَ مَنْ أَحَبَّهُ»؛ ترس از مرگ، انسان را از چنگال آن رهایی نمی‌بخشد و شیفتگی و دل بستگی به زندگی، باعث جاودانگی و بقای انسان در دنیا نمی‌شود. (نهج البلاغه، خطبه ۳۸).

(هـ) منابع

- ۱ زندگی جاوید و حیات اخروی (جلد ۲ از مجموعه آثار)، استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۲ معاد (جلد ۴ از مجموعه آثار)، استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا (برای معلم)
- ۳ پیام قرآن (جلد ۵)، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی (برای معلم)
- ۴ انسان از آغاز تا انجام، علامه طباطبائی، انتشارات الزهرا (برای معلم)
- ۵ معادشناسی، علامه حسینی طهرانی، انتشارات حکمت (برای معلم)
- ۶ پیرامون مبدأ و معاد، آیت‌الله جوادی آملی، انتشارات الزهرا (برای معلم)
- ۷ حیات جاودانه، امیر دیوانی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها (برای معلم)
- ۸ آثار فردی معاد از دیدگاه قرآن، اسدالله جمشیدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (برای معلم)
- ۹ عروج روح، محمد شجاعی، کانون اندیشه جوان (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۱۰ قیام قیامت، محمد شجاعی، کانون اندیشه جوان (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۱۱ تفسیر موضوعی قرآن، جلد‌های ۴ و ۵ (معاد در قرآن)، آیت‌الله جوادی آملی، انتشارات اسراء (برای معلم)

۱۲ دانش‌نامه امام علی علیه السلام (مبدأ و معاد)، جلد ۲، زیر نظر علی اکبر رشاد، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (برای معلم)

۱۳ محاضرات فی الالهیات، آیت‌الله جعفر سبحانی (برای معلم)

۱۴ یاد معاد، آیت‌الله جوادی آملی، نشر فرهنگی رجاء (برای معلم)

الف) اهداف

۱- هدف کلی: تبیین دلایل امکان و ضرورت معاد

۲- اهداف آموزشی:

- اهمیت و ضرورت توجه به موضوع معاد
- آشنایی با موضوع امکان معاد و بیان دلایل آن
- آشنایی با ضرورت معاد و بیان دلایل آن
- توانایی پاسخ به برخی اشکالات درباره معاد

ب) محورهای اصلی درس

- ۱ عقل آدمی حکم می‌کند که به خبر انبیا درباره آخرت توجه کنیم و هشدار آنان را جدی بگیریم.
- ۲ پیدایش نخستین انسان، نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان در این جهان؛ همچنین نظام مرگ و زندگی در طبیعت، شواهدی بر امکان معاد است.
- ۳ زنده شدن انسان‌ها پس از مرگ با همه قوانین علمی سازگار است و امکان تحقق آن وجود دارد.
- ۴ اقتضای حکمت الهی، وجود جهان آخرت و بازگشت انسان به سوی خداست.
- ۵ اقتضای عدل الهی وجود جهانی به نام آخرت است تا انسان‌ها به آنچه استحقاقش را دارند، برسند.

ج) اجزای تدریس

این درس از اجزای زیر تشکیل شده است:

۱- تبیین اهمیت توجه به بحث معاد در بخش «دفع خطر احتمالی»

ابتدا، دبیر محترم قاعده عقلی «دفع خطر احتمالی لازم است» را بیان می‌کند و درباره آن با دانش‌آموزان گفت‌وگو می‌کند و از آنها می‌خواهد که کاربرد این قاعده را در زندگی خود ببینند و مثال‌هایی برای آن بیاورند. دبیر محترم بحث را به این موضوع می‌کشاند که اگر فردی دروغگو یا دیوانه خبر از وجود خطری مانند وجود سمی در غذا یا پرتگاهی در مسیر راه دهد، چه خواهند کرد؟ آیا باز هم از قانون «دفع خطر احتمالی» پیروی می‌کنند؟ پاسخ این پرسش از سوی آنان این خواهد بود که در مسائلی که پای مرگ و زندگی

در میان است، برای دفع خطر حتی به حرف افراد دروغگو نیز باید اهمیت داد، چه رسد به آن که خبر از سوی فردی امین آورده شده باشد.

دیر بایستی با استفاده از پاسخ دانش‌آموزان بحث را به سمت خبر عظیم پیامبران منتقل کند و درباره عظمت و حساسیت آن این‌گونه توضیح دهد: می‌توان گفت که خبری عظیم‌تر و حساس‌تر از این خبر برای انسان وجود نداشته است؛ خبری که از سوی امین‌ترین و راستگوترین انسان‌ها به مردم داده شده است. خداوند ۱۲۴۰۰۰ پیامبر را مأمور این خبر کرده و به شیوه‌های گوناگون درباره آن اناذار داده است. هرکس می‌تواند با اندکی تأمل، عظمت این خبر را از طریق مقایسه دریابد. سپس از دانش‌آموزان می‌خواهیم که این خبر را با هر خبر عظیم دیگر مقایسه کنند: خبر آمدن زلزله، خبر قبولی در کنکور، خبر رسیدن به بهترین همسر و بهترین ثروت و... هیچ‌کدام قابل مقایسه با خبر وجود جهان آخرت نیست.

و در نهایت، این سؤال را مطرح کنیم که «آیا ما به اندازه کافی نسبت به این خبر حساسیت نشان می‌دهیم؟» ما که در مسائل حساس حتی به حرف افراد غیر معتمد اهمیت می‌دهیم آیا درباره معاد آن‌گونه که لازم است به حرف امین‌ترین و راستگوترین افراد توجه کرده‌ایم؟ چرا پیامبران حاضر بودند به خاطر رساندن این خبر و ایستادگی و تأکید بر آن، جان خود را به خطر اندازند و برخی از آنان هم شهید شوند؟ همچنین می‌توان در بیان این قاعده، از گفت‌وگوی امام رضا علیه السلام با کسی که منکر معاد بود، استفاده کرد. این گفت‌وگو در قسمت «پاسخ سؤالات شما» در این درس آمده است.

۲- انجام «فعالیت کلاسی»

برای پاسخ به این افراد بایستی از همان قاعده دفع خطر احتمالی سخن گفت و برای آنان تبیین کرد که همان‌گونه که انسان احتیاط را شرط عقل و دفع خطر احتمالی را لازم می‌داند، حتی اگر به این سخنان اعتقاد و یقین ندارند، اما باید جایی برای این احتمال باز کنند که اگر حتی به اندازه یک درصد، این سخنان در خصوص مجازات افراد بی‌حجاب، شراب‌خوار، زناکار، حرام‌خوار و... درست باشد، با چه عقوبت جبران‌ناپذیری مواجه می‌شوند و از این‌رو به شرط عقل باید پرهیز لازم را انجام دهند.

۳- تبیین «دلایل امکان معاد»

انسان گاهی با مقیاس قدرت خود، امور را به شدنی و ناشدنی تقسیم می‌کند. وقتی امری را ماوراء قدرت خود تصور می‌کند، آن امر نشدنی است. یکی از این امور معاد است. معاد با قیاس به توانایی بشر البته ناشدنی است؛ ولی در مقایسه با قدرتی که اولین بار حیات را آفریده، امری است قابل انجام.

استدلال‌های قرآن درباره امکان معاد، سلسله جواب‌هایی است که خدا به کسانی داده است که قدرت خدا را با قدرت خود مقایسه می‌کنند. این جواب‌ها برخی در مقام بیان آن است که مانعی در راه برپایی زندگی مجدد انسان‌ها نیست و خداوند همان‌گونه که انسان را در آغاز خلق کرده است، مجدداً به او حیات خواهد

بخشید و برخی از جواب‌ها یک درجه جلوتر رفته و می‌گویند که در همین جهان نیز حیات پس از مرگ وجود دارد و لذا با دیدن آن دیگر جای انکار نیست.

دسته اول آیاتی‌اند که به خلقت نخستین انسان می‌پردازد و دسته دوم در بردارنده نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان در این جهان و نیز نظام رایج مرگ و زندگی در طبیعت است.

۴- انجام فعالیت «تدبیر»

در این فعالیت دانش آموزان به کمک هم گروهی‌های خود، باید به تبیین خلقت عجیب سرانگستان دست بپردازند. خطوط سرانگستان دست انسان‌ها به گونه‌ای خلق شده است که سرانگستان هیچ انسانی با دیگری یکسان نیست و از همین رو اثر انگشت یکی از دقیق‌ترین ابزارها برای پی بردن به هویت افراد است و این خود، نشانی از قدرت خداست که سرانگشت میلیاردها انسان را به گونه‌ای خلق کرده است که هیچ شباهتی با دیگری ندارند. خداوندی که از چنین قدرتی برخوردار است، قطعاً قادر به بازگرداندن حیات به انسان‌ها نیز هست.

۵- تبیین «دلایل ضرورت معاد بر اساس حکمت الهی»

در این مرحله، دبیر محترم باید به شکل تحلیلی، استدلال قرآن کریم را توضیح دهد تا دانش‌آموزان به صورت دقیق‌تر آن را دریابند. بیان قرآن کریم یک بیان عمومی و برای همگان است، به همین جهت به سادگی بیان می‌فرماید: «احسبتم انما خلقناکم عبثاً...» و در همین بیان ساده مهم‌ترین استدلال معاد نهفته است.

اساس استدلال بر حکمت الهی است. پس از پذیرش خداوند و قبول حکیمانه بودن فعل او، می‌پذیریم که هر فعلی از او سر بزند، دارای غایت و هدف است. چون جهان و انسان فعل خداوندند، پس هدف حکیمانه‌ای دارند.

در این استدلال، بیشتر باید به سراغ انسان برویم و به ویژگی‌های او دقت کنیم تا معاد انسان بهتر روشن شود. انسان ویژگی‌هایی دارد؛ مانند «گرایش به بقا» و «بی‌نهایت‌طلبی». خداوند حکیم این دو گرایش را بی‌سبب در ما قرار نداده است و اگر زندگی باقی و ابدی برای او در پیش نباشد، این دو ویژگی، عبث و بیهوده خواهند شد.

۶- تبیین «دلایل ضرورت معاد بر اساس عدل الهی»

دبیر محترم، مقدمات برهان عدل، مفهوم عدل و عادلانه بودن اساس عالم را توضیح می‌دهد؛ بدون اینکه بخواهد درباره عدل و سؤال‌های مربوط به آن بحث کند. البته ممکن است در اینجا دانش‌آموزان درباره وجود اختلاف‌ها، تبعیض‌ها و عیب‌ها و نقص‌های ظاهری موجود در جهان سؤال‌اتی طرح کنند. به طور خلاصه توضیح می‌دهیم که آنچه در جهان مشاهده می‌کنیم، تفاوت است، نه تبعیض. اگر هم خداوند در جایی نعمتی را از کسی دریغ کرده، حکمتی دارد که ما از آن اطلاع نداریم و اگر انسان، در عین اینکه آن نعمت

را ندارد، وظیفه‌اش را درست انجام دهد، خداوند پاداش مضاعف به او می‌دهد تا آن نقص جبران شود. سپس می‌گوییم اصولاً ظلم درباره خدا معنا ندارد؛ زیرا کسی به سوی ظلم می‌رود که میل و خواستی دارد که می‌خواهد به آن برسد و چون از راه عادلانه نمی‌رسد، هوای نفس او را تحریک می‌کند تا به مردم ظلم کند. اولاً خداوند کمبودی ندارد که بخواهد به آن برسد. ثانیاً هوای نفس ندارد که او را تحریک کند و به ظلم بکشد. لذا آنچه به ظاهر برای ما تبعیض جلوه می‌کند، حکمت‌هایی دارد که برای ما روشن نیست. پس از توضیحات لازم درباره عدل، برای دانش‌آموزان بیان می‌کنیم که زندگی همه انسان‌ها در این دنیا یکسان نیست. برخی در مسیر خیر و خوبی گام بر می‌دارند و برخی در مسیر باطل. از سوی دیگر می‌دانیم که در این عالم همه انسان‌ها به پاداش یا کیفر تمام اعمال خود نمی‌رسند. گرچه بعضی از رفتارهای انسان در این جهان نیز بدون پاسخ نمی‌ماند، ولی تردیدی نیست که تمامی اعمال انسان در این دنیا به نتیجه شایسته خود نمی‌رسد. چه بسا افرادی که همه عمر را با انواع سختی‌ها می‌گذرانند و عمری در جهت حق گام بر می‌دارند، بی‌آنکه پاسخ شایسته برای از خودگذشتگی‌های خود دریافت دارند و چه بسا افرادی که در دوران عمر خود تن به هرگونه فسادی می‌دهند و قبل از آنکه نتیجه اعمال خود را در این دنیا به‌طور کامل دریافت کنند، چشم از جهان فرو می‌بندند. از طرف دیگر اصولاً این جهان نیز ظرفیت جزا و پاداش انسان‌ها را ندارد. به عنوان نمونه چگونه می‌توان کسی را که جان هزاران بی‌گناه را ستانده است، در این جهان مجازات کرد؟ از دانش‌آموزان نیز می‌خواهیم که نمونه‌های دیگر از عدم ظرفیت دنیا را بیان کنند.

بنابراین عدل خدا ایجاب می‌کند که عالمی دیگر و نظامی گسترده‌تر وجود داشته باشد تا عدل و داد درباره همگان اجرا شود.

۷- انجام فعالیت «تدبیر»

بر طبق آیات قرآن، انکار معاد صرفاً به دلیل این نیست که فرد منکر، استدلال کافی برای پذیرش معاد ندارد و به دلیل نیافتن دلیل و برهان، آن را انکار می‌کند بلکه از منظر قرآن، در بسیاری از موارد، علت انکار معاد امور دیگری است؛ یعنی با وجود آنکه فرد منکر معاد، هیچ دلیل محکمی برای انکار معاد ندارد و حتی در اندیشه خود بر دلایل اثبات معاد صحه می‌گذارد اما به دلیل مسائل دیگری آن را انکار می‌کند. برخی از این امور در این آیات ذکر شده است، اموری همچون خوشگذرانی و غرق در لذت‌های دنیا شدن، اصرار و تکرار گناهان کبیره، غرق شدن در گناهان و ارتکاب بی‌دری گناه و آزاد بودن برای انجام گناهان مختلف. از نگاه قرآن بسیاری از انسان‌های هوسران، برای آنکه راحت گناه کنند و با یاد مرگ و معاد، ذائقه خود را تلخ نکنند، دست به انکار آن می‌زنند، زیرا با این کار می‌توانند خود را قانع کنند که راحت و بدون هیچ‌گونه نگرانی حرام‌خواری کنند، شهوت‌رانی کنند و ...

۸- تبیین بخش «پاسخ سوالات شما»

این بخش به دنبال پاسخ به شبهه‌ای است که از سوی منکران معاد مطرح می‌شود؛ کسانی که با محدود کردن علم خود به تجربه بشری، منکر معاد می‌شوند. در این بخش با استفاده از یک مثال و نیز با بهره‌گیری از قانون دفع خطر احتمالی و با استناد به حدیث امام رضا علیه السلام این شبهه پاسخ داده شده است.

۹- اندیشه و تحقیق

۱ شهادت در راه خدا، نجات جان انسان‌ها، جانبازی در راه خدا (مانند جانبازان جنگ تحمیلی)، قتل عام انسان‌های بی‌گناه.

۲ بله، چون بنابر قاعده دفع خطر احتمالی حتی اگر یک کودک یا شخص غیرمطمئن نیز درباره موضوعی که خطرات فراوان دارد، به ما هشدار می‌دهد، ما از آن اجتناب می‌کنیم، چه رسد به اینکه آن فرد هشداردهنده پیامبرانی باشند که راستگوترین و امین‌ترین مردمان در طول تاریخ بوده‌اند.

۳ اگر قرار بود زندگی ما محدود به همین دنیای مادی بود و آخرتی وجود نداشت، دیگر انسان نیازی به داشتن برخی از این سرمایه‌ها نداشت، مثلاً چه نیازی به وجدان داشت که دائم با تذکرها بی‌دری خود، کام انسان را در این چند روزه زندگی تلخ کند، یا چه نیازی به عقل داشت تا مدام انسان را از شرها و بدی‌ها باز بدارد و به سوی خیر و خوبی رهنمون کند، زیرا اگر قرار نیست آخرتی باشد، دیگر نیازی به رهنمودهای اخلاقی عقل نیست و هرکس هرگونه بخواهد آزاد است زندگی کند.

د) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

از آیات و اشعار زیر می‌توان در این درس استفاده کرد:

■ تفاوت روز قیامت با دنیا:

«الیوم عمل و لا حساب و غدا حساب و لا عمل».

امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۴۲

■ معاد در پرتو عدل الهی:

قیامت بهر این آمد مقرر / ظلم و عدل هر دیندار و کافر

شود در پیش هرکس آشکارا / که شاید این سزا را یا جزا را

دیوان رفعت سمنانی، ص ۴۵۷

■ در اندیشه فردا بودن:

از دم سرد خزان برگی که می‌افتد به خاک / از جهان، بی‌برگ رفتن یاد می‌آرد مرا

صائب تبریزی

رهی دور است، اما بعد مرگت
از اینجا بُرد باید زاد و برگت
اگر در دست و گردن از اینجاست
که زاد راه بی پایان از اینجاست
خسرونامه، عطار نیشابوری، ص ۲۷۶
عاقبتی هست بیا پیش از آن
کرده خود بین و بیندیش از آن
روز قیامت که بود داوری
شرم نداری که چه عذر آوری
دیوان نظامی گنجوی، ص ۵۵

هـ) منابع برای معلم و دانش آموز

منابع این درس، همان منابع درس پیش است.

منزلگاه بعد

درس ۶

الف) اهداف

۱- هدف کلی: آشنایی با جهان برزخ و توانایی تبیین رابطه آن با دنیا و آخرت

۲- اهداف آموزشی:

■ شناخت جهان برزخ به عنوان عالم میان دنیا و آخرت

■ شناخت رابطه برزخ و آخرت و توضیح و تبیین آن رابطه.

ب) محورهای اصلی درس

۱- بنا بر آیات قرآن کریم، پس از مرگ و قبل از قیامت، انسان وارد عالمی به نام «برزخ» می‌شود.

۲- وجود حیات، شعور و آگاهی و ارتباط میان برزخ با دنیا، از ویژگی‌های عالم برزخ است.

۳- پیشوایان معصوم ما علیهم‌السلام درباره سرنوشت مؤمنان و کافران در برزخ، نکاتی را بیان کرده‌اند.

۴- از آیات قرآن کریم و کلام معصومان علیهم‌السلام به دست می‌آید که بهره‌ای از بهشت و جهنم آخرت، در برزخ

به ترتیب نصیب مؤمنان و کافران می‌شود.

۵- در برزخ پرونده اعمال انسان‌ها باز است و آثار کارهایی که در دنیا انجام داده‌اند، به آنان می‌رسد.

ج) اجزای تدریس

این درس، دارای قسمت‌های زیر است:

۱- تبیین «ویژگی‌های عالم برزخ»

اولین ویژگی دوران برزخ، جدایی روح از بدن دنیایی و دریافت روح توسط ملائکه و ادامه حیات او در

برزخ است. اما بدن دنیایی فعالیت‌های حیاتی خود را از دست می‌دهد. آیه ۹۷ سوره نساء و آیه ۳۲ سوره

نحل درباره دریافت روح هستند.

ویژگی دوم برزخ شعور و آگاهی در آن عالم است. گفت‌وگوی فرشتگان با انسان پس از مرگ و سخن

گفتن پیامبر با کشته شدگان جنگ بدر، شواهدی بر آگاهی آنان است. این گفت‌وگو نشان می‌دهد که انسان

هوشیاری خود را پس از مرگ نه تنها از دست نداده، بلکه بر آن افزوده شده است؛ به طوری که می‌تواند

حضور فرشتگان را درک کند. آیات ۹۷ سوره نساء و ۳۲ سوره نحل به این موضوع اشاره می‌کنند. سومین ویژگی برزخ، مربوط به ارتباط این عالم با دنیا و تأثیر اعمال دنیایی بر وضع انسان در برزخ است. آیه ۱۲ سوره بس و آیه ۱۳ سوره قیامت، مربوط به این موضوع است. در این قسمت برخی از نمونه‌ها و مثال‌های امروزی از اعمال متأخر برای دانش‌آموزان ذکر شده است تا دانش‌آموزان به خوبی به این امر واقف شوند که بسیاری از اعمال انسان می‌تواند پس از مرگ وی نیز تداوم داشته باشد و موجب پاداش یا عقاب وی شود. این موضوع به‌ویژه در عصر امروز که به عصر ارتباطات مشهور است، نمود بیشتری دارد. چرا که هر مطلبی که در اختیار دیگران قرار می‌دهیم، به سرعت با ابزارهای نوین اطلاعاتی دست به دست می‌شود و اگر مطلب مفیدی باشد، به ازای هر کسی که از آن بهره برد و تا زمانی که این مطلب دست به دست می‌گردد، باعث بهره‌مندی انسان از ثواب آن می‌شود و اگر مطلب نامناسبی باشد، به ازای هر کسی که از آن تأثیر منفی می‌پذیرد، اسباب عقاب صاحب آن اثر فراهم می‌شود.

ذکر این ویژگی‌ها برای این است که دانش‌آموزان، به تفاوت دنیا با برزخ و برزخ با آخرت و سرنوشت عظیمی که پس از مرگ در انتظار هر کسی است، پی ببرند. بنابراین، دبیر باید در لابه‌لای سخنان خود به این موضوعات بپردازد و توجه دانش‌آموزان را به آنها جلب کند.

۲- انجام «فعالیت کلاسی»

این فعالیت، برای تکمیل ویژگی سوم برزخ است. هدف اصلی از این فعالیت، توجه دادن دانش‌آموزان به آثار و عواقب اعمال خودشان است. آنان با ذکر این مثال‌ها بهتر درمی‌یابند که کمتر عملی در دنیا هست که آثار طولانی‌مدت نداشته باشد و عموم اعمال و آثارشان حتی پس از مرگ هم باقی است.

۳- تبیین بخش «بیشتر بدانیم» با عنوان «دومینویی به امتداد جهان آخرت»

این قسمت درصدد تبیین بیشتر اعمال متأخر انسان در قالب یک مثال است. سرگرمی دومینو که در این بخش نام آن آمده است متشکل از تعداد زیادی قطعات کوچک مستطیلی شکل است که با فاصله مناسب در کنار هم چیده می‌شوند و با ضربه زدن به اولین قطعه و افتادن آن، سایر قطعات نیز تحت تأثیر ضربه آغازین یک به یک بر زمین می‌افتند. گاه در این سرگرمی از هزاران قطعه استفاده می‌شود که فقط کافی است کسی اولین ضربه را به اولین قطعه بزند تا انرژی اولین ضربه به قطعات دیگر منتقل شود. کتاب با استفاده از این مثال، ارسال یک پیام یا عکس یا فیلم از سوی ما در فضای مجازی را همچون ضربه زدن به اولین قطعه دومینو دانسته که موجب می‌شود این پیام دست به دست از شخصی به شخص دیگر منتقل شود. با این تفاوت که منتقل‌کنندگان یک پیام بسیار بیشترند و زمان این جابه‌جایی نیز گاه سال‌ها به درازا می‌کشد و قطعاً برای هر بار که این پیام به شخصی جدید منتقل می‌شود، ثواب یا عقابی برای ارسال‌کننده آغازین پیام نگاشته می‌شود.

۴- انجام فعالیت «تدبیر»

آیه اول به دو ویژگی «وجود حیات» و «وجود شعور و آگاهی» در عالم برزخ اشاره دارد. آیه دوم نیز به دو ویژگی «وجود حیات» و «وجود شعور و آگاهی» اشاره دارد.

۵- تبیین بخش «پاسخ سؤالات شما»

در این بخش که بنیاد دارد به یکی از رایج ترین سؤالات دانش آموزان در موضوع مرگ و برزخ پاسخ دهد، به تبیین موضوع فشار قبر پرداخته است. برخی دانش آموزان گمان می کنند که منظور از فشار قبر، فشرده شدن دیواره های قبر به یکدیگر و فشار به بدن جسمانی است. این بخش برای رفع این اشتباه نوشته شده است.

۶- اندیشه و تحقیق

در این بخش، دو سؤال طرح شده است :

۱ سؤال اول درباره کلمه «توفی» است. توفی به معنای دریافت کامل است. خداوند در قرآن کریم می فرماید، ما هنگام مرگ نفس شما را به تمام و کمال دریافت می کنیم. روشن است که «توفی» مربوط به بُعد غیرمادی وجود انسان، یعنی روح اوست.

۲ سؤال دوم : هریک از موارد مطرح در این سؤال ممکن است دربرگیرنده یک یا دو ویژگی عالم برزخ باشند. در این سؤال، قسمت الف به «وجود حیات» و «وجود شعور و آگاهی» اشاره دارد، تلقین میت نشان می دهد وی زنده است و با مرگ حیات وی تمام نشده و با شعور و آگاهی که دارد، کلمات تلقین شده را می فهمد. قسمت ب به «وجود ارتباط میان عالم برزخ و دنیا» و قسمت ج نیز بیانگر «وجود شعور و آگاهی» و «وجود ارتباط میان عالم برزخ و دنیا» است؛ زیارت قبور درگذشتگان، و توصیه دین به این کار نشان می دهد که آنان از شعور و آگاهی برخوردارند و حضور ما بر سر قبر را متوجه می شوند (همان گونه که پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام گاه بر سر قبور مردگان حاضر می شدند و با آنان سخن می گفتند) و همچنین نشانه ارتباط دنیا با عالم برزخ است.

۷- پیشنهاد

این آرم مربوط به «انجمن اهدای عضو» است و ارتباط آن با بحث اعمال ماتقدم و ماتأخر این است که با اهدای عضو و نقشی که این اعضا در نجات جان بیماران پیوندی دارند، باعث می شویم که پرونده اعمال ما حتی پس از مرگ نیز باز بماند و تا وقتی فرد پیوندی زنده است، ثواب و پاداش نجات جان وی، برای ما نوشته شود.

د) دانستنی های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

۱ آیاتی از قرآن کریم که مفسران در ذیل آنها، درباره برزخ بحث کرده اند :

۶۱/ انعام	هود/ ۱۰۵ تا ۱۰۸
۲۵/ نوح	مؤمن/ ۴۶ و ۴۷
۹۷/ نساء	مریم/ ۶۲
۱۱/ مؤمن	آل عمران/ ۱۶۹ و ۱۷۰
۲۶ و ۲۷/ یس	زمر/ ۴۲
۵۵/ روم	بقره/ ۱۵۴

برای تحقیق بیشتر به تفسیر المیزان، تفسیر نمونه، تفسیر موضوعی آیت الله جوادی آملی و ... مراجعه شود.

۲ برخی احادیث درباره آگاهی و شعور در عالم برزخ

■ امام صادق علیه السلام فرمود: «به درستی که مؤمن خانواده خویش را زیارت می کند؛ پس آنچه را دوست دارد، می بیند و آنچه را ناخوشایند می دارد، از او پوشیده می شود. کافر نیز خانواده خویش را زیارت می کند؛ پس، می بیند آنچه ناخوشایند است و از او پوشیده می شود، آنچه را دوست می دارد». امام فرمود: «پاره ای از ایشان هر جمعه زیارت می کنند و پاره ای بر حسب عمل خود زیارت می کنند» (اصول کافی، کتاب الجنائز، باب المیت یزور اهله، روایت ۱).

■ خضر می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «از چه چیزی در قبر سؤال می شود؟ فرمود: از ایمان محض و از کفر محض [یعنی فقط از ایمان و کفر سؤال می شود تا مؤمن و کافر مشخص شود]». گفتم: وضعیت دیگر مردم چگونه است؟ فرمود: «به خدا قسم، آنان به حال خود رها شده اند و در آن هنگام توجهی به آنها نمی شود [این گروه مستضعفانند که ایمان و کفرشان مشخص نیست]». گفتم: «در قبر از چه چیزی می پرسند؟»، فرمود: «از حجت خدا که در میان آنهاست»؛ پس، به مؤمن گفته می شود: «درباره آن شخص (حجت خدا) چه می گویی؟»، مؤمن می گوید: «او امام من است». پس به او گفته می شود: «بخواب، خدا خواب را بر تو گوارا گرداند» و دری از بهشت به روی او باز می شود و پیوسته تا قیامت نسیمی از آن بر او می وزد. به کافر گفته می شود: «درباره آن شخص (حجت خدا) چه می گویی؟»؛ وی می گوید: «درباره او شنیده ام؛ اما نمی دانم کیست». پس به او گفته می شود: «دانستی [ولی انکار کردی]» و دری از جهنم به روی وی گشاده می شود و پیوسته تا قیامت آتشی از آن او را دربر می گیرد» (اصول کافی، ج ۳، باب المسأله فی القبر، روایت ۸).

■ از امام صادق علیه السلام درباره ارواح مؤمنان سؤال شد، فرمود:

«أرواحُ المؤمنین فی حجراتٍ فی الجنة، يأكلونَ مِن طعامِها و یسربونَ مِن شرابِها و یتزاورون فیها و یقولون: ربنا اقم لنا الساعة لتنجز لنا ما وعدتنا».

(المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۵)

و چون از ارواح مشرکان سؤال شد، فرمود :
«فی النار یعذبون، یقولون لا تقم لنا الساعة، ولا تنجز لنا ما وعدتنا».

(بحار الانوار، ج ۶، صص ۱۶۹ و ۲۷۰)

■ امام سجاد علیه السلام فرمود :

«إِنَّ الْقَبْرِ رَوْضَةَ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، أَوْ حُفْرَةً مِنْ حُفْرِ النَّارِ». قبر، باغی از بوستان‌های بهشت است یا حفره و گودالی از گودال‌های جهنم

(بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۴).

■ امام صادق علیه السلام فرمود :

«أَنَّ الْأَرْوَاحَ فِي صِفَةِ الْأَجْسَادِ فِي شَجَرَةٍ فِي الْجَنَّةِ تَعَارَفُ وَتَسْأَلُ فَإِذَا قَدِمَتِ الرُّوحُ عَلَى الْأَرْوَاحِ تَقُولُ : دَعُوهَا فَإِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَتْ مِنْ هَوْلٍ عَظِيمٍ ثُمَّ يَسْأَلُونَهَا مَا فَعَلَ فُلَانٌ وَ مَا فَعَلَ فُلَانٌ فَإِنْ قَالَتْ لَهُمْ : تَرَكْتُهُ حَيًّا أَرْتَجُّوه وَإِنْ قَالَتْ لَهُمْ قَدْ هَلَكَ قَالُوا : قَدْ هُوَى هُوَى».

ارواح به صورت جسم در باغ‌های بهشتی هستند، همدیگر را می‌شناسند و از حال هم پرس و جو می‌کنند و با هم گفت‌وگو دارند. وقتی یکی از افراد دنیا به عالم برزخ می‌آید، برزخی‌ها به هم می‌گویند : فعلاً او را رها کنید که از هول و وحشت بزرگی خلاص شده، [پس از مدتی به سراغ او می‌آیند]، می‌پرسند از فلانی چه خبر؟ اگر بگویند آنها هنوز زنده هستند و در دنیا زندگی می‌کنند، امیدوار می‌شوند و اگر بگویند فلانی قبل از من مرد، می‌گویند : حتماً سقوط کرد و به جهنم برزخی افتاد.

(الفصول المهمة فی اصول الانمه، الحر العاملی، ج ۱، ص ۳۳۰).

هـ) منابع برای معلم و دانش آموز

با توجه به ثابت بودن موضوع، منابع قابل استفاده در این درس، همان منابع درس چهارم است.

واقعۀ بزرگ

درس ۷

الف) اهداف

- ۱- هدف کلی: آشنایی با مراحل وقوع قیامت و چگونگی محاکمۀ الهی
- ۲- اهداف آموزشی:
 - آشنایی با مراحل تکوین واقعۀ قیامت و توانایی تبیین آن
 - به دست آوردن درک صحیح از محاکمۀ الهی در روز جزا و سرنوشت انسان‌ها پس از آن
 - کسب مراتبی از خوف و رجا نسبت به آیندۀ خود در جهان آخرت

ب) محورهای اصلی درس

- ۱- برپایی قیامت دارای دو مرحله است که هر مرحله آن با یک نفخ صور آغاز می‌شود.
- ۲- در مرحله اول بساط حیات روی زمین برچیده می‌شود و تحولی عظیم در آسمان‌ها و زمین رخ می‌دهد؛ به طوری که زمین به زمینی دیگر و آسمان‌ها به آسمان‌هایی دیگر تبدیل می‌شوند.
- ۳- در مرحله دوم همه انسان‌ها زنده می‌شوند و از دل زمین بیرون می‌آیند؛ پرده‌ها کنار می‌رود و حقایق دنیا آشکار می‌شود.
- ۴- دادگاه الهی برپا و به حساب انسان‌ها بر موازین عدل رسیدگی می‌شود. در دادگاه الهی، پیامبران و امامان به عنوان شاهد حضور دارند.
- ۵- نامۀ اعمال هر کسی - که عین اعمال او را تشکیل می‌دهد - در اختیار خودش قرار می‌گیرد و هرکس صورت واقعی خود را - زشت و زیبا - می‌بیند و مشاهده می‌کند.

ج) اجزای تدریس

در تدریس این درس باید به اجزای زیر توجه شود:

۱- تبیین «مرحلۀ اول قیامت»

دبیر محترم این حوادث را با حالت تنذیر و موعظه بیان می‌کند و در شرح این حوادث، نباید برداشت‌های شخصی را دخالت دهد، بلکه صرفاً به نقل و توضیح آن حوادث اکتفا کند. البته لازم است دبیران، خود را برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های دانش‌آموزان آماده کنند. این آمادگی با مطالعه کتاب‌های تفسیر، مانند

تفسیرالمیزان، تفسیر نمونه، تفسیر نور و تفسیر موضوعی آیت الله جوادی آملی درباره معاد به دست می آید. ذکر این حوادث، در قرآن کریم و آوردن آنها در کتاب درسی، هم حتمی بودن معاد را برای دانش آموزان ملموس تر می کند و هم عظمت آن را بهتر نشان می دهد.

اولین حادثه، نفع صور اول است که در آیه ۶۸ سوره زمر آمده است. دومین حادثه، مرگ اهل آسمانها و زمین است که در همان آیه به آن اشاره شده است. سومین حادثه، تغییر و تحول در آسمانها و زمین است که در بسیاری از آیات قرآن، از جمله در سوره های انشقاق، تکویر، قارعه، زلزال، حاقه، فجر و انفطار ذکر شده است.

۲- تبیین «مرحله دوم قیامت»

دبیر گرامی، با همان بیان تندیرو و موعظه ای، هریک از حوادث مرحله دوم قیامت را توضیح می دهد و از دانش آموزان می خواهد که آیه ای را که این حادثه در آن آمده است، مشخص کنند.

حادثه اول، نفع صور دوم و زنده شدن انسانها است که از آیه ۶۸ سوره زمر به دست آمده است. حادثه دوم، کنار رفتن پرده از حقایق عالم است که از آیه ۶۹ سوره زمر به دست آمده است. حادثه سوم، برپا شدن دادگاه الهی است که از آیات ۶۹ سوره زمر و ۴۷ سوره انبیاء استخراج شده است. حادثه چهارم، حضور شاهدان و گواهان است که از آیه ۶۹ سوره زمر و ۲۱ سوره فصلت به دست آمده است. در این درس به سه مورد از این شاهدان؛ یعنی پیامبران و امامان، فرشتگان و اعضای بدن انسان اشاره شده است.

حادثه پنجم، دادن نامه اعمال است که از آیات ۱۹ و ۲۵ سوره حاقه به دست آمده است.

۳- انجام فعالیت «تدبیر»

براساس این آیات، توجه به فراهم آوردن گوشه نیکو برای جهان آخرت از طریق انجام اعمال صالح، ایمان به احکام الهی و عدم تکذیب یا بی توجهی به آنها، پیروی از سیره و روش پیامبر و اطاعت از دستورات او و در نهایت دقت در انتخاب دوست و هم نشینی با دوستان مؤمن می تواند ما را از حسرت روز قیامت نجات دهد.

۴- تبیین بخش «بیشتر بدانیم»

این «بیشتر بدانیم» بخشی از مناجات حضرت علی علیه السلام در مسجد کوفه است که برای تأثیر بیشتر درس ذکر شده است. در این دعا امام به بیان سختی های قیامت در قالب مناجات با خدا می پردازد. مناسب است که این بخش با صدای دلنشین استاد سماواتی برای دانش آموزان پخش شود.

۵- اندیشه و تحقیق

۱ در سؤال اول به ذکر سه دسته از شاهدان قیامت که در کتاب آمده است، می پردازیم.

۲ در سؤال دوم نیز برخی از وقایع عالم قیامت توضیح داده می شود.

(د) منابع

علاوه بر منابعی که در درس‌های مربوط به معاد آمده، از منابع زیر نیز می‌توان استفاده کرد :

۱ تجسم عمل و شفاعت، محمد شجاعی، کانون اندیشه جوان (معلم و دانش‌آموز)

۲ موافق حشر، محمد شجاعی، کانون اندیشه جوان (معلم و دانش‌آموز)

فرجام کار

درس ۸

الف اهداف

- ۱- هدف کلی: آشنایی با سرنوشت و سرانجام انسان در منزل آخرت و احساس نیاز به کسب آمادگی در آن روز
- ۲- اهداف آموزشی:
- شرح جایگاه نیکوکاران و گناهکاران براساس قرآن کریم و سنت
 - تبیین تناسب عمل با پاداش و کیفر در قیامت

ب) محورهای اصلی درس

- ۱ پس از محکمه الهی، بهشتیان با جلال و کرامت به سوی بهشت برده می‌شوند.
- ۲ پس از محکمه الهی، جهنمیان با خواری به سوی جهنم رانده می‌شوند.
- ۳ بهشتیان در بهشت از نعمت‌های بی‌شماری بهره می‌برند که قرآن کریم از آنها خبر داده است.
- ۴ ما باید با استفاده از بشارت‌های قرآن، استعداد‌های درونی خود را برای رسیدن به نعمت‌های بهشتی شکوفا کنیم.
- ۵ جهنمیان به عذاب‌های گوناگونی در جهنم دچار می‌شوند؛ قرآن کریم از این عذاب‌ها خبر داده است.
- ۶ ما با توجه به انداز قرآن، باید بکوشیم خود را گرفتار عذاب الهی نکنیم.
- ۷ آنچه انسان به عنوان پاداش یا کیفر در روز جزا دریافت می‌کند، محصول کار اوست.
- ۸ پاداش و کیفر الهی در روز قیامت ظهور و بروز خود عمل انسان است.

ج) اجزای تدریس

این درس از قسمت‌های زیر تشکیل شده است:

- ۱- تبیین «جایگاه نیکوکاران»
- دبیر می‌تواند با استفاده از این بخش، نعمت‌های بهشتی را که در قرآن کریم یا در روایات آمده است، به دانش‌آموزان یادآوری کند؛ این یادآوری باید حالت تیشیری داشته باشد تا شوق و امید به کسب آن نعمت‌ها در دانش‌آموزان ایجاد کند. نعمت‌های بهشت متنوع‌اند و متناسب با وجود انسان، هم جنبه جسمانی

دارند و هم معنوی؛ پس، لازم است دانش‌آموزان را به انواع مختلف این نعمت‌ها و لذت‌ها متوجه سازیم.

۲- انجام فعالیت «تدبیر»

راستگویی و صداقت، انفاق چه در زمان توانگری و چه در زمان فقر، فروخوردن خشم، گذشت از خطای مردم، توبه کردن بدون تأخیر از گناهان و طلب آمرزش از خداوند، امانت‌داری، وفای به عهد، شهادت دادن درست و مواظبت بر اقامه نماز از جمله کارهایی است که می‌توانیم با انجام آنها در زمره بهشتیان باشیم.

۳- تبیین بخش «پاسخ سوالات شما»

یکی از سوالات دانش‌آموزان درباره بهشت این است که آیا زندگی جاوید در آنجا موجب خستگی و دل‌زدگی انسان نمی‌شود. این سؤال از آن جهت مطرح می‌شود که تکرار و تداوم بهترین لذت‌ها نیز، پس از مدتی انسان را خسته و دل‌زده می‌کنند. این بخش به پاسخ این پرسش پرداخته است.

۴- تبیین «جایگاه دوزخیان»

دبیر با استفاده از نمونه‌های ذکر شده و مثال‌های دیگری که خود از قرآن کریم یا احادیث استخراج کرده است، نمونه‌هایی از عذاب‌های جهنم را بیان می‌کند تا دانش‌آموزان با جایگاه جهنمیان و عاقبت کار آنان بیشتر آشنا شوند. لازم است دانش‌آموزان بدانند که این عذاب‌ها، یا در قرآن کریم آمده‌اند یا از احادیث معصومان علیهم‌السلام نقل شده‌اند و البته مهم این است که از ذکر نمونه‌ها و عذاب‌های غیر مستند و افسانه‌ای دوری کنیم و زبان تندی را مناسبی را برگزینیم.

برای اینکه دانش‌آموزان متوجه شوند که این‌گونه عذاب‌ها، ارتباط مستقیمی با گناهان انسان دارد و این عذاب‌های بزرگ، نتیجه گناهان بزرگ و محصول آنهاست نه چیزی اضافی؛ دبیر باید توجه دانش‌آموزان را در این مرحله به گناهان بزرگ اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی که در سطح دنیا اتفاق می‌افتد، جلب کند. دانش‌آموز به این وسیله متوجه می‌شود که این عذاب‌های بزرگ برای ارتکاب چند گناه بزرگ و کوچک توسط افراد معمولی نیست؛ بلکه بین عذاب‌ها و اعمال تناسب و هماهنگی برقرار است. البته توضیحات شما نباید به گونه‌ای باشد که گناهان فردی و کوچک، کم‌اهمیت جلوه کند؛ زیرا همین گناهان کوچک و به ظاهر کم‌اهمیت، به تدریج صفحه قلب انسان را مکدر می‌کنند و او را برای ارتکاب گناهان بزرگ، آماده می‌سازند.

۵- انجام فعالیت «تدبیر»

در این فعالیت دانش‌آموزان با تأمل در آیات قرآن زمینه‌ها و عوامل رفتن به سوی گناه را در خود بررسی می‌کنند تا ببینند در برابر چه موضوعی ضعف دارند. عواملی که در این آیات بدان‌ها اشاره شده عبارت‌اند از: ترک نماز، بی‌توجهی به فقرا و نیازمندان، همراهی با بدکاران در انجام گناه، تکذیب روز قیامت، به تأخیر انداختن توبه تا لحظه مرگ، مست و مغرور شدن به نعمات دنیوی و اصرار بر انجام گناهان بزرگ.

۶- تبیین «رابطه عمل و پاداش و کیفر»

دیر ارجمند، انواع رابطه‌های میان عمل و نتیجه آن را روی تابلوی کلاس به صورت جدول، نمایش می‌دهد و آنها را تشریح می‌کند. ابتدا دو نوع رابطه قراردادی و طبیعی را تبیین می‌کند و ویژگی‌های هر دو را توضیح می‌دهد و سپس به تشریح رابطه سوم می‌پردازد.

همان‌طور که می‌دانیم، در آخرت رابطه عمل با نتیجه آن، رابطه‌ای عینی است؛ یعنی، عین عمل انسان به صورت پاداش یا جزا درمی‌آید. این نوع رابطه در دنیا کمتر مصداق دارد؛ بنابراین، تصور آن برای ما مشکل است؛ اما چون آخرت، باطن دنیاست و رابطه دنیا و آخرت رابطه ظاهر و باطن است، ظهور و جلوه اعمال انسانی که در دنیا انجام شده است، در آخرت به صورت نعمت‌های بهشتی یا عذاب‌های جهنمی ظاهر می‌شود؛ برای مثال، غیبت در جهنم به صورت عذاب خاصی درمی‌آید یا راستی و صداقت در بهشت به صورت یک نعمت ظاهر می‌شود؛ به همین جهت در حدیث آمده است: «این همان اعمال شماست که به سوی شما بازگردانده شده است»^۱.

موضوع مهمی که به تبیین دقیق نیاز دارد، حقیقت نامه عمل و چگونگی ثبت و ظهور آن است. این موضوع، بحث عمده این درس است و باید به خوبی برای دانش‌آموزان روشن شود و آنان دریابند که نامه عمل، چیزی جز آنچه انسان در دنیا کسب کرده است، نیست. برای اطلاع بیشتر از کیفیت نامه عمل، خلاصه نظرات آیت الله جوادی آملی را تقدیم می‌کنیم.

آیت الله جوادی آملی در کتاب معاد در قرآن (جلد پنجم از تفسیر موضوعی قرآن کریم، صفحات ۴۷ تا ۹۶) بحث مبسوطی درباره تجسم اعمال کرده است که خلاصه بخشی از آن را در اینجا می‌آوریم.

«آیات تجسم اعمال بر چند دسته است:

اول: آیاتی که بر زنده و مشهود بودن عمل پس از مرگ، دلالت دارد؛ مانند: سوره کهف، آیات ۴۹ و ۷۸؛ سوره زلزله، آیات ۶ تا ۸؛ سوره آل عمران، آیه ۳۰ و سوره تکویر، آیه ۱۴.

دوم: آیاتی که دلالت دارد آنچه را انسان به عنوان خیر و کار نیک پیش می‌فرستد یا به عنوان شر و عمل قبیح انجام می‌دهد، همه را خواهد دید؛ مانند: آیه ۱۱۰ سوره بقره، آیه ۲۰ سوره مزمل و آیه ۴۰ سوره نبأ. سوم: آیاتی که دلالت دارد همه کردار و حتی پنهانی‌های اسرار و رموز انسان در قیامت آشکار می‌شوند؛ مانند: آیه ۲۸۴ سوره بقره، آیه ۱۶ سوره مؤمن، آیه ۵۴ سوره احزاب و آیه ۲۹ سوره آل عمران.

چهارم: آیاتی که دلالت دارد انسان در برابر کردار خویش به پاداش کامل خواهد رسید و آنچه کسب کرده است، به او کاملاً بازپرداخت خواهد شد؛ مانند: آیه ۲۸۱ سوره بقره، آیات ۲۵، ۱۶۱ و ۱۸۵ سوره آل عمران و آیه ۷۰ سوره زمر.

پنجم: آیاتی که دلالت دارد اعمال انسان آزموده می‌شود؛ چنان‌که محصول کشاورزی به وسیله چشیدن

آزموده می‌شود تا کمال یا رسیده بودن آن و نیز مزه‌اش معلوم شود؛ عمل انسان نیز در قیامت به آزمایش گذاشته می‌شود و انسان آن را می‌چشد تا بفهمد شیرین است یا تلخ؛ مانند: آیه ۳۰ سوره یونس.

ششم: آیاتی که دلالت دارد پاداش عین عمل و کردار انسان عین پاداش است؛ مانند: آیه ۹۰ سوره نمل، آیه ۳۹ سوره صافات، آیه ۱۶ سوره طور، آیه ۷ سوره تحریم، آیه ۸۴ سوره قصص، آیه ۴۰ سوره غافر و آیه ۱۴۷ سوره اعراف.

هفتم: آیاتی که بر چگونگی ارائه عمل انسان در قیامت دلالت دارد؛ مثلاً در برخی آیات، عمل انسان به صورت غل و زنجیر برگردن آدمی بیان شده است؛ مثل: آیه ۳۳ سوره سبأ. در دنیا نیز گاهی انسان حقایق باطنی و اخروی اشیا را در خواب که در چهره‌ای به ملکوت است، به صورتی مناسب می‌یابد؛ چنان‌که علم و دانش به صورت آب زلال و حکمت به صورت شر، تجلی می‌کند. خواب‌بیننده، با لوح محفوظ، لوح محو و اثبات، و کتاب مبین، ارتباط حضوری برقرار می‌سازد و از امور غیبی گذشته یا آینده مطلع می‌شود؛ چنان‌که حضرت یوسف فرمود: انی رأیت احد عشر کوباً و الشمس و القمر رأیتهم لی ساجدین؛ من در خواب یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم. دیدم آنها برای من سجده می‌کنند. آن حضرت این حقیقت را در عالم مثال منفصل دید و آنگاه که به ظهور و تأویل رسید، گفت: یا ابت هذا تأویل رؤیای من قبل؛ ای پدر، این است تعبیر خواب پیشین من.

انسان که علم از عالم اندیشه و ذهن در خارج به صورت نوشتار، شکل می‌گیرد، یعنی نخست از ماده و صورت منزّه است و سپس، در قالب ماده و صورت نزول می‌یابد و این دو نحوه وجود در طول هم قرار دارند؛ در قوس صعود نیز کردار انسان، مانند غیبت به شکل نان‌خوردن سگ‌های جهنم نموده می‌شود؛ همچنین بردن حیثیت و آبروی مردم در دنیا و گزیدن و نیش زدن آنان با زبان در قیامت به صورت تیغ درمی‌آید: لیس لهم طعام آلا من ضریع * لایسمن و لا یغنی من جوع^۲. غذایی جز تیغ دوزخ بر آنان نیست. با این غذا، نه فربه شوند و نه سیر گردند.

گفتنی است چنان‌که قبلاً اشاره شد، در آستانه مرگ، عقاید و اخلاق و رفتار انسان تجسم می‌یابد و شکل می‌گیرد و آدمی آنها را ملاحظه می‌کند؛ از این رو، علامه بزرگوار مجلسی رحمته‌الله علیه می‌گوید:

شیخ بهایی (قدس الله روحه) می‌فرماید: همین کردار کنونی در لباس دیگری در قیامت ظهور می‌کند؛ زیرا، فالیوم لا تطلم نفس شیئاً و لا تجزون آلا ما کنتم تعملون^۳؛ چنان‌که در حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: آنان که در ظروف طلا و نقره می‌آشامند، همانا در درویشان آتش جهنم می‌غرد؛ و فرمود: ستم، ظلمات روز

۱- سوره یوسف، آیه ۴.

۲- همان، آیه ۱۰۰.

۳- سوره غاشیه، آیات ۷-۶.

۴- سوره یس، آیه ۵۴.

قیامت است؛ و فرمود: بهشت صحرا است و نهال آن سبحان الله و بحمده، است... هشتم: آیاتی که دلالت دارد بر اینکه اعمال انسان دارای ظاهر و باطنی است؛ مثلاً خوردن مال مردم، آتش خوردن است و مصداق کامل آن خوردن مال یتیمان است؛ مانند: آیه ۱۰، سوره نساء. نهم: آیاتی که دلالت دارد بر اینکه وقتی ظلم که در حقیقت آتش است، در جان انسان ملکه می‌شود، خود انسان هیزم و مواد سوختی جهنم می‌شود؛ مانند: آیه ۱۵ سوره جن، آیه ۲۴ سوره بقره، آیه ۱۰ سوره آل عمران، آیه ۹۸ سوره انبیاء.

دهم: آیاتی که دلالت دارد در قیامت، قدرت عمل و کردار انسان به حدی قوی است که عامل را به صورت خود درمی‌آورد، نظیر آیه ۱۸ سوره نبا و احادیثی که در شرح آن آمده است.^۱

۷- تبیین بخش «بیشتر بدانیم»

این بخش در قالب یک مثال، تصویری از همراهان و رفیقان انسان را در این دنیا و تداوم دوستی آنان، با انسان پس از مرگ ارائه می‌دهد. این همراهان عبارت‌اند از جسم و تن انسان که انسان همواره به دنبال تغذیه مناسب و آراستگی آن است؛ خانواده انسان اعم از پدر، مادر، زن و فرزند و...؛ مال و ثروت و درنهایت اعمال و رفتار. در این داستان به خوبی نشان داده شده است که چگونه انسان زندگی خود را صرف بدن خود، خانواده خویش و جمع آوری مال و ثروت می‌کند؛ اما هنگام مرگ هیچ یک از آنها حاضر به همراهی انسان نیستند و تنها عمل انسان است که در قبر نیز ما را رها نمی‌کند. عملی که در دنیا بسیار به آن کم توجهی می‌کنیم.

۸- اندیشه و تحقیق

در بخش اندیشه و تحقیق، سه سؤال وجود دارد که دانش‌آموزان باید آنها را انجام دهند. ۱ در این سؤال، دانش‌آموزان باید این موضوع را بررسی کنند که آیا اصولاً در مجازات نوع سوم که همان عینیت یافتن عمل است، ظلم امکان‌پذیر است یا نه. می‌دانیم که در مجازات‌های قراردادی، امکان عدم مساوات و ظلم، وجود دارد؛ یعنی، ممکن است مجازاتی که برای یک گناهکار در نظر می‌گیرند، با گناه او تناسبی نداشته باشد؛ اما وقتی خود عمل به صورت مجازات، ظاهر می‌شود، ظلم معنا ندارد.

۲ دانش‌آموزان جدولی را به صورت زیر ترسیم می‌کنند و تفاوت‌های آخرت با دنیا و برزخ را در آن می‌نویسند.

ردیف	دنیا	برزخ	آخرت
۱	محل عمل است.	محل عمل نیست.	محل عمل نیست.
۲	پرونده عمل باز است.	پرونده عمل باز است.	پرونده عمل بسته است.
۳	فقط آثار دنیایی عمل ظهور دارد.	بهره‌ای از آثار اخروی عمل ظهور پیدا می‌کند.	آثار اخروی عمل به طور کامل ظاهر می‌شود.
۴	آگاهی‌های انسان محدود است.	آگاهی انسان به اعمال خود، بالا می‌رود.	سطح آگاهی انسان به اعمال خود بالا می‌رود و آنها را به طور حضوری می‌بیند.
۵	امکان تقلب و فریب کاری در محاکمه هست.	-	امکان فریب کاری در محاکمه نیست.
۶	برخی پاداش‌ها قراردادی است.	-	پاداش‌ها ظهور و تجسم خود عمل‌اند.

۳ این سؤال درباره حدیثی از رسول خدا ﷺ است. رسول خدا دنیا را به مزرعه تشبیه فرموده است. در این تمرین، شباهت‌های دنیا و آخرت که مربوط به این حدیث است، درخواست شده است. اگر دل را زمین مناسب برای کشت بدانیم، چه شرط‌هایی برای رسیدن به برداشت محصول خوب ضروری است؟

- ۱ بذر سالم، همان استعدادها و گرایش‌های پاک است.
- ۲ آبیاری و تغذیه مناسب، همان اعمال نیک است.
- ۳ پاک کردن زمین از خس و خاشاک و علف‌های هرز، همان پاک شدن از گناهان است.
- ۴ حفظ کردن از آسیب آفات و حیوانات، جلوگیری از وسوسه شیطان، نفس اماره و دوستان ناباب و عوامل تبلیغی دیگر است.

د) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

- ۱ برخی از ویژگی‌های بهشت که در قرآن کریم و روایات آمده است :
- ۲ بهشت محل حزن و رنج نیست (سوره فاطر: آیات ۳۵-۳۳).

■ مؤمنان با سلامت و امنیت وارد بهشت می‌شوند (سوره حجر: آیات ۴۸-۴۵ و سوره نحل: آیات ۳۲-۳۰).

■ بهشت «دارالسلام» است و سلام یکی از نام‌های خداست (سوره انعام: آیه ۱۲۷ و سوره حشر: آیه ۲۳).
 ■ در دعا نیز آمده است «اللهم انت السّلام و منک السّلام و لک السّلام و الیک یعود السّلام». سلام بیان یک تعارف و گفتن درود نیست؛ بلکه سلام اسمی از اسماء خداست؛ بنابراین، خودش حقیقتی است، مانند: رحمت، علم و سایر حقایق که انسان می‌تواند به آن مرتبه، نائل شود (معادشناسی: ج ۱- ص ۱۰۷).
 ■ بهشت، هشت در دارد (امیرالمؤمنین علی علیه السلام، خصال شیخ صدوق - صص ۴۰۷ و ۴۰۸).
 ■ در بهشت بیهودگی و لغو نیست (سوره نبا: آیه ۳۵، سوره واقعه: آیه ۲۴ و سوره غاشیه: آیات ۱۰ و ۱۱).

■ بهشت، ویژه مؤمنی است که عمل صالح دارد (سوره بقره: آیه ۸۲، سوره زخرف: آیات ۷۳-۶۸، سوره مؤمن: آیه ۴۰ و سوره محمد: آیه ۴۷).
 برای آشنایی بیشتر با ویژگی‌های بهشت، به کتاب معادشناسی تألیف علامه محمدحسین حسینی طهرانی، جلد دهم مراجعه کنید.

۲ درباره جهنم و ویژگی‌های آن، آیات و روایات متعددی آمده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

■ جهنم، ریشه در تکبر انسان دارد و تکبر نیز از خصلت‌های اصلی شیطان است (سوره بقره: آیات ۳۴ و ۸۷، سوره اعراف: آیه ۳۶ و سوره غافر: آیه ۲۷)، در حالی که بزرگی و کبریا ویژه پروردگار متعال است (سوره حشر: آیه ۲۳ و سوره اسراء: آیه ۱۷).
 ■ مشرکان راهی جز جهنم ندارند (سوره حج: آیه ۳۱ و سوره بینه: آیه ۶).

■ بهشت قبل از جهنم خلق شده است؛ امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرمایند: خداوند بهشت را پیش از آتش آفرید؛ طاعت را پیش از معصیت، رحمت را پیش از غضب، خیر را پیش از شر، زمین را پیش از آسمان، زندگی را پیش از مرگ، خورشید را پیش از ماه و نور را پیش از تاریکی (روضه کافی، ص ۱۴۵).
 ■ دوزخ دارای درکات است و گفته‌اند که هشت طبقه دارد و پایین‌ترین آن جهنم است؛ طبقات بالای آن به ترتیب: لُطی، حُطَمَه، سَفَر، جَحیم، سَعیر و هاویه هستند (مجمع البیان، چاپ صیدا، ج ۳، ص ۳۳۸).

■ جهنم الآن موجود است (سوره توبه: آیه ۴۴ و سوره عنکبوت: آیه ۵۴).
 ■ چگونه زندگی کردن، مهم‌ترین سؤالی است که پاسخ درست به آن سبب می‌شود انسان به بهشت نائل شود و از عذاب رهایی یابد.

هـ) منابع

- ۱ علاوه بر منابع ذکر شده در درس‌های پیش، جلد دهم از مجموعه معادشناسی، تألیف علامه محمدحسین حسینی طهرانی توصیه می‌شود (معلم و دانش‌آموز)
- ۲ نهج البلاغه، خطبه ۱۸۱ (معلم و دانش‌آموز)
- ۳ مواقف حشر، استاد محمد شجاعی، کانون اندیشه جوان (معلم و دانش‌آموز)
- ۴ بازگشت به هستی، استاد محمد شجاعی، کانون اندیشه جوان (معلم و دانش‌آموز)
- ۵ تجسم عمل و شفاعت، استاد محمد شجاعی، دانش و اندیشه معاصر (معلم و دانش‌آموز)
- ۶ آموزش عقاید، استاد محمدتقی مصباح‌یزدی، سازمان تبلیغات اسلامی (معلم)
- ۷ واژه‌نامه قرآن، مصطفی اسرار، انتشارات چوگان (معلم و دانش‌آموز). این کتاب که برای کمک به ترجمه است، در تمام درس‌ها کاربرد دارد.

آهنگ سفر

درس ۹

الف) اهداف

- ۱- هدف کلی: تبیین جایگاه تصمیم‌گیری در برنامه زندگی برای رسیدن به هدف اصلی زندگی یعنی قرب الهی و تبیین توانایی نقش مراقبه و محاسبه در اجرای موفق عهد و پیمان
- ۲- اهداف آموزشی:
- شناخت حقیقت عزم و تبیین رابطه عزم با عهد و پیمان
 - تلاش برای بستن عهدهای صحیح و تصمیم‌گیری‌های مناسب با برنامه دینی
 - آشنایی با ضرورت مراقبت از پیمان‌ها و محاسبه نفس برای اجرای موفق پیمان‌ها
 - توجه و انگیزه بیشتر برای داشتن مراقبه و محاسبه در زندگی

ب) محورهای اصلی درس

- ۱ انسان‌های بزرگ و موفق، انسان‌های صاحب عزم بوده‌اند.
- ۲ انسان دین‌دار، برای رسیدن به رستگاری، با خداوند عهد می‌بندد.
- ۳ قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام مسلمانان را دعوت به مراقبت از پیمان‌ها و محاسبه نفس می‌کنند.
- ۴ شرط موفقیت در پیمان‌ها و اجرای درست آنها داشتن مراقبه و محاسبه در زندگی است.
- ۵ باقی بودن بر عهدهایی که انسان با خدا می‌بندد، شرط اصلی دین‌داری است.
- ۶ وجود الگو و اسوه ما را در حرکت در مسیر درست زندگی یاری می‌کند و بهترین الگوها معصومین هستند.

ج) اجزای تدریس

این درس دارای اجزای زیر است:

۱- تبیین بخش «تصمیم و عزم برای حرکت»

در این بخش نقش عزم و تصمیم برای انجام کارها بیان شده است. مفاهیمی همچون عزم، اراده، خواستن، تصمیم، میل و... همه به یک معناست و در این بخش نیازی به وارد شدن به تفاوت معنایی موارد فوق نیست. دانش‌آموز باید بداند تصمیم گرفتن برای انجام کارها نقش بسیار مهمی در به ثمر رسیدن کارها دارد. انسان موفق کسی است که تصمیم بگیرد و راه خود را انتخاب کند و برای این راه نیز برنامه‌ریزی کند.

در این بخش صرفاً به برنامه‌ریزی اشاره شده است و نیازی به بحث درباره مهارت‌ها و شیوه‌های برنامه‌ریزی نیست؛ چرا که دانش‌آموز قبل از این سال مطالب فراوانی درباره برنامه‌ریزی در کتاب‌های تعلیم و تربیت دینی و ادبیات فارسی و مهارت‌های زندگی آموخته است. همچنین دانش‌آموز تاکنون با شخصیت‌های متعددی که دارای اراده قوی بوده‌اند و با تصمیم خود و طلب باری از خداوند کارهای بزرگی انجام داده‌اند، آشنا شده است؛ افرادی از قبیل پیامبران، امامان، دانشمندان بزرگ، شهدا و... بنابراین دبیر محترم می‌تواند از دانش خود دانش‌آموز برای تفهیم و تبیین مطلب استفاده کند.

یکی از نیازهای جدی امروز دانش‌آموزان، ارائه برنامه زندگی در چارچوب دین است. دبیرانی که انتظار دارند کتاب درسی به مسائل مورد نیاز دانش‌آموزان بپردازد، توجه دارند که این درس به یکی از مهم‌ترین نیازهای آنها می‌پردازد. نیازها فقط ذکر برخی از احکام، مانند احکام نماز، روزه، موسیقی و مانند آنها نیست. اگر ما بتوانیم دانش‌آموزان را برای برنامه‌ریزی بر مبنای دین تشویق کنیم و به سوی آن سوق دهیم، این کار سبب می‌شود که آنان جذب برنامه‌های غیردینی و سکولار که جایی برای احکام الهی نمی‌گذارند، نشوند. امروزه، دانش‌آموزان در هجوم انواع و اقسام برنامه‌ها تحت عناوین مختلفی چون، مهارت‌های زندگی، برنامه‌ریزی برای موفقیت و زندگی موفق هستند. این قبیل برنامه‌ریزی‌ها، با توجه به جذابیت‌های ظاهری و روش‌های عملی‌ای که دارند، نیازهای دانش‌آموزان را به صورت کاذب برآورده و توجه آنان را به دین به عنوان برنامه‌ای برای زندگی، کم می‌کنند.

نکته: دانش‌آموزان باید تصور بهتری از واجبات و محرمات به دست آورند که یکی از مسائل آنان این است: چرا دین این قدر به ما امر و نهی می‌کند؟ چرا ما را محدود می‌کند و مرتب به انسان می‌گوید: بکن یا نکن؟ چرا نهی‌های دین، زیاد است؟ می‌گوید این نوشیدنی را نخور، آن غذا را نخور، آن موسیقی را نشنو، آن لباس را نپوش و...؟

همین اشکالات باعث شده که برخی از دانش‌آموزان در مقابل کلماتی مانند «واجب» و «حرام» حساسیت داشته باشند. ما باید بتوانیم تصور آنها را از واجبات و محرمات اصلاح کنیم و به آنها یادآوری کنیم: اولاً، زندگی هرکس جدی‌ترین مسئله اوست؛ چرا که زندگی و حیات او، همه چیز اوست و اگر کسی جدی بودن آن را دریابد، خودش را دریافته و جدی نگرفته است. پیام قرآنی «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» خطاب به این‌گونه افراد است.

ثانیاً، هرکس زندگی را جدی بگیرد، باید برای آن برنامه داشته باشد. برنامه چیزی نیست جز مجموعه‌ای از باید‌ها (واجبات) و نبایدها (محرمات). می‌بینیم کسی که ورزش را جدی می‌گیرد، چه باید‌ها و نبایدهای سختی برای خود تنظیم می‌کند. کسی که مطالعه و درس خواندن را جدی می‌گیرد، چه برنامه‌ریزی دقیقی می‌کند. البته هرکس که ورزش و مطالعه را جدی نگیرد، به ثمرات و فایده‌های آنها هم نمی‌رسد و استعداد جسمانی و علمی خود را از دست می‌دهد و تلف می‌کند.

بایدها و نبایدهای دین دربارهٔ کل زندگی است. هرکس در زندگی جدی باشد و رسیدن به سعادت حقیقی برایش اهمیت داشته باشد، درمی‌یابد که چقدر بایدها و نبایدهای دین ساده و آسان و قابل عمل است. از دانش‌آموزان بخواهیم واجبات و محرمات دین را با کاری که یک فرد برای قبولی در آزمون سراسری و کسب رتبهٔ اول انجام می‌دهد، مقایسه کنند و نتیجهٔ این دو را نیز با هم مقایسه کنند و ببینند که فاصله‌ای به اندازهٔ بی‌نهایت میان آنهاست تا بهتر دریابند که تا چه اندازه واجبات و محرمات دین آسان است. ثالثاً، به دانش‌آموزان یادآوری می‌کنیم که واجبات و محرمات دین را نباید با زندگی انسان‌های سکولار مقایسه کنند. آنان اعتقادی به آن هدف بزرگ ندارند و هدف اصلی آنها لذت بردن از زندگی دنیایی و رسیدن به خوشی‌های این جهانی است. البته آنان با انتخاب همین زندگی، ضربه‌ای خطرناک به زندگی انسان زده‌اند و آسیب‌هایی به حیات اجتماعی همهٔ انسان‌ها وارد کرده‌اند؛ به طوری که جامعهٔ بشری را در معرض سقوط قرار داده‌اند.

۲- انجام فعالیت «مقایسه»

در این فعالیت، دانش‌آموزان، انسان‌های صاحب عزم را با انسان‌های فاقد عزم مقایسه می‌کنند. این مقایسه سبب می‌شود که خودشان ویژگی‌های مثبت را به انسان‌های صاحب عزم و ویژگی‌های منفی را به انسان‌های فاقد عزم نسبت دهند و در یک همانندسازی، بکوشند که خودشان نیز مصداق انسان‌های صاحب عزم باشند.

شایسته است تلاش کنیم که این فعالیت حتماً توسط دانش‌آموزان انجام شود و از طرف ما دیکته نگردد تا آن تأثیر مورد نظر به دست آید.

۳- تبیین بخش «عهد بستن با خداوند»

در این بخش یادآوری می‌شود که انسان با خداوند عهد می‌بندد و به هر مقدار که طرف عهد بزرگ باشد، خود عهد و میزان پایبندی به عهد بزرگ‌تر و مهم‌تر می‌شود.

بهترین کسی که می‌توان با او عهد بست، خداوند است، چرا که خداوند به‌عنوان طرف عهد در تمامی مراحل اجرای عهد یاریگر خواهد بود و به هر میزان که از او کمک بخواهیم، به ما کمک خواهد کرد. برخلاف عهدهای بشری که کاملاً مسئولیت اجرا با خود انسان است و طرف عهد فقط به وظایف خودش عمل می‌کند.

علاوه بر این ما با خداوند بر سر موضوعی عهد می‌بندیم که ضامن سعادت و موجب رستگاری ما می‌شود و در این فرایند خداوند سودی نمی‌برد و هیچ نیازی به سود بردن ندارد و صرفاً می‌خواهد ما رستگار شویم. جالب اینکه ما هر مقدار خود را پایبند و جدی در عهد خود نشان دهیم، خداوند به همان میزان ما را بیشتر یاری خواهد کرد. عهد اصلی‌ای هم که با خداوند وجود دارد بر سر عمل به واجبات و ترک محرمات است.

در این بخش دربارهٔ زمان و مکان عهد بستن سخن گفته شده است. بهتر است انسان در زمان‌ها یا مکان‌های خاصی با خداوند عهد ببندد؛ این تأکید از آن جهت است که انسان در این مکان‌ها و زمان‌ها تمرکز بیشتری دارد و در واقع ارتباط بهتری با خداوند برقرار می‌کند. خداوند همواره آگاه و ناظر بر اعمال ماست و برایش زمان و مکان خاص تفاوتی ندارد و بر همه چیز به یک میزان آگاهی دارد. تأکید بر این زمان‌ها و مکان‌ها برای ما انسان‌هاست که دچار غفلت می‌شویم. به همین دلیل حضور در برخی مکان‌ها از قبیل مسجد و مرقد مطهر ائمه و مکان‌های مقدس می‌تواند تمرکز ما را بیشتر کند و ارتباط ما را با خداوند قوی‌تر کند و به عبارتی ما بهتر متوجه عهد و پیمان خود باشیم. زمان نیز همین نقش را دارد. انسان بعد از نماز یا بعد از دعا یا قرآن خواندن، ارتباط بیشتری با خداوند برقرار می‌کند؛ بنابراین بهتر است در این مکان‌ها و زمان‌ها با خداوند عهد بسته شود.

چون انسان فراموش کار است، بهتر است عهد و پیمان خود را مکتوب کند و هر چند وقت یک بار به آن مراجعه کند و آن را مرور کند که چه عهدی با خداوند بسته است. این کار موجب می‌شود مرور زمان که آفت عهد و پیمان است، باعث کم‌رنگ شدن و یا از بین رفتن عهد و پیمان نشود.

۴- انجام فعالیت «تدبیر»

الف) با تأمل در ترجمهٔ آیات عواقب پیمان‌شکنی در برابر خدا عبارت است از:

۱ بی‌بهره ماندن از پاداش‌های اخروی

۲ سخن نگفتن خداوند با آنان

۳ نظر نکردن خداوند به آنان در قیامت

۴ پاک نشدن از گناهان

ب) هم‌چنین ثمرات عمل به عهد و پیمان الهی عبارتند از:

۱ دریافت پاداش عظیم الهی

۲ وفا کردن خداوند به پیمان‌های خود با انسان

۵- تبیین بخش «مراقبت»

برای آنکه بر عهد خود با خداوند ثابت قدم باشیم، باید هر روز عهد خود را مرور کنیم و اگر موانعی در مسیر عمل به عهد بود، آنها را برطرف کنیم. در کتاب عهد به نوزادی تشبیه شده است که برای به ثمر رسیدن نیاز به مراقبت و توجه ویژه دارد.

۶- انجام فعالیت «بررسی»

فعالیتی با عنوان «بررسی» در اینجا آمده است که از دانش‌آموز می‌خواهد به موانع اجرای تصمیم اشاره کند. این بررسی توسط خود دانش‌آموزان و با همفکری گروهی انجام می‌شود. اگر دانش‌آموزان خودشان

به این موانع اشاره کنند، در این صورت موانعی که مربوط به سن خودشان است، بررسی شده است. این فعالیت می‌تواند مکمل دو بحث گذشته در تصمیم‌گیری و مراقبه باشد و دانش‌آموز درمی‌یابد که در این دو امر چه چیزهایی می‌تواند مانع از موفقیتش باشد.

۷- تبیین بخش «محاسبه و ارزیابی»

در این قسمت، دبیر دربارهٔ محاسبه و رابطهٔ آن با پیمان بستن و مراقبت از پیمان با دانش‌آموزان گفت‌وگو می‌کند و برای ملموس کردن موضوع، از مثال‌های مختلف استفاده می‌کند؛ مانند اینکه: مغازه‌داران و شرکت‌های تولیدی دارای ارزیابی و محاسبه هستند. پزشکان، بعد از عمل جراحی از مریض مراقبت می‌کنند و قبل از ترخیص او، وضعیت کلی بیمار را ارزیابی می‌کنند. از دانش‌آموزان نیز خواسته می‌شود تا نمونه‌های دیگری ذکر کنند.

در روایات موجود از پیامبر اکرم و ائمه علیهم‌السلام تأکید فراوانی بر محاسبهٔ نفس صورت گرفته است. در اینجا دو روایت آمده است، یکی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که تأکید بر محاسبهٔ نفس دارد و دیگری از امیرالمؤمنین علیه‌السلام که انسان محاسبه‌گر را انسان زیرک معرفی کرده است.

کاری که دقیقاً در محاسبهٔ نفس از انسان خواسته شده و بهتر است هر انسان زیرکی آن را انجام دهد، این است که با خودش خلوت کند و ببیند در طول شبانه‌روز چه کرده است و کدام کار مورد رضایت خداوند و کدام موجب خشم خداوند شده است؛ بابت هر کار حرام یا ناپسند از خداوند طلب مغفرت کند و بابت هر کار حلال و خیری که توفیق انجام آن را داشته است، خداوند را شکر کند. اگر کسی مداومت بر این کار داشته باشد، قطعاً موفقیت‌های بزرگی در زندگی خواهد داشت و دیگر هوای نفس و شیطان نمی‌تواند به سادگی بر او غلبه کند.

۸- تبیین فعالیت «تفکر در احادیث»

پیام حدیث اول: آثار محاسبه: آگاهی از عیوب و اصلاح آنها، بی‌بردن به گناهان و ترک آنها

پیام حدیث دوم: اثر محاسبه: اصلاح خود

پیام حدیث سوم: اثر محاسبه: خوشبختی

۹- تبیین بخش «پیامبر و اهل بیت ایشان، برترین اسوه‌ها»

داشتن الگو در کارها موجب می‌شود انسان با اطمینان و توان بیشتری اقدام به کار کند. این اصلی است که در همهٔ امور رعایت می‌شود. وقتی به دانش‌آموز نوشتن را می‌آموزند، معلم می‌نویسد و می‌گوید اینگونه بنویس. وقتی به هنرآموز هنری آموخته می‌شود یا وقتی به کارآموز کاری آموخته می‌شود... به او نمونه‌ای از انجام کار نشان داده می‌شود تا با چشم خود ببیند که می‌شود این کار را انجام دهد، تا او نیز آن را انجام دهد.

وقتی ما در همه کارها داشتن الگو را یکی از ضروریات آموزش و اقدام می‌دانیم، چرا در موضوع هدایت که رستگاری دنیا و آخرت ما را به دنبال دارد، این کار را نکنیم؛ دین اسلام با توجه به اینکه داشتن الگو را یک اصل عقلانی می‌داند، در مسیر هدایت برای انسان الگوهای معرفی کرده است.

در بخش اول این متن در قالب پاسخ به یک سؤال، پیامبران و ائمه به عنوان الگوی تمامی انسان‌ها در مسیر رسیدن به سعادت معرفی شده‌اند. این الگوها با وجود اینکه قرن‌ها قبل از ما زندگی کرده‌اند؛ ولی سیره زندگی‌شان و نحوه بندگی آنان همواره برای تمامی انسان‌ها سرمشق است و فاصله زمانی نمی‌تواند مانع از الگوگیری از آنها باشد. بنابراین تمامی پیامبران الهی و ائمه علیهم‌السلام می‌توانند سرمشق ما در جهت رسیدن به خداوند باشند.

در این بخش داشتن برنامه زندگی نیز به عنوان یکی از کارهایی که بندگان صالح خداوند در زندگی خود به آن پایبندند، مطرح شده است. ما نمونه‌های متعددی داریم که ائمه علیهم‌السلام برای کارهای خود وقت مشخصی داشته‌اند و سعی می‌کردند در همان وقت کارهایشان را انجام دهند تا تأثیرگذاری‌اش بیشتر باشد و نظم بیشتری به زندگی‌شان داده شود.

گفتنی است که دانش‌آموز طی سال‌های گذشته با الگوهای مذکور و با ابعاد مختلفی از زندگی آنها آشنا شده است که این امر یادگیری این موضوع را بسیار تسهیل می‌کند.

در بخش دوم این متن، در قالب سؤال دیگری، شیوه زندگی امیرالمؤمنین علیه‌السلام بیان شده است و امام فرموده‌اند: «شما توانایی زندگی همانند زندگی من را ندارید؛» ولی می‌توانید به من کمک کنید». ایشان با معرفی چهار کار از مؤمنان طلب یاری می‌کند.

اصل این روایت از این قرار است

أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَتَّقِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عَلَيْهِ الْأَوْ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدِ انْتَفَى مِنْ دُنْيَاةٍ بِطَمْرِيهِ وَ مِنْ طَعْمِهِ بِقُرْصِيهِ الْأَوْ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِن أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عَفَّةٍ وَ سَدَادٍ

چهار کار مهمی که ایشان از مؤمنان می‌خواهد با انجام دادنشان امام را یاری کنند عبارت است از:

پرهیزکاری، کوشش، عفت، درستکاری

می‌توان گفت منظور حضرت از اینکه انسان مؤمن می‌تواند با انجام این کارها ایشان را یاری کند، این است که: «درست است که نمی‌توانید در حد من تقوا داشته باشید و مؤمن زندگی کنید، ولی اگر در حد خودتان بتوانید به این امور عمل کنید، در واقع به من کمک کرده‌اید.» در اثبات این موضوع که تعالیم دین اسلام برای تعالی تمامی انسان‌هاست و هر کسی می‌تواند به اندازه توان خود به آنها عمل کند و رشد نماید. بنابراین عمل ما در اثبات حقانیت مسیر امام و دین اوست و اینگونه انسان‌های بیشتری از دین اسلام و از

امام الگو می‌گیرند؛ چون اثر دین را در اطرافیان امام نیز می‌بینند و اطمینان خاطر بیشتری می‌یابند. اینگونه دیگر تصور نمی‌شود که این دین خاص علی علیه السلام است و کسی توانایی عمل به این دین را ندارد.

۱۰- تبیین بخش «دفتر برنامه‌ریزی»

در این بخش جدولی برای عمل به برنامه‌ریزی آمده است. دانش‌آموز می‌تواند در این بخش کارهای مهم خود را بنویسد و مراقبت خود را در آن ثبت کند و بر اساس آن به ارزیابی پایبندی‌اش به عهد خود بپردازد.

دانش‌آموز در این جدول می‌تواند عهدهای کلی و عهدهای خاص را یادداشت کند.

این جدول صرفاً یک پیشنهاد است و دانش‌آموزان می‌توانند با ابتکار خود جدول‌های خیلی بهتری طراحی کنند و مطابق زندگی و نیازهایشان تغییراتی در آن ایجاد کنند.

موضوع مهم این است که دانش‌آموز به هیچ وجه نباید در جدولی که در کتاب آمده چیزی بنویسد. چرا که این امر کاملاً شخصی و خصوصی است و امری است میان بنده و رب. این جدول درصدد ارائه الگو برای داشتن جدول برنامه‌ها و عهدهاست. بنابراین دانش‌آموز با طراحی از روی آن و ایجاد تغییر در آن جدول می‌تواند خود و کارهایش را به خوبی ارزیابی کند؛ بدون اینکه کسی از آن مطلع شود.

د) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

۱- توضیحاتی دربارهٔ مراقبه و محاسبه: موضوعات اصلی این درس، مراقبه و محاسبه است. علمای اخلاق و سلوک با استفاده از سیره معصومین علیهم السلام به این دو موضوع توجه کرده‌اند و بر ضرورت آن در برنامه زندگی بسیار پای فشرده‌اند.

مستند اصلی این دو موضوع، کتاب خدا و سیره معصومین علیهم السلام است. در متن درس به آیاتی از قرآن کریم و روایاتی از سیره معصومین علیهم السلام اشاره شده است. وقتی از محاسبه و مراقبه سخن می‌گوییم، سلوک عرفانی در ذهن تداعی می‌شود؛ اما باید توجه کنیم که این دو موضوع باید در هر برنامه‌ریزی ملحوظ شود و گرنه آن برنامه نتیجه نخواهد داد. کسی که درس می‌خواند یا کسب و کاری را انجام می‌دهد یا یک رشتهٔ ورزشی را دنبال می‌کند، اگر طالب موفقیت است، باید مراقبه و محاسبه انجام دهد.

مراقبت از برنامه و سنجش میزان عملکرد، لازمهٔ هر برنامه است و سبب می‌شود که هم برنامه به خوبی پیش رود و هم عوامل تقویت و نقاط ضعف، مشخص گردند. راه زندگی نیز که راه کمال است، مانند هر برنامهٔ دیگر به مراقبه و محاسبه نیاز دارد. لذا وقتی از این دو لفظ سخن به میان می‌آید، ضرورتاً بحث تخصصی عرفان مورد نظر نیست، گرچه برنامه و راه زندگی در مراتب عالی خود به سلوک معنوی منتهی می‌شود.

برهمن اساس، استاد شهید مطهری در کتاب «تعلیم و تربیت در اسلام» به ضرورت این دو موضوع اشاره کرده است و می‌گوید:

«مسأله دیگری که باید عرض بکنم، مسئله‌ای است که در تعلیم و تربیت‌های دینی و مذهبی وجود دارد و در تعلیم و تربیت‌های غیرمذهبی وجود ندارد و نمی‌تواند هم وجود داشته باشد. مطلبی را علمای اخلاق می‌گویند و عرفا فوق‌العاده روی آن تکیه دارند و در متون اسلامی توجه زیادی بدان شده است و آن، چیزی است به نام «مراقبه و محاسبه». در آموزش و پرورش‌های غیرمذهبی این‌گونه مفاهیم پیدا نمی‌شود. مراقبه و محاسبه، اصلاً مفهوم ندارد و طرح نمی‌شود؛ ولی در تعلیم و تربیت دینی، چون اساس، مسئله خدا و پرستش حق است، قطعاً این مسائل مطرح است. در قرآن کریم آیه‌ای داریم که من این آیه را شاید مکرر طرح کرده باشم؛ چون آن دوره‌ای که ما قم بودیم عالم بزرگی که اخلاق می‌گفت، یک مدتی روی این آیه تکیه کرده بود؛ و چون این آیه بیشتر به گوشمان خورده و بیشتر روی آن فکر کرده‌ایم، گویی یک جلوه دیگری در ذهن من دارد. از آیات آخر سوره مبارکه حشر است؛ قبل از آن آیات توحیدی این آیه است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرُنَّ نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۳۷﴾ وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۱. اینجاست که علمای اخلاق اسلامی با الهام از این آیه، مسئله‌ای را مطرح می‌کنند که می‌گویند ام‌المسائل اخلاق است؛ مادر همه مسائل اخلاقی است و آن «مراقبه» است. مراقبه یعنی با خود معامله یک شریکی را بکن که به او اطمینان نداری و همیشه باید مواظب باشی. مثل یک بازرسی که در اداره است. یعنی، خودت را به منزله یک اداره تلقی کن و خودت را به منزله بازرسی این اداره [تلقی نما] که تمام جزئیات را باید بازرسی و مراقبت کنی»^۲

■ مرحوم علامه حسینی تهرانی در معنای مراقبه و محاسبه می‌نویسد:

«مراقبه؛ و آن عبارت است از آنکه سالک در جمیع احوال مراقب و مواظب باشد تا از آنچه وظیفه اوست تخطی ننماید و از آنچه بر آن عازم شده، تخلف نکند.... محاسبه؛ و آن عبارت است از اینکه وقت معینی را در شبانه‌روز برای خود معین کند و در آن وقت به تمام کارهای شبانه‌روز خود رسیدگی بنماید و اشاره به آن است آنچه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است که: لیس منا من لم یحاسب نفسه کل یوم مره»^۳.

۱- حشر، ۱۸ و ۱۹.

۲- تعلیم و تربیت در اسلام، صص ۳۷-۳۷۵.

۳- رساله لب‌الباب، علامه سیدحسین حسینی تهرانی، ص ۱۱۳.

■ آیت‌الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی رحمته‌الله علیه می‌فرماید :

«باری، سالک راه خدا را بعد از توبه، لازم است از مشارطه و مراقبه و محاسبه. در اول صبح مشارطه با نفس نماید، مشارطه شریک و سهمیم در اعز و انفس سرمایه‌ها و در عرض روز تا وقت خواب مراقبت کامل و در وقت خواب محاسبه کامل از تمام آنچه در این مدت صرف کرده است؛ از وقتش و از قوای ظاهری و باطنی و آنچه از نعمت‌های الهی در آن صرف کرده یا مهمل گذاشته. همه اینها به قراری که علمای اخلاق نوشته‌اند، عمل نماید. تفصیل آن را موکول به کتب اخلاق که نوشته شده (واقعا هم خوب نوشته‌اند) می‌نماید»^۱.

مراقبه از دیدگاه علامه طباطبائی

در بیشتر بدانیم صفحه ۸۸ نامه‌ای از مرحوم علامه آمده است که در جواب جوانی که درخواست دستورالعملی از ایشان کرده بود، نوشته است. در اینجا دو نامه مرحوم علامه و جوان که بین ایشان مبادله شده است، به صورت کامل می‌آید تا اهمیت و جایگاه موضوع به خوبی روشن شود.

نامه اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محضر مبارک آیه الله العظمی جناب آقای طباطبائی

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

کوتاه سخن آنکه جوانی هستم ۲۲ ساله، چنین تشخیص می‌دهم که تنها ممکن است شما باشید که به این سؤال من پاسخ دهید. در محیط و شرایطی که زندگی می‌کنم هوای نفس و آمال و آرزوها بر من تسلط فراوانی دارند و مرا اسیر خود ساخته‌اند و سبب آن شده‌اند که مرا از حرکت به سوی الله، و حرکت در مسیر استعداد خود بازداشته و می‌دارند.

درخواستی که از شما دارم برای من بفرمایید بدانم به چه اعمالی دست بزنم تا بر نفس مسلط شوم و این طلسم شوم را که همگان گرفتار آنند بشکنم و سعادت بر من حکومت کند؟

یادآور می‌شوم نصیحت نمی‌خواهم و الا دیگران ادعای ناصحیت فراوان دارند. دستورات عملی برای

پیروی لازم دارم...

باز هم خاطر نشان می‌سازم که نویسنده با خود فکر می‌کند که شفاهاً موفق به پاسخ این سؤال نمی‌شود. وانگهی شرم دارم که بیهوده وقت گرانبایه شما را بگیرم. لذا تقاضا دارم پدرانۀ چنانچه صلاح می‌دانید و بر این موضوع می‌توانید اصالتی قائل شوید مرا کمک کنید. در صورت منفی بودن، به فکر ناقص من لبخند زنید و مخفیانه نامه را پاره کنید و مرا نیز به حال خود واگذارید. متشکرم.

امضا ۱۳۵۵/۱۰/۲۳

جواب علامه به نامه اول جوان

این نامه در بیشتر بدانیم کتاب آمده است.

نامه دوم جوان

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مقدس حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای علامه محمد حسین طباطبایی

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

خداوند ان شاء الله خیر دنیا و آخرت عطایت فرماید و با اولیا و انبیا محشورت سازد.

برادر عزیز! فراوان احساس کمبودی می‌کنم. هرچه دست و پا می‌زنم و تلاش می‌کنم و به هر جهت می‌نگرم دریا در نظرم وسیع تر جلوه می‌کند. ندانم در چه مسیری روی گردانم. کدام سفینه را سوار شوم تا به ساحل خوشبختی برسم؟ از شما برادر عزیز استمداد می‌طلبم. نمی‌دانم مرا چه می‌شود. مدتی است خود را چنان بینم که بر آسمان افکارم ابرهای سنگین و تیره و تار برآمده و عالم مرا غمناک ساخته‌اند حتی غرضی نیست تا بیارد و آسمانی صاف بینم. عامل این تیرگی چیست؛ نمی‌دانم.

در لابه‌لای این حالات فکر می‌کنم اگر سؤال مرا در این موضوع پاسخ گوید، راحت شوم.

برادر عزیز! با روشن بینی خود و حقیقت‌خواهی خود اگر بتوانید حالت مرا درک کنید و آن چنان جوابی گوید که ناخودآگاه جرقه‌ای در من به وجود آید که تا ابد (مرگ) روشن باشم. آیا می‌توانید راهنمایی کنید تا ۱- عاشق خدا شوم. ۲- عاشق پیامبر شوم. ۳- عاشق اولیای خدا شوم. راه چیست و چاره کدام؟ اگر راز عشق، مرا آموزید و معشوق را به نیکی برایم بشناسانی ولو بروی خود می‌روم. اگر حالت عشق در من بتوانی سازی و دستم گرفته به کوی عشق رهبری نمایید و با اشاره معشوق را بنمایی دوان دوان می‌روم حتی لحظه‌ای آرام نمی‌گیرم. اما چه کنم جاهلم و عاشق نیستم.

استاد عزیز، از قرآن جز خواندن (بدون تعارف) چیزی نمی‌دانم. با سخنان معصومین تقریباً بیگانه‌ام.

چگونه و به چه اندازه بر آنها وارد شوم و چگونه استفاده کنم؟ صبر کنم تا رشد علمی بیابم و یا به موازات تحصیل... طریق استفاده را نیز بیان فرماید.

جواب علامه به نامه دوم جوان

به عرض شریف می‌رساند نامه شریف دوم زیارت شد. قبلاً نیز یک نامه دیگری رسیده بود که تاکنون پاسخ آن نوشته نشده. اصولاً در زمستان گذشته در اثر کسالت مزاج و ناراحتی اعصاب نه تنها نامه جناب عالی بلکه نامه‌های زیاد دیگری که در این مدت رسیده تا امروزها برای هیچ کدام توانسته‌ام جواب بنویسم. امروزها که

کمی حالم رو به بهبودی است، تدریجاً جواب می فرستم. به هر حال عذر گذشته را می خواهم. عرض کنم روشی که برای ما در همه حال و همه شرایط در حد ضرورت است روش بندگی و به عبارت دیگر روش خداشناسی است و راه آن طبق آنچه از کتاب و سنت برمی آید، همانا یاد خدا و امثال تکالیف عملی است. یعنی همان مراقبه و محاسبه است که در نامه اولی خدمتتان عرض شد. فعلاً به این ترتیب که هر صبح که از خواب بیدار می شوید تصمیم بگیرید که خدا را فراموش نخواهید کرد. آنگاه به طور استمرار خود را در برابر خدا تصور کنید و شب و وقت خواب به حساب کارهای روز بپردازید. اگر غفلی شده استغفار و توبیخ نفس، و اگر نشده حمدی به خدا بکنید و ضمناً برای تقویت ذکر تا چهل روز، روزی هزار مرتبه طرف صبح با توجه تام کلمه طیبه لا اله الا الله بگویید. حال بندگی که از این روش به دست می آید، الگو و مقیاس همه حالات زندگی است.

والسلام علیکم

محمد حسین طباطبایی^۱

هـ) منابع

- ۱ آنچه یک جوان باید بداند، رضا فرهادیان، دفتر تبلیغات اسلامی (دانش آموز)
- ۲ پرواز تابی نهایت، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش (دانش آموز)
- ۳ تعلیم و تربیت در اسلام، استاد شهید مطهری
- ۴ جوان و پرسش‌های عرفانی، محمدرضا متقیان، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم (دانش آموز)
- ۵ خاک‌های نرم کوشک، سعید عاکف، نشر مُلک اعظم (دانش آموز)
- ۶ دغدغه‌های جوانی، محمدرضا شرفی، انتشارات امیرکبیر (دانش آموز و معلم)
- ۷ رساله لب اللباب، علامه حسینی تهرانی رحمته الله علیه، حکمت (معلم)
- ۸ رستاخیزی در تاریکی، سوسن صفارودی، نشر بهینه (دانش آموز)
- ۹ رمز موفقیت علامه طباطبائی، حمید نگارش، انتشارات امام عصر (دانش آموز)
- ۱۰ مجموعه «چهره‌های درخشان»، جمعی از نویسندگان، انتشارات مدرسه (دانش آموز)
- ۱۱ مجموعه «نیمه پنهان ماه»، جمعی از نویسندگان، روایت فتح (دانش آموز)
- ۱۲ نامه‌های فهیمه، فهیمه بابایان‌پور، انتشارات سوره مهر (دانش آموز)
- ۱۳ نه آبی نه خاکی، علی مؤذنی، انتشارات سوره مهر (دانش آموز)

الف) اهداف

۱- هدف کلی: توجه به نقش توکل و اعتماد به خدا در تقویت عهدها و پیمان‌ها و تسریع در حرکت به

سوی خدا

۲- اهداف آموزشی:

- آشنایی با معنا و جایگاه توکل در قرآن
- توانایی تشخیص توکل از خطر کردن (ریسک)
- پاسخ به این پرسش که: چرا فقط باید به خدا توکل کرد.

ب) محورهای اصلی درس

۱ پس از تفکر دربارهٔ معاد و عاقبت انسان و گرفتن تصمیم برای حرکت در مسیر الهی لازم است با توکل بر خدا حرکت خود را آغاز کنیم و پیمان خود را با خدا تجدید کنیم و مصمم‌تر در راه سعادت گام برداریم.

۲ حقیقت توکل عبارت است از اینکه در عین اینکه وظایف خود را به نحو احسن انجام می‌دهیم؛ اما نتیجهٔ کار را به خدا می‌سپاریم.

۳ انسان متوکل مطمئن است هر نتیجه‌ای به‌دست آید به مصلحت اوست. زیرا کار را به خدا سپرده و یقین دارد خداوند آینده‌ای را می‌داند که او نمی‌داند و به مصلحت‌هایی آگاه است که او آگاه نیست.

۴ ملاک توکل به خدا و اعتماد به او، توانایی خداوند در برآوردن حاجات، دانایی او به عوامل سعادت ما و قدرت مطلق خدا برای اجرای هر کاری است.

۵ توکل شرایطی دارد: اول آنکه توکل زبانی بی‌فایده است و انسان باید با تمام وجود کارهایش را به خدا بسپارد و دوم آنکه توکل جانشین تنبلی نیست و فرد باید با همت فراوان وظایف خود را انجام دهد و مشورت‌های لازم را بکند و کار خویش را به خدا بسپارد.

۶ هر قدر تصمیم‌ها و پیمان‌های انسان، بزرگ‌تر باشد، اعتماد بیشتر به خدا و توکل بیشتر به او مورد نیاز است و چون جوانی دوران تصمیمات بزرگ است، از این‌رو نیاز به توکل در این دوران بیشتر است.

۷ توکل، با خطر کردن تفاوت دارد. توکل، نشانهٔ شجاعت و خطر کردن نشانهٔ تهوّر است که صفت خوبی نیست.

ج) اجزای تدریس

این درس شامل اجزای زیر است:

۱- تبیین «حقیقت توکل بر خدا»

دبیر محترم، ابتدا توکل را معنا می‌کند و نقش آن را در تصمیم‌گیری‌ها توضیح می‌دهد. نکته مهم در این بخش این است که علت توکل انسان به خداوند و اعتماد به او، توانایی خداوند در برآوردن حاجات، دانایی او به عوامل سعادت ما و قدرت مطلق خدا برای اجرای هر کاری است. این قدرت و آگاهی خدا به مصالح ما در آیه سوم سوره طلاق و آیه ۲۱۶ سوره بقره مورد تأکید قرار گرفته است که در درس نیز به آن اشاره شده است. بنابراین، ما انسان‌ها که به دلیل علم اندک خود آگاهی لازم را به همه مصالح خود نداریم و از پایان کار خود آگاه نیستیم، در انجام کارهای خود به خدای عالم و قادر توکل می‌کنیم و از او می‌خواهیم آنچه خیر ما در آن است، برای ما رقم زند.

۲- انجام فعالیت «تدبّر»

هدف این فعالیت این است که دانش‌آموز با تدبّر در آیه موردنظر به این نکته پی‌برد که تمام قدرت‌ها در اختیار خداست و تنها اوست که می‌تواند بدی را از ما دور کند و تنها اوست که نعمت‌ها را به ما می‌رساند و هیچ مانعی در مقابل او نیست. بنابراین علت اختصاص توکل به خداوند این است که کسی قدرت ایستادگی در برابر اراده خدا را ندارد، کسی نمی‌تواند در کار خدا دخالت کند و بازدارنده رحمت یا دورکننده گزند باشد.

۳- تبیین «شرایط توکل حقیقی»

در این قسمت دو شرط توکل حقیقی بیان شده است. شرط اول با توجه به این نکته ذکر شده است که برخی افراد گمان می‌کنند همین که گفته شود: «توکل بر خدا»، کافی است و از این‌رو در انجام هر کاری می‌گویند: «توکل بر خدا»؛ اما در قلب خود به افراد دیگری در موفقیت کار خود دل بسته‌اند. از این‌رو این نکته توجه داده شده است که توکل حقیقی، یعنی در قلب خود نیز باور داشته باشیم که تنها خدا چاره‌ساز است و دیگران سبب و وسیله‌هایی هستند که خدا در پیش راه ما قرار می‌دهد و اگر خدا نخواهد هیچ کس هیچ کاری نمی‌تواند برای ما انجام دهد.

شرط دیگر، رابطه میان توکل و احساس مسئولیت است. توکل، جانشین تنبلی و ندانم‌کاری نیست و برای کسی است که با فکر و تدبیر، مسئولیت خود را شناخته و قدم در راه انجام دادن آن گذاشته است. نمونه برجسته انسان‌های متوکل، پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام هستند که همواره در انجام دادن مسئولیت‌های خود، کوشا بوده‌اند.

جامعه و نظام اسلامی ما نیازمند همت‌های بلند، تصمیم‌های بزرگ و به تبع آن، انسان‌های متوکلی است که

با عزم راسخ وارد زندگی اجتماعی شوند و کشتی امت اسلامی را در میان توفان‌های سهمگین به پیش ببرند و عقب‌ماندگی‌های چند صدساله را جبران کنند و زمینه‌ساز تمدنی شوند که ان‌شاءالله به دست امام عصر علیه السلام برپا خواهد شد و عدالت جهانی را پدید خواهد آورد. ما معلمان به اندازه‌ی توان خود باید دانش‌آموزان را انسان‌هایی مصمم و متوکل تربیت کنیم و آنها را از تنبلی و دون‌همتی دور سازیم. از این‌رو، ضروری است که این قبیل نکات را در لابه‌لای تدریس خود بگنجانیم و توجه دانش‌آموزان را به آنها جلب کنیم.

۴- انجام «فعالیت کلاسی»

عمل چنین فردی درست نیست. توکل در جایی صحیح است که انسان وظیفه‌ی خود را به‌درستی انجام دهد و از ابزارها و راه‌هایی که برای حمایت از جان و مال وجود دارد، استفاده کند و درنهایت نتیجه کار را به خدا بسپارد.

۵- تبیین بخش «تصمیم و توکل»

لازم است که دبیر بر دوره‌های نوجوانی و جوانی به عنوان دوران تصمیم‌های مهم و سرنوشت‌ساز تأکید کند و با ذکر نمونه‌های عینی و شواهد مختلف، نشان دهد که چگونه انسان‌های بزرگ توانسته‌اند با تصمیم‌گیری‌های درست در دوره نوجوانی و جوانی، به مقام‌های بزرگی برسند. آنان که راه به جایی برده‌اند، معمولاً کسانی بوده‌اند که در نوجوانی و جوانی، بهترین تصمیم‌ها را گرفته و از انرژی متراکم این دوران به نحو مطلوب استفاده کرده‌اند. در مواردی نیز، برخی در سنین بالاتر کارهای بزرگی کرده‌اند، اما این موارد استثنا بوده‌اند.

پس از تشویق کردن دانش‌آموزان به گرفتن تصمیم‌های مهم در زندگی، لازم است دبیر نیاز بیشتر نوجوانان و جوانان به توکل را نیز تبیین کند.

۶- انجام «فعالیت کلاسی»

اصطلاح خطر کردن معمولاً در جایی به کار می‌رود که شخص عملی را انجام می‌دهد یا راهی را می‌رود که با خطرات احتمالی آن آشنایی چندانی ندارد و بی احتیاطی پیش می‌گیرد. براساس علم اخلاق، شجاعت یک فضیلت اخلاقی است که حد وسط میان ترس (جبن) و بی‌باکی (تهور) است. برخی افراد نمی‌توانند تصمیم‌های بزرگ بگیرند که این موضوع ناشی از ترس آنهاست. برخی افراد هم بدون محاسبه تصمیم‌های بزرگ می‌گیرند که نشان‌دهنده تهور آنان است. کار این گروه را خطر کردن یا ریسک می‌گویند؛ اما آنان که با محاسبه و مشورت و تعقل تصمیم بزرگ می‌گیرند، اهل شجاعت‌اند.

بنابراین افراد اهل توکل کسانی‌اند که با محاسبه و تعقل و مشورت تصمیم می‌گیرند و کار خود را با توکل بر خدا شروع می‌کنند؛ اما افراد اهل خطر بدون هیچ محاسبه و مشورتی قدم در راه می‌گذارند.

۷- اندیشه و تحقیق

۱ دانش‌آموزان به آیات و متن درس مراجعه می‌کنند تا فواید توکل را پیدا کنند، فوایدی مثل تقویت عزم، تجدید محکم‌تر پیمان، ورود محکم‌تر و استوارتر در کارهای بزرگ، افزایش شجاعت، قدرت تحمل و صبر بیشتر، از دست ندادن آرمان‌ها، خسته نشدن در بین راه، دوری از تنبلی و...

۲ این سؤال، برای رفع یک بدفهمی است و آن، اینکه برخی توکل را بهانه‌ای برای توجیه تنبلی خود قرار می‌دهند. فرد متوکل، تمام تلاش خود را برای رسیدن به مقصود انجام می‌دهد و از ابزار و اسبابی که خداوند در جهان قرار داده استفاده می‌کند، و سپس نتیجه کار خود را به خدا می‌سپارد، بنابراین، توکل نیاز به پشتوانه‌ای به نام کار و تلاش دارد.

۳ سؤال سوم، برای آن است که دانش‌آموزان، شرایط توکل درست را بیان کنند. در کتاب به دو مورد از توکل درست اشاره شده است.

۸- پیشنهاد

فعالیت اول، یک کار تحقیقی ساده است که درباره یکی از داستان‌های مثنوی انجام می‌گیرد. این تحقیق سبب آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با ادبیات ایران و آثار مولوی می‌شود. دانش‌آموزان می‌توانند با مطالعه این داستان، آن را در کلاس برای دیگران بازگو کنند یا در قالب یک نمایش‌نامه به اجرا درآورند. داستان یاد شده در دفتر اول مثنوی با عنوان قصه نخجیران و بیان توکل و ترک جهد کردن، آمده است و موضوع آن، این است که عده‌ای شکارچی در شکارگاهی که در آنجا شیری سکونت داشت، شکار می‌کردند. این شیر به شکار آنها حمله می‌کرد و آن را می‌خورد. آنها به شیر گفتند: اگر به شکار ما حمله نکنی، ما غذای تو را تأمین می‌کنیم. شیر گفت: من بی‌وفایی‌های بسیار دیده‌ام و نمی‌توانم به عهد شما اطمینان داشته باشم. آنها گفتند: به قضا و قدر الهی دلخوش باش و به خدا توکل کن. شیر گفت: همان کسی که توکل را به مردم آموزش داده است، یعنی همان پیامبر از ما خواسته است که جدّ و جهد و تلاش کنیم؛ و بدین ترتیب داستان ادامه می‌یابد. در اینجا، چند بیت از این شعر را که به توکل مربوط می‌شود، از زبان شیر می‌آوریم:

گفت آری گر توکل رهبر است	این سبب هم سنت پیغمبر است
گفت پیغمبر به آواز بلند	با توکل زانوی اشتر بیند
رمز الکاسب حبیب الله شنو	از توکل در سبب کاهل مشو
رو توکل کن تو با کسب، ای عمو	جهد می‌کن کسب می‌کن مو به مو
جهد کن، جدی نما تا وارهی	ور تو از جهدش بمانی، ابلهی

فعالیت دوم، مراجعه به آیه ۹۹ سوره نحل نشان می‌دهد شیطان بر چه کسانی مسلط نمی‌شود.

(د) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

۱- ملاک و مبنای توکل: همان‌طور که مرحوم ملا مهدی نراقی در کتاب «جامع السعادات» توضیح داده است، توکل بر این پایه استوار است که جز خدا مؤثری در وجود نیست (لا مؤثر فی الوجود الا الله) و این یکی از مراتب توحید است. در حقیقت، انسان موحد می‌تواند انسان متوکل باشد. کار شیطان این است که انسان را از توحید خارج کند و به شرک بکشاند. انسان باید بکوشد از این حقیقت که مؤثری جز خدا در عالم نیست، آگاه شود و قلبش نیز به این حقیقت ایمان آورد. اگر این‌گونه شد، حالت توکل در انسان پدید می‌آید و شک نمی‌کند که همه مخلوقات از آفتاب، ماه، ستارگان، ابر، باران، حیوان و انسان در قبضه قدرت الهی‌اند. چنان‌که خدای تعالی خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»؛ هنگامی که تیر انداختی تو نینداختی، بلکه خدا انداخت (سوره انفال، آیه ۱۷).

۲- داستان بستن زانوی شتر: این داستان در کتاب «داستان راستان»، به نقل از کتاب «کحل البصر» تألیف محدث قمی، این‌گونه آمده است: «پیامبر اکرم ﷺ همراه با اصحاب به سرزمینی می‌رفتند. بعد از مدتی راه‌پیمایی، در منزلی برای نماز توقف کردند. رسول اکرم ﷺ بعد از پیاده شدن از شتر به طرف آب رفتند، ولی بعد از مدت کوتاهی به سوی مرکب خویش بازگشتند. اصحاب تعجب کردند و با خود گفتند: آیا پیامبر اینجا را برای فرود آمدن نپسندیده‌اند و می‌خواهند فرمان حرکت دهند؟ اما دیدند وقتی که ایشان به شتر خویش رسیدند، زانو بند را برداشتند و زانوی شتر را بستند و بار دیگر به سوی آب روان شدند. اصحاب گفتند: ای رسول خدا، چرا از ما نخواستی که این کار را انجام دهیم؟ پیامبر ﷺ فرمود: هرگز از دیگران در کارهای خود کمک نخواهید و به دیگران اتکا نکنید؛ اگر چه برای یک قطعه چوب مسواک باشد. از این داستان دو نکته به دست می‌آید: نخست اینکه رسول خدا ﷺ در عین توکل و اعتماد به خداوند، شتر را آزاد در بیابان رها نکرد، بلکه برگشت و زانوی آن را بست تا کار خود را به نحو درست انجام داده باشد. دوم اینکه به دیگران آموزش داد که هر کس باید کار شخصی‌اش را خود انجام دهد و آن را برعهده دیگران قرار ندهد.

۳- چند حدیث درباره توکل: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يَغْلِبْ وَمَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَا يُهْزَم»؛ کسی که بر خدا توکل کند، مغلوب نمی‌شود و کسی که به خدا پناه آورد، شکست نمی‌خورد (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۱). امام علی علیه السلام فرمود: «أَفْوَى النَّاسِ إِيمَانًا أَكْثَرُهُمْ تَوَكُّلًا عَلَى اللَّهِ سَبْحَانَهُ»؛ قوی‌ترین مردم در ایمان کسانی هستند که بیشتر بر خداوند توکل می‌کنند (غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۳۸۵).

امام همچنین فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَفْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»؛ کسی که دوست دارد قوی‌ترین

مردم باشد، باید بر خداوند توکل کند (تحف العقول، ص ۲).
و نیز فرمود: وقتی نمرودیان حضرت ابراهیم علیه السلام را در آتش افکندند، جبرئیل نزد وی آمد و گفت:
خواستهای داری که برآورده کنم؟
ابراهیم علیه السلام فرمود: از تونه، خدا مرا بس است و او بهترین و کیل است.
میکائیل آمد و گفت: خزانه‌های آب و باران به دست من است. اگر می‌خواهی آتش را خاموش می‌کنم.
ابراهیم علیه السلام فرمود: نه.
جبرئیل گفت: پس از خدا بخواه.
ابراهیم علیه السلام فرمود: همین قدر که می‌داند من در چه حالی هستم، کافی است (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۵).

هـ) منابع

- ۱ علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، مولی مهدی نراقی، ترجمه دکتر مجتبوی، انتشارات حکمت (برای معلم)
- ۲ تصمیم‌های بزرگ اخلاقی، محمدباقر پورامینی، کانون اندیشه جوان (برای دانش‌آموز)
- ۳ جوان، محمدجواد رودگر، کانون اندیشه جوان (برای دانش‌آموز)
- ۴ راهیان کوی دوست، استاد محمدتقی مصباح‌زادی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه (برای معلم)

دوستی با خدا

درس ۱۱

الف) اهداف

۱- هدف کلی :

شناخت آثار محبت و ورزیدن به خدا و تلاش برای تقویت رابطه محبت‌آمیز با او

۲- اهداف آموزشی :

- نقش محبت و عشق در تصمیم‌گیری‌ها و کارهای انسان
- توجه به اینکه محبت به خداوند تضمین‌کننده راه رستگاری انسان در دنیا و آخرت است
- تقویت رابطه دوستی انسان با خدا
- تبیین راه‌های افزایش محبت به خداوند
- تبیین دوستی با دوستان خداوند
- شناخت رابطه تقابلی دوستی با خدا و دوری از دشمنان خدا

ب) محورهای اصلی درس

- ۱ محبت نیروی محرکه انسان برای بسیاری از تصمیم‌ها و کارهاست و جهت‌دهنده فعالیت‌های انسان است.
- ۲ ارزش انسان بستگی به چیزهایی دارد که دوست دارد.
- ۳ محبت و دوستی، انسان را از خمودی درمی‌آورد و به پویایی و تحرک می‌رساند.
- ۴ محبت به خداوند، باعث ایجاد محبت به دوستان خدا نیز می‌شود.
- ۵ محبت به خداوند، سبب پیروی و اطاعت از او می‌شود.
- ۶ محبت به خداوند، سبب بیزاری و تنفر از دشمنان خدا می‌شود.
- ۷ محبت به خداوند، سبب شکل‌گیری روحیه مبارزه با باطل در انسان می‌شود.

ج) اجزای تدریس

۱- تبیین بخش «نقش محبت»

دیر، در ابتدا این سؤال را مطرح می‌کند که چرا امام سجاده علیه السلام محبت الهی را آرمان دل مشتاقان و

نهایت آرزوی عاشقان می‌داند. منظور امام از عاشق کیست؟

برای ریشه‌یابی این مسئله، لازم است ابتدا نقش محبت و کارکرد آن را در وجود انسان بررسی کنیم تا به پاسخ این سؤال برسیم.

در کتاب پیام‌های آسمانی پایه نهم در درس مربوط به ایمان، آمده است که انسان دارای دو کانون «عقل» و «قلب» است و گفته شد که قلب هر جا برود، اعمال و رفتار انسان هم به همان سمت کشیده می‌شود. در واقع، قلب جهت‌دهنده به فعالیت‌ها و کارهای انسان است.

نکته مهم آن است که اگر قلب به چیزی محبت بورزد که عقل آن را پسندیده می‌داند، این محبت به جاست؛ اما اگر قلب چیزی را محبوب خود قرار دهد که عقل آن را تأیید نمی‌کند، این محبت ناپسند و زیان‌آور است. سخن امیرالمؤمنین علیه السلام (در بخش چقدر می‌ارزیم) که ارزش انسان را چیزی می‌داند که آن را دوست دارد، معیار عشق و محبت را مشخص ساخته است؛ هر کس هر چیزی را محبوب خود قرار دهد، به همان میزان می‌ارزد. کسی که به «مقام» عشق می‌ورزد، به اندازه همان مقام ارزش دارد. کسی که به «ثروت» عشق می‌ورزد، به همان اندازه ارزش دارد و... ولی کسی که خداوند را محبوب خود قرار دهد و همه کارهایش را برای او انجام دهد، قدر و ارزشش قابل اندازه‌گیری نیست.

در این بخش استفاده از مناجات‌ها و دعاهایی که نشانه‌های عشق و محبت معصومان علیهم السلام به خداوند است و نیز خواندن اشعار مناسب، برای ملموس کردن عشق به خداوند و تأثیرگذاری بر قلب دانش‌آموزان، مؤثر است.

۲- انجام «فعالیت کلاسی»

با توجه به مطالبی که تا این قسمت آمد، بهتر است این موضوع به بحث گذاشته شود و هر کسی نظرش را درباره آن بدهد. با توجه به اینکه محبت ورزیدن به چیزی باعث می‌شود که انسان همه هم و غم خود را صرف محبوب خود کند و همه زندگی خود را صرف رسیدن به محبوب خود سازد تا جایی که گویی با محبوب خود یکی شده است؛ بنابراین در روز قیامت با چیزی محسوس می‌شود که با او یکی شده است. در واقع یک وجود شده‌اند که در دو قالب قرار دارند. کسی که به ثروت عشق می‌ورزد، آن قدر زندگی خود را غرق در این کار می‌کند که فکر و ذکری جز ثروت ندارد، بنابراین او عین مادیات و پول شده است و در روز قیامت نیز با همان ثروت مادی محسوس خواهد شد که البته بسیار دست خالی خواهد بود؛ چون ثروت مادی این دنیا در آن عالم به هیچ کاری نخواهد آمد. برای این مورد مثال‌های فراوانی می‌توان زد، از قبیل محبوب و الگو قرار دادن یک انسان غیررشد یافته که خود گرفتار بسیاری از گناهان است.

۳- تبیین بخش «محبت به خدا»

در این بخش توضیح داده می‌شود که محبت تا چه حد می‌تواند زندگی انسان را متحول کند. به همین دلیل برای اینکه انسان به رشد شایسته اش برسد، باید عاشق شود. برای عاشق شدن هم هیچ چیزی به اندازه

خداوند ارزش ندارد؛ بنابراین عاقلانه است که انسان عاشق بهترین شود که آن خداوند است (اشاره به روایت امیرالمؤمنین علیه السلام). آیه ۱۶۵ سوره بقره نیز برای تکمیل این بحث آمده است که فقط عاشق خداوند عاشق واقعی است. البته در اینجا باید به این نکته توجه داشت که عشق به خدا، عشق و محبت به انسان‌ها را نیز به دنبال خود خواهد آورد. چون خداوند خود دستور داده است که به پدر و مادر خود محبت بورزید؛ به خویشان خود محبت بورزید؛ با مؤمنان رثوف باشید؛ دلسوز انسان‌های دیگر باشید.

۴- تبیین بخش «بیشتر بدانیم»

مطلبی که در این بخش آمده، دل نوشته شهیدی است که عاشق خداوند شد و با سن کم، در زندگی چیزی ارزشمندتر از خداوند برای عشق ورزیدن نیافت. او با همین عشق به دیدار خداوند شتافت. این افراد مصداق کسانی هستند که یک شبه ره صد ساله را رفته‌اند.

این بخش از این جهت اهمیت دارد که سن این شهید که زندگی نامه و نوشته‌های عرفانی او به راحتی در اینترنت قابل مشاهده است، به سن دانش‌آموزان این کتاب بسیار نزدیک است و حس هم ذات‌پنداری خوبی بین آنها ایجاد می‌کند. نوشته‌های عرفانی این شهید به اندازه‌ای پرمحتواست که مقام معظم رهبری درباره آن فرموده است: «من نوشته‌های او را بارها خوانده‌ام و هر بار که خواندم نکات جدیدی از آن برداشت کردم».

۵- تبیین «آثار محبت به خدا و راه‌های افزایش آن»

یکی از سؤالات اساسی دانش‌آموزان در این درس این است که اگر عشق به خداوند تا این حد می‌تواند انسان را متحول کند، ما چگونه عاشق خداوند شویم. این بخش با سه راهکار راه عاشق خداوند شدن و غرق در محبوب واقعی شدن را می‌آموزد.

اولین راه، پیروی از خداوند است. پیروی از کسی که دوستش داریم، یکی از موضوعات پذیرفته شده بین همه انسان‌هاست. فرزندی که غیر از رابطه فرزندی با پدر و مادر، آنها را دوست دارد، انجام دادن دستورات آنها را نیز دوست دارد. یعنی فرمان پدر و مادر را نه تنها به خاطر این اطاعت می‌کند که آنها رنجیده نشوند، بلکه خودش دوست دارد که امر آنان را انجام دهد و چهره رضایت‌مند و شاد آنان را ببیند. همین حالت، در مراتب بسیار بالاتری برای کسانی که حقیقتاً به خدا عشق می‌ورزند، وجود دارد.

تذکر مهم: اطاعت از محبوب، میزان و معیار تشخیص دوست حقیقی از دوست تقلبی است. خیلی‌ها به همین بسنده می‌کنند که بگویند ما خدا را دوست داریم؛ اما وقتی وارد زندگی آنها می‌شویم، از نماز و مناجات با خدا خبری نیست و به دستورات خدا کاملاً بی‌توجه‌اند. به برخی جوانان چنین القا شده که علاقه قلبی به خدا کافی است؛ دل باید پاک باشد و با خدا پیوند داشته باشد و اطاعت و پیروی از فرمان‌های او و عمل صالح چندان اهمیت ندارد. ما باید بکشیم این نگرش غلط را اصلاح کنیم. این عقیده تحریف شده مسیحیت است که متأسفانه محبت بدون عمل را وارد فرهنگ دینی کرده است تا آنجا که برخی، عشق

ائمه اطهار، به خصوص امام حسین علیه السلام را بدون توجه به سیره آن بزرگواران، مایه نجات دانسته‌اند. اما همان‌طور که گفته شد، محال است کسی در دلش به کسی محبت واقعی داشته باشد؛ اما از او اطاعت نکند. در این بخش آیه ۳۱ سوره آل عمران به خوبی خاطر نشان می‌سازد که اگر کسی خداوند را واقعاً دوست داشته باشد و او را محبوب خود قرار داده باشد، حتماً به دستوراتش عمل می‌کند؛ وگرنه کسی که ادعا کند من خدا را دوست دارم، ولی به دستورات او عمل نکند، دروغ می‌گوید و فقط خودش را فریب می‌دهد (اشاره به روایت امام صادق علیه السلام در این بخش) وعده‌ای که خداوند در برابر عمل به دستوراتش به بندگان خود داده این است که من نیز او را دوست می‌دارم و تمامی گناهانش را می‌بخشم. بنابراین میان عمل به دستورات الهی - که ضامن رستگاری ما در دنیا و آخرت است - و دوست داشتن خداوند رابطه متقابل و مستقیم وجود دارد و هریک موجب تقویت دیگری است.

انجام فعالیت «تفکر در احادیث»

در فعالیت کلاسی این بخش، مصادیق کارهایی ذکر شده که خداوند آنها را دوست دارد و ما با انجام دادن آنها به خداوند نشان می‌دهیم که ما نیز او را دوست داریم. کارهایی همانند توبه از گناهان، عفت، رسیدگی به در ماندگان، صرف جوانی در اطاعت خداوند و همواره تمیز و آراسته بودن. می‌توان به این موارد انجام تمامی واجبات دینی و اجتناب از محرّمات را اضافه کرد.

راه دوم دوستی با دوستان خداست. در اینجا باید از مثال‌های روزمره محیط پیرامون دانش‌آموزان استفاده کنیم. ابتدا باید تذکر دهیم که دوستی و معاشرت معمولی در اینجا مورد نظر نیست. بلکه محبت و عشق است که سبب می‌شود هرکس که محبوب شما را دوست داشته باشد، شما هم او را دوست بدارید. مثلاً ما به پدر و مادر خود علاقه داریم و گاهی این علاقه در حدّ عشق و محبت به آنهاست. به‌طور طبیعی کسانی که پدر و مادر ما را دوست داشته باشند، ما نیز آنها را دوست داریم. بنابراین، کسی که خداوند را دوست داشته باشد، حتماً دوستان خدا را نیز دوست خواهد داشت.

یکی از راه‌هایی که موجب می‌شود انسان خداوند را بیشتر دوست داشته باشد و او را محبوب دل خود قرار دهد، این است که دوستان او را دوست بدارد. خاصیت دوست داشتن دوستان خدا این است که با این کار انسان بیشتر متمایل به خداوند می‌شود؛ چون کارهای آنان ذکر و یاد خداست، حرف‌های آنان ذکر خداست و به‌طور خلاصه انسان با دیدن دوستان خداوند به یاد خداوند می‌افتد و در نتیجه انس بیشتری با خداوند پیدا می‌کند و محبت بیشتری نسبت به خداوند در دلش ایجاد می‌شود.

در اینجا خوب است به مصداق دوستان خداوند نیز اشاره شود. دوستان خداوند به صورت کلی کسانی‌اند که واجبات خدا را به جا می‌آورند و از محرّمات خداوند دوری می‌کنند که مصداق خاص آن عبارت‌اند از انبیا و اولیای الهی، بزرگان دین، عرفا، شهدا و تمام کسانی که واقعاً به دین خداوند خدمت می‌کنند و در

تلاش اند دین خداوند روی زمین تحقق پیدا کند.

راه سوم بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان است. دبیر محترم شایسته است ابتدا توضیح دهد که محبت به هر چیز، بیزاری از ضد آن را به دنبال دارد. علاقه به عدل، دشمنی با ظلم را در خود دارد. علاقه به بوی خوش، تفر از بوی بد را می آورد. کسی که یکی از هم کلاسی های خود را انسان صادق و درستکاری می بیند و از صمیم قلب به او علاقه دارد، از کسی که از روی حسادت و عناد به آن دوست بدی می کند، متنفر است.

تذکر: اگر ما به کسی علاقه داشتیم و با دشمن او هم دوست بودیم و به او هم واقعاً محبت می ورزیدیم، معلوم می شود که یا فرد اول را قلباً دوست نداریم یا فرد دوم را درست نمی شناسیم و چهره واقعی او برای ما روشن نشده است.

این نکته در موضع گیری های فرهنگی، سیاسی و ابعاد دیگر اجتماعی بسیار اهمیت دارد و تعیین کننده است. کسی که به نظام اسلامی علاقه مند است، محال است با نظام هایی در دنیا که کمر همت به نابودی این نظام بسته اند، دوستی کند. رفتار بسیاری از ایران پرست های ساکن اروپا و امریکا، این گونه است که در حرف ادعای عشق به میهن دارند، ولی نه تنها هیچ فداکاری ای به خاطر این عشق خود نمی کنند و سرگرم زندگی خوش و راحت خود هستند، بلکه در خدمت کسانی هستند که نقشه های پیچیده برای تجزیه کشور، وابسته کردن آن به امریکا و تضعیف ایران انجام می دهند.

ما باید دانش آموزان خود را به گونه ای تربیت کنیم که همچون مجاهدان دفاع مقدس، خط خود را همواره از دشمنان جدا کنند. دشمن شناسی آنها بسیار قوی باشد و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی خود را حتی در مواردی که انتقادی است، به گونه ای انجام دهند که دشمنان اسلام را ناامید کنند و امکان هیچ گونه سوء استفاده ای به آنها ندهند.

نکته مهم دیگر اینکه: یکی از تبلیغات استکبار و زمامداران ظالم جهانی در کشورهای ضعیف نگاه داشته، این است که می گویند: «دشمن تراشی و دشمن ستیزی مربوط به دوره توحش انسان است. دوره تمدن جدید، دوره آشتی کردن همه با هم است، این طور نیست که یک طرف حق باشد و یک طرف باطل. آری، آدم ها اختلاف نظر دارند؛ اما این گونه نیست که یکی بر حق باشد و دیگری بر باطل؛ لذا دشمنی معنا ندارد». این تبلیغ که در قالب های بسیار نامرئی و گاه با نظریه پردازی فلسفی، جامعه شناختی و تبیین فرهنگی همراه است، نتیجه اش تسلیم فرهنگی و سیاسی جوامع تحت ستم در مقابل جوامع ستمگر است که نمونه های فراوان آن را هم اکنون در دنیا می بینیم.

ابعاد مختلف این مسئله را می توان در پیام براثت امام خمینی علیه السلام در سال ۱۳۶۶ به روشنی دید که با تحلیلی عمیق باز شده است. همچنین شهید مطهری در کتاب حق و باطل، با تحلیل نبرد دائمی و تاریخی

میان آن دو، مبارزه مستمر با باطل را جزء ذاتی دینداری دانسته است، که البته هم امام خمینی و هم شهید مطهری این دیدگاه خود را از قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت بزرگوار ایشان علیهم السلام گرفته‌اند.

۶- انجام فعالیت «بررسی»

در این فعالیت خواسته شده است دانش آموز مصادیق دشمنان خداوند و دین الهی را مشخص سازد. این فعالیت واگراست و بالطبع می‌توان مصادیق و جواب‌های متعددی برای آن یافت. فایده این فعالیت این است که دانش آموز می‌تواند میان مباحثی که در این درس می‌آموزد و دنیای بیرون به راحتی ارتباط برقرار کند. یافتن این مصادیق کمک شایانی به دانش آموز در یافتن دید دینی به امور و مسائل دنیا می‌کند. در این فعالیت از دانش آموز راهکار برای مقابله خواسته شده است. خواستن راهکار از خود دانش آموز موجب می‌شود دانش آموز احساس کند در این مسائل تکلیف دارد و راهکارهایش نیز در سن خودش کاربردی خواهد بود.

۷- «پاسخ سوالات شما»

با توجه به مطالبی که تاکنون مطرح شد، محبت الهی راه‌گشای تمامی مشکلات انسان و تسهیل‌کننده وصول انسان به خداوند است و برای این کار انسان باید به فرامین الهی عمل کند و با دوستان خداوند دوست باشد و با دشمنانش دشمن باشد. در اینجا اشکالی که وجود دارد این است که انسان می‌خواهد محبت الهی را در دلش جای دهد؛ ولی آن قدر محبت‌های دیگر در دلش جای گرفته است که نمی‌تواند این کار را بکند و تا اغیار در دل انسان باشد، خداوند در آن دل جای نمی‌گیرد. بنابراین چه باید کرد.

این بخش دقیقاً به دنبال ارائه راهکار برای خالی کردن دل و مصفا کردن آن برای خداوند است. در اینجا چهار گام عملی برای این مشکل ارائه شده که در متن به خوبی توضیح داده شده است.

دیران محترم توجه داشته باشند که یکی از مشکلات اساسی دانش‌آموزان در این سن داشتن ارتباط با جنس مخالف و در واقع دوستی با نامحرم است. هدف اصلی این بخش، بحث درباره این موضوع است تا دانش‌آموزی که به دنبال راهکار است، به راحتی بتواند راه حل مشکل خود را بیابد. ذکر خداوند، مبارزه با تخیلات، زیاد کردن ارتباط عاطفی با خانواده و... راهکارهای عملی برای قطع کردن این نوع ارتباطات است. گام‌هایی که کاملاً عملی است و با مشاوره با کارشناسان متعددی ارائه شده است. طبیعی است که این گام‌ها برای عده قابل توجهی که این مشکل را دارند، قابل اجرا و عملی است ولی در مواردی هم ممکن است پاسخگو نباشد. در این موارد بهترین راهکار مراجعه به مشاوران امین است که در مسائل دینی خبره باشند و بتوانند مشاوره‌هایی کاملاً دینی و مورد رضایت خداوند ارائه بدهند.

۸- اندیشه و تحقیق

با توجه به متن درس، یکی از آثار دوستی با خدا، پیروی از دستورات اوست. چگونه ممکن است کسی خداوند را دوست داشته باشد اما به دستورات او توجه نکند و حتی مخالف دستورات او عمل کند.

۲ در این سؤال، راه‌های بیزاری و دوری از باطل و باطل‌صفتان خواسته شده، مانند شناخت مصداق‌ها و نمونه‌های باطل و تحقیق پیرامون رفتار آنان، بررسی عواقب و سرنوشت باطل‌پیشگان، مطالعه خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه و مطالعه زندگی نامه شهدا و ...

۳ دانش‌آموزان براساس آنچه در این درس آموخته‌اند، باید بتوانند توضیح دهند که چه کسی با خدا صادق است و چه کسی نیست.

پاسخ این است که دوستی با خداوند، آثار و تجلیاتی دارد که اگر این آثار و تجلیات موجود باشد، شخص می‌تواند دریابد که در دوستی با خدا صادق است. آثار دوستی با خدا در درس توضیح داده شده است؛ پس، کسی می‌تواند بگوید با خدا دوست است که واقعاً دوستان خدا را دوست دارد، نه کسانی را که اهل فساد و گناه‌اند. همچنین کسی که خدا را دوست دارد، از دستورات خداوند پیروی می‌کند؛ نه اینکه دست به گناه بزند و هربار هم آن را توجیه کند؛ و بالاخره، با کسانی که دشمن خدا هستند، دشمنی قلبی و عملی دارد.

۴ دین با محبت خدا شروع می‌شود و با براءت و بیزاری از دشمنان خدا ادامه می‌یابد، نمی‌شود خدا را دوست داشت و به او عشق ورزید اما هیچ نفرتی از دشمنان خدا و کسانی که تلاش می‌کنند یاد خدا را در دل‌های افراد بخشکانند و جامعه را از مسیر خداوند دور کنند، نداشت.

د) پیشنهاد

پیشنهاد اول: درباره مبارزات پیامبران و امامان با زشتی‌ها و ستم‌کاری است. دانش‌آموزان می‌توانند با مراجعه به قرآن کریم و کتاب‌های تاریخی و سیره‌ها، نمونه‌هایی از این مبارزات را یادداشت و در کلاس بازگو کنند. این فعالیت به دانش‌آموزان نشان می‌دهد که چگونه عشق و محبت پیامبران و امامان به خداوند، آنان را به مبارزه‌ای سرسختانه و همیشگی با بدی‌ها و زشتی‌ها کشانده است.

پیشنهاد دوم: درباره مبارزات امام خمینی علیه السلام است که در زمان ما و عصر حاضر اتفاق افتاده است تا دانش‌آموزان توجه کنند که یکی از پیروان بزرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در عصر حاضر چگونه راه ایشان (آن حضرت) را پیموده است.

ه) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

معلم می‌تواند از اطلاعات زیر هنگام تدریس استفاده کند.

۱- کلمه **حَبّ** و مشتقات آن: ۹۵ بار در قرآن کریم آمده است و در چهل آیه قرآن، با استفاده از کلمه‌های «یحِبُّ» و «لا یحِبُّ» به صراحت گفته شده است که خداوند چه کسانی را دوست دارد و چه کسانی را دوست ندارد.

۲- نکاتی از مرحوم علامه طباطبائی دربارهٔ حب و عشق الهی:

«حب عبارت است از علاقهٔ بین محب و محبوب یا به عبارتی انجذاب بین علت و معلول یا شبیه به آن؛ پس، ما افعالمان را دوست داریم تا به وسیلهٔ آن استکمال یابیم و چیزهایی را هم که متعلق به افعال ماست، دوست داریم. محبت به «طبیعی»، «خیالی»، «موهوم» و «عقلی» تقسیم می‌شود».

خداوند از هر جهت که حساب شود، اهلیت دوست داشتن را دارد؛ چون کمال مطلق است، هستی او بالذات است و ما متناهی هستیم و حب متناهی به نامتناهی ذاتی است و از بین نمی‌رود. همچنین، خدا بر ما انعام می‌کند؛ آن هم به نعمت‌های غیرمتناهی از نظر عدد و زمان؛ پس ما به همین دلیل او را دوست داریم؛ همان‌طور که هر منعم دیگر را به خاطر انعامش دوست داریم.

چون حب، یک رابطهٔ وجودی است، پس هر چیزی خود را دوست می‌دارد و چون هر محبتی همهٔ متعلقات محبوب خود را دوست دارد، پس، خداوند به این جهت که خود را دوست دارد، خلق خود را نیز دوست دارد»^۱.

۳- **تولّی و تبری در همهٔ موجودات:** آیت‌الله جوادی آملی از مرحوم خواجه نصیر نقل می‌کند که «آنچه در نوع جمادات به نام دفع و جذب هست، در گیاهان نیز وجود دارد». آنگاه خودشان توضیح می‌دهند که «چون اگر سنگی یا خاکی بخواهد لعل شود، در بدخشان یا عقیق اندر یمن، ناچار است خاک‌های مستعد و مناسب را جذب و مواد ناسازگار را دفع کند». در واقع تولّی و تبری در گیاهان و جمادات به صورت جذب و دفع است. «در حیوانات به صورت غضب و شهوت درمی‌آید؛ از این دقیق‌تر می‌شود و به صورت محبت و عداوت جلوه می‌کند و از این مقدار بالاتر می‌آید، دقیق‌تر می‌شود و به صورت ارادت و کراهت ظهور می‌کند. از همهٔ اینها گذشته اگر خیلی دقیق و لطیف شد، به صورت تولّی و تبری جلوه می‌کند که این از ویژگی‌های خواص اولیای حق و مؤمنان الهی است»^۲.

۴- **هر کس در قیامت با محبوب خود محشور می‌شود:** روزی یکی از اعراب نزد رسول خدا ﷺ آمد و از قیامت و صحنهٔ محشر سؤال کرد؛ ایشان فرمودند: «برای قیامت چه حاضر کرده‌ای؟» گفت: «چیزی ندارم، اما خدا و رسولش را دوست دارم».

پیامبر ﷺ فرمود: «انسان با چیزی که دوست دارد، محشور می‌شود»^۳.

باید ببینیم درونمان چه چیزی می‌خواهد و محبوبش چیست؛ زیرا با همان محشور می‌شویم.

۵- **رابطهٔ محبت‌آمیز جناب ابوطالب و امام علی علیه السلام نسبت به پیامبر ﷺ:** زمانی که رسول خدا ﷺ و یارانش در شعب ابی‌طالب در محاصرهٔ کفار بودند و خطر به قتل رساندن پیامبر بسیار جدی بود، ابوطالب برای حفظ جان ایشان کارهای مختلفی انجام می‌داد؛ از جمله اینکه شب‌ها به دور از چشم

۱- تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۱۸ به بعد (با کمی تصرف).

۲- حکمت عبادات، ص ۲۳۹ به بعد.

۳- حکمت عبادات، ص ۲۴۸.

دیگران، محل خواب پیامبر را تغییر می‌داد و به فرزندش علی علیه السلام می‌گفت که در بستر پیغمبر بخوابد و به او یادآوری می‌کرد که این کار را برای حفظ جان پیامبر می‌کند. علی علیه السلام نیز در جواب می‌فرمود: «من از این کار راضی هستم و تو را اطاعت می‌کنم».

۶- صلوات بر پیامبر و اهل بیتش، نشانهٔ محبت به ایشان است؛ به همین جهت پیشوایان ما بر آن تأکید کرده‌اند و فضیلت‌های بسیاری برای آن ذکر فرموده‌اند.

امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرموده‌اند: «أَنْقُلُ مَا يَوْضَعُ فِي الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ؛^۱ سنگین‌ترین چیزی که در میزان در روز قیامت قرار داده می‌شود، صلوات بر محمد و اهل بیت اوست».

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

خدا کاروانی از فرشتگان دارد که همواره در حرکت‌اند. وقتی به حلقه‌های ذکر می‌رسند، برخی از آنها می‌گویند، بنشینید. چون اهل جلسه دعا کنند، فرشتگان آمین می‌گویند و چون صلوات بر پیامبر فرستند، با آنها صلوات می‌فرستند تا اینکه تمام شود؛ سپس، برخی از ملائکه به برخی دیگر می‌گویند: «خوشا به حال این افراد که جلسه را ترک می‌کنند، در حالی که آمرزیده شده‌اند».

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

الصَّلَاةُ عَلَيَّ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِي تَذْهَبُ بِالتَّفَاقِقِ.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«کسی که درخواستی و حاجتی از خدا دارد، باید ابتدا بر محمد و آل محمد صلوات فرستد؛ سپس، درخواست خود را بیان کند و بار دیگر بر محمد و آل محمد صلوات فرستد. خداوند عزوجل کریم‌تر از آن است که دو طرف دعا را قبول کند و دعای وسط را فرو گذارد...»^۳.

(و منابع

- ۱- جاذبه و دافعهٔ علی علیه السلام؛ استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۲- دیوان حافظ (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۳- تفسیرالمیزان (ترجمهٔ فارسی)، علامه طباطبائی، ج ۱ (برای معلم)
- ۴- سیرهٔ نبوی، مصطفی دلشاد تهرانی، انتشارات وزارت ارشاد (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۵- فروغ ابدیت، استاد جعفر سبحانی، دفتر تبلیغات حوزهٔ علمیه (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۶- نهضت امام خمینی، سیدحمید روحانی (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۷- سلام بر خورشید، سیدعلی اکبر حسینی (برای دانش‌آموز)

۱- سفینهٔ البحار، ج ۲، ص ۴۹.

۲- سفینهٔ البحار، ج ۲، ص ۲۴۹.

۳- کافی، ج ۲، ص ۴۹۴.

الف) اهداف

۱- هدف کلی : تبیین نقش نماز و روزه در تقویت تقوا و دوری از گناه

۲- اهداف آموزشی :

- تبیین حقیقت تقوا
- تبیین نقش نماز در تقویت تقوا و بازدارندگی از گناه
- تبیین نقش روزه در تقویت تقوا
- بیان برخی از احکام مربوط به روزه

ب) محورهای اصلی درس

این درس شامل محورهای زیر است :

- ۱ نماز و روزه از عوامل تقویت تقوا و بازدارنده از گناه است.
- ۲ تقوا به معنای حفظ و نگه داشتن خود از ارتکاب به گناه است و انسان متقی کسی است که نفس خود را از حرکت در مسیر معصیت باز می‌دارد.
- ۳ توجه به اعمال و عبارتهای نماز، روحیه تقوا را در انسان تقویت می‌کند.
- ۴ نماز یک برنامه روزانه برای شست‌وشو و پاک شدن از گناه است.
- ۵ برخی اعمال تأثیر نماز را کم می‌کنند یا آن را به طور کامل از بین می‌برند.
- ۶ اگر روزه با آداب ظاهری و باطنی آن گرفته شود، روحیه تقوا را در انسان تقویت می‌کند.
- ۷ روزه دارای احکامی است که هر مسلمانی باید آن را بیاموزد.

ج) اجزای تدریس

این درس شامل اجزای زیر است :

۱- تبیین بخش «تقوا»

محور اصلی، این درس، «تقوا»ست و اینکه «نماز» و «روزه» چه کمکی برای دستیابی به تقوا می‌کنند. به همین جهت، لازم است دبیر ابتدا حقیقت تقوا را توضیح دهد؛ به گونه‌ای که دانش‌آموزان احساس کنند

تقوا یک فضیلت دور از دسترس و یا پیچیده و سخت نیست. تقوا لازمه هر زندگی منظم و با برنامه دینی است. ما نباید تقوا را به صورتی بیان کنیم که دانش‌آموزان گمان کنند، فقط پیامبران و امامان و اولیای الهی می‌توانند به تقوا برسند.

هر فردی که بخواهد در مقابل گناهان بایستد و از فرمان‌های خداوند سرپیچی نکند، به تقوا نیازمند است، یعنی باید خودنگهدار باشد. برای تبیین بهتر این موضوع، بهتر است از نمونه‌های قابل درک برای دانش‌آموزان استفاده کنیم: خود نگهداری در مقابل کارهایی که ما را از درس خواندن برای کنکور بازمی‌دارد، یا مقاومت در مقابل کارهایی که نمی‌گذارند ورزش را مطابق برنامه پیش ببریم، یا نخوردن غذاهایی که برای بیماری ما مضرند و نیز پاسخ منفی به تقاضای دوستان ناباب، می‌تواند مفهوم تقوا را برای دانش‌آموزان روشن‌تر کند.

۲- تبیین بخش «نماز و بازدارندگی از گناه»

از دیدگاه قرآن کریم یک ثمره مهم نماز، بازدارندگی از فحشا و منکرات است؛ یعنی اگر کسی نماز را به درستی برپا دارد، به حالتی می‌رسد که می‌تواند خود را هنگام پیش آمدن گناه، حفظ کند و این حالت، همان حالت تقواست.

در اینجا، لازم است که به دانش‌آموزان نشان دهیم چگونه نماز انسان را از گناه بازمی‌دارد. اگر این کار به خوبی صورت گیرد، دانش‌آموزان پاسخ یک سؤال خود را هم می‌یابند. آنها معمولاً این سؤال را در ذهن دارند که چرا برخی نمازگزاران مرتکب برخی گناهان، حتی گناهان بزرگ می‌شوند. بنابراین، باید چند نکته را برای دانش‌آموزان روشن کنیم:

۱- نماز هنگامی دارای آثار و فواید سازنده است که به درستی و با شرایط خود انجام شود و هر قدر این شرایط بیشتر و بهتر رعایت شود، آثار آن بیشتر خواهد بود.

۲- اگر دیدیم نمازگزار مرتکب گناه می‌شود، درمی‌یابیم که یک نماز سطحی و بدون شرایط به‌جا می‌آورد؛ به همین دلیل تأثیر کمتری بر شخصیت او می‌گذارد.

۳- هر یک از ما می‌توانیم در میان خانواده، خویشان و آشنایان خود مشاهده کنیم که هر قدر توجه قلبی افراد به نماز بیشتر می‌شود و نماز را به خاطر خدا بزرگ می‌دارند و به‌جا می‌آورند، به همان میزان کمتر به سراغ گناه می‌روند و معمولاً نمازگزارانی که سرسری و بدون توجه نماز می‌خوانند، ممکن است مرتکب گناه شوند.

۴- اگر عبارات نماز را به دقت و با توجه بیان کنیم و در حالت نماز به آنچه می‌گوییم، واقعاً ایمان داشته باشیم، به تدریج محتوای آن عبارات در ما نفوذ می‌کند و بر ما تأثیر می‌گذارد.

در اینجا است که باید عبارات نماز را بیان کنیم و نشان دهیم اعتقاد واقعی به آن، سبب می‌شود که

حالت مقابل آن را از خود دور کنیم. این کار سبب می‌شود که توجه دانش‌آموزان به عبارات‌های نماز بیشتر شود و با آگاهی بیشتری نماز را به‌جا آورند.

۳- انجام فعالیت «بررسی»

در این فعالیت، دانش‌آموزان به پیدا کردن منکراتی می‌پردازند که در مقابل محتوای نماز قرار دارند. به طور مثال:

سوره توحید، درباره توحید الهی است و اگر کسی با توجه آن را بخواند، شرک را از خود دور خواهد کرد.

کسی که پیامبر اکرم ﷺ را دوست دارد و بر او درود می‌فرستد، با دشمنان پیامبر دوستی نخواهد کرد. کسی که به درگاه خدا دعا می‌کند و خواسته‌هایش را در قنوت با خدا در میان می‌گذارد، از دیگران درخواستی نخواهد داشت و چون می‌داند کلید اجابت همه خواسته‌ها نزد خداست و او بر هر کاری تواناست، همیشه در سختی‌ها و تنگناها به خدا امید دارد و هیچ‌گاه ناامید و مأیوس نمی‌شود.

کسی که می‌کوشد در جماعت مسلمانان حاضر شود، از تفرقه و جدایی دوری خواهد کرد.

کسی که می‌گوید خدا یا فقط تو را می‌پرستم، از پرستش غیرخدا خودداری می‌کند.

کسی که می‌گوید خدا یا فقط از تو یاری می‌خواهم، دست‌نیاز به سوی دیگران دراز نخواهد کرد.

۴- تبیین بخش «تکمیل احکام»

می‌دانیم که انسان برای خواندن نماز دو نوع طهارت لازم دارد:

الف) طهارت از نجاسات (طهارت از خبث)

ب) طهارت از حَدَث (شامل وضو، غسل و تیمم می‌شود)

برای طهارت اول لازم است که دانش‌آموزان نجاست را بشناسند تا در صورت آلوده شدن بدن یا لباس به آنها، خود را پاک کنند. برای طهارت دوم نیز لازم است عواملی را که باعث بطلان وضو یا غسل و تیمم می‌شود را بدانند.

همچنین با توجه به بالا رفتن آمار استفاده از مشروبات الکلی، لازم است دبیران با توجه به آیات قرآن، به بیان مضرات و عواقب این عمل شیطانی بپردازند.

۵- پاسخ سوالات شما

در این بخش به یکی از پرسش‌های رایج دانش‌آموزان درباره نماز پاسخ داده شده است. این پرسش که:

علت تأکید خداوند بر نماز چیست؟ مگر خدا به نماز ما احتیاجی دارد؟

شاه کلید پاسخ به این سؤال تأکید بر این نکته است: «این ما هستیم که به نماز که پل ارتباطی ما با خداست

نیاز داریم نه خدا». در حقیقت نماز به ما فایده می‌رساند و خدا از آن بی‌نیاز است. این پاسخ را می‌توان با یک مثال، به خوبی تبیین کرد :

اگر همه مردم رو به خورشید خانه بسازند؛ چیزی به خورشید اضافه نمی‌شود و اگر همه مردم پشت به خورشید خانه بسازند؛ چیزی از خورشید کم نمی‌شود. خورشید نیازی به مردم ندارد که رو به او کنند. این مردم‌اند که برای دریافت نور و گرما باید خانه‌های خود را رو به خورشید بسازند.

خداوند هم منبع همه خیرات و خوبی‌هاست و ذره‌ای به عبادت مردم نیازی ندارد. این ما هستیم که با رو کردن به او از الطاف خاص الهی برخوردار می‌شویم و رشد می‌کنیم. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید : «اگر همه مردم کافر شوند ذره‌ای در خداوند اثر ندارد زیرا او از همه انسان‌ها بی‌نیاز است :

إِنْ تَكْفُرُوا لَنَا وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ (سوره ابراهیم، آیه ۸)».

۵- تبیین بخش «اعمالی که تأثیر نماز را از بین می‌برند»

در این قسمت توجه دانش‌آموزان را به این نکته جلب می‌کنیم که برخی اعمال موجب نابودی آثار نماز می‌شوند. دقیقاً همانند کسی که مدام استخر را از آب زلال پر می‌کند؛ اما به دلیل وجود سوراخ در کف استخر، آب را هدر می‌دهد. برخی اعمال نیز همانند سوراخ‌هایی هستند که تأثیرات و برکات نماز از آنها خارج می‌شود. غیبت کردن، ناراحت کردن والدین، نوشیدن شراب برخی از این اعمال هستند.

تذکر : حتماً در این بحث دانش‌آموزان را به این مسئله توجه دهید که ارتکاب چنین اعمالی هیچ وقت باعث نمی‌شود که مثلاً بگوییم : «حالا که من غیبت کرده‌ام و تا چهل روز نماز قبول درگاه الهی نیست، پس تا چهل روز نماز نمی‌خوانم». ارتکاب این گناهان هیچ دلیل موجهی برای ترک نماز نیست و اگر کسی نماز را با این دلیل ترک کند، در آن جهان مواخذه خواهد شد. توضیح بیشتر آنکه همان‌طور که در باورقی کتاب نیز آمده است، عباداتی مانند نماز دو دسته شرط دارند. یکی شرط صحت و دیگری شرط کمال. نماز فرد غیبت‌کننده شرط صحت را دارد؛ یعنی نمازش صحیح است و مثلاً نیازی نیست که بعداً قضای آن را به‌جا بیاورد و در قیامت به خاطر ترک نماز مواخذه نمی‌شود؛ اما نماز وی شرط کمال را ندارد؛ یعنی آثار و برکاتی که بر نماز مترتب است؛ شامل حال چنین فردی نمی‌شود. بنابراین اگر در روایات گفته می‌شود که نمازش قبول نیست، منظور این است که شرط کمال را ندارد.

۶- بیشتر بدانیم

این بخش که با عنوان « دو رکعت عشق» در کتاب مطرح شده است، ذکر خاطره‌ای درباره‌ی اهتمام و توجه رزمندگان دفاع مقدس به نماز است. رزمنده‌ای که دو دست خود را از دست داده و از شدت درد و خونریزی بی‌رمق روی تخت افتاده است، نماز خود را فراموش نمی‌کند و در سخت‌ترین شرایط جسمانی به اقامه نماز می‌پردازد. شاید این بخش تلنگر به کسانی باشد که با کوچک‌ترین بهانه‌ای نماز خود را ترک

می‌کنند یا به آن بی‌توجهی می‌کنند. قطعاً خداوند در روز قیامت این نمونه‌ها را به کسانی که به بهانه‌های واهی نسبت به نماز بی‌توجه بودند، نشان می‌دهد و بر دلایل سست آنان برای ترک یا بی‌توجهی به نماز خط بطلان می‌کشد.

۷- تبیین بخش «روزه و تقویت تقوا»

آنچه در روزه‌داری نمود عینی دارد، «صبر» است. هرکس که روزه گرفته باشد، حالت صبر در مقابل خوردن و آشامیدن را تمرین کرده است. صبر، به تدریج سبب تقویت حالت خود نگهداری در انسان می‌شود. البته باید بکشیم که دانش‌آموزان را متوجه این نکته کنیم که روزه، فقط پرهیز خود از خوردن و آشامیدن نیست؛ بلکه باید علاوه بر نگهداری خود از خوردن و آشامیدن، حفظ نفس در مقابل سایر گناهان هم مورد نظر باشد.

از این رو، باید علاوه بر دهان، اعضای دیگر را هم وارد روزه کرد و روزه آنها را توضیح داد. روزه گوش، چشم، زبان، دست و پا و... حفظ خود از گناهان مربوط به گوش، چشم و زبان و مانند آن باید در ماه رمضان تمرین شود تا در ماه‌های دیگر هم ادامه یابد.

۸- انجام فعالیت «بررسی»

انجام این فعالیت توسط دانش‌آموزان، آنان را متوجه می‌کند که روزه‌داری فقط تحمل گرسنگی و تشنگی نیست. رسول خدا ﷺ که آورنده حکم روزه از جانب خداست، خود روزه حقیقی را مشخص کرده و فرموده است که باید روزه به گونه‌ای انجام شود که علاوه بر تحمل تشنگی و گرسنگی، صفت تقوا و خود نگهداری از گناه نیز در ما پدید آید. از این رو بهترین عمل در ماه رمضان ترک گناه دانسته شده است.

۹- تبیین بخش «احکام روزه»

دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه با احکام اصلی روزه، آشنا شده‌اند؛ اما برای یادآوری، لازم است که بار دیگر این احکام مرور شود.

برخی باطل‌کننده‌های روزه، مانند استمنا در کتاب درسی ذکر شده است. این مطلب با توجه به عادت برخی دانش‌آموزان به این عمل حرام ذکر شده است؛ البته دبیران باید شرایط کلاس را در نظر بگیرند و در صورت نیاز، در این باره توضیح دهند.

برخی احکام ویژه دختران است که دبیران باید با مراجعه به یک رساله، آن احکام ضروری را به اطلاع دانش‌آموزان برسانند.

۱۰- انجام «فعالیت کلاسی»

این فعالیت، به این دلیل طراحی شده که ضرورت داشتن مرجع تقلید را به دانش‌آموزان آموزش دهد و آنها برای احکام ضروری خود به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنند. البته حکم مسائلی که در این فعالیت

آمده، میان فقها مشترک است و اختلافی نیست. اما بهتر است رساله‌ای به کلاس بیاوریم و پاسخ را از رساله استخراج کنیم یا از دانش‌آموزان بخواهیم که پاسخ این مسئله‌ها را در منزل از رساله به دست آورند و در جلسه بعد ارائه دهند.

- اگر روزه‌دار سهواً چیزی بخورد، روزه‌اش باطل نیست.
- اگر روزه‌دار چیزی را که لای دندان ماند است، عمداً بخورد، روزه‌اش باطل می‌شود.
- روزه‌دار نباید غبار غلیظ و دود سیگار و تنباکو و مانند آنها را به حلق خود برساند.
- استفراغ روزه را باطل نمی‌کند مگر اینکه استفراغ عمدی باشد، یعنی اینکه انسان خودش دست در حلق خود کند تا بالا بیاورد.

۱۱- اندیشه و تحقیق

در این قسمت چند سؤال درباره نماز طرح شده است تا دانش‌آموزان بدانند که نیازمند داشتن توضیح المسائل اند.

- ۱ در صورتی که قبل از رسیدن به آن مکان چیزی نخورده و نیاشامیده باشد.
- ۲ این مسافر نمی‌تواند در آن روز، روزه بگیرد و بعداً باید قضای آن روز را به جا آورد.
- ۳ روزه خود را باید ادامه دهد.
- ۴ اگر پیش از ظهر مسافرت کند و بخواهد به بیش از چهار فرسخ شرعی برود، وقتی به حد ترخص رسید (یعنی جایی که دیوار شهر دیده نمی‌شود و صدای اذان آن شنیده نمی‌شود) باید روزه خود را افطار کند.

توجه: تفاوت حد ترخص و مسافت شرعی

متأسفانه برخی دبیران حد ترخص را همان مسافت شرعی می‌دانند درحالی که مسافت شرعی هشت فرسخ است (هر چند به صورت رفت و برگشت باشد، یعنی ۴ فرسخ رفت و ۴ فرسخ برگشت)، اما حد ترخص مسافتی است که دیوارهای شهر از آن جا دیده نمی‌شود و صدای اذان شهر شنیده نمی‌شود (طبق تحقیقات انجام گرفته حد ترخص از آخر شهر حدود ۱۳۵۰ متر می‌باشد). کسی که می‌خواهد به مسافرت برود و مسافت وی حداقل ۸ فرسخ است (به صورت رفت و برگشت) وقتی قبل از ظهر حرکت کند و به حد ترخص برسد، می‌تواند روزه‌اش را افطار کند.

د) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

۱- برخی احکام مورد نیاز درباره روزه:

- بر کردن یا جرم‌گیری و کشیدن دندان در ماه رمضان، زمانی جایز است که مطمئن باشیم آبی که به وسیله

دستگاه وارد فضای دهان می‌شود یا خون، وارد حلق نمی‌شود.

■ فرو بردن خلط، اگر به فضای دهان نیامده باشد، اشکال ندارد.

■ تنفس بخار حمام در هنگام روزه، مانعی ندارد.

■ استفاده از عطر، شامپو و کرم در ماه رمضان، باطل‌کننده روزه نیست.

■ کسی که به حرمت استمنای آگاهی نداشته باشد و نمی‌داندسته این کار روزه را باطل می‌کند و بدون غسل، نماز

می‌خوانده و روزه می‌گرفته است، بنا بر فتوای امام خمینی و بعضی دیگر از مراجع مانند آیت‌الله سیستانی، اگر

واقعاً جاهل به حکم مسئله بوده و در تحقیق و سؤال کوتاهی نکرده باشد، روزه‌هایش قضا ندارد ولی نمازهایی را

که بدون غسل خوانده است، باید قضا کند؛ البته برخی دیگر از مراجع در خصوص چنین فردی این گونه حکم

داده‌اند که روزه این فرد باطل است و باید آن را قضا کند اما کفارہ ندارد (آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله مکارم

شیرازی)

هـ) منابع

۱ فلسفه روزه برای جوانان، اسدالله محمدی‌نیا، نشر سبیط اکبر (برای دانش‌آموز)

۲ اهمیت پزشکی روزه در سلامت انسان، حبیب‌الله جعفری، انتشارات امیرکبیر (برای معلم و

دانش‌آموز)

۳ اهمیت روزه از نظر علم روز، احمد صبور اردوبادی، انتشارات رسالت قلم (برای معلم و دانش‌آموز)

۴ روزه از دیدگاه قرآن و عترت، سیدجعفر میرعظیمی، نشر رسالتی (برای معلم)

۵ جشن میهمانی خدا، مهدی جعفری، مرکز ترجمه و نشر کتاب (برای معلم و دانش‌آموز)

۶ روزه درمان بیماری‌های جسم و روح، سیدحسین موسوی، دفتر تبلیغات اسلامی (برای معلم و

دانش‌آموز)

۷ ره‌توشه رمضان، رضا قربانیان، پیام عترت (برای معلم و دانش‌آموز)

۸ روزه و رمضان، محمدحسین فلاح‌زاده، سازمان تبلیغات اسلامی

الف) اهداف

هدف کلی: آشنایی با ارزشمندی دو میل درونی یعنی «آراستگی» و «مقبولیت» و لزوم همراهی این دو با عفاف

اهداف آموزشی:

- تبیین معنای آراستگی و توجه دادن دانش آموز به اهمیت آراستگی باطنی در کنار آراستگی ظاهری
- آشنایی با نظر پیشوایان دین درباره آراستگی و توصیه‌های آنان در این مورد
- آشنایی با تأثیر آراستگی و پاکیزگی بر زندگی فردی و اجتماعی
- تبیین معنای مقبولیت و چگونگی کسب آن از راه‌های صحیح
- شناخت رابطه آراستگی و عفاف
- شناخت رابطه مقبولیت و عفاف

ب) محورهای اصلی درس

- ۱ میل به آراستگی از امیال فطری انسان است و گرایش به آن نه تنها مذموم نیست؛ بلکه به جهت پاسخ به یکی از امیال طبیعی انسان، به آن تأکید شده است.
- ۲ اسلام نیز بر آراستگی ظاهر و باطن تأکید می‌کند و پیشوایان دین، انسان‌هایی آراسته از لحاظ ظاهر و باطن بوده‌اند.
- ۳ اسلام علاوه بر توصیه‌های همگانی و عمومی به حفظ آراستگی در مردان و زنان، توصیه‌های اختصاصی نیز درباره آراستگی زنان و آراستگی مردان دارد.
- ۴ نیاز به مقبولیت نیز از نیازهای فطری هر انسان به‌ویژه در دوره نوجوانی و جوانی است.
- ۵ عفاف صرفاً به حوزه پوشیدگی و حجاب بر نمی‌گردد؛ بلکه طبق تعریف دقیق، عفاف حالتی درونی است که انسان را از تندروری یا کندروی در پاسخگویی به امیال طبیعی بازمی‌دارد.
- ۶ بنابر تعریف عفاف، انسان باید در برآوردن امیال فطری خود همچون آراستگی و مقبولیت، از افراط و تفریط خودداری کند.
- ۷ از آنجا که زیبایی در زن عموماً بیشتر از مرد است، توجه به عفاف برای او ارزشمندتر و مقدس‌تر است.

ج) اجزای تدریس

این درس شامل اجزای زیر است:

۱- تبیین بخش «آراستگی، سیره پیشوایان دین»

در این قسمت، باید دانش آموز را با پنج نکته مهم درباره آراستگی آشنا کنیم:

۱ وقتی آراستگی را می‌ستاییم منظور ما فقط آراستگی ظاهری نیست؛ بلکه شایسته است انسان علاوه بر توجه به آراستگی ظاهر به آراستگی درون خود نیز توجه داشته باشد و همان‌طور که سعی می‌کند ظاهرش را از زشتی‌ها پاک کند، باید درونش را نیز از رذایل اخلاقی دور سازد و به زیبایی‌های اخلاقی آراسته شود.

۲ دانش آموز باید بداند که میل به آراستگی میلی فطری است که خداوند در درون انسان قرار داده است و پاسخ صحیح به آن نه تنها بد نیست؛ بلکه مورد تأکید است. آنچه مهم است این است که به این امیال به طرز صحیح و به دور از افراط و تفریط پاسخ داده شود که در قسمت «ارتباط عفاف؛ آراستگی و مقبولیت» به این بحث پرداخته خواهد شد. بنابراین کسی که به آراستگی خود توجه دارد، به ندای فطرت خود پاسخ داده است و این امری پسندیده است. توجه به این نکته از آن جهت است که برخی از جوانان و جوانان گمان می‌کنند که توجه به آراستگی ظاهر کاری نادرست و مذموم است. البته در قسمت ارتباط عفاف با آراستگی این نکته بیان می‌شود

۳ توجه به آراستگی یکی از موضوعاتی است که پیشوایان دین بر آن تأکید کرده‌اند و بزرگان دین ما خود در زمره آراسته‌ترین افراد جامعه خویش بوده‌اند. بیان سیره معصومان علیهم‌السلام در این باره سبب می‌شود که دانش‌آموزان دریافت درست و شفافی از دیدگاه اسلام به دست آورند.

اگر دانش‌آموزان احساس کنند که اسلام به آراستگی توجه کرده و به این گرایش طبیعی پاسخ مثبت داده است، علاقه‌مندی آنها به اسلام افزایش می‌یابد و پذیرش احکام دین در حوزه آراستگی برای آنها آسان‌تر می‌شود.

شایسته است دبیر محترم علاوه بر موارد ذکر شده در کتاب، موارد دیگری از سیره معصومان علیهم‌السلام را برای دانش‌آموزان بیان کند تا اطلاعات آنها افزایش یابد.

۴ نکته دیگر، آراستگی در عبادت است که می‌تواند در نوع نگاه دانش‌آموزان نسبت به عبادت هم مؤثر باشد. عبادت که به ظاهر، ربطی با آراستگی ندارد و یک عمل معنوی است، در اسلام با آراستگی، کاملاً گره خورده است؛ زیرا میان ظاهر و باطن انسان رابطه است. کسی که با ظاهری ژولیده به نماز می‌ایستد، از بی‌توجهی خود نسبت به خدا یا روح درهم‌ریخته خود خیر می‌دهد. دانش‌آموز درمی‌یابد دینی که به آراستگی هنگام عبادت، اهمیت می‌دهد یک دین واقع‌گرا و متعادل است. او اندک‌اندک باید متوجه شود که میان آراستگی و بی‌بندوباری تفاوت وجود دارد. بی‌بندوباری در هر جا و هر مورد از نظر خداوند پسندیده

نیست؛ به‌ویژه در عبادت. مثلاً اگر کسی چون عبادت خوب است، هر جا که رسید، روی هر زمینی هر چند نجس یا غصبی، می‌تواند نماز بخواند نمازش مورد قبول خدا نیست. و این، بی‌بندوباری در عبادت است. بی‌بندوباری در آراستگی نیز پسندیده نیست. آراستگی در منزل با آراستگی در خیابان متفاوت است و انسان بی‌بندوبار کسی است که میان این دو تفاوت قائل نمی‌شود.

۵ وقتی از توجه به آراستگی در دین اسلام سخن می‌گوییم، بسیاری از دختران احساس می‌کنند که با توجه به تأکید اسلام بر پوشیدگی زنان، این سفارش‌ها صرفاً دربارهٔ مردان است و به زنان در خصوص بحث آراستگی توجهی نشده است. به همین دلیل در بخش پایانی موضوع آراستگی سعی شده با ذکر نمونه‌ای بر این نکته تأکید شود که در اسلام به آراسته بودن زنان نیز با رعایت حدود شرعی توجه شده است. بلند گذاشتن ناخن برای زن یکی از این نمونه‌هاست. علاوه بر این می‌توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت علی علیه السلام همسر و دخترانش را با طلا و نقره آراسته می‌کرد (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۰۳۹، کافی، ج ۶، ص ۴۷۵)

از امام باقر علیه السلام در مورد طلا برای زنان سؤال شد. ایشان فرمودند: استفاده از آن هیچ اشکالی ندارد. سزاوار نیست زن از زیورات استفاده نکند ولو به آویختن گردن‌بندی به گردنش باشد. (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۷)

دینی که طلا را برای مردان حرام می‌داند، آن را برای زنان سفارش می‌کند و پیامبری که مردان را به کوتاه کردن ناخن سفارش می‌کند، زنان را به بلند گذاشتن مقداری از ناخن توصیه می‌کند. این موارد نشان می‌دهد که توصیه به آراستگی صرفاً دربارهٔ مردان نیست.

۲- تبیین بحث «مقبولیت»

یکی دیگر از امیال درونی انسان، نیاز به توجه و تحسین دیگران یا همان مقبول واقع شدن است. در این قسمت نیز باید این نکته را تذکر دهیم که علاقهٔ انسان به مقبول واقع شدن امر مذمومی نیست؛ زیرا این میل نیز از امیالی است که از سوی خداوند در بشر نهاده شده است. آنچه مهم است این است که به این امیال از طریق صحیح پاسخ داده شود. هر کس برای رسیدن به این هدف، راهی را در پیش می‌گیرد. کسانی که روحیه‌ای قوی و باطنی متعادل دارند، با شکوفا ساختن استعدادهای درونی خود، تحسین دیگران را برمی‌انگیزاند؛ اما انسان‌های حقیر با به کارگیری روش‌های ناپسند، دست به این کار می‌زنند و در نهایت، عده‌ای وضع ظاهری خود را وسیلهٔ جلب توجه دیگران قرار می‌دهند. البته در بسیاری از موارد هم این کار به‌طور ناخودآگاه انجام می‌گیرد و اگر در این باره از این افراد سؤال شود، برای کار خود دلایل دیگری می‌آورند.

۳- تبیین بحث «عفاف»

در این بخش معنای عفاف که یکی دیگر از امور فطری است، بررسی شده است. عفاف حالتی است که

انسان را از افراط و تفریط در پاسخ‌گویی به امیال خویش باز می‌دارد و انسان را دعوت به اعتدال می‌کند. بنابراین تعریف معنای عفاف بر خلاف تصور امروزی محدود در موضوع شهوت نمی‌شود. بلکه عفاف در کنار هر یک از امیال انسانی معنا می‌یابد. یعنی به‌گونه‌ای باشیم که نه در پاسخ‌گویی به امیال طبیعی خویش دچار سستی و خمودی باشیم و به تعبیری به تفریط گرفتار آییم و نه دچار زیاده‌روی و هواپرستی شویم. به تعبیر شهید مطهری اسلام نه مانند برخی مکاتب غربی است که قائل به آزادی کامل امیال انسان باشد و نه چون برخی مکاتب شرق می‌اندیشد که بگوید باید ریشه امیال را در درون انسان خشکاند. مطهری این امیال را چون رودخانه‌ای خروشان می‌داند که رها ساختن بی‌حد و مرز آن سبب طغیان رودخانه و در نتیجه خسارت و آسیب می‌شود و خشکاندن آن نیز باعث محروم شدن انسان از ثمرات آن می‌گردد. وی دیدگاه اسلام را حد وسط این دو دیدگاه می‌داند. دیدگاهی که معتقد است به جای خشکاندن یا رها کردن رودخانه باید روی آن سدی زد تا مهار رودخانه به دست خودمان باشد و هر جا لازم بود آب را رها کنیم و هر جا لازم بود جلوی آن را بگیریم.

بنابراین، عفاف همان سدی است که باید در برابر امیال ساخت تا هم جلوی طغیان آن را بگیریم و هم از خشکاندن ریشه‌های آن دوری کنیم.

۴- تبیین بخش «ارتباط عفاف با آراستگی و مقبولیت»

پس از تبیین معنای عفت، به بیان ارتباط آن با دو میل درونی انسان، یعنی آراستگی و مقبولیت می‌پردازیم. همان‌طور که گفته شد عفاف یعنی حد وسط در برآوردن امیال. خداوند خالق ماست و تمامی امیال را او خلق کرده است. از همین رو خداوندی که خالق میل ما به آراستگی است، خود فرمان داده است که در برابر این میل عفاف داشته باشیم، یعنی حد وسط را نگه دارید. به تعبیر دیگر نه شلخته و ژولیده باشید و نه به حد خودنمایی برسید.

همان‌خدایی که میل به مقبولیت را در ما نهاده است، خود فرمان داده است که حد وسط را نگه داریم. یعنی نه از همسالان و جامعه‌ها خود گریزان باشیم و نه این که برای کسب مقبولیت در میان آنان از هر وسیله‌ای استفاده کنیم؛ بلکه رو به سوی کشف استعدادها و توانایی‌های خود بیاوریم و با رشد آنها زمینه مقبولیت خویش را فراهم کنیم.

تذکر: توجه دادن دانش‌آموزان به دو حدیثی که در این بخش آمده است، اهمیت بسیاری دارد. آنان باید بدانند که خودنمایی و تبرج، گناه و معصیت بزرگی است و طغیان از فرمان الهی حساب می‌شود. آنچه بر میزان قبح این گناه می‌افزاید، این است که این افراد موجبات معصیت دیگران را نیز فراهم می‌کنند و گناه موجب انحراف دیگران می‌شوند. برخی گناهان جنبه شخصی دارند و فقط به خود انسان لطمه می‌زنند؛ اما برخی گناهان علاوه بر لطمه به خود باعث انحراف دیگران نیز می‌شوند و برای همین نزد خدا از زشتی بیشتری برخوردار است و تبرج از آن جمله است.

۵- تبیین بخش «زن، مظهر عفاف»

اگرچه زن و مرد هر دو باید عقیف باشند، اما وجود این صفت ارزشمند در زنان ارزش بیشتری دارد. شاید دانش‌آموزان سؤال کنند: چرا؟ علت اصلی مربوط به روان‌شناسی زن و مرد و وضع جسمانی هر کدام از آنهاست.

خداوند زن را مظهر جمال خود آفریده است. زن و مرد هر دو این احساس را دارند که زن مظهر زیبایی است، به همین جهت هم به زیورآلات و پوشش‌های زیبا علاقه دارد. از طرف دیگر، خداوند، مرد را به گونه‌ای آفریده که تمایلش به زن را در رفتار نشان می‌دهد و به سوی او می‌رود. یعنی جاذبه، غالباً از ناحیه زن است و جذب شدن از ناحیه مرد. این حالت، سبب می‌شود که بنیان خانواده، تحکیم یابد و کشش و پیوند میان زن و شوهر برقرار شود. اگر این جاذبه نباشد، محیط خانواده، بیشتر شبیه یک محیط اداری می‌شود که افراد، صرفاً برای انجام وظیفه گرد هم جمع شده‌اند.

این ویژگی‌های متفاوت که در تمام رفتارهای زن و مرد خود را نشان می‌دهد، زن باید حرمت و حریم از جنبه‌های گوناگون، مانند نحوه سخن گفتن با مرد، راه رفتن از روی حیا و پوشش مناسب حفظ کند و مرد از جنبه‌های دیگری، مانند مهار نگاه و عدم اختلاط با زنان، باید خود را حفظ و تقوای خود را تقویت کند.

رعایت این امور برای آن است که از یک طرف جامعه به محیطی تبدیل نشود که افراد فاسد به حرمت زنان تعرض کنند و از طرف دیگر، جاذبه زن و مرد در خانواده به قدری باشد که کمتر سبب جدایی گردد. میزان طلاق‌های رسمی، جدا شدن‌های عاطفی و بالا رفتن سن ازدواج، ارتباط مستقیمی با میزان رعایت عفاف و حجاب توسط زنان و مردان دارد.

۶- انجام فعالیت «بررسی»

این فعالیت، برای ارزیابی میزان انطباق پوشش افراد با احکام اسلامی است. در این فعالیت، دانش‌آموزان به نقد و بررسی این موضوع می‌پردازند و هر کس خود را نیز به‌طور غیرمستقیم ارزیابی می‌کند و با نقاط قوت و ضعف خود در این زمینه آشنا می‌شود.

۷- اندیشه و تحقیق

۱ در سؤال اول، تفاوت‌های آراستگی و خودنمایی بررسی می‌شود. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های این دو کوچکی نفس در خودنمایی و سلامت نفس در آراستگی است. توضیح بیشتر اینکه، فردی که رو به خودنمایی می‌آورد، ضعف روح و نداشتن عزت نفس خود را نشان می‌دهد زیرا این رفتار او نشان‌دهنده این است که وی در درون خود تهی است و از ظرفیت‌های درونی‌اش غافل است و برای دیده شدن رو به خودنمایی می‌آورد؛ اما در آراستگی فرد به دنبال خودنمایی نیست زیرا در درون خود استعدادها و

ارزش‌های والایی را دارد، که ارزش خود را به آنها می‌داند و حاضر نیست به خاطر امور سطحی و ظاهری مورد توجه قرار گیرد.

۲ دانش‌آموزان براساس آموخته‌های خود توضیح می‌دهند که چون زن بیش از مرد به نعمت زیبایی آراسته است و این زیبایی هم درونی و هم ظاهری است (درونی همچون احساسات و عواطف زیبای زنانه و بیرونی چون زیبایی ظاهر)، برای حفظ این نعمت و دور ماندن آن از نگاه نااهلان، شایسته است زنان توجه ویژه‌ای به عفاف داشته باشند تا این نعمت اختصاصی آنان مورد دستبرد هوسرانان قرار نگیرد.

۸- پیشنهاد

پیشنهاد اول، برای توجه دادن دانش‌آموزان به الگوهای صحیح و نقد الگوهای منفی است.
پیشنهاد دوم، برای تأمل با خویش و نقد و ارزیابی خود و محاسبه نفس است.

د) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

۱ موضوع عفاف و آراستگی، یکی از موضوعات بسیار مهم و حساسی است که نه تنها برای نوجوانان و جوانان امروز، بلکه برای قشر وسیعی از بزرگسالان مطرح است و باید از زوایای گوناگون، آن را بررسی کرد. جوانان و نوجوانان با ورود به دوره بلوغ، به جسم و زیبایی خود توجه خاصی می‌کنند. در این میان، آراسته بودن و نظافت ظاهری مورد تأیید اسلام است؛ اما از سوی دیگر، فرهنگ جدید جهانی براساس زیربنای انسان‌شناسانه خود که به جنبه ظاهری و جسمانی وجود انسان توجه دارد و هویت انسان را در همین حقیقت ظاهری می‌بیند، شرایطی را ایجاد کرده است که قید و بندهای مربوط به عفاف گسیخته شود؛ الگوهای بی‌شماری برای رسیدگی به وضع ظاهری ارائه گردد و هر روز مُد جدیدی روانه بازار شود؛ به طوری که افراد هنوز از یک الگو و مُد فارغ نشده‌اند که شیوه و مُد جدیدی به بازار می‌آید. برای تعمیم و گسترش این فرهنگ که در حقیقت فرهنگ برهنگی است، از شخصیت‌های مرجع جوانان و نوجوانان مانند ورزش‌کاران و هنرمندان به‌عنوان الگو بسیار استفاده می‌شود. برخی بازیکنان مشهور فوتبال طبق قراردادهایی که با شرکت‌های تبلیغاتی و تجاری دارند، موظف‌اند که آرایش موی سر و صورت خود را برای مدتی معین - مثلاً یک یا دو سال - در حالت خاصی نگه دارند تا بازار فروش کالاهای آن شرکت‌ها را گرم کنند!

۲ توجه داشته باشیم که زیربنا و باطن حجاب، عفاف است که امری فطری تلقی می‌شود و همه انسان‌ها به محض درک انسانیت خود به عفاف خود نیز، توجه می‌کنند. در داستان خلقت انسان و زندگی حضرت آدم و حوا در بهشت اولیه که بهشت قبل از تشریح بود، وقتی آن‌دو، میوه ممنوعه را می‌خورند و برای ورود به زندگی دنیایی آماده می‌شوند، به اولین چیزی که توجه می‌کنند، عفت است. آیه زیر بیان همین واقعیت است:

«فَدَلَاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ»^۱.

بنابراین، باید بتوانیم روحیه عفاف را زنده نگه داریم و پرورش دهیم.

۳ یکی از مظاهر عفاف، آراستگی همراه با پوشش مناسب است. عفاف، جلوه‌های دیگری نیز در رفتار مسلمانان دارد که باید بر آنها تأکید کرد؛ از جمله، اجتناب از نگاه کردن به نامحرم، رعایت حد و حدود صحبت کردن در محیط کار و کوچه و خیابان، منع دیگران از بی‌بندوباری در روابط اجتماعی و اموری از این قبیل.

۴ یکی از مسائلی که امروزه برای دانش‌آموزان مطرح است، مقایسه جامعه خود با جوامع غربی است. آنها می‌گویند: «چرا با اینکه حجاب و پوشش در غرب وجود ندارد، مشکلات و نابسامانی‌های ناشی از نبود حجاب در جوامع غربی مشاهده نمی‌شود؛ اما در جامعه ما که پوشش و حجاب هست، برخی بی‌بندوباری‌ها در میان جوانان دیده می‌شود که قبلاً نبوده است»؛ در اینجا باید به چند نکته توجه کرد:

الف) در پاسخ به این سؤال، باید از موضع‌گیری یک‌جانبه مثبت یا منفی دوری گزید و به جای دادن پاسخ فوری و یک‌جانبه، گام به گام و به تدریج، سؤال را تحلیل نمود و به کمک خود دانش‌آموزان، پاسخ را نتیجه‌گیری کرد. همچنین باید از دادن آمارهای اغراق‌آمیز و سیاه‌نمایی طرف مقابل پرهیز شود.

ب) توجه کنیم که در جامعه فعلی ما، کسانی بی‌بندوبارند که عفاف و پوشش اسلامی را نادیده می‌گیرند و به قانون دین توجهی نمی‌کنند. در واقع، کسانی که از نظر اعتقادات دینی ضعیف‌ترند، بیشتر به مظاهر مختلف فساد رو می‌آورند؛ بنابراین، در همین جامعه ما، گرفتار شدن برخی جوانان و بزرگسالان در دام بی‌بندوباری، ناشی از عدم توجه آنها به عفاف و حیاست. عواملی چون بیکاری برخی جوانان، فاصله طبقاتی میان برخی اقشار، ضعف در کار فرهنگی و تبلیغی، اتخاذ روش‌های نامناسب تربیتی در خانواده و هجوم تبلیغات منحرف‌کننده بیگانگان و دشمنان، نقش زیادی در بی‌توجهی جوانان به عفاف و حیا دارند.

ج) متفکران بزرگ غرب و دلسوزان جوامع غربی معتقدند که این جوامع از جهت رفاه مادی و پیشرفت صنعتی به درجات بسیار بالایی رسیده‌اند؛ اما یک خطر همواره آنها را تهدید می‌کند و مشکلات بی‌شماری را برایشان به ارمغان آورده است و آن، فساد اخلاقی است. از آنجا که قدرت مادی کشورهای صنعتی زیاد است، آثار و تبلیغات این فساد اخلاقی حتی دامن‌گیر کشورهای جهان سوم هم می‌شود؛ نمونه‌های این امر، تجارت مواد مخدر، تجارت دختران و کودکان از جهان سوم به کشورهای غربی، ورود الگوهای مختلف بی‌بندوباری جنسی، قرص‌های روان‌گردان، گروه‌های فساد، فیلم‌های ضد اخلاقی و مانند آن از غرب به جهان سوم است.

د) نکته بسیار حائز اهمیت این است که معمولاً نگاه یک مسلمان به زندگی و هدف زندگی، با نگاه یک انسان غربی متفاوت است. از منظر انسانی که هدفش در زندگی رسیدن به رفاه مادی است، بسیاری از رابطه‌ها و مراودات، مجاز و حتی خوب شمرده می‌شوند؛ در حالی که همین روابط از منظر انسانی که هدفی جز رستگاری اخروی ندارد، غیر مجاز و گناه است؛ به همین دلیل در غرب روابط نامشروع وجود دارد؛ اما

جُرم تلقی نمی‌شود و لذا، وجود فرزندان که از راه غیر مشروع به وجود آمده‌اند، برای مردم آن‌گونه جوامع قُبُحی ندارد. در واقع، آنان صورت مسئله را پاک کرده‌اند. البته مورد یاد شده، باعث شده است که در آن جوامع، خانواده مفهوم خود را از دست بدهد و با سست شدن این کانون، گرفتاری و ناهنجاری‌های بزرگی ظهور کند. اکنون اغلب مردم در جوامع غربی نگران این‌گونه ناهنجاری‌ها و گرفتاری‌ها هستند.

ه) روشن است که اگر خواهش‌های جسمانی که یکی از مهم‌ترین آنها خواهش‌های جنسی است، تعدیل نشود و در چارچوبی قرار نگیرد، فرصت پرداختن به جنبه‌های معنوی از میان می‌رود؛ در نتیجه، قوای فکری، تخیلی، عقلی و احساسی آدمی متوجه آن خواهش‌ها خواهد شد و از حرکت برای تعالی روحی باز خواهد ایستاد. در چنین شرایطی، حتی اگر انسان بسیار عاقلانه هم حرکت کند، صرفاً به حیوانی پیشرفته، توسعه‌یافته و مبادی آداب تبدیل خواهد شد.

۵ سخنانی از پیشوایان دین درباره آراستگی و عفاف توجه به آراستگی

قرآن کریم: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ»؛ ای فرزندان آدم، زینت خود را در هر نماز با خود بردارید.

رسول خدا ﷺ: مَنْ اتَّخَذَ ثَوْبًا فَلْيَنْظِفْهُ.^۱

امام علی علیه السلام: آراسته کردن خود، از اخلاق مؤمنان است.^۲

امام علی علیه السلام: همچنان که دوست دارید افراد بیگانه و غریبه شما را در بهترین شکل ببینند و خود را برای آنها می‌آرایید، وقتی نزد برادر مسلمان خود نیز می‌روید، به همان صورت، خوشتن را بیارید.^۳

امام صادق علیه السلام: الْبَسْ وَ تَجَمَّلْ، فَإِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ، يُحِبُّ الْجَمَالَ، وَلِيَكُنْ مِنْ حَلَالٍ.^۴

امام صادق علیه السلام: پیامبر اکرم ﷺ برای بوی خوش، بیش از غذای خود هزینه می‌کرد.^۵

امام رضا علیه السلام: سزاوار نیست که مرد استفاده هر روزه از بوی خوش را ترک کند؛ اگر نتوانست یک روز در میان و باز اگر نتوانست، هر جمعه خود را خوش بو کند و هیچ‌گاه این کار را رها نکند.^۶

امام صادق علیه السلام: دو رکعت نماز که با بوی خوش گزارده شود، بهتر از هفتاد رکعت نماز است که بدون بوی خوش به جا آرند.^۷

رابطه آراستگی باطن و ظاهر

۱- سورة اعراف، آیه ۳۱.

۲- اصول کافی، ج ۶، ص ۲۴۴.

۳- غررالحکم و دررالکلم، حدیث ۱۱۷۵.

۴- خصال، شیخ صدوق، ص ۶۱۲.

۵- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۰.

۶- مکارم الاخلاق، ص ۱۰۴.

۷- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۴۰.

۸- ثواب الاعمال، ص ۳۶۲.

امام حسن عسکری علیه السلام: حُسْنُ الصَّوْرَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ وَ حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ؛ خوب بودن چهره و صورت، زیبایی ظاهری و خوب بودن عقل، زیبایی باطنی است.^۱
امام علی علیه السلام: آراستگی باطن، زیباتر است از آراستگی ظاهر.^۲
۷ سخنانی از بزرگان

استاد شهید مطهری: گرایش انسان به زیبایی و جمال، یکی از خواسته‌های فطری انسان است و احساس لذت از زیبایی‌ها و تناسب‌ها و پاکیزگی‌ها، با سرشت انسان آمیخته شده است.^۳
استاد محمدتقی جعفری: انسان، به ارتباط با زیبایی محتاج است. بدون زیبایی، روح در تاریکی و خشونت ماده خسته می‌شود.^۴

سعیدی: بزرگی را در محفلی همی ستودند و در اوصاف جمیلش مبالغه می‌نمودند؛ سر از جیب تفکر برآورد و گفت: من آنم که دانم.

شخصم به چشم عالمیان، خوب منظر است
وز خُبث باطنم، سرخجالت فتاده پیش

به نقش و نگاری که هست، خلق
تحسین کنند و او خجل از پای زشت خویش

متن زیر از جواد محدثی، برای خواندن در کلاس مناسب است:

«چشم» دریچه‌ای به دنیای قلب است.

«دیدن» و «نظر»، خواستن دل را در پی دارد.

«هر آنچه دیده بیند، دل کند یاد».^۵

با این حساب، باید به آنچه در «چشم انداز» ما قرار می‌گیرد، حساس باشیم. دیدنی‌ها – چه خوب و چه بد – گرایش ما را به سوی خود «جذب» می‌کند و ما اغلب مجذوب چیزی می‌شویم که می‌بینیم.

اگر به افق دوردست بنگریم، «وسعت دید» پیدا می‌کنیم و اگر فقط به جلوی پای خود نگاه کنیم، «نقد اندیش»، «حاضرگرا» و «تنگ نظر» می‌شویم. چرا «نگاه حرام» آن همه نکوهش شده است؟ چون دل را هم به دنبال حرام می‌کشد.

نگاه به چهره عالم، نگاه به در خانه عالم، نگاه به آیات قرآن، عبادت است؛ چون این نگاه، جلوه‌هایی از معنویت، پاکی و حق را به درون انسان منتقل می‌کند.

عارفان، مراقب چشم و نگاه خویش‌اند؛ به حرام نمی‌نگرند، تا تیرگی و سیاهی از روزنه «نگاه پاک» به «خانه دل» نفوذ نکند. وقتی دل از راه چشم تغذیه می‌شود، چرا «غذای حرام» به آن بدهیم؟

۱- اصول کافی، ج ۶، ص ۴۳۸.

۲- غررالحکم و دررالکلم، حدیث ۵۵۰۳.

۳- فطرت، ص ۸۰.

۴- زیبایی هنر از دیدگاه اسلام، استاد محمدتقی جعفری.

۵- بابا طاهر.

الف) اهداف

۱- هدف کلی: آشنایی با رابطهٔ حجاب و عفاف و مسائل پیرامون حجاب برای گرایش و توجه بیشتر به حجاب اسلامی

۲- اهداف آموزشی:

- تبیین ضرورت حجاب و پوشش بر مبنای آیات قرآنی و تعیین حدود آن
- بیان رابطهٔ میان حد پوشش و نوع لباس در فرهنگ اسلامی
- تبیین ارتباط حجاب با مسئلهٔ آزادی زنان و حضور آنان در اجتماع
- آگاهی یافتن از مشترک بودن قانون حجاب میان همه ادیان.

ب) محورهای اصلی درس

- ۱ در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام، حدود و پوشش زنان به طور دقیق معین شده است.
- ۲ اسلام، حد و شرایط پوشش را معین کرده و شکل و نحوهٔ لباس را به سنت‌ها و فرهنگ‌های محلی مردم وا گذاشته است.
- ۳ پوشش اسلامی زنان نه تنها مانع آزادی زنان جامعه نمی‌شود؛ بلکه حضور راحت‌تر و توأم با عفت آنها را ممکن می‌سازد.
- ۴ پوشش و حجاب، خاص دین اسلام نیست و در همهٔ ادیان الهی و حتی ادیان دیگر مطرح بوده است. البته حدود آن در ادیان دیگر با ادیان الهی متفاوت است.

ج) اجزای تدریس

این درس شامل اجزای زیر است:

- ۱- آیا در قرآن کریم دربارهٔ عفاف و پوشیدگی، دستور خاصی وجود دارد؟
برای دانش‌آموزان بسیار اهمیت دارد که بدانند حکم پوشش، صرفاً یک استنباط فقهی و برداشت فقها نیست که بتوان در درستی آن تردید کرد. آنها باید بدانند که در آیات قرآن و پس از آن در روایات، حکم پوشش به طور صریح و روشن آمده است.

معلم، با کمک آیات و روایات به این سؤال پاسخ می‌دهد و مطلب را برای دانش‌آموزان روشن می‌کند. آنگاه دو وظیفه اصلی در پوشش را به صورتی بسیار جدی در کلاس بیان می‌کند. به‌ویژه باید حد پوشش دختران را هم در کلاس خودشان و در کلاس پسران توضیح داد و عواقب وخیم دنیایی و اخروی تخلف از آن را با زبانی صمیمی مطرح کرد.

تذکره ۱: معلم، هر بندی را که توضیح می‌دهد، آیه مربوط به آن را نیز که در باورقی بیان شده است، قرائت کند.

تذکره ۲: اینکه قرآن کریم می‌فرماید پوشش خود را به خود نزدیک کنید، علامت روشنی است بر اینکه زنان جامعه اسلامی عصر پیامبر حجاب داشته‌اند؛ اما رعایت حدود آن را نمی‌کرده‌اند. لذا خداوند دستور می‌دهد که آن حدود را رعایت کنند و گردن و گریبان خود را بپوشانند.

تذکره ۳: تنها منبع احکام اسلامی، از جمله حجاب، قرآن کریم نیست. جزئیات احکام در احادیث و سیره پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم‌السلام آمده است. تذکر این مطلب به دانش‌آموزان ضروری است، مثلاً جزئیات حکم نماز که از روشن‌ترین حکم‌های قرآن است، در روایات و سیره آمده است و هر کس که بخواهد نماز بخواند، ناچار است که جزئیات آن را از روایات به دست آورد. کسی نمی‌تواند بگوید من برای انجام نماز نظر فقیهان را که از روایات به دست آمده، قبول دارم؛ ولی نظر آنان را درباره حجاب قبول ندارم.

۲- آیا اسلام شکل پوشش را معین کرده است؟

طرح این سؤال برای رفع ابهاماتی است که در ذهن دانش‌آموزان وجود دارد. برخی از آنان گمان می‌کنند که نحوه پوشش فعلی ایرانیان، همان لباسی است که دین تعیین کرده است. همچنین دلیل برتری و مزایای پوشش‌هایی شبیه چادر را نمی‌دانند و فکر می‌کنند که دین آن را بر آنها تحمیل کرده است. ما باید به آنان بیاموزیم که:

اولاً، پوشش اسلامی، در مرتبه اول حافظ عفاف، پاکدامنی و عزت نفس خانم‌ها است. این حقیقت را می‌توانند به تجربه، در پیرامون خود ببینند. به میزانی که پوشیدگی دختران ضعیف‌تر باشد، تعرض افراد فاسد به آنان بیشتر است. این حقیقت هم اختصاص به ایران ندارد.

ثانیاً، این عمل دینی، مانند سایر اعمال، درجات دارد. مثلاً، نماز جماعت از نماز فرادی بهتر است. نماز با حضور قلب بر نماز بدون حضور قلب افضل است. نمازی که مناجات‌ها و دعاهای بیشتری در آن خوانده شود و با تأنی و تأمل بیشتر باشد، از نمازی که سریع خوانده شود، تأثیر بیشتری دارد. حجاب نیز هر چه کامل‌تر باشد، یعنی عفاف را بیشتر نشان دهد و ظواهر بدن را بهتر بپوشاند، به کمال زن بیشتر کمک می‌کند. چادر، از این جهت برتر از لباس‌های دیگر است. علاوه بر این، چادر سنگینی و وقاری به زن در راه رفتن می‌دهد که لباس‌های دیگر نمی‌دهد. وقتی که یک زن چادری از کوچه‌ای می‌گذرد، فضای آن کوچه را عقیفانه می‌کند.

ثالثاً، همان‌طور که ممکن است یک نمازخوان، خواندن نماز و رفتن به مسجد را از روی ریاکاری انجام دهد، وجود برخی زنان چادری که عفاف محکمی ندارند، نمی‌تواند دلیلی بر غیر مؤثر بودن چادر باشد؛ بلکه باید به صورت مجموعی و آماری نگاه کرد و دید که آیا در یک شهر و در میان خویشان، زنان چادری به عفاف نزدیک‌ترند یا زنان دیگر.

رابعاً، حجاب مساوی با چادر نیست. زنانی که حدود حجاب را که در درس آمده است، رعایت کنند، گرچه چادر نداشته باشند، زندگی عقیفانه دارند.

خامساً، پوشش در کشورهای اسلامی متفاوت است. اما همان پوشش‌ها وقتی پوشش اسلامی محسوب می‌شوند که حدود حجاب یعنی همان دو شرط ذکر شده در کتاب، در آن رعایت شده باشد.

۳- آیا حجاب زنان موجب سلب آزادی و کاهش حضور آنان در جامعه می‌شود؟

از شبهاتی که بسیار روی آن تبلیغ می‌شود، موضوع خانه‌نشین شدن زن با قانون حجاب و کم شدن آزادی زن به وسیله حجاب است. ما باید نشان دهیم که اولاً کسانی که این شبهه را طرح می‌کنند، اصلاً معنای حجاب و فلسفه وضع آن از سوی خدا را نفهمیده‌اند؛ زیرا حجاب که معنای آن پوشاندن همه نقاط بدن به جز گردی صورت و دست‌هاست، اساساً برای زمانی وضع شده که زن می‌خواهد در جامعه حضور یابد. یعنی خداوند با این حکم جواز حضور زن در اجتماع را صادر کرده است و تنها برای امنیت بیشتر زن و حفظ جایگاه و ارزش او حدودی را تعیین نموده است. اگر قرار بود زن خانه‌نشین شود که دیگر نیازی به قانون حجاب نبود. ثانیاً نه‌تنها رابطه‌ای میان حجاب و سلب آزادی زن در جامعه نیست، بلکه با افزایش حجاب، امکان حضور زن بیشتر می‌شود، زیرا زن در جامعه احساس امنیت می‌کند.

البته اصل حضور زن در جامعه، با حضور مرد متفاوت است. حضور مرد در جامعه برای کسب درآمد، یک حضور اجباری است. زیرا هزینه خانواده بر عهده مرد است. اما حضور زن، اختیاری است و باید به گونه‌ای باشد که به بنیان خانواده و وظایف مادری و امنیت اخلاقی خودش آسیب وارد نکند.

۴- آیا حجاب اختصاص به مسلمانان دارد؟

مسئله حجاب در ادیان دیگر، از پرسش‌های دانش‌آموزان است. آنان می‌بینند که مسیحیان و یهودیان و زرتشتیان حجاب را رعایت نمی‌کنند و چنین می‌پندارند که در اصل دین آنها، حجاب واجب نبوده است؛ بنابراین، لازم است به آنان نشان دهیم که ادیان الهی، حقیقت واحدی هستند و احکام اسلام کامل‌ترین احکام است. علاوه بر اینکه کتاب آسمانی آنان باقی نمانده است و نمی‌توان عمل مسیحیان یا یهودیان را به دین مسیح و موسی نسبت داد.

تذکر: برخی از روشنفکران امروزی دائماً سخن از ایران باستان به زبان می‌آورند و در مدح فرهنگ ایران باستان سخنان فراوانی می‌گویند و گاه مقصودشان از این سخنان تضعیف اسلام و فرهنگ منبعث از آن است. متأسفانه این افکار در میان برخی دانش‌آموزان نیز رواج دارد و آنان با تکیه بر فرهنگ ایران باستان،

قوانین اسلام را زیر سؤال می‌برند. در این درس برای آنکه به این قبیل دانش‌آموزان تلنگری زده شود، سخن از چگونگی پوشش ایرانیان باستان به میان آمده است و این نکته از کتاب تاریخ تمدن ویل دورانت ذکر شده است که به عقیده برخی مورخان، ایران باستان منشأ گسترش حجاب در جهان بوده است. این سخن نشان از اهتمام ویژه ایرانیان به موضوع حجاب دارد و اگر این افراد واقعاً خود را پایبند به گذشته خود می‌دانند، باید در این حکم نیز از آنان پیروی کنند.

۵- تبیین بخش «چه لذتی دارد»

در پایان این درس، متنی ادبی آمده است که در عین زیبایی به دنبال بیان نکته‌های مهمی درباره رعایت عفاف است.

این متن در صدد تبیین این نکته است که هرکس با پوشش نامناسب به بیرون می‌رود، هنری نکرده است بلکه صرفاً ده‌ها دل آلوده را به دنبال خود کشانده است؛ گناه تضعیف عشق میان همسران را بر کوله بار گناهان خود اضافه کرده است؛ سنگ راهی شده است برای حرکت انسان‌ها در مسیر خدا؛ ابزار شیطان شده است برای فریب دیگران و در نهایت این که خود و هدف آفرینش خود را فراموش کرده و یادش رفته است که خدا او را برای بندگی خلق کرده است؛ فراموش کرده که معادی در کار است و باید علاوه بر گناهان خود، پاسخگوی گناهان کسانی باشد که به وسیله او به گناه افتاده‌اند.

۶- اندیشه و تحقیق

۱ پیشنهادهای دانش‌آموزان درباره حضور عزتمند و همراه با عفاف مردان و زنان، طرح می‌شود. از آنجا که پاسخ این سؤال در منزل تهیه می‌شود، بهتر است از دیگران کمک بگیرند یا به کتاب‌ها و نشریات و سایر رسانه‌ها مراجعه کنند تا به پاسخ دقیق‌تر و علمی‌تر برسند.

۲ از دانش‌آموزان خواسته شده که به نقد و ارزیابی جوامع مسیحی، به‌ویژه جوامع غربی بپردازند تا دریابند که چه عواملی سبب دوری آنان از تعالیم حضرت مسیح درباره پوشش و حجاب شده است. این پرسش زمینه درک این حقیقت را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند که جوامع غربی از تعالیم حضرت مسیح فاصله گرفته‌اند.

۷- پیشنهاد

در قسمت پیشنهاد، درخواست شده است که دانش‌آموزان درباره سه موضوع، تحقیق و بررسی کنند:

- اول، رابطه سلامت اخلاقی جامعه با رفتار پسران و مردان.
- دوم، رابطه حفظ حرمت دختران و زنان با وضع پوشش آنان.

سوم، آثار پوشش زن در میان جامعه

درباره قسمت سوم، استاد شهید مطهری در کتاب مسئله حجاب، این آثار و ثمرات را برای حجاب توضیح داده است که ما به طور خلاصه در اینجا می‌آوریم.^۱

الف) برای زن :

- بیشتر شدن آرامش روانی، به علت کم شدن نگاه‌ها به سمت او
- افزایش احترام زن به دلیل وقار و سنگینی وی
- کم شدن مزاحمت افراد فاسد و نگاه‌های تعرض‌آمیز به زن
- افزایش موقعیت ازدواج برای دختران باوقار به علت اطلاع یافتن پسران از عفاف آنها.

ب) برای مرد :

- کم شدن التهاب و هیجانات جنسی و عطش روحی
- مهار بیشتر مرد بر قوه خیال خود، به دلیل مواجه نشدن با صحنه‌های شهوت‌انگیز
- بازده بیشتر مرد در کار، تحصیل، پژوهش و... به علت آرامش روانی بیشتر.

ج) برای خانواده :

- اختصاص یافتن التذاذ جنسی به ازدواج
- استحکام پیوند بین زن و شوهر به علت افزایش احساس کامیابی از یکدیگر در محیط خانه
- افزایش احساس محبت میان اعضای خانواده، به‌ویژه فرزندان
- کاهش طلاق در خانواده.

د) برای جامعه :

- بیشتر شدن آرامش روانی جامعه
- افزایش فعالیت مثبت اجتماعی و نیروی کار و فعالیت در جامعه
- پایداری و ثبات اجتماعی.

تذکر : برهنگی غربی، نه‌تنها مورد انتقاد مسلمانان و دینداران جهان است، بلکه حتی افراد متفکر جامعه غرب که بعضاً توجه چندانی به دین ندارند، نیز با این وضعیت غرب مخالف‌اند. ممکن است برخی بگویند که ما هم با آن افراط‌گری غربی مخالفیم، اما این سخت‌گیری‌های دینی - مانند حجاب - را هم نمی‌پسندیم. جواب این است که اگر حدی که دین قرار داده است، از دست برود و التزام دینی در کار نباشد، رشته کار گسسته می‌شود و هیچ مرز توقف و خط قرمزی در این زمینه وجود نخواهد داشت.

(د) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

۱- دربارهٔ رابطهٔ دختر و پسر :

ممکن است دانش‌آموزی سؤال کند : «چرا دوستی دختر و پسر اشکال دارد؟ اگر هر دو بتوانند حد را نگه دارند، چه اشکالی دارد که با هم معاشرت کنند و با یکدیگر دوست باشند؟» در اینجا چند نکته را باید برای آنان توضیح داد :

■ مفهوم دوستی با مفهوم معاشرت معمولی، متفاوت است؛ ممکن است دختر و پسر به دلیل نسبت خویشاوندی، حضور در کلاس دانشگاه، همسایه بودن، اشتراک در محیط کار، معاشرتی معمولی داشته باشند؛ مثلاً با یکدیگر احوالپرسی کنند؛ مسائل درسی را از یکدیگر پرسند، کتابی به یکدیگر امانت دهند و این گونه معاشرت‌ها که با عفاف و حجاب انجام می‌گیرد، مانعی ندارد. اگر به این گونه معاشرت‌ها دوستی هم گفته شود، این دوستی اشکالی ندارد، اما اگر مقصود از دوستی، همان مفهومی باشد که اکنون با عنوان دوست‌پسر و دوست‌دختر از آن یاد می‌شود و با معاشرت خصوصی همراه است، به گونه‌ای که مثلاً با هم به گردش یا سینما بروند، اشکال دارد.

در این مورد، از آنان باید پرسید که حد این دوستی تا کجاست. آیا صرفاً با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند؟ باهم دست می‌دهند؟ همدیگر را می‌بوسند؟ آمار نشان داده است که این نوع دوستی‌ها حد نمی‌شناسد و بیشتر آنها به مرحلهٔ حرام کشیده می‌شود؛ ابتدا دست دادن، سپس برداشتن حجاب، و بالاخره حرام‌های بزرگ‌تر؛ بنابراین، آیا بهتر نیست که رابطه از اول محدود شود؟ هیچ دختر و پسر نمی‌تواند به خود مطمئن باشد و بگوید من دوستی می‌کنم، ولی به حرام کشیده نمی‌شوم؛ همین جمله، فریب شیطان و نفس امارهٔ اوست.

■ پدر و مادر و اولیای دختران، نگرانی بیشتری دارند؛ زیرا در این میان ضرری که متوجه دختران می‌شود، بسیار سنگین است. عاملی که پسران را به دوستی با دختران می‌کشاند، همیشه تحریک جنسی است؛ آنها قدم به قدم پیش می‌روند و ماهرانه قدم برمی‌دارند تا به لذت خود برسند. در این میان هم دوست‌پسر صادق و کاذب، معنا ندارد؛ چون محرک جنسی امری درونی است و همان است که کار را پیش می‌برد.

■ معلمان محترم باید دو موضوع را به دختران هشدار دهند : نخست اینکه از این رابطه ضرری متوجه آنان می‌شود که قابل جبران نیست؛ دوم، عذاب بزرگی در جهان آخرت در انتظار آنان است. به پسران نیز باید دو هشدار داده شود : اول اینکه اگر به دختری تعرض جنسی کند، حتماً لطمهٔ آن به خود و خانوادهٔ خودش برمی‌گردد. آیا چنین پسرانی رضایت دارند که دیگری با خانوادهٔ آنها این گونه رفتار کند؟ دوم، عذاب بزرگ اخروی عمل بسیار سنگین‌تر از عذاب جنس مقابل است.

■ حتماً به دختران این نکته گوشزد شود که پسران رابطه دوستی را جایگزین ازدواج می‌دانند یعنی

می‌گویند حال که امکان ازدواج نیست به جایش نیازهای جنسی را از طریق دوستی برطرف می‌کنم اما دختران برخلاف پسران، دوستی را مقدمه ازدواج می‌دانند و برای همین به آن تن می‌دهند اما غافل از آنکه پسران چنین نگاهی به دوستی ندارند.

۲- آثار مثبت حجاب :

- ۱ حفظ کیان و شخصیت والای زن
- ۲ مانع چشم‌چرانی مردان هوسباز
- ۳ دلگرمی زن و شوهر در زندگی (استحکام بنیاد خانواده)
- ۴ کاهش آمار طلاق و نزاع‌های خانوادگی
- ۵ پیشگیری از خودکشی و قتل و فرار از خانه در اثر آبروریزی
- ۶ افزایش ازدواج و کاهش تجملات و صرفه‌جویی در وقت و هزینه
- ۷ پیشگیری از سقط جنین و جلوگیری از تولد فرزندان نامشروع
- ۸ جلوگیری از امراض روانی و مقاربتی که امروزه بسیاری از مردم امریکا و اروپا گرفتار آن‌اند.
- ۹ امنیت و آرامش برای خانواده‌ها و کاهش انواع فساد
- ۱۰ ابراز صداقت در دوستی با خداوند و جلوگیری از عذاب‌های دنیا و آخرت
- ۱۱ احترام به قانون و رعایت آن
- ۱۲ شکر نعمت سلامتی و زیبایی (گناه نکردن با نعمت‌ها)

۳- حجاب زنان ایران باستان :

الف) پوشش زنان اشکانی : در کتاب پوشاک باستانی ایرانیان آمده است : «تاریخ‌نویسان درباره پوشاک آن زمان اکثراً سکوت گذارده‌اند؛ با این وصف، از روی نقوشی که از آن زمان مانده، به زنانی بومی برخورد کردیم که پوشش جالبی دارند. پیراهن آنان پوشش ساده، بلند یا دارای راسته‌چین و آستین کوتاه است. در پایین دامن (از زانو به پایین) شرابه‌هایی (منگوله) تا به مچ پا آویزان است». در ادامه آمده است : «به زنانی از این دوره برمی‌خوریم که از پهلو بر اسب سوارند. اینان چادری مستطیل بر روی همه لباس خود افکنده‌اند و در زیر آن یک پیراهن دامن‌بلند و زیر این نیز، یک پیراهن دیگر بلندتر تا به مچ پا، نمایان است.» «لباس زنان اشکانی، پیراهنی بلند تا به روی زمین گشاده، پرچین، آستین‌دار و یقه‌راست بوده است و پیراهن دیگری داشته‌اند که روی اولی می‌پوشیدند. اندازه این، یک نسبت به اولی کوتاه و ضمناً یقه‌باز بوده است. روی این دو پیراهن نیز چادری سر می‌کردند».

ب) پوشش زنان ساسانی: «در مقایسه چندین نقش سنگی آناهیتا و نقوش دیگر با هم، به نظر می‌رسد که بانوان ساسانی، پیراهن بلند بسیار پرچین و گشاد می‌پوشیدند و آن را با نواری در زیر سینه (مانند بانوان اشکانی) جمع کرده، می‌بستند... گاهی چادری گشاد و پرچین سر می‌کردند که تا به وسط ساق پا می‌رسیده است. نقوشی که از بانوان ساسانی در بشقاب‌های نقره‌ای مانده، حکایت می‌کند که هر یک از بانوان، چادری به خود پیچیده دارند».

ج) پوشش زنان در شاهنامه فردوسی: در قسمت‌های مختلف شاهنامه، وقتی سخن از زنان نیکوی ایران باستان و حجاب آنان به میان آمده است، از اخلاق خوب، پاکدامنی، شوهرداری و حجاب آنها تجلیل شده است.

جهان‌گشته و کار دیده سران
به هر کار، پشت دلیران بدم
ز من دور بُد کژی و کاستی
که باشند زیبای گاه مهی
که جفتش بدو خانه آراسته است
ز شوی خجسته بیفزاید او
به پوشیدگی نیز مویش بود
به پوشیدگی در جهان، نو بدم
که او را ندیدی کس اندر جهان

چنین گفت شیرین که ای مهتران
بسی سال، بانوی ایران بدم
نجستم همیشه جز از راستی
سه چیز باشد زنان را بهی
یکی آنک با شرم و با خواسته است
دگر آنک فرخ‌پسر زاید او
سه دیگر که بالا و رویش بود
بدان گه که من جفت خسرو بدم
مرا از هنر، موی بُد در نهان

سخن ته‌مینه همسر رستم:

چو من زیر چرخ کبود اندکی است
نه هرگز کس آوا شنیدی مرا

به گیتی ز خوبان مرا جفت نیست
کس از پرده بیرون ندیدی مرا

سخن منیژه:

برهنه ندیده رخم آفتاب

منیژه منم، دخت افراسیاب

(شاهنامه، چاپ مسکو)

۴- دیدگاه برخی نویسندگان درباره تغییر فرهنگ و حجاب:

الف) فرانتس فانون، جامعه‌شناس مشهور فرانسوی: او در کتاب «انقلاب الجزایر یا بررسی جامعه‌شناسی یک انقلاب» به بررسی نقش حجاب زنان الجزایری در مقابل استعمار فرانسه پرداخته و درباره سیاست‌های سرسختانه استعمار در مبارزه با حجاب زنان الجزایر، بحث کرده است. وی در این کتاب می‌نویسد که

سیاستمداران استعمار به این نتیجه رسیده بودند: «هر چادری که دور انداخته می‌شود، افق جدیدی را که برای استعمار ممنوع بوده، در برابر او می‌گشاید و پس از دیدن هر چهره بی‌حجابی، امیدهای حمله‌ور شدن استعمار ده‌برابر می‌شود».

ب) میشل هولباک، نویسنده فرانسوی: «جنگ بر ضد اسلام‌گرایی با کشتن مسلمانان فایده‌ای ندارد؛ فقط با فاسد کردن آنها می‌توان به این پیروزی دست یافت؛ پس باید به جای بمب بر سر مسلمانان، دامن‌های کوتاه فرو ریزیم».

۵- مردان و تقوای چشم :

در کتاب کیمیای محبت، توصیه‌ای زیبا از شیخ رجبعلی خیاط (عارفی وارسته) آمده است. ایشان می‌فرمایند: «چشمت به نامحرم می‌افتد، فوراً چشمت را ببند و سرت را پایین بینداز و بگو: خدایا من تو را می‌خواهم، اینها چیست؟ هرچه که نباید، دل بستگی نشاید...».

۶- کنترل نگاه از گناه (چگونه می‌شود چشم را کنترل کرد؟) :

۱- خداپاوری : اعتقاد به خدا و اینکه انسان در محضر خداست و او ناظر بر تمام احوال آدمی است، به انسان کمک می‌کند تا نگاه خود را مهار کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: فرو بستن چشم از گناه، میسر نیست؛ مگر اینکه انسان عظمت و جلال پروردگار را در قلبش مشاهده کرده باشد. از امام علی علیه السلام سؤال شد که توانایی بر مهار چشم، چگونه حاصل می‌شود؟ امام فرمود: «اینکه خود را تحت قلمرو سلطان آگاه از همه مسائل بدانی و تسلیم او باشی.»

۲- توجه به آثار فرو بستن چشم : اگر انسان بداند مهار نگاه چه آثار و برکاتی دارد، به ادامه انجام آن، ترغیب می‌گردد.

چهار اثر و برکت مهم :

الف) کسی که چشمش را فرو بندد، دلش را آرام کرده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که چشم فرو بندد، دلش را صفا داده است.»^۱

ب) کشف حقایق : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چشم‌تان را فرو بندید تا عجایبی را ببینید.»^۲
ج) شیرینی عبادت : رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مسلمان چشم خود را از زن نامحرم نمی‌بندد، مگر آنکه خداوند شیرینی عبادتش را در دل او ایجاد می‌کند.»^۳

۱- میزان الحکمة، ج ۴، ص ۳۲۸۹.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۴۱.

۳- میزان الحکمة، ج ۴، ص ۳۲۹۲.

د) گرفتار عذاب الهی نشدن: رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که چشمش را از حرام پر کند، خداوند روز قیامت چشمش را از آتش پر خواهد کرد، مگر آنکه توبه کند و برگردد.»^۱

۳- پرهیز از عوامل تحریک‌زا: تخیلات تحریک‌کننده، رفت و آمد در جاهایی که نامحرم حضور دارد، گفت‌وگو با نامحرم، دیدن فیلم‌ها و عکس‌های مبتذل، زمینه را برای چشم‌چرانی فراهم می‌کند.

۴- دقت در دوست‌یابی: امام علی علیه السلام می‌فرماید: «از معاشرت با مردم فاسد بپرهیز که طبیعت تو، ناخودآگاه ناپاکی را از طبع آنها سرقت می‌کند.»^۲

۵- ازدواج: یکی از راه‌های مؤثر در مهار نگاه و ارضای صحیح غریزه جنسی ازدواج است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ای گروه جوانان! هریک از شما که قدرت ازدواج دارد، حتماً اقدام کند؛ زیرا این بهترین وسیله است که چشم را از نگاه‌های آلوده و عورت را از بی‌عفتی محافظت می‌کند.»^۳

امام علی علیه السلام فرمود: «قلب، کتاب چشم است»^۴
(آنچه چشم بنگرد، در قلب نشیند)

هـ) منابع

۱ زن در آینه جلال و جمال، آیت‌الله جوادی‌آملی، نشر اسراء

۲ حجاب‌شناسی: چالش‌ها و کاوش‌های جدید، حسین مهدی‌زاده، انتشارات مرکز مدیریت حوزه

علمیه قم

۳ مسئله حجاب، استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا

۴ دختران، پندها و هشدارها، محمود اکبری، انتشارات گلستان ادب

۵ آسیب‌شناسی شخصیت زن، محمدرضا کوهی، انتشارات پارسایان

۶ حجاب در فرهنگ اسلامی، سیدحمید میرخندان، نشر نهاد ریاست جمهوری

۷ نظام اسلامی و مسئله حجاب (مجموعه مقالات و گفت‌وگوها)، سیدجعفر حق‌شناس، نشر دفتر

مطالعات و تحقیقات زنان

۸ نگرشی دیگر به حجاب، عبدالحمید واسطی، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی

۹ حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، فتحیه فتاحی‌زاده، بوستان کتاب قم

۱- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۳۴.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۲۷۲.

۳- مکارم‌الاخلاق، طبرسی، ص ۱۰.

۴- نهج البلاغه، حکمت ۴۰۹.

